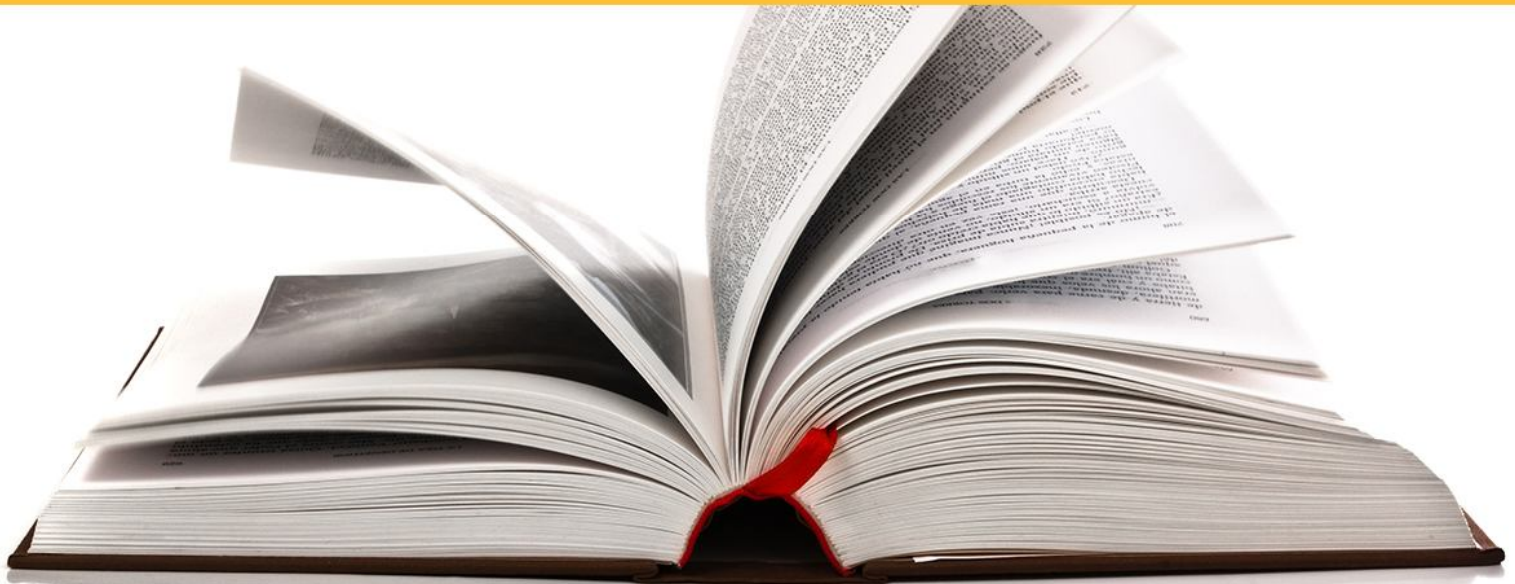




زبان عمومی کارشناسی ارشد

مستر تست، وبسایت تخصصی آزمون کارشناسی ارشد



MasterTest.ir

کتاب «زبان عمومی آزمون کارشناسی ارشد» که با هدف ایجاد آمادگی در داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد سراسری تدوین و نگارش یافته است، هر ساله از سوی همکاران وبسایت مستر تست مورد بازبینی و تصحیح قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود تا با توجه به نظرات خوانندگان عزیز، مباحث مورد نیاز به کتاب افزوده شده و نحوه نگارش مطالب نیز مورد بازبینی قرار گیرد. نسخه حاضر شامل دو بخش مجزا است:

در بخش نخست که به مباحث گرامری اختصاص یافته، تلاش شده است تا تمام مباحث مهم گرامری مورد نیاز داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد پوشش داده شود و با ارائه مثال‌های کاربردی و مفید، موضوعات مختلف تشریح گردد.

بخش دوم کتاب به آموزش شیوه‌های پاسخ‌گویی به سؤالات درک مطلب پرداخته است. از جمله ویژگی‌های ممتاز کتاب، ارائه 20 نمونه متن درک مطلب با پاسخ‌های تشریحی است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کسب آمادگی داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد داشته باشد. تلاش زیادی شده است تا با دقت فراوان و مشاوره با اهل فن، متونی انتخاب گردد که هم سطح سؤالات آزمون باشند.

امیدواریم توانسته باشیم منبعی جامع و کامل برای آزمون زبان کارشناسی ارشد و دیگر آزمون‌های زبان کشور تقدیم شما عزیزان نماییم.

معتقدیم این کتاب با بهره‌گیری از نظرات گران قدر شما خوانندگان عزیز به ثمر رسیده است و با استمرار این نظرات بالنده‌تر خواهد شد. به خوانندگان عزیز توصیه می‌کنیم با عضویت در «خبرنامه کارشناسی ارشد» از انتشار نسخه‌های بعدی این کتاب و نیز کتاب‌های دیگر وبسایت مستر تست مطلع گردند.

در پایان ضمن تشکر از کلیه دوستان عزیزی که یار و همراه ما در نگارش و تدوین کتاب بودند، سپاس ویژه خود را تقدیم می‌کنیم به آقایان و خانم‌ها راهگان، بشیری، محمدی، کردلو، شاکری و زمانی و برایشان آرزوی توفیق و سربلندی داریم. از کلیه خوانندگان عزیز خواهشمندیم در صورت رضایت از مطالب کتاب با ارسال آن به دوستان خود و یا قرار دادن لینک صفحه دائلود در وبلاگ‌ها، امکان استفاده افراد دیگر را نیز فراهم نموده و ما را در اطلاع‌رسانی بهتر یاری رسانند. پیشاپیش از همکاری شما سپاس‌گزاریم.



فهرست

صفحه

عنوان

1	بخش نخست: نکات مهم گرامری
8	1- زمان حال
9	حال ساده
10	حال استمراری
11	حال کامل
11	➤ حال کامل ساده (ماضی نقلی)
13	➤ حال کامل استمراری
14	➤ مقایسه حال کامل ساده و استمراری
15	2- زمان گذشته
15	گذشته ساده
15	گذشته استمراری
16	گذشته کامل (بعید)
16	➤ گذشته کامل ساده
17	➤ گذشته کامل استمراری
18	3- زمان آینده
18	استفاده از زمان حال با معنای آینده
18	آینده ساده
19	آینده نزدیک
20	آینده استمراری
21	آینده کامل ساده
21	آینده کامل استمراری
21	آینده در گذشته
22	جمع‌بندی زمان افعال
24	4- افعال حالت (STATE VERBS)
26	5- جملات مجهول
28	جمع‌بندی افعال مجهول
29	6- عادت داشتن
29	used to
29	be used to
29	get used to
30	7- احتمال و اطمینان

- 8- توانایی..... 32
- can..... 32
- could..... 32
- could have done..... 33
- 9- اجبار..... 34
- have to و must..... 34
- should..... 35
- need..... 36
- 10- جملات آرزویی..... 37
- 11- جملات سؤالی..... 38
- 12- نقل قول مستقیم و غیرمستقیم..... 40
- 13- جملات شرطی..... 42
- شرطی نوع اول..... 42
- شرطی نوع دوم (حال غیر واقعی)..... 42
- شرطی نوع سوم (گذشته غیر واقعی)..... 43
- شرطی آمیخته..... 44
- 14- جملات سببی..... 45
- جملات سببی مجهول..... 45
- جملات سببی معلوم..... 45
- 15- ضمائر..... 46
- ضمائر ملکی..... 46
- ضمائر انعکاسی..... 46
- ضمائر موصولی..... 47
- ضمائر موصولی در یک نگاه..... 48
- 16- تطابق فعل و فاعل..... 49
- 17- تطابق اسم و ضمیر..... 50
- 18- اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش..... 51
- 19- شناسه‌های قبل از اسم، صفت یا قید..... 52
- any و some..... 52
- a lot of, lots of, plenty , many, much..... 53
- a little, a few..... 53
- enough..... 54
- too..... 54
- all..... 55

56.....	whole
56.....	most
56.....	half
56.....	no
57.....	none
57.....	both
57.....	either, neither
58.....	each
59.....	every
60.....	other, another, each other, one
61.....	so
61.....	such
62.....	جمع‌بندی شناسه‌های قبل از اسم، صفت یا قید
65.....	EXERCISES ➤
67.....	20- افعالی که TO یا ING می‌گیرند
68.....	EXERCISES ➤
69.....	21- صفت
69.....	صفت‌های فاعلی و مفعولی
69.....	صفت‌های عالی و تفضیلی
70.....	صفت‌های تفضیلی مضاعف
71.....	22- قید
72.....	23- ساختارهای موازی
74.....	EXERCISES ➤
75.....	24- قیود همسان‌کننده
76.....	25- اسم‌های غیرقابل شمارش با عبارات توصیفی
78.....	EXERCISES ➤
80.....	26- جمله‌واره‌ها
83.....	خلاصه کردن جمله‌واره‌ها
85.....	27- ساختارهای بدون فاعل
86.....	28- جابه‌جایی فعل و فاعل
88.....	29- حروف تعریف
89.....	30- حروف اضافه
90.....	31- تفاوت‌ها
90.....	تفاوت بین do و make

91	تفاوت بین like, alike, unlike و dislike
91	تفاوت بین other, another و others
91	تفاوت بین would rather و had better
93	EXERCISES ➤
95	32- حشو (REDUNDANCY)
96	EXERCISES ➤
97	بخش دوم: نحوه پاسخ‌گویی به سؤالات درک مطلب
98	سؤالات درک مطلب
99	➤ سؤالات چهارگزینه‌ای
101	➤ سؤالات چند گزینه‌ای
101	➤ سؤالات کوتاه پاسخ
101	➤ سؤالات کامل کردنی
101	➤ سؤالات جورکردنی
102	➤ سؤالات درست/غلط/داده نشده
102	انواع پاراگراف
103	چگونه معنای یک کلمه را حدس بزنیم؟
105	نمونه درک مطلب
149	پاسخ تشریحی درک مطلب
213	منابع

بخش نخست:

نکات مهم گرامری

دانلود دفترچه‌های سؤال آزمون کارشناسی ارشد



MasterTest.ir

1- زمان حال

حال ساده

فعل زمان حال ساده با استفاده از مصدر بدون to ساخته می‌شود و در حالت سوم شخص مفرد معمولاً به S ختم می‌شود. در صورتی که فعل به یکی از حروف s, o, x, z یا sh یا ch ختم شده باشد، از es استفاده می‌شود.

+	verb + s/es	He plays tennis.
-	do/does not + verb	She doesn't play tennis
?	Do/Does + ... + verb	Do you play tennis?

- قیدهایی که بیشتر در زمان حال ساده مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارتند از:

always, generally, normally, usually, often, sometimes, rarely, never, traditionally, every day, every week, two times a month, ...

از زمان حال ساده در موارد ذیل استفاده می‌شود:

- صحبت از کارهایی که محدود به زمان خاصی نیستند و همیشه و مستمر انجام می‌شوند.

My parents live in Canada.

I don't like your house.

- برای بیان حقایق و واقعیت‌های علمی.

If you heat water to 100 °C, it boils.

- صحبت از فعالیت‌های روزانه، عادات و کارهایی که تکرار می‌شوند.

I get up really early and practice for an hour most days.

Paula doesn't usually have breakfast.

We play tennis twice a week.

- صحبت درباره زمان‌بندی حرکت وسایل نقلیه.

What time does the next bus leave?

The next bus leaves at 8.

- برای آدرس دادن و بیان دستورالعمل چیزی.

You go down to the traffic lights, then you turn left.

To start the programme, first you click on the icon on the desktop.

- برای داستان گفتن و صحبت در مورد فیلم و کتاب.

In the film, she is fond of the Prime Minister.

- بعد از I hope معمولاً زمان حال به کار می‌بریم:

I hope carol calls tonight.

حال استمراری

+	am/is/are + verb (ing)	He's watching TV.
-	am/is/are not + verb (ing)	I'm not watching TV.
?	Am/Is/Are + ... + verb (ing)	Are they watching TV?

- قیدهایی که بیشتر در زمان حال استمراری استفاده می‌شود، عبارتند از:

at the moment, currently, now, this week/month/year, ...

از زمان حال استمراری در مواردی که در ادامه مطرح می‌گردد، استفاده می‌شود:

- بیان عملی که در همین لحظه در حال انجام آن هستیم و هنوز تمام نشده است. (now)

I'm waiting for my friend now. (now)

I'm baking a cake. (now)

- بیان عملی که موقتاً در حال انجام آن هستیم و همیشگی نیستند، مثل اعمالی که امروز، در این هفته یا در این فصل انجام می‌دهیم ولی لزوماً در لحظه صحبت مشغول به آن کار نیستیم. (around now)

I'm studying really hard for my exams. (around now)

He is living in Tehran at the moment. (around now)

(به طور کلی در تهران زندگی نمی‌کند و فقط در حال حاضر آنجا زندگی می‌کند.)

- بیان تغییر و تحولاتی که در جریان هستند.

The population in the world is rising very fast.

The Internet is making it easier for people to stay in touch with each other.

My English is getting better day by day.

- صحبت از قرارهای قطعی در آینده نزدیک.

What are you doing on Sunday?

I'm going to the movies with Sara.

- برای بیان اتفاقاتی که بیش از حد انتظار رخ می‌دهد. باید توجه داشت که این شکل استفاده از حال استمراری اغلب برای نشان دادن حسادت یا شکایت و انتقاد کردن به کار می‌رود و معمولاً با کلمات always, constantly, continually, forever همراه می‌شود.

My mum's always saying I don't help enough! شکایت

He's always visiting exciting places! حسادت

حال کامل

➤ حال کامل ساده (ماضی نقلی)

+	have/has + past participle	She's written a book.
-	have/has not + past participle	I haven't written a book.
?	Have/Has + ... + past participle?	Have you written a book?

از زمان حال کامل ساده (ماضی نقلی) در موارد زیر استفاده می‌شود:

- صحبت در مورد عمل یا حالتی که از گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته است که معمولاً با *since* و *for* می‌آید.

I've worked really hard for the last two weeks. دو هفته گذشته تا الان سخت کار کرده‌ام.

نکته 1: برای سؤال پرسیدن در زمان حال کامل از *how long* استفاده می‌شود.

How long have you lived here?

نکته 2: *for* طول زمان و *since* مبداء زمان را نشان می‌دهد، مانند:

for two hours, for three days, for five months, ...

since 2006, since Sunday, since ten o'clock, since I was four, ...

I have been in this hotel for the last week.

I have been in this hotel since last week.

نکته 3: اگر بعد از *since* یک عبارت قرار بگیرد، فعل آن گذشته ساده است.

I have made a lot of progress since I joined your class.

نکته 4: *for* را در جملات می‌توان حذف کرد (البته نه در جملات منفی).

They've been married (for) ten years. (with or without for)

They haven't had a vacation for ten years. (for ضروری)

نکته 5: *for* با *all* به کار نمی‌رود:

I've lived here all my life. (not I've lived here for all my life)

نکته 6: جملات منفی همراه با *for* را می‌توان به جملات مثبت همراه با *since* تبدیل نمود. در این صورت فعل بعد از *since*

به صورت گذشته ساده است.

She hasn't called me for a week = It's a week since she called me.

نکته 7: *since* و *ago* با هم به کار نمی‌روند.

- صحبت در مورد اتفاقاتی که در زمان گذشته رخ داده اما در مورد زمان دقیق وقوع آن صحبت نمی‌کنیم، بلکه آنچه که

مدنظر ماست و برای ما اهمیت دارد، اثر و نتیجه آنها در زمان حال است.

I've read all the books on the reading list.

(تمام کتاب‌های موجود در لیست را خوانده‌ام و الان چکیده‌ای از خواننده‌هایم دارم.)

Someone has broken the window.

(یک نفر پنجره را شکسته است.)

- صحبت درباره عملی که در گذشته اتفاق افتاده و تمام شده است و اثر آن به صورت تجربه باقی است، اما بیان نمی‌کنیم که دقیقاً چه وقتی رخ داده است. در این موارد اغلب از ever و never و before و up to now و... استفاده می‌شود.

A: Have you ever been to Italy?

B: Yes, I've visited Italy once.

نکته 1: اگر بیان کنیم که اتفاق/عملی چه موقع رخ داده است، باید فعل را به صورت گذشته ساده به کار ببریم.

I wasted a lot of time last week. (not I have wasted a lot of time last week.)

نکته 2: در مورد اعمال یا وقایعی که با زمان حال هیچ ارتباطی ندارند (مثلاً رویدادهایی که در گذشته‌های دور اتفاق افتاده‌اند) از حال کامل استفاده نمی‌کنیم:

The Chinese invented printing. (not have invented)

- اگر بخواهیم راجع به کسی یا چیزی خبری بدهیم.

Sara has had a baby.

- اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که چند لحظه قبل انجام شده است، از حال کامل ساده به همراه just به معنی «چند لحظه قبل - تازه» استفاده می‌کنیم.

I've just got up.

- از just (چند لحظه پیش، تازه)، already (قبلاً، پیش از این) و yet (هنوز، تا حالا) در جملات حال کامل یا گذشته ساده استفاده می‌کنیم. از yet در جملات منفی و سؤالی استفاده می‌کنیم و معمولاً در انتهای جمله می‌آید. در حالی که already عمدتاً در وسط جمله و در جملات مثبت استفاده می‌شود.

A: Are Diane and Paul here?

B: Yes, they've just arrived./Yes, they just arrived.

It's only nine o'clock, and Ann has already gone to bed./Anne already went to bed.

Joy bought a new dress, but she hasn't worn it yet./but she didn't wear it yet.

Have Diane and Paul arrived yet?/Did Diane and Paul arrive yet?

- اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که زودتر از زمان مورد انتظار انجام شده است، از حال کامل ساده به همراه already به معنی «از قبل، قبلاً، همین حالا هم» استفاده می‌کنیم.

A: Don't forget to send that email.

B: I've already sent it.

- اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که هرگز انجام نداده‌ایم و یا مدتی است که انجام نداده‌ایم، از حال کامل ساده استفاده می‌کنیم.

I have never smoked.

I haven't gone swimming for 10 years.

- اگر بخواهیم بگوییم، این اولین باری است (یا چندمین بار) که کاری را انجام می‌دهیم، از حال کامل ساده استفاده می‌کنیم.

This is the first (second) time I've lost my keys.

- بعد از صفات عالی از حال کامل ساده استفاده می‌شود.

This is the most boring movie I've ever seen.

- صحبت در مورد یک دوره زمانی که تمام نشده است: مثل امروز، این هفته و ...

I've written a rough plan this morning.

- معمولاً بعد از عباراتی که در ذیل مطرح شده است، حال کامل ساده استفاده می‌شود:

It/this/that is the first/second/the best/the only/the worst/...

This is the only road I've ever known.

نکته: در جملات سؤالی معمولاً از ever/never استفاده می‌شود.

A: Have you ever played golf?

B: Yes, I play golf a lot.

➤ حال کامل استمراری

+	have/has + been + verb (ing)	I've been studying really hard.
-	have/has not + been + verb (ing)	He hasn't been studying really hard.
?	Have/Has + ... + been + verb (ing)	Have you been studying really hard?

از زمان حال کامل استمراری در موارد زیر استفاده می‌شود:

- برای بیان عملی که در گذشته شروع شده، تا حال ادامه داشته و اخیراً یا لحظاتی پیش به پایان رسیده است.

Where have you been? I've been looking for you for half an hour.

- برای اعمالی که در گذشته شروع شده‌اند و اکنون (در لحظه صحبت) نیز ادامه دارند.

It has been raining for 2 hours. (و هنوز هم باران می‌بارد.)

How long have you been learning English? (و هنوز هم در حال آموختن آن هستید.)

➤ مقایسه حال کامل ساده و استمراری

- برای صحبت درباره اعمال و حالاتی که به مدت طولانی ادامه داشته‌اند، معمولاً از شکل ساده استفاده می‌شود. به خصوص با کلمه **always** از حال کامل ساده استفاده می‌کنیم و شکل استمراری آن را برای اعمالی به کار می‌بریم که کمتر طول کشیده و موقتی هستند.

I have always worked hard.

John has always lived in Denver.

I have been working for this company for 3 months.

I've been studying English for six months.

- اگر تأکید گوینده بر عملی باشد که انجام شده، یعنی آن عمل چه بوده و یا چه مدت طول کشیده است، شکل استمراری به کار می‌رود. اما اگر تأکید بر نتیجه عمل باشد که چه تعداد یا چه مقدار کار انجام شده است، از شکل ساده استفاده می‌شود.

I have been writing letters since morning. (تأکید بر عمل نامه نوشتن)

I have written three letters since morning. (تأکید بر تعداد نامه‌ها)

How long have you been reading that book? (تأکید بر عمل خواندن)

How many pages of that book have you read? (تأکید بر تعداد صفحه‌ها)

2- زمان گذشته

گذشته ساده

+	verb + ed (به جز افعال بی‌قاعده)	He called me yesterday.
-	did not + verb	I didn't call her yesterday.
?	Did + ... + verb	Did she call you yesterday?

از زمان گذشته ساده در این موارد استفاده می‌شود:

- برای صحبت درباره عملی است که در گذشته انجام شده و تمام شده است.

I went to Italy last summer.

- در موقع سؤال کردن با When...? یا What time...? از گذشته ساده استفاده می‌شود:

What time (When) did you finish your work yesterday?

- when در جملات گذشته ساده و how long در جملات حال کامل استمراری می‌آیند:

When did it start raining?

How long has it been raining?

How long has it been since you last saw Joe?

- کاربرد ago در جملات گذشته:

Sara started her new Job three weeks ago.

I had dinner an hour ago.

گذشته استمراری

+	was/were + verb (ing)	He was watching TV.
-	was/were not + verb (ing)	I wasn't watching TV.
?	Was/Were + ... + (ing)	Were they watching TV?

از زمان گذشته استمراری در این موارد استفاده می‌شود:

- برای بیان عملی که در گذشته انجام شده و مدتی طول کشیده است.

All yesterday, I was working on my car.

- برای نشان دادن این‌که عملی در حال انجام بوده است و مشخص نیست که تمام شده است یا نه.

Sara was cooking dinner. (تمام شدن عمل مشخص نیست.)

Sara cooked dinner. (عمل پختن تمام شده است.)

- هر گاه بخواهیم بگوییم کاری در حین وقوع کار دیگر صورت گرفته است، از گذشته استمراری و گذشته ساده استفاده می‌کنیم (کلماتی که معمولاً در این مورد استفاده می‌شود، عبارتند از: when, while, as, ...).

Matt **burned** his hand while he **was cooking** dinner.

I **saw** you in the park yesterday. You **were sitting** on the grass.

When Beth **arrived**, we **were having** dinner.

نکته 1: وقتی بخواهیم بگوییم عملی بعد از عمل دیگر انجام گرفته از گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

When Beth **arrived**, we **had** dinner.

نکته 2: افعال حالت گذشته استمراری ندارند.

نکته 3: برای اینکه بگوییم در زمان گذشته قصد انجام کاری را داشته‌ایم از ساختار was/were + going to استفاده می‌کنیم:

We were going to travel by train, but then we decided to drive instead.

نکته 4: از was/were + going to همچنین برای بیان واقعه‌ای که می‌خواسته رخ دهد، اما اتفاق نیفتاده است، استفاده می‌کنیم:

I thought it was going to rain, but then the sun came out.

گذشته کامل (بعید)

➤ گذشته کامل ساده

+	had + past participle	They had listened to his music.
-	had not + past participle	They hadn't listened to his music.
?	Had + ... + past participle	Had they listened to his music?

از زمان گذشته کامل ساده (ماضی بعید) در مواردی که در ادامه می‌آید، استفاده می‌شود:

- زمانی که راجع به اتفاقی در گذشته صحبت می‌کنیم و بخواهیم به گذشته دورتری اشاره کنیم. در این صورت عملی را که در گذشته دورتر انجام شده به شکل گذشته بعید و عملی را که بعداً انجام شده است، به شکل گذشته ساده می‌آوریم. این دو عبارت اغلب با کلمات ربطی مانند when, after, before, as soon as می‌آیند.

The robber had escaped before the police got to the bank.

When Sarah got to the party, Eric had already gone home.

(وقتی سارا به مهمانی رسید، اریک رفته بود. یعنی اول اریک به خانه رفته و بعد سارا به مهمانی رسیده است.)

After I had washed my car, I went to fill up.

The boy sneaked out of the classroom as soon as the teachers had left.

نکته: اگر دو عمل همزمان یا به فاصله کم انجام شده باشند، از گذشته بعید استفاده نمی‌کنیم. بلکه از گذشته ساده یا استمراری استفاده می‌شود.

When Sara got to the party, Eric went home. وقتی سارا به مهمانی رسید، اریک به خانه رفت.

When I got to my office, my boss was waiting for me.

➤ گذشته کامل استمراری

+	had + been + verb (ing)	She'd been studying for ages.
-	had not + verb (ing)	He hadn't been studying for long.
?	Had + ... + been + verb (ing)	Had you been studying for long?

از زمان گذشته کامل استمراری در مواردی که در ادامه می‌آید، استفاده می‌شود:

- از گذشته کامل استمراری برای بیان عملی استفاده می‌کنیم که در گذشته و قبل از وقوع فعلی دیگر، برای مدت زمانی در حال رخ دادن بوده است:

We'd been playing tennis for about half an hour when it started to rain heavily.

نکته: مانند آنچه در زمان حال کامل گفته شد، گذشته کامل استمراری نیز بر طول زمان تأکید دارد و گذشته کامل ساده بر عمل و نتیجه و تعداد آن.

When I got to my office yesterday, my secretary had been sending e-mails for 2 hours.

When I got to my office yesterday, my secretary had sent 10 e-mails.

3- زمان آینده

برای صحبت درباره آینده از فعل‌های مختلفی استفاده می‌شود که هر یک کاربرد خاصی دارند.

استفاده از زمان حال با معنای آینده

- حال ساده برای صحبت در مورد جدول ساعات کاری، جدول زمان‌بندی وسایل نقلیه عمومی، برنامه سینماها و

The conference only lasts three days.

The plane leaves Chicago at 11:30 and arrives in Atlanta at 2:45

The train leaves in 20 minutes.

What time does the movie begin?

- برای بیان زمان شروع یا خاتمه کار نیز از حال ساده استفاده می‌کنیم:

I start my Job on Monday.

What time do you finish your work tomorrow?

- بعد از رابط‌هایی مثل when, as soon as, after, before, until, as long as حال ساده استفاده می‌کنیم:

I'll be feeling nervous when I get to Rome. (not when I will get to Rome)

Can you do it before we have the departmental meeting? (not before we will have the meeting)

- در مورد برنامه‌ریزی‌های افراد برای زمان آینده از زمان حال استمراری استفاده می‌شود:

We're staying in a small hotel.

What time are you meeting Ann tomorrow? (not do you meet)

آینده ساده

+	will + verb	We'll enjoy it.
-	will not (won't) + verb	He won't enjoy it.
?	Will + ... + verb	Will they enjoy it?

از **will** در این موارد استفاده می‌شود:

- صحبت راجع به واقعیات در زمان آینده که بیانگر قصد و اراده یا کارهای برنامه‌ریزی شده نباشد.

I'll be 28 next month.

- هرگاه در همان لحظه‌ای که صحبت می‌کنیم، تصمیم به انجام کاری بگیریم و نه با قصد و تصمیم قبلی.

A: The telephone is ringing and I'm washing the dishes.

B: I'll answer it. (not I'm going to answer it.)

- برای قول دادن.

I'll pay your money back next week.

I won't tell anyone what happened. I promise.

- برای پیشنهاد کمک.

That day looks very heavy. I'll help you with it.

- برای تقاضا کردن به صورت سؤالی.

Will you shut the door, please?

- به همراه کلمات یا عباراتی مانند:

probably, maybe, I'm sure, I expect, I think, I don't think, wonder, doubt, suppose, guess

It will probably rain tomorrow.

Maybe it will rain tomorrow.

I think Diana will pass her driver's test.

نکته 1: طرز استفاده از shall نظیر will بوده و برای ضمائر I و We به کار می‌رود:

We shall go to the movies this evening.

نکته 2: از shall در جملات سؤالی برای پیشنهاد کمک و یا نظر خواستن از دیگری استفاده می‌شود.

Shall I carry your shopping for you? (= do you want me to carry ...?) پیشنهاد کمک

Shall we go to Italy for our vacation? نظر خواستن

نکته 3: در جملات فوق می‌توان به جای shall از should استفاده کرد:

Should I open the window?

آینده نزدیک

+	am/is/are + going to + verb	We're going to hire a car.
-	am/is/are not + going to + verb	He's not going to hire a car.
?	Am/Is/Are + ... + going to + verb	Are they going to hire a car?

از فعل **be going to** در این موارد استفاده می‌شود:

- برای بیان کارهایی که قصد داریم در آینده انجام دهیم و بیان برنامه‌هایی که برای آینده داریم (بر اساس اراده).

I'm going to buy a new car. قصد دارم که یک ماشین جدید بخرم.

نکته: اگر راجع به قرار قطعی و از قبل برنامه‌ریزی شده برای آینده صحبت کنیم (مثل قرار ملاقات، سفر، ...)، از شکل حال استمراری استفاده می‌کنیم که معمولاً یک قید زمان (فردا، امشب، ...) نیز به کار می‌رود.

A: When are you meeting the boss?

B: **I'm meeting** him tomorrow.

اما وقتی که از going to استفاده می‌کنیم، به این معنی است که تصمیم به انجام دادن کاری گرفته‌ایم، ولی هنوز ترتیبی نداده‌ایم که آن را به مرحله عمل درآوریم:

I'm going to wash my car late.

توجه: گاهی تفاوت این دو خیلی ناچیز است و فرقی نمی‌کند کدام یک از آنها را به کار ببریم.

- اگر قصد داشتیم عملی را در گذشته انجام دهیم، ولی آن را انجام نداده ایم، از was/were going to استفاده می‌کنیم.

I was going to buy a new car but I changed my mind.

- برای پیش‌بینی آینده بر اساس شواهدی که موجود است.

Look at that black cloud. It's going to rain.

- برای صحبت درباره عمل یا حالتی که در آینده اتفاق خواهد افتاد و بیانگر قصد و اراده انسان و یا پیش‌بینی نیست. این کاربرد مشابه یکی از کاربردهای will است.

I'm going to be 28 next month. (= I will be 28 next month)

آینده استمراری

+	will be + verb (ing)	I'll be studying all next week.
-	will not (won't) be + verb (ing)	She won't be studying all next week.
?	Will + ... + be + verb (ing)	Will you be studying all next week.

از زمان آینده استمراری در موارد زیر استفاده می‌شود:

- بیان عملی که در آینده انجام خواهد شد و مدتی طول خواهد کشید.

My final exams begin next month, so I'll be studying all next month.

- بیان عملی که در آینده در لحظه معینی در حال انجام آن خواهیم بود.

Please don't call me tomorrow afternoon. I'll be studying for my exam then.

- بیان کارهایی که از قبل برای آن برنامه‌ریزی کرده و تصمیم گرفته‌ایم که در آینده انجام دهیم.

I'll be seeing Sara at lunch.

- پرسیدن درباره برنامه‌هایی که اشخاص دارند، به خصوص زمانی که چیزی را می‌خواهیم و یا می‌خواهیم کسی کاری را برایمان انجام دهد.

A: Will you be using your computer today?

B: No, you can have it.

- سؤال‌های مؤدبانه.

Excuse me, how long will you be using my computer?

- بیان کارهایی که در آینده به عنوان بخشی از کارهای روتین انجام خواهد شد.

Will you be flying to Italy tomorrow as usual?

آینده کامل ساده

+	will have + past participle	I'll have done it by then.
-	will not (won't) have + past participle	We won't have done it by then.
?	Will + ... + have + past participle	Will you have done it by then?

- زمان آینده کامل، کامل شدن عمل یا حالتی را در آینده بیان می‌کند. یعنی نشان می‌دهد که در زمان معینی در آینده عمل یا حالتی کامل خواهد شد، و معمولاً از قیدهای زمان مثل *by Sunday, by the end of July, next year, until midnight, before then, by the time you get home, in a week's time ...* استفاده می‌شود.

By the end of September, I will have worked in this company for 6 years.

(تا پایان سپتامبر شش سال خواهد بود که در این شرکت کار می‌کنم. یعنی مدت زمان شش سال در آینده کامل می‌شود).

آینده کامل استمراری

+	will have been + verb (ing)	I'll have been working here for 3 months.
-	will not (won't) have been + verb (ing)	We won't have been working here for long.
?	Will ... + have been + verb (ing)	How long will you have been working here?

- همانند زمان حال کامل، برای آینده کامل نیز هرگاه بخواهیم تمام شدن عمل را بیان کنیم، از شکل ساده و هرگاه بخواهیم ادامه عمل را نشان دهیم از شکل استمراری استفاده می‌کنیم.

By 4 o'clock, I will have painted the bedroom.

تا ساعت 4 اتاق را رنگ خواهیم کرد. (یعنی عمل تمام خواهد شد).

By 4 o'clock, I'll have been painting the bedroom for 3 hours.

تا ساعت 4، سه ساعت خواهد شد که دارم اتاق را رنگ می‌کنم. (یعنی عمل هنوز ادامه خواهد داشت).

آینده در گذشته

آینده در گذشته برای بیان حالتی استفاده می‌شود که شما در گذشته فکر می‌کردید که در آینده چیزی اتفاق خواهد افتاد.

از **would** برای بیان داوطلب شدن یا قول دادن استفاده می‌شود. شکل به کارگیری **would** به صورت ذیل است:

فعل به شکل مصدر بدون **to** + **would**

I knew you **would not help** him.

جمع‌بندی زمان افعال

ردیف	زمان	ساختار	کاربرد	علامت
1	حال ساده	فرم ساده فعل (در سوم شخص مفرد S یا es می‌گیرد و have به has تبدیل می‌شود).	1- عادت و تکرار 2- موارد همیشه درست (مثل رویدادهای علمی)	every day, always, never, every week, every evening, two times a week, three times a month
2	حال استمراری	am/is/are + verb (ing) I am writing	1- بیان عملی که اطراف زمان یا عملی دیگر در حال انجام می‌باشد. 2- خود عمل مهم است نه شروع و پایان آن. 3- افعال حسی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند. 4- می‌تواند معنای آینده هم داشته باشد.	now, at the moment, ...
3	حال کامل	have/ has + PP I have written	1- عملی که در گذشته آغاز شده و پایان یافته، ولی اثر یا نتیجه‌اش تاکنون باقی است. 2- بیان تعداد دفعات انجام یک کار 3- بیان تجربه یا مدت زمان انجام یک کار	فید زمان + for مدت زمان + since before two times, three times, ...
4	حال کامل استمراری	have/has + been + verb (ing) I have been writing	1- بیان عملی که از گذشته آغاز شده و تاکنون ادامه دارد و ادامه نیز خواهد یافت. 2- افعال حسی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	فید زمان + for مدت زمان + since before two times, three times, ...
5	گذشته ساده	قسمت دوم فعل می‌گیرند و افعال (افعال با قاعده ed بی‌قاعده را نیز باید با کمک جدول مربوطه پیدا کرد). He visited I wrote	1- بیان اتفاقی که در گذشته رخ داده است. 2- بیان عادت در گذشته.	yesterday, last week, last year, last Friday, ...
6	گذشته استمراری	was/were + verb (ing) I was writing	1- بیان عملی که اطراف زمان یا عملی دیگر در گذشته انجام می‌گرفته است. 2- خود عمل مهم است نه شروع و پایان آن. 3- افعال حسی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	فید زمان گذشته + at فید زمان گذشته + when while, ...

7	گذشته کامل	had + PP I had written	1- عملی که در گذشته قبل از عمل یا زمانی دیگر انجام گرفته و پایان یافته است. 2- بیان تعداد دفعات انجام یک کار قبل از زمان یا عملی در گذشته. 3- بیان تجربه یا مدت زمان انجام یک کار قبل از زمان یا عملی در گذشته.	قید زمان گذشته + when before, ...
8	گذشته کامل استمراری	had + been + verb (ing) I had been writing	1- بیان عملی که قبل از عمل یا زمانی در گذشته مدتی ادامه و استمرار داشته است. 2- افعال حسی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	قید زمان گذشته + when before, ...
9	آینده ساده	فرم ساده فعل + will I will write	1- بیان اتفاقاتی که قرار است در آینده رخ دهد. 2- بیان برنامه‌های رسمی در آینده.	tomorrow, next week, next year, next friday
10	آینده نزدیک	فرم ساده فعل + am/is/are + going to I am going to write	1- برای بیان کارهایی که قصد داریم در آینده انجام دهیم و بیان برنامه‌هایی که برای آینده داریم. 2- برای پیش‌بینی آینده بر اساس شواهدی که موجود است.	
11	آینده استمراری	will + be + verb (ing) I will be witten	1- بیان عملی که اطراف زمان به عملی دیگر در آینده مشغول انجام خواهد بود. 2- افعال حسی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	قید زمان آینده + at then,
12	آینده کامل	will + have + PP I will have written	بیان عملی که قرار است قبل از زمان یا عمل دیگر در آینده به پایان برسد.	قید زمان آینده + by مدت زمان + in تاریخ در آینده + on جمله + by the time
13	آینده کامل استمراری	will + have + been + verb (ing) I will have been writing	1- بیان عملی که تا زمانی در آینده به طور مداوم و مستمر ادامه خواهد داشت و پس از آن نیز ممکن است ادامه یابد. 2- افعال حسی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	طول زمان + for قید زمان + by
14	آینده در گذشته	فرم ساده فعل + would I would write	1- برای بیان داوطلب شدن یا قول دادن. 2- برای بیان پیش‌بینی در مورد آینده.	

4- افعال حالت (state verbs)

گاهی افعال در زبان انگلیسی به دو گروه action و state تقسیم‌بندی می‌شوند. افعال action بیانگر عملی هستند که انجام می‌دهیم یا اتفاقی که واقع می‌شود. اما افعال حالت بیانگر یک حالت (state) هستند، یعنی به هنگام وقوع این افعال حرکتی مشاهده نمی‌شود.

مهم‌ترین تفاوت موجود بین این افعال در این است که افعال action را می‌توان به صورت استمراری به کار برد، ولی افعال state را نمی‌توان در حالت استمراری استفاده کرد.

need, mean, resemble, sound, weight, appear, contain, consist, depend on, be, prefer, ...

انواع افعال حالت به شرح ذیل است:

• افکار:

agree, assume, believe, disagree, forget, hope, know, regret, remember, suppose, think, recognize, understand, ...

نکته 1: فعل think به معنای «اعتقاد داشتن» همیشه به صورت ساده به کار می‌رود، ولی با مفهوم «فکر کردن» می‌تواند به شکل استمراری نیز باشد.

What are you thinking about? در همین لحظه

I think you should tell her what happened بیان عقیده‌ای که موقت نیست.

• احساسات:

adore, despise, dislike, enjoy, hate, like, love, ...

• حواس:

feel, hear, see, smell, taste, ...

نکته 2: این افعال در حالت غیر ارادی به شکل ساده به کار می‌روند و در حالت ارادی به هر دو شکل.

نکته 3: برای این افعال وقتی که در همین لحظه در حال رخ دادن هستند، از can استفاده می‌کنیم:

I can hear someone is singing

نکته 4: فعل see به معنای «دیدن» همیشه به صورت ساده به کار می‌رود، ولی به معنای «ملاقات کردن» به هر دو شکل به کار می‌رود.

I see you're making good progress.

I'm seeing the manager tomorrow.

نکته 5: فعل feel به معنای «احساس کردن» به هر دو شکل به کار می‌رود.

نکته 6: فعل taste به معنای «مزه دادن» به صورت ساده و به معنای «چشیدن» به هر دو شکل به کار می‌رود.

نکته 7: فعل smell به معنای «بو دادن» همیشه به صورت ساده و در معنای «بو کردن» به هر دو شکل به کار می‌رود.

نکته 8: فعل look به معنای «به نظر رسیدن» همیشه به شکل ساده به کار می‌رود، ولی در معنای «نگاه کردن» می‌تواند به هر دو شکل باشد.

• مالکیت:

have, own, belong

نکته 9: have یا have got به معنای «مالک بودن و داشتن» هستند و به صورت استمراری به کار نمی‌روند.

مالکیت We are enjoying, we have a nice room in the hotel

نکته 10: have (و نه have got) در معنای «خوردن» و یا بیان تجربه‌ای مثل مهمانی، تصادف و... می‌تواند به صورت استمراری به کار رود.

Have	{	breakfast, ...
		a party/a safe trip/a good flight
		an accident/an experience
		a look (at something)
		a baby (give birth to a baby)
		difficulty/trouble/fun /a nice time.

We are having a nice time. (= we are experiencing a nice time) بیان تجربه اوقاتی خوش

نکته 11: افعال حالت شکل کامل استمراری نیز ندارند.

I have had this car for 2 years.

5- جملات مجهول

وقتی از جمله مجهول استفاده می‌کنیم، فقط عملی که انجام شده اهمیت دارد و اینکه چه کسی یا چه چیزی باعث انجام کار شده است، مهم نیست. بنابراین ممکن است کننده عمل ذکر نشود و یا در آخر جمله با حرف اضافه by ذکر شود.

am/is/are + pp	حال ساده
am/is/are + being + pp	حال استمراری
have/has + been + pp	حال کامل
was/were + pp	گذشته ساده
was/were + being + pp	گذشته استمراری
had + been + pp	گذشته بعید
will/can/could/must/should/may/... + be + pp	افعال کمکی
have to/has to/be going to/want to + be + pp	
seem to have/would have/might have/should have + been + pp	

The car is usually washed. (by my brother)

She isn't often invited to parties.

The room is being cleaned right now.

The room looks nice. It has been cleaned.

This house was built 100 years ago.

The room was being cleaned when I arrived.

The room looked nice. It had been cleaned.

Something must be done before it's too late.

A new supermarket is going to be built next year.

This room has to be cleaned right now.

The room should have been cleaned.

The letter might have been sent to the wrong address. (احتمالاً نامه به آدرس اشتباه فرستاده شده).

نکته: بعضی افعال دو مفعول دارند، بنابراین برای آنها می‌توان دو جمله مجهول نوشت:

We gave the **police** the **information**.

1. The information was given to the police.

2. The police were given the information.

❖ افعال دو مفعولی:

give, ask, offer, pay, show, teach, tell, sell, feed, allow, lend, send,...

- هنگامی که دو فعل پشت سر هم به کار می‌روند، اگر فعل دوم مصدر باشد (to + verb) در حالت مجهول به to be + pp

تبدیل می‌شود و اگر فعل دوم به فرم ing باشد (verb + ing) در حالت مجهول به being + pp تبدیل می‌شود.

I **don't like** people **telling** me what to do.

I don't like **being told** what to do.

- مصدر معلوم: to + verb و مصدر مجهول: to be + pp، اما برخی از مصدرهای معلوم وجود دارند که از نظر ظاهر معلوم و از نظر معنا مجهول‌اند.

I have some homework to do. (= some homework to be done)

- افعالی که با ing بعد از need می‌آیند نیز، از نظر ظاهر معلوم و از نظر معنا مجهول‌اند.

This car needs washing. (= this car need to be washed)

- در جمله‌هایی که با there شروع می‌شوند، می‌توان هم مصدر معلوم و هم مصدر مجهول به کار برد.

There are some letters to write/to be written.

- در جملات مجهول بعضی اوقات به جای be از get استفاده می‌شود:

I don't often get invited to parties.

نکته: get فقط در مواقعی استفاده می‌شود که کاری به طور تصادفی و غیرمنتظره اتفاق بیفتد (بدون آن که اراده‌ای در کار باشد):

Our dog got run over by a car.

اما در بقیه موارد نمی‌توان از get استفاده کرد:

Jill is liked by everybody.

جمع‌بندی افعال مجهول

کامل استمراری * (perfect continuous)	کامل (perfect)	استمراری (continuous)	ساده (simple)	
have/has + been + being + PP The letter has been being writers. نامه مشغول نوشته شدن بوده است.	have/has + been + PP The letter has been written. نامه نوشته شده است.	am/is/are + being + PP The letter is being written. نامه دارد نوشته می‌شود.	am/is/are + PP The letter is written. نامه نوشته می‌شود.	حال (present)
had + been + being + PP The letter had been being written. نامه مشغول نوشته شدن بود.	had + been + PP The letter had been written. نامه نوشته شده بود.	was/were + being + PP The letter was being written. نامه داشت نوشته می‌شد.	was/were + PP The letter was written. نامه نوشته شد.	گذشته (past)
will + have + been + being + PP The letter will have been being written. نامه مشغول نوشته شدن خواهد بود.	will + have + been + PP The letter will have been written. نامه نوشته شده است. (قبل از زمانی در آینده)	will + be + being + PP The letter will be being written. نامه در حال نوشته شدن خواهد بود.	will + be + PP The letter will be written. نامه نوشته خواهد شد.	آینده (future)
would + have + been + being + PP The letter would have been being written. نامه می‌خواست در حال نوشته شدن باشد.	would + have + been + PP The letter would have been written. نامه می‌خواست نوشته شود (ولی نشد).	would + be + being + PP The letter would be being written. شاید نامه در حال نوشته شدن باشد.	would + be + PP The letter would be written. شاید نامه نوشته شود.	آینده در گذشته (future in the past)

6- عادت داشتن

used to

مثبت: مصدر بدون to + used to
 منفی: مصدر بدون to + use to + didn't
 سؤالی: مصدر بدون to + use to + Did

از **used to** فقط در زمان گذشته و در موارد زیر استفاده می‌شود:

- برای بیان اعمالی استفاده می‌کنیم که در گذشته (به طور منظم) انجام می‌داده‌ایم، ولی در حال حاضر دیگر آنها را انجام نمی‌دهیم.

I used to read a lot of books, but I don't read much.

I didn't use to lock the door.

- برای بیان موضوعی که در گذشته حقیقت داشته است، ولی امروز دیگر درست نیست.

This building is now a furniture store. It used to be a movie theater.

نکته: به جای **used to** می‌توان از **would** استفاده کرد، اما با افعال حالت از **would** استفاده نمی‌شود.

She would leave the door unlocked whenever she was at home. (she'd leave the door unlocked whenever she was at home.)

be used to

- این فعل به معنای «عادت داشتن» است و در همه زمان‌ها استفاده می‌شود. این فعل عادت داشتن به عمل یا حالتی را نشان می‌دهد که برایمان بیگانه و عجیب نیست. بعد از **be used to** یک اسم یا ضمیر یا فعل با فرم **ing** به کار می‌رود.

I used to live alone. (در گذشته تنها زندگی می‌کردم (اما دیگر تنها زندگی نمی‌کنم)).

I am used to living alone. (من عادت دارم که تنها زندگی کنم (و این موضوع عجیب و جدیدی نیست)).

I wasn't used to hot weather.

Are you used to life in a big city? No, I'm not used to it.

get used to

- این فعل به معنای «عادت پیدا کردن» است و هنگامی از آن استفاده می‌کنیم که بخواهیم بگوییم کسی در حال عادت کردن به چیزی است، ولی هنوز کاملاً به آن عادت نکرده. بعد از **get used to** یک اسم یا ضمیر یا فعل با فرم **ing** به کار می‌رود.

I'm trying to get used to life in a big city.

7- احتمال و اطمینان

- برای بیان احتمال در حال و آینده از **may** یا **might** و یا از **could** استفاده می‌کنیم. البته **could** احتمال ضعیفی را نشان می‌دهد.

مصدر بدون **might/may + to** + فاعل
 سؤالی: مصدر بدون **to** + فاعل **may/might**
 منفی: مصدر بدون **to** + **may/might + not** + فاعل

I may/might go to the movies tonight = perhaps I will go to the movies tonight.

May I ask a question?

Sonia may not come to the party.

The phone's ringing. It could be Matt.

- استفاده از **may** یا **might** تفاوتی با هم ندارد، اما برای موقعیت‌هایی که واقعی نیستند فقط از **might** استفاده می‌کنیم:
 If I knew them better, I might invite them to the party.
 اگر آنها را بهتر می‌شناختم، احتمالاً آنها را به مهمانی دعوت می‌کردم.

- از **may/might/could** در شکل استمراری نیز می‌توان استفاده کرد:
 فرم **could/may/might + be + ing**

Don't phone me at 8:30. I might be watching TV. (= perhaps I will be watching TV.)

- همچنین از این شکل استمراری برای بیان برنامه‌های احتمالی خود استفاده می‌کنیم:
 I may/might be going to Mexico in July.

نکته: عبارت **we may/might as well do** یعنی: «بهترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم یا چاره‌ای نداریم».
 Rents are so high these days, you may as well buy a house.

- در حالت اطمینان منفی از **can't** استفاده می‌کنیم یعنی غیر ممکن است.
 He can't be in Italy. I saw him an hour ago.

- برای بیان احتمال در زمان گذشته یعنی وقتی بخواهیم بگوییم امکان دارد عملی در گذشته انجام شده باشد از ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

could/may/might + have + PP
 حالت منفی **could/may/might + not + have + PP**

She may have known about it. (perhaps she knew...) شاید چیزی راجع به آن می‌دانسته است.

She could have done her homework.

He may not have seen you. احتمالاً (ممکن است) تو را ندیده است.

- برای بیان اطمینان از will certainly یا surely یا definitely و یا از must استفاده می‌شود.

She'll certainly get the job.

She certainly won't get the job.

You've been working all day. You must be tired.

- برای بیان اطمینان در زمان گذشته از PP + have + must استفاده می‌شود.

All the streets are wet. It must have rained last night. (با اطمینان) حتماً دیشب باران باریده است.

There's nobody at home. They must have gone out.

Those two girls look very much alike. They must be sisters.

- وقتی از درست نبودن چیزی اطمینان داریم از must not استفاده می‌کنیم:

Carol takes the bus everywhere. He must not have a car.

- در حالت منفی یعنی وقتی بخواهیم بگوییم غیر ممکن است عملی در گذشته انجام شده باشد از PP + have + can't یا

PP + couldn't استفاده می‌شود.

He was too far away, so he can't/couldn't have seen you. غیرممکن است تو را دیده باشد.

نکته 1: معنی couldn't با may/might not فرق می‌کند، چرا که در حالت PP + may/might not have احتمالاً

عمل در گذشته انجام نشده، اما در حالت PP + could not have غیر ممکن است که عمل در گذشته انجام شده باشد.

نکته 2: تفاوت can't و must not نیز در این است که cannot به معنای امکان‌ناپذیر بودن چیزی است و must not به

معنای این است که «قاعدتاً این چنین نیست که...».

8- توانایی

برای بیان توانایی از can, could, be able to استفاده می‌شود.

can

- در مواقعی که می‌خواهیم بگوییم شخصی توانایی انجام کاری را دارد و یا انجام عمل امکان‌پذیر است، از can استفاده می‌کنیم:

مثبت: مصدر بدون to + can + فاعل

منفی: مصدر بدون to + cannot (can't) + فاعل

سؤالی: مصدر بدون to + فاعل + can

Can you change a ten-dollar bill? I'm sorry, I can't.

- به جای can می‌توان از be able to استفاده کرد. اما باید توجه داشت که can معمول‌تر است:

Are you able to speak any foreign languages?

- اما در برخی موارد استفاده از can امکان‌پذیر نیست و ضروری است که از be able to استفاده کنیم:

1. بعد از مصدر

It's interesting to be able to speak 4 languages.

2. بعد از افعال کمکی

Tom might be able to come tomorrow. شاید تام بتواند فردا بیاید.

3. در زمان حال کامل

I haven't been able to sleep recently. اخیراً قادر نبوده‌ام بخوابم.

- برای آینده می‌توان هم از can و هم از be able to استفاده کرد.

I can't/won't be able to come to your party tomorrow.

could

- برای بیان توانایی کلی و نیز اجازه انجام کاری در زمان گذشته از could استفاده می‌کنیم: وقتی می‌خواهیم بگوییم کسی توانایی خاصی دارد یا اجازه انجام کاری را دارد از could استفاده می‌کنیم.

When I was young I could run very fast.

My grandfather could speak five languages.

We could do whatever we wanted. ما اجازه داشتیم هر کاری می‌خواهیم انجام دهیم.

- was/were able to نیز برای بیان توانایی در گذشته به کار می‌رود، اما استفاده از could رایج‌تر است.

I was able to speak English when I was 10.

- زمانی که بخواهیم بگوییم که شخصی در یک موقعیت خاص توانسته است (موفق شده است) کار خاصی را انجام دهد (نه یک توانایی کلی)، نمی‌توان از **could** استفاده کرد و فقط باید از **were/was able to** یا **managed to** استفاده کنیم.

The fire spread through the building quickly, but everybody was able to escape. (or but everybody was managed to escape.)

آتش به سرعت همه جای ساختمان پخش شد ولی همه توانستند خود را نجات دهند.

- در حالت منفی تفاوتی بین **couldn't** و **wasn't/weren't able to** وجود ندارد.

- به همراه افعال حسی و ذهنی از **could** استفاده می‌شود نه از **was/were able to**.

see, hear, smell, taste, feel, remember, understand

When I went closer, I could hear someone calling for help.

- از **could** برای پیشنهاد کردن در زمان حال یا آینده نیز استفاده می‌شود.

It's a nice day. We could go for a walk.

در این موارد به جای **could** از **can** نیز می‌توان استفاده کرد:

- در مواقعی که واقعاً قصد نداریم چیزی را که می‌گوییم انجام دهیم از **could** استفاده می‌کنیم:

I'm so angry with him. I could kill him. (I can kill ... نمی‌گوییم)

- وقتی می‌خواهیم از امکان وقوع چیزی در زمان حال یا آینده خبر دهیم نیز از **could** استفاده می‌کنیم. (در این گونه جملات از **can** نمی‌توان استفاده کرد.)

I don't know when they'll be here. They could get here at any time.

could have done

- در مواقعی که می‌خواهیم بگوییم فرصت یا امکان انجام کاری را داشته‌ایم ولی آن را انجام نداده‌ایم از **could have done** استفاده می‌کنیم:

He could have had a wife and children.

- همچنین از **could have done** برای بیان احتمال در گذشته نیز استفاده می‌شود.

The situation was bad, but it could have been worse.

- بعضی اوقات **could** به معنی **would be able to** است:

We could take a trip if we had enough money.

- گاهی اوقات **could have done** به معنی **would have been able to do** است:

We could have taken a trip if we had enough money.

9- اجبار

برای بیان اجبار از افعال زیر استفاده می‌شود:

should, ought to, , be supposed to, must, have/has to, need

have to و must

مثبت: مصدر بدون to + must + فاعل

منفی: مصدر بدون to + not + must + فاعل

سؤالی: مصدر بدون to + فاعل + Must

- هرگاه بخواهیم ضرورت انجام کاری را بیان کنیم از have to استفاده می‌کنیم:

شکل مثبت زمان حال: قسمت اول فعل + have to / has to + فاعل

شکل سؤالی زمان حال: Do/Does + فاعل + have to...?

شکل منفی زمان حال: don't/doesn't + have to...? + فاعل

شکل سؤالی زمان گذشته: Did + فاعل + have to...?

شکل منفی زمان گذشته: didn't have to... + فاعل

Kim starts work at 7 o'clock, so she has to get up at 6:00.

Have you ever had to go to the hospital?

I might have to leave the meeting early.

What time do you have to go to the dentist tomorrow?

- در جملاتی که به زمان حال هستند به جای have to از have got to می‌توان استفاده کرد.

- در زبان انگلیسی از have to بیش از must استفاده می‌کنیم، ولی در دستورالعمل و قوانین نوشتاری از must استفاده می‌شود.

- must و have to برای بیان اجبار قوی به کار می‌روند و بیانگر عملی هستند که لازم است انجام شود و در بسیاری از موارد به طور یکسان به کار می‌روند. اما در بعضی موقعیت‌ها این دو فعل با هم تفاوت دارند و تفاوت آنها بستگی به نوع اجبار دارد.

- اگر اجبار از طرف خود گوینده باشد، یعنی گوینده خودش احساس کند که لازم است کاری را انجام دهد از must استفاده می‌شود ولی اگر اجبار از بیرون بر گوینده تحمیل شود و یک واقعیت بیرونی باشد (مثل مقررات و قانون و پزشک و معلم و ...) آنگاه از have to استفاده می‌شود.

I must lose some weight. I'm getting fat. گوینده خودش اجبار را حس می‌کند.

I have to work late tomorrow. گوینده فقط یک واقعیت بیرونی را بیان می‌کند.

- must فقط برای حال و آینده به کار می‌رود و گذشته ندارد. برای زمان‌های گذشته، حال کامل، آینده و یا به هنگام استفاده از افعال کمکی مثل may, might, ... فقط می‌توان از have to استفاده کرد.

I must give a lecture tomorrow. آینده

When I was at university, I had to work and study at the same time. گذشته

Have you ever had to go to the hospital? حال کامل

We might have to cancel tomorrow's meeting. (فعل کمکی) شاید مجبور شویم جلسه فردا را کنسل کنیم.

- این دو فعل در شکل منفی معنای کاملاً متفاوت دارند. mustn't به معنای آن است که عملی نباید انجام شود (اجبار منفی) ولی don't have to به معنای آن است که نیازی نیست عملی انجام شود، یعنی اختیار داریم که آن عمل را انجام دهیم یا انجام ندهیم.

Bicyclist must not ride on the sidewalk. اجبار

You don't have to work on the weekend. اختیار

should

- فعل کمکی should (باید) را هنگامی به کار می‌بریم که بخواهیم بگوییم انجام عملی صحیح و عاقلانه است.

مثبت:	مصدر بدون to + should + فاعل
منفی:	مصدر بدون to + not + should + فاعل
سؤالی:	Should + فاعل + to + مصدر بدون

You should stop smoking.

- اغلب اوقات should را با Do you think...? / I didn't think / I think به کار می‌بریم و بدین ترتیب نظر خود را راجع به چیزی می‌گوییم یا نظر دیگران را می‌پرسیم:

Do you think I should buy this coat?

- وقتی می‌خواهیم بگوییم چیزی درست نیست یا برخلاف انتظار ماست از should استفاده می‌کنیم:

I wonder where Liza is? She should be here by now.

- وقتی که می‌خواهیم بگوییم انتظار داریم چیزی در آینده اتفاق بیفتد نیز از should استفاده می‌کنیم:

She's been studying hard for exam, so she should pass.

- برای زمان گذشته و کاری که باید انجام می‌شده اما نشده، و یا کاری نباید انجام می‌شده اما انجام شده است، از should have done استفاده می‌کنیم:

I feel sick. I shouldn't have eaten too much.

نکته 1: should از نظر قدرت و شدت، ضعیف‌تر از must است.

نکته 2: معنای have to با should فرق می‌کند:

I should study tonight, but I think I'll go to the movies.

I have to study tonight. I can't go to the movies.

- به جای should از ought to نیز می‌توان استفاده کرد. اما ought to رسمی‌تر است.

You shouldn't smoke so much = You ought not to smoke so much.

- همچنین زمانی که بخواهیم بگوییم که بهتر است کاری را انجام دهیم، به جای should می‌توان از فعل had better نیز استفاده کرد.

You have a temperature. You'd better go to a doctor.

You'd better not smoke so much.

- اگر بخواهیم بگوییم روش صحیح و منطقی انجام کاری کدام است به جای should می‌توان از be supposed to به معنای «قرار است که/ باید» استفاده کنیم.

I'd better hurry. I'm supposed to be at work at 8.

نکته: شکل مجهول کاربرد be supposed to به صورت قسمت سوم فعل + be + to be supposed است:

Fred is supposed to be told about the meeting.

need

- فعل need علاوه بر معنای لازم داشتن به معنای اجبار نیز هست.

We're late. We need to hurry. دیر رسیدیم. باید عجله کنیم.

- شکل منفی need یعنی don't/doesn't need to به این معنی است که لازم نیست کاری انجام شود. (معادل don't/doesn't have to)

You don't need to work on the weekend. لازم نیست/مجبور نیستی آخر هفته کار کنی.

- need در زمان گذشته به دو شکل didn't need to و needn't have done منفی می‌شود که اولی عملی را بیان می‌کند که لازم نبوده انجام شود و انجام نشده است و دومی عملی را بیان می‌کند که لازم نبوده انجام شود ولی انجام شده است.

I didn't need to water the flowers because it was raining.

(گوینده با دیدن باران متوجه شد که نیازی به آب دادن گل‌ها نیست و این کار را انجام نداده.)

I needn't have watered the flowers. It began to rain after ten minutes.

(گوینده بعد از باریدن باران متوجه شده که نیازی به آب دادن گل‌ها نبوده اما این کار را قبل از باریدن باران انجام داده است.)

10- جملات آرزویی

جملات آرزویی با واژه wish به معنای «ای کاش» شروع می‌شوند و قاعده اصلی شکل دادن به آنها این است که زمان جمله پایه را پیدا کنیم و آن را در جمله wish یک زمان به عقب ببریم.

I don't have a house, I wish I had one.

ترتیب قرار دادن زمان در جملات آرزوی مطابق با جدول ذیل است:

گذشته ساده	→	حال ساده
گذشته استمراری	→	حال استمراری
گذشته کامل	→	گذشته ساده
گذشته کامل استمراری	→	گذشته استمراری
گذشته کامل	→	حال کامل
گذشته کامل استمراری	→	حال کامل استمراری
گذشته کامل استمراری	→	گذشته کامل استمراری
آینده در گذشته ساده	→	آینده ساده
آینده در گذشته استمراری	→	آینده استمراری
آینده در گذشته کامل	→	آینده کامل
آینده در گذشته کامل استمراری	→	آینده کامل استمراری

نکته 1: در جملات آرزویی مانند جملات شرطی، به جای was از were استفاده می‌کنیم.

She **is** not here. I wish she **were**.

نکته 2: در حالت‌هایی که بیانگر گلایه گوینده از شرایط موجود هستند، زمان حال ساده به جای تبدیل شدن به گذشته ساده، به آینده در گذشته تبدیل می‌شوند.

It **is raining** now, I wish it **would stop**. (ای کاش باران نمی‌بارید)

نکته 3: I wish you would ... اغلب برای بیان خواهش به کار می‌رود.

We are going to be late. I wish you **would hurry**.

11- جملات سؤالی

جملات سؤالی که با **what**، **who** و **which** و ... شروع می‌شوند به دو دسته تقسیم می‌شوند:

1. اگر کلمه سؤالی راجع به مفعول جمله سؤال کند از افعال کمکی **do/does/did** استفاده می‌کنیم:

A: **Who** did you see yesterday? چه کسی را دیدی؟

B: I saw **Sara**. کلمه سؤالی **who** راجع به سارا که مفعول جمله است سؤال کرده است.

2. اگر کلمه سؤالی راجع به فاعل جمله سؤال کند، نباید از افعال کمکی **do/does/did** استفاده کنیم:

A: **Who** **lives** in this house?

B: Jane lives here.

A: **What** **happened** to your car?

B: I had a bad accident.

A: **Which** bus goes down town?

نکته 1: افعالی که به همراه یک حرف اضافه به کار می‌روند در جملات سؤالی نیز حرف اضافه خود را حفظ می‌کنند. در انگلیسی محاوره‌ای حرف اضافه بلافاصله بعد از فعل می‌آید.

What's she laughing **at**?

Who do you want to speak **to**?

Which job has Jane applied **for**?

Where do you come **from**?

نکته 2: در انگلیسی رسمی حرف اضافه در ابتدای جمله قرار می‌گیرد.

From whom did you obtain the information?

- **What ... like?** برای سؤال در مورد ظاهر و شخصیت و صفات انسان‌ها و اشیاء به کار می‌رود.

A: **What** is your new teacher like?

B: She is really experienced and she's friendly, too.

- **What ... for?** برای پرسیدن دلیل و منظور به کار رفته و به معنای «چرا» است.

What did you call him for? (= **Why** did you call him?)

- اسم + **what**، اسم + **which**

What color is your car?

Which train did you catch? the 9:50 or the 10:30?

نکته 3: وقتی که در مورد تعداد کمی از اشیاء صحبت می‌کنیم از **which** استفاده می‌کنیم اما استفاده از **what** رایج‌تر است:

There are four umbrellas here. **Which** is yours?

نکته 4: **who** فقط برای اشخاص (نه اشیاء) به کار می‌رود:

Who is taller? Bill or Sam?

- how را می‌توان با صفت یا قید به کار برد:

How tall are you?

How big is the house?

How often do you use your car?

- وقتی می‌خواهیم بپرسیم انجام گرفتن کاری چه مدت طول می‌کشد، از how long استفاده می‌کنیم:

How long does/did/will it take to do something?

How long does/did/will it take you to ...? برای شما چه مدت طول می‌کشد/کشید/خواهد کشید؟

A: How long did it take Anne to ...?

B: It took Anne a long time to

It took me three days to read the book. خواندن کتاب برای من سه روز طول می‌کشد.

- گاهی اوقات لازم است سؤالی را به صورت غیرمستقیم و با عباراتی نظیر I don't know ...?, Do you know ...?, Could you tell me ...?, Do you have any idea ...?

در این گونه مواقع بخش اول جمله به صورت سؤالی و بخش دوم خبری است.

- Where is Paula?

Do you know where **Paula is**?

I don't know where **Paula is**.

- When are you leaving town?

Can you tell me when **you are leaving town**?

- Where does he live?

Do you know where **he lives**?

- اگر در جملات سؤالی هیچ نوع کلمه پرسشی (what, why و ...) وجود نداشته باشد باید از if یا whether استفاده کنیم:

- Is Jack at home?

Do you know if (whether) Jack is at home?

- Did anybody see you?

I don't remember whether (if) anybody saw you?

- در نقل قول غیرمستقیم جملات سؤالی نیز همین تغییرات صورت می‌گیرد:

- The police officer said to us "where are you going?"

The police officer asked us where we were going.

- Do you have a driver's license?

She asked me whether (if) I had a driver's license?

12- نقل قول مستقیم و غیرمستقیم

در نقل قول مستقیم از گیومه استفاده کرده و عین عبارت را می‌آوریم، اما در نقل قول غیرمستقیم زمان فعل به صورت زیر تغییر می‌کند:

نقل قول غیرمستقیم	→	جمله اصلی
گذشته ساده	→	حال ساده
گذشته استمراری	→	حال استمراری
گذشته کامل	→	گذشته ساده
گذشته کامل استمراری	→	گذشته استمراری
گذشته کامل	→	حال کامل
گذشته کامل استمراری	→	حال کامل استمراری
گذشته کامل استمراری	→	گذشته کامل استمراری
آینده در گذشته ساده	→	آینده ساده
آینده در گذشته استمراری	→	آینده استمراری
آینده در گذشته کامل	→	آینده کامل
آینده در گذشته کامل استمراری	→	آینده کامل استمراری

– I'm enjoying my new Job.

He said that he was enjoying his new Job.

– My sister has gone to Australia.

He said that his sister had gone to Australia.

- در هنگام استفاده از نقل قول غیرمستقیم، معمولاً از said یا told استفاده می‌کنیم. بقیه جمله نیز معمولاً به زمان گذشته است:

Tom said that he was feeling seek.

نکته 1: بعد از said ضمیر مفعولی نمی‌آید. بنابراین "Tom said me" یا "I said Anne" غلط هستند. اما وقتی از told استفاده می‌کنیم ضمیر مفعولی می‌آوریم.

He said he was tired.

He told me that he was tired.

نکته 2: that را می‌توان در هر دو حالت حذف کرد.

نکته 3: در نقل قول غیرمستقیم فعلی را که به زمان گذشته ساده باشد می‌توانید به همان صورت نگه دارید یا این که به گذشته کامل تبدیل کنید:

– Tom said, "I woke up feeling sick, so I stayed in bed"

Tom said he woke up feeling sick, so he stayed in bed.

Tom said he had woken up feeling sick, so he stayed in bed.

نکته 4: همیشه لازم نیست که زمان فعل را تغییر دهیم. اگر مطلبی نقل می‌کنید که هنوز اعتبار دارد، ضرورتی ندارد فعل جمله را عوض کنید (یعنی هم می‌توان عوض کرد و هم نه!).

– New York is more exciting than London.

Tom said that New York is more exciting than London.

نکته 5: اما در مواقعی که مطلب گفته شده با واقعیت تفاوت دارد باید از زمان گذشته استفاده کنید:

I didn't expect to see you, Jim. Kelly said you were sick.

- در نقل قول غیرمستقیم جملات امری از شکل مصدری افعال استفاده می‌کنیم:

– Stay in bed for a few days.

The doctor told me to stay in bed for a few days.

– Ann asked me not to tell anybody, what happened.

13- جملات شرطی

در جملات شرطی معمولاً درباره وقایع و موقعیت‌های نامشخص، کارها و یا چیزهایی که ممکن است اتفاق بیفتد و یا چیزهایی که ممکن است واقعی باشند و یا نباشند صحبت می‌کنیم.

جملات شرطی معمولاً به سه دسته نوع اول، دوم و سوم به ترتیب زیر طبقه‌بندی می‌شوند.

شرطی نوع اول

از جملات شرطی نوع اول برای بیان یک شرط (یا موقعیت) ممکن و یک نتیجه محتمل در آینده استفاده می‌شود.

مصدر بدون to	will/won't	حال ساده	If
win.	I will	we play tennis,	If

اگر ساعت شما را پیدا کنم به شما خواهم گفت. **If I find your watch, I will tell you.**

- علاوه بر will می‌توان از **may, might, must, can, should** و غیره نیز استفاده کرد که در این صورت معنی آن کمی فرق خواهد کرد:

اگر دم گربه را بکشی ممکن است تو را چنگ بزند. **If you pull the cat's tail, it may scratch you.**

اگر می‌خواهی وزن کم کنی باید کمتر برنج بخوری. **You should eat less rice if you want to lose weight.**

- نوع دیگری از جملات شرطی نوع اول از ساختار ذیل پیروی می‌کند:

جمله امری	حال ساده	If
please tell them to come at once.	anyone calls,	If

شرطی نوع دوم (حال غیر واقعی)

از جملات شرطی نوع دوم برای بیان یک شرط یا موقعیت غیر واقعی یا غیر ممکن و نتیجه محتمل آن در زمان حال یا آینده به کار می‌رود. در واقع در این نوع جملات حال یا آینده‌ای متفاوت را تصور می‌کنیم.

مصدر بدون to	would ('d)/ would not (wouldn't)	گذشته ساده	If
buy a new car.	I would ('d)	I had more money,	If

اگر ثروتمند بودم یک ماشین گران‌قیمت می‌خریدم. **If I were* a rich man, I'd buy an expensive car.**

نکته 1: در این نوع جملات می‌توان به جای would از could یا might هم استفاده کرد:

نکته 2: در این نوع جملات شرطی، به جای was از where استفاده می‌شود.

If I were you, I wouldn't buy that house.

شرطی نوع سوم (گذشته غیر واقعی)

از این نوع جملات شرطی برای تصور گذشته‌ای غیر ممکن استفاده می‌شود. در واقع در این نوع جملات، گوینده آرزوی یک گذشته متفاوت را دارد. (اما گذشته‌ها گذشته)

قسمت سوم فعل (p.p.)	would have/ would not have	گذشته کامل	If
said hello.	I would have	I had seen you,	If
(اگر تو را دیده بودم، سلام می‌کردم.)			

نکته: در این نوع جملات می‌توان به جای would از could یا might هم استفاده کرد:

If the weather hadn't been so bad, we **could/might** have gone out.

هر چند این طبقه‌بندی برای تمرین جملات شرطی و پاسخگویی به سؤالات مربوط به جملات شرطی ممکن است مناسب و کافی باشد، اما باید بدانیم که ساختارهای بسیاری در حوزه جملات شرطی هستند که با این سه گروه نمی‌توان آنها را طبقه‌بندی نمود. بنابراین باید بدانید که بهتر است جملات شرطی به دو نوع یعنی ساختارهایی که با زمان‌های معمولی به کار می‌روند که جملات شرطی اصطلاحاً نوع اول را هم دربرمی‌گیرند و ساختارهایی که با زمان‌های ویژه مورد استفاده قرار می‌گیرند (شامل نوع دوم و سوم) تقسیم‌بندی شوند.

- وقتی که ما نمی‌خواهیم درباره موقعیت‌های غیرواقعی و یا خیالی صحبت کنیم از زمان‌های معمولی با if استفاده می‌نماییم. یعنی زمان حال برای اشاره به زمان حال، زمان گذشته برای اشاره به زمان گذشته و غیره.

If you want to learn a musical instrument, you have to practice.

If that was Mary, why didn't she stop and say hello?

If the weather is good, I go to the beach.

If you heat the ice, it melts.

نکته: در دو مثال آخر در هر دو بخش جمله شرطی یعنی هم در If-clause و هم در Main-clause از زمان حال ساده استفاده شده که می‌توان در هر دو جمله به جای if از when استفاده کرد.

- هنگامی از زمان‌های غیرواقعی استفاده می‌شود که بخواهیم درباره موقعیت‌های غیرواقعی صحبت کنیم. یعنی موقعیت‌هایی که اتفاق نخواهند افتاد و یا احتمال رخ دادن آنها بسیار کم است، موقعیت‌هایی که یا واقعی و یا خیالی هستند و یا وقایعی که رخ نداده‌اند. ما در این گونه جملات شرطی از would و زمان‌های گذشته استفاده می‌نماییم تا بدین ترتیب نشان دهیم که موقعیت واقعی نیست. با زمان حال غیرواقعی از گذشته ساده و با زمان گذشته غیر واقعی از زمان گذشته کامل (ماضی بعید) استفاده می‌شود.

If I knew her name, I would tell you. (اگر اسم او را می‌دانستم به تو می‌گفتم (اما نمی‌دانم)).

If we had had more money, we would have been able to buy a new suit.

اگر ما پول بیشتری داشتیم می‌توانستیم یک دست کت و شلوار جدید بخریم.

شرطی آمیخته

در برخی موارد، شاهد ترکیب شرطی نوع سوم با نوع دوم هستیم که به آن شرطی آمیخته (mixed condition) گفته می‌شود.

اگر I had studied harder, I would be a doctor now. حالا دکتر بودم.

آینده در گذشته (شرطی نوع دوم) گذشته کامل (شرطی نوع سوم)

14- جملات سببی

هر گاه عملی در جمله به وسیله شخص دیگری غیر از فاعل انجام شود، از این ساختار استفاده می‌شود. این گونه جملات به دو دسته معلوم و مجهول طبقه‌بندی شده و با دو فعل get و have ساخته می‌شوند.

جملات سببی مجهول

در این ساختار کسی که فعل را انجام می‌دهد مشخص نیست. از فرمول زیر برای این ساختار استفاده می‌شود:

قسمت سوم فعل + مفعول + (مطابق با زمان جمله) get/have + مسبب کار

I get/had my car washed yesterday. دیروز دادم ماشینم را بشویند.

جملات سببی معلوم

در این ساختار کسی که فعل را انجام می‌دهد مشخص است. فرمول‌های زیر برای این ساختار استفاده می‌شود:

1. مفعول + مصدر بدون to + انجام دهنده کار + (مطابق با زمان جمله) have + مسبب کار

I had Tom fix my cell phone. من دادم تام موبایلم را تعمیر کند.

2. مفعول + مصدر با to + انجام دهنده کار + (مطابق با زمان جمله) get + مسبب کار

He gets his sister to do the typing.

نوع جمله سببی	ساختار	کاربرد
سببی معلوم	I had Dr. James check my eyes last month.	مسبب و شخصی که از او خواسته کاری را انجام دهد (انجام دهنده)، هر دو در جمله وجود دارند و معلوم هستند. (ترتیب کلمات مهم است.)
	I got Dr. James to check my eyes last month.	
سببی مجهول	I had my eyes checked last month.	فقط مسبب معلوم است و انجام دهنده مشخص نمی‌باشد و مفعول هم قبل از PP قرار می‌گیرد. (ترتیب کلمات مهم است.)

15- ضمائر

ضمائر ملکی

برای آشنایی با ضمائر ملکی بهتر است ابتدا صفات ملکی یادآوری گردد:

صفات های ملکی: my, our, your, his, her, their, its

ضمائر ملکی: mine, ours, yours, his, hers, theirs

A: Is this book mine or yours?

B: I went to the movies with a friend of mine.

نکته: whose (مال چه کسی) را هم می توان با یک اسم و هم به تنهایی به کار برد.

A: Whose money is this?/ Whose is this?

B: It's mine.

ضمائر انعکاسی

myself, yourself, himself, herself, itself, yourselves, ourselves, themselves

از ضمائر انعکاسی در مواقعی استفاده می کنیم که فاعل و مفعول جمله یکی باشد:

I looked at myself in the mirror.

Please help yourselves. لطفاً از خودتان پذیرایی کنید.

نکته 1: بعد از ... bring something with ... یا take something with ... از ضمائر انعکاسی استفاده نمی کنیم:

It might rain. I'll take an umbrella with me (not with myself).

نکته 2: بعد از افعال concentrate/feel/relax/meet نیز ضمیر انعکاسی نمی آوریم:

You have to try and concentrate.

What time should we meet? چه موقع همدیگر را ملاقات کنیم؟

نکته 3: وقتی حرف اضافه by به ضمائر انعکاسی اضافه می شود معنی «تنها» به خود می گیرند:

I went on vacation by myself. خودم تنها به تعطیلات رفتم.

-Was she with her friend?

-No, she was by herself.

نکته 4: از ضمائر انعکاسی برای تأکید هم استفاده می شود، به همین دلیل به آنها «ضمائر تأکیدی» نیز می گویند:

I repaired my bicycle myself. خودم دوچرخه ام را تعمیر کردم.

I'm not going to do it for you. You can do it yourself.

A friend of mine is getting married.

Michael had an argument with a neighbor of his.

That woman over there is a friend of my sister's. آن زن یکی از دوستان خواهرم است.

Vicky and George would like to have their own house.

(وقتی می‌گوییم my own house یعنی «خانه‌ای که فقط مال من است» نه آن را از کسی اجاره کرده‌ام و نه با کسی شریکیم.)

It's my own fault that I don't have any money.

نکته 5: وقتی که می‌خواهیم بگوییم کاری را خودمان انجام می‌دهیم نیز از own استفاده می‌کنیم:

Bill usually cuts his own hair.

نکته 6: عبارت on my own یا on your own و ... یعنی «به طور مستقل».

Are your children living on their own? آیا فرزندان شما مستقل زندگی می‌کنند؟

ضمایر تأکیدی و انعکاسی (ها)self)	کاربرد
myself, yourself, himself, , themselves	اگر فعل اصلی جمله حرکتی باشد اجازه به کار رفتن با حرف اضافه with را ندارند.
	همرا با حرف اضافه by به معنای «به تنهایی» می‌باشند. (by myself, by yourself, ...)

ضمایر موصولی*

کلماتی هستند که به جای اسم می‌نشینند و از تکرار آن جلوگیری می‌کنند. این نوع ضمایر وظیفه بزرگ دیگری نیز بر عهده دارند و آن متصل کردن دو جمله به هم می‌باشد، از این رو آنها را به نام «موصولی» می‌شناسیم.

who, whom, which, what, that, where, when, why

1. Ali found the missing kid.

2. Ali wore a blue shirt.

Ali who wore a blue shirt found the missing kid.

* در شماره 26 بخش گرامر از همین کتاب، به تفصیل به بحث جمله‌واره‌ها و کاربرد ضمایر موصولی پرداخته شده است.

ضمایر موصولی در یک نگاه

ضمایر موصولی در یک نگاه		کاربرد				
		می تواند قرار گیرند به جای	به عنوان فاعل	به عنوان مفعول	در عبارت معرف *	در عبارت غیر معرف (ویرگول دار)
Pronouns (ضمایر موصولی)	who	انسان ها، حیوانات	بله	بله	بله	بله
	whom	انسان ها	خیر	بله	بله	بله
	which	اشیا، حیوانات	بله	بله	بله	بله
	that	انسان ها، حیوانات، اشیا	بله	بله	بله	خیر
	whose	مالکیت ها، ارتباط ها	بله	بله	بله	بله
Nominal pronoun (ضمیر اسمی)	what	اشیا، عقاید (به معنای آنچه که)	بله	بله	بله	خیر
Adverbs (قیدهای موصولی)	where	مکان	بله	بله	بله	بله
	when	زمان	بله	بله	بله	بله
	why	دلیل یا علت	بله	بله	بله	بله
that می تواند به جای قیود موصولی هم قرار گیرد ولی به جای whose و what استفاده نمی شود.						نکات تکمیلی موصولی ها
با این که whom نقش مفعول انسانی دارد اما به کار بردن who به whom ارجحیت دارد.						
ضمایر موصولی who و that اجازه استفاده پس از یک حرف اضافه را ندارند.						
* عبارت معرف، بدل یا عطف بیان، اسم یا عبارتی اسمی است که در کنار اسم دیگری به توصیف و یا بیان مجدد آن می پردازد. بدل معمولاً با ویرگول، خط تیره و یا گروه همراه است. موارد مشخص شده در جملات ذیل، بدل هستند.						
Don't leave your shoes there, or my dog, <u>Ollie</u> , will munch them. Dr Pat, <u>the creator of the turnip brew</u> , sold 8 barrels on the first day.						

16- تطابق فعل و فاعل

- توجه داشته باشید که همه جمله‌ها باید فعل و فاعل داشته باشند. بنابراین همواره این دو نکته را چک کنید: 1. وجود فعل و فاعل 2. هماهنگی میان فعل و فاعل

Cars were backed up for miles on the freeway.

His money helps him in his life.

نکته 1: گاهی اوقات همراه فاعل یک بدل می‌آید که توضیحی اضافی راجع به فاعل است و بین دو ویرگول قرار گرفته است. در این موارد با حذف عبارت داخل ویرگول‌ها، مشکلی در جمله ایجاد نمی‌شود. تشخیص فاعل حقیقی در این جملات بسیار مهم است.

Dr Jackson, accompanied by his friend, **is working** on this project.

نکته 2: در جملاتی که فاعل آنها **it** یا **there** است، شکل فاعل وابسته به فاعل حقیقی است که در ادامه جمله ذکر می‌شود.

There **was** once a **king**.

There **are** many **people** in this room.

نکته 3: وقتی که فاعل عبارتی است که دال بر مقدار باشد (**all, most, some, half + of the + object**)، ممکن است فعل مفرد یا جمع بوده و باید به تطابق فعل با آن توجه شود.

All (of the book) **was** interesting. فاعل مفرد و فعل مفرد

All (of the books) **were** interesting. فاعل جمع و فعل جمع

All (of the information) **was** interesting. فاعل غیرقابل شمارش و با فعل مفرد

نکته 4: اگر چه ضمائر مبهم در ترجمه جمع هستند، همراه با این ضمائر از فعل مناسب سوم شخص مفرد استفاده می‌شود.

Anyone, everyone, someone, everybody, something, somebody, no one, what, nothing, whatever, neither, either, ...

Either of these houses **is** empty.

Anyone who **wants** to pass the exam should study hard.

نکته 5: هنگامی که دو فاعل با ترکیب **either ... or** یا **neither ... nor** به هم مرتبط شوند، فاعلی که به فعل جمله نزدیک‌تر است، فاعل حقیقی محسوب شده و فعل با آن مطابقت می‌کند.

Neither Ali nor **his brothers are** here.

Neither his brothers nor **Ali is** here.

نکته 6: برخی اسم‌ها اگر چه ظاهراً جمع هستند و به **S** ختم می‌شوند، اما در واقع مفرد محسوب شده و فعل بعد از آنها نیز به صورت مفرد به کار می‌رود. مانند:

Politics, Economics, Ethics, Physics, News, Diabetes, the United Nations, the Philippines, ...

Economics is not my favorite subject of interest.

17- تطابق اسم و ضمیر

همواره ضمیر به لحاظ جنیست و تعداد با اسمی که به آن برمی گردد باید مطابقت داشته باشد.

At the start of the program **each student** needs to see **his** behavior about **his** schedule.

Their house was small but **Jones family** lived there happily.

نکته 1: عبارت‌های مربوط به پول، زمان و فاصله، معمولاً با فعل مفرد به کار می‌روند.

Eight hours of sleep **is** enough.

Ten dollars is too much to pay.

Five thousands miles is too far to travel.

نکته 2: اسم‌هایی مانند people, police, cattle اگر چه در ظاهر مفرد هستند، اما در واقع جمع هستند.

The **people are** form Canada.

The **police have** arrived.

The **cattle are** grazing.

18- اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسم‌های قابل شمارش آنهایی هستند که:

1. می‌توان آنها را شمرد.

apple, pen, radio, book, picture, egg, bottle

2. هم به صورت مفرد به کار گرفته شوند و هم به صورت جمع.

a car, many cars

a book, three books, some books

3. در حالت مفرد حرف تعریف a یا an می‌گیرند.

a pen, an egg, an umbrella

اسم‌های غیرقابل شمارش آنهایی هستند که:

1. نمی‌توانیم آنها را بشمریم.

rice, coffee, candy, milk, water, salt, money, music, tennis, fruit, perfume

2. همیشه به شکل مفرد به کار می‌روند.

3. در شکل مفرد نمی‌توان آنها را با a یا an به کار برد، حتی اگر قبل از اسم یک صفت یا اسم باشد.

We had such nice weather during the picnic. (not such a nice weather)

4. می‌توانیم آنها را با کلماتی مانند ..., a lot of, no, any, some و همچنین a piece of, a pack of, a glass of, ... به کار ببریم.

a glass of water, a bottle of perfume, , a piece of advice, a pack of sugar (not two sugar or some sugars), ...

نکته 1: بسیاری از اسم‌ها را می‌توان هم به شکل قابل شمارش و هم غیرقابل شمارش مورد استفاده قرار داد و به مفهوم کلمه در جمله بستگی دارد. مثلاً مواد غذایی اگر به صورت کامل باشند، قابل شمارش‌اند، ولی اگر پخته شوند یا مقداری از آنها مورد نظر باشد، غیر قابل شمارش‌اند.

Look! The bakery has some nice cakes. (قابل شمارش)

Would you like a piece of cake? (غیرقابل شمارش)

نکته 2: بعضی از اسم‌ها که در زبان انگلیسی معمولاً غیرقابل شمارش هستند، در زبان‌های دیگر قابل شمارش محسوب می‌شوند:

advice, bread, furniture, luggage, progress, weather, baggage, chaos, news, luck, scenery, work, behavior, damage, permission, traffic, information, trouble, homework, money, ...

نکته 3: work غیرقابل شمارش است اما job قابل شمارش است. همچنین work در معنای آثار هنری قابل شمارش است.

I'm looking for work or I'm looking for a job.

Works of Picasso

19- شناسه‌های قبل از اسم، صفت یا قید

شناسه‌ها قبل از اسم قرار می‌گیرند و تعداد یا مقدار یا دیگر حالات اسم را مشخص می‌کنند.

any و some

از **some** در موارد ذیل استفاده می‌شود:

- به معنای «تعدادی، مقداری» هم با اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) به کار می‌رود:
I need some money.

- وقتی می‌خواهیم چیزی به کسی تعارف کنیم و یا از کسی تقاضایی داشته باشیم از **some** استفاده می‌کنیم.
Would you like some coffee?
Can I have some soup, please?

- از **some** در جملات مثبت و جملات سؤالی که مطمئن هستیم، پاسخ آن مثبت است استفاده می‌کنیم.
I have got some work to do.
Why do you have a stomachache? Did you eat some bad food?

از **any** در موارد ذیل استفاده می‌شود:

- از **any** در جملات منفی و سؤالی استفاده می‌کنیم.
There aren't any books in the bookstore.
Is there any cheese in the refrigerator?

- در جملات مثبتی که معنای منفی دارند نیز از **any** استفاده می‌کنیم.
She went out without any money.
He refused to eat anything.
Hardly anybody passed the examination.

- زمانی که می‌خواهیم بگوییم برایمان فرقی نمی‌کند، از **any/anything/anybody** استفاده می‌کنیم:
I'm so hungry, I could eat anything.
The exam was very easy. Anybody could have passed.

- اسم قابل شمارش بعد از **any** به صورت جمع به کار می‌رود، مگر در مواردی که **any** به معنای «هر» باشد، که در این صورت اسم قابل شمارش بعد از آن مفرد است.

There aren't any students in the class.
You can answer any question about math.

- اغلب اوقات بعد از **if** از **any** استفاده می‌کنیم. (یعنی در قسمت شرط از یک جمله شرطی)
Let me know if you need anything.

- در برخی جملات **any** مفهوم **if** دارد:

I'm sorry for any trouble I've caused. (= if I cause mistake.)

- some و any می‌توانند بدون اسم به کار روند:

I didn't take any pictures, but any took some.

You can have some coffee, but I didn't want any.

a lot of, lots of, plenty, many, much

- شناسه a lot of و lots of به معنای «تعداد یا مقدار زیادی» با هم فرقی ندارند، تنها تفاوت آنها این است که a lot of رسمی‌تر است. این شناسه‌ها هم با اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) به کار می‌روند.

We need a lot of/lots of eggs for this cake.

- شناسه plenty نیز به معنای «تعداد و مقدار زیادی» کاربردی مانند lots of و a lot of دارد، با این تفاوت که هر گاه بخواهیم بر زیاد بودن و بیش از حد بودن مقدار یا تعداد چیزی تأکید کنیم، از این شناسه استفاده می‌کنیم.

There's no need to hurry. We've got plenty of time. (نیازی به عجله نیست، زیاد وقت داریم.)

- معمولاً در جملات مثبت از a lot of/lots of و در جملات منفی و سؤالی از many و much استفاده می‌شود. (البته گاهی در جملات مثبت در زبان رسمی ممکن است به کار می‌روند.)

There was too much sugar in my tea.

- many (تعداد زیادی) با اسامی قابل شمارش (جمع) و much (مقدار زیادی) با اسامی غیر قابل شمارش (مفرد) به کار می‌رود.

I know a lot of people here.

I don't know many people here.

I don't have much energy these days.

- much و a lot را بدون اسم نیز به کار می‌بریم:

A: Do you watch TV much?

B: Yes, a lot.

a little, a few

- a little (مقداری، کمی) فقط با اسم‌های غیرقابل شمارش می‌آید. a little مقداری را نشان می‌دهد که خیلی کم است، اما برای رفع نیاز کافی است و little (کم، تقریباً هیچ) مقداری را نشان می‌دهد که خیلی کم است و برای رفع نیاز کافی نیست. در واقع a little حالت مثبت و little حالت منفی دارد.

A: Can we eat dinner before the train leaves?

B: Yes, we can. We have a little time. (کمی وقت داریم، برای این که ناهار بخوریم، کافی است.)

A: Can we eat dinner before the train leaves?

B: No, we can't. We have little time. (وقت نداریم یا وقت کم داریم برای این که ناهار بخوریم.)

- a few (تعدادی، چند تا) فقط با اسامی قابل شمارش می آید. a few حالت مثبت و few (تقریباً هیچ) حالت منفی دارد.

enough

- شناسه enough (تعداد یا مقدار کافی) قبل از اسامی قابل شمارش (جمع) و غیر قابل شمارش (مفرد) به کار می رود و دارای معنای مثبت است.

They have enough workers but they haven't enough time.

- enough همچنین بدون اسم و به تنهایی نیز به کار برده می شود:

I've got some money, but not enough to buy a car.

- enough بعد از صفت و قید هم می آید:

Can you hear the radio? Is it loud enough for you?

- زمانی که enough با اسم یا صفت به کار می رود، می توان جمله را با یک مصدر ادامه داد:

There aren't enough chairs for everybody to sit down.

too

- شناسه too به معنای (بیش از حد، خیلی زیاد) قبل از صفت یا قید به کار می رود و بار معنایی منفی دارد.

I think you work too hard.

- برای کم و زیاد کردن اثر too می توان کلماتی را قبل از too به کار برد:

much too, a lot too, a little too, a bit too, rather too, ...

- too much و too many به معنی «خیلی زیاد» هستند، ولی too much برای اسمهای غیر قابل شمارش می آید و too

many برای اسمهای قابل شمارش، همچنین too much نمی تواند قبل از صفت به کار رود.

Emily studies all the time. I think she studies too much.

There is too much rain. باران خیلی زیادی می بارد.

There are too many people here.

It's too expensive. (not it's too much expensive)

- معمولاً too به همراه یک صفت یا قید و یک مصدر به کار می رود.

The food was too hot to eat. غذا آن قدر داغ بود که نمی شد آن را خورد.

- همچنین می توان بعد از too و صفت، از حرف اضافه for و یک ضمیر مفعولی یا اسم استفاده کرد.

These shoes are too big for me. این کفشها برای من خیلی بزرگ هستند.

She speaks too fast for me to understand. او آنقدر تند حرف می‌زند که من نمی‌توانم حرف‌هایش را بفهمم.

- کاربرد too و very متفاوت است، چون very به معنای «خیلی» و too به معنای «بیش از حد» است.

It was very cold but we went out.

It was too cold, so we didn't go out.

all

- all به معنی «همه» قبل از اسامی قابل شمارش (جمع) و نیز غیر قابل شمارش (مفرد) به کار می‌رود.

All flowers need water.

Life is all hope.

- بعد از all می‌توان شناسه دیگری مانند that, these, his, my, the, ... و یا عدد نیز به کار برد.

All my shirts are black.

All four men are experienced workers.

در این حالات می‌توان حرف اضافه of را بعد از all اضافه کرد.

All of my shirts are black.

- اگر قبل از اسم یک عدد به کار رفته باشد به هنگام استفاده از of باید یک شناسه دیگر (the, these, ...) قبل از عدد به کار رود.

All of **the** four men are experienced workers.

- all را می‌توان بعد از ضمائر فاعلی به کار برد.

we all = all of us

- all معمولاً بعد از فعل be و همچنین بعد از اولین فعل کمکی می‌آید.

We **are** all going to Italy next month. همه ما ماه آینده به ایتالیا خواهیم رفت.

You **should** all do your homework by yourselves. همه شما باید تکالیفتان را به تنهایی انجام دهید.

- گاهی برای تأکید، all قبل از فعل کمکی به کار می‌رود.

You all should do your homework by yourselves.

- برای ساختن جملات منفی با all از ساختار not all (of) استفاده می‌کنیم.

Not all my friends were at the party. همه دوستانم در مهمانی نبودند (بعضی از آنها بودند).

نکته: all را به تنهایی به کار نمی‌بریم.

- همچنین از all به معنای «تنها چیز» هم استفاده می‌کنیم:

All I've eaten today is a sandwich.

whole

- whole به معنای «کامل، همه، تمام» است و اغلب با اسم‌های مفرد به کار می‌رود:

all day = the whole day (تمام روز)

Did you read the whole book?

نکته: whole را با اسم‌های غیرقابل شمارش به کار نمی‌بریم:

I've spent all the money you gave me. (whole money (نمی‌گوییم

most

- most به معنای «اغلب» قبل از اسامی قابل شمارش جمع و نیز غیر قابل شمارش مفرد به کار می‌رود. در این حالت در مورد چیز نامشخص و به صورت کلی صحبت می‌کنیم.

Most people prefer health to wealth.

Most teachers are kind and patient.

- اما اگر بخواهیم در مورد چیز مشخصی صحبت کنیم، از most of به اضافه یک شناسه استفاده می‌کنیم.

Most of the people in this town are educated.

- most به تنهایی نیز به کار می‌رود.

There are about fifty books in the bookcase. Most are biographies.

half

- half به معنای (نیمی از، نصف) معمولاً با the یا a/an آمده و بعد از آن اسم مفرد یا جمع به کار می‌رود.

Half the money = half of the money

Half an hour

نکته: استفاده از of بعد از half اختیاری است.

no

- no به معنای «هیچ» قبل از اسامی قابل شمارش (جمع) و نیز غیر قابل شمارش (مفرد) به کار می‌رود.

- این کلمه و مشتقاتش (nothing, nowhere) در جملات مثبت می‌آیند و معنای جمله را منفی می‌کنند.

There are no students in the class.

- بعد از no می‌توان بعضی شناسه‌های دیگر را نیز استفاده کرد.

We have no more eggs. دیگر تخم مرغی نداریم.

none

- none به معنای (هیچ) معمولاً با of می‌آید. اگر بعد از none of اسم غیر قابل شمارش (مفرد) بیاید، فعل جمله مفرد و اگر بعد از none of اسم قابل شمارش (جمع) بیاید فعل می‌تواند جمع یا مفرد باشد. اما استفاده از فعل مفرد رسمی‌تر است.

- در پاسخ به سؤال معمولاً از none به تنهایی استفاده می‌شود. اما no هیچ گاه تنها به کار نمی‌رود.

How much money do you have? None = (no money)

both

- both به معنای «هر دو» فقط با اسامی قابل شمارش جمع می‌آید و برای صحبت در مورد دو شیء یا دو شخص به کار می‌رود. بنابراین فعل آن همیشه جمع است.

Rosemary has two children. Both are married.

Both girls=both the girls=both of the girls

- استفاده از both of رایج است، اما ضروری نیست.

Both my parents are from Iran.

نکته: آوردن of برای both قبل از "them/you/us" ضروری است:

Tiffany has two sisters. Both of them are married.

- both در ترکیب ... and ... both نیز به کار می‌رود.

Both Sara and Jane were late.

- both می‌تواند به تنهایی به کار رود.

I don't know which car to choose. I like both.

either, neither

- either به معنای «هر یک از دو، یکی از دو تا» و neither به معنای «هیچ یک از دو» فقط برای صحبت از دو شیء یا دو شخص به کار می‌روند.

- فقط با اسم قابل شمارش مفرد می‌آیند و فعل جمله نیز مفرد است. (مگر در صورت استفاده از of که فعل می‌تواند جمع هم باشد).

Either answer is correct. هر دو جواب درست است.

Neither answer is correct. هیچ کدام از دو جواب درست نیست.

Would you like tea or coffee? You can have either.

چای میل دارید یا قهوه؟ شما می‌توانید این یا آن را بخورید.

A: Do you want to go to the movies or the theater?

B: Neither. I want to stay home.

A: Do you want to go to the movies or the theater?

B: Either, it doesn't matter. این یا آن، برایم فرق نمی‌کند.

A: Would you like tea or coffee?

B: I don't want either. (neither نه این را می‌خواهیم نه آن را. (نگوییم

A: Would you like tea or coffee?

B: Neither. (= not tea or coffee) هیچ کدام

- بعد از either و neither از of نیز استفاده می‌شود. در این حالت بعد از of باید یک شناسه مانند the, these, my ... به کار برد و سپس اسم جمع می‌آید.

both of/neither of/either of + the/these/my/Tom's/you/them ...

Either of these answers. (هر یک از این دو جواب)

Can either of you speak Spanish?

نکته: در این حالت هم از فعل جمع و هم از فعل مفرد می‌توان استفاده کرد. با این حال بخاطر داشته باشید که استفاده از فعل مفرد در این موارد معمولاً جنبه رسمی دارد.

Neither of these answers are/is correct.

Neither of the restaurants we went was/ were expensive.

Neither restaurant is expensive.

- either و neither در ساختارهای either ... or ... و neither ... nor ... نیز به کار می‌روند.

I'm not sure. He's either Spanish or Italian. مطمئن نیستم، یا اسپانیایی است و یا ایرانی.

Neither Liz nor Robin came to the party. نه لیز به مهمانی آمد و نه رابین.

each

- each به معنای «هریک، هر کدام» قبل از اسم قابل شمارش مفرد به کار می‌رود و فعل بعد از آن نیز مفرد است.

Each room has a private bath. هر اتاق یک حمام خصوصی دارد.

- each با of نیز به کار می‌رود.

Each of the rooms has a private bath. هر کدام از اتاق‌ها حمام خصوصی دارد.

- each می‌تواند بعد از یک اسم یا ضمیر جمع نیز به کار رود. در این حالت از فعل جمع استفاده می‌شود.

We each have our own room. ما هر کدام اتاق خود را داریم.

- each می‌تواند به تنهایی نیز به کار رود.

- وقتی به تعداد کمی اسم مورد اشاره روبرو هستیم، از each استفاده می‌کنیم و وقتی تعداد زیاد باشد، every به کار می‌رود.
Each chair in the room, Every country in the world, ...

every

- every به معنای «هر-همه»، کلمه‌ای مفرد است و همیشه با اسم قابل شمارش مفرد می‌آید و فعل بعد از آن نیز مفرد است.

- every نمی‌تواند تنها به کار رود و همیشه باید همراه اسم باشد.

Alice has been to every country in Europe.

Every house on the street = all the houses on the street

Every house in the street **is** the same.

- everyone, everybody و everything نیز کلمات مفرد هستند و با فعل مفرد می‌آیند، اما اغلب بعد از everybody/everyone از their/them/they استفاده می‌کنیم:

Everybody said they enjoyed themselves. (he or she enjoyed himself or herself)

همه (هرکس) گفت که (از مهمانی) خوشش آمد.

نکته 1: وقتی می‌خواهیم بگوییم همه، که منظورمان «هرکس» و «تک تک افراد» است، از all استفاده نمی‌کنیم. بلکه everybody یا everyone را به کار می‌بریم:

Everybody enjoyed the party.

نکته 2: وقتی می‌خواهیم بگوییم «همه ما» از everybody of... استفاده نمی‌کنیم بلکه all of us/you/them... را به کار می‌بریم:

All of us enjoyed the party.

نکته 3: everyday به معنای «هر روز» اما all day به معنی «همه روز» است. این وضعیت برای every, every night, summer و ... و all summer, all right و ... نیز هست.

It rained everyday last week.

Yesterday, it rained all day.

نکته 4: بعضی اوقات می‌توانیم هم از all استفاده کنیم و هم از everything:

I'll do all I can to help.

I'll do everything I can to help.

نکته 5: همچنین استفاده از of برای all اختیاری است:

I don't want any of this money.

Some of these books are very old.

All the students in our class passed the exam.

❖ به طور کلی:

- برای اسامی که جنبه خاصی دارند و برای مخاطب آشنا هستند از ترکیب زیر استفاده می‌کنیم:

most		the
some	+ of +	this/that/these/those
any		my/your/...
none		

- برای اسامی که جنبه کلی دارد از قاعده زیر پیروی می‌کنیم:

all		cities
most		children
some	+	books
any		
no		

- همچنین all of/some of/none of/... + it/us/you/them

A: Do you like this music?

B: Some of it, not all of it.

other, another, each other, one

- other به معنای «دیگری» و جمع آن others است. اگر قبل از آن حرف تعریف the اضافه شود ضمیر معین است.

Asbestos protects other materials from fire. پنبه نسوز از مواد دیگر در برابر آتش محافظت می‌کند.

One type of asbestos is dangerous, the other type isn't dangerous.

یک نوع پنبه نسوز خطرناک هست، نوع دیگر آن خطرناک نیست.

- another به معنای «دیگری، آن یکی» و با اسامی قابل شمارش مفرد به کار می‌رود و قبل از آن حرف تعریف اضافه نمی‌شود.

We need to find another way.. ما باید راه دیگری (علاوه بر راه موجود) پیدا کنیم.

- one به معنای «یک، یکی، آن یکی» با اسم قابل شمارش مفرد می‌آید. جمع آن یعنی ones به جای اسامی جمع استفاده می‌شود.

The ones you love hurt you the most.

- each other به معنای «یکدیگر» است. این دو اصطلاح وقتی به کار می‌رود که کاری به صورت متقابل از دو طرف صورت گرفته باشد.

We've known each other for some years now.

My wife and I have lived with each other for 1 year.

نکته: از one another هم به جای each other استفاده می‌شود:

How long have you and Bill known one another?

so

- so قبل از صفت یا قید به کار رفته و معنای صفت (قید) را قوی‌تر می‌کند.

- so گاهی به معنای «خیلی، واقعاً» است.

The story was so stupid. (= really stupid)

و گاهی در معنای «آنقدر، اینقدر» می‌باشد.

I didn't expect the exam to be so easy. انتظار نداشتم امتحان آنقدر آسان باشد.

- اگر so در ساختار so + adj/adv + that clause باشد، یعنی بعد از that عبارتی به کار رفته باشد، so در معنای «آنقدر، به قدری» خواهد بود. ضمن این‌که کلمه that را نیز می‌توانیم حذف کنیم.

I was so tired (that) I fell asleep in the armchair.

such

- such قبل از صفت یا اسم به کار می‌رود و مانند so معنی صفت را تقویت می‌کند و همان معنای so را دارد.

It was such a stupid story.

- اگر اسم بعد از such مفرد و قابل شمارش باشد، بعد از such از a/an استفاده می‌شود و اگر اسم بعد از such جمع یا غیر قابل شمارش باشد از a/an استفاده نمی‌شود.

I didn't realize it was such an old house.

- اگر such در ساختار such + (a/an) + adj + noun + that clause باشد، یعنی بعد از that عبارتی به کار رفته باشد، such در معنای «چنین، چنان» خواهد بود. ضمن اینکه کلمه that را نیز می‌توانیم حذف کنیم.

It was such nice weather (that) we spent the whole day at the beach.

چنان هوای خوبی بود که کل روز را در ساحل گذرانیدیم.

- so و such در عبارات خاصی برای توصیف زمان، مسافت و مقدار یا تعداد به کار می‌روند.

so long = such a long time مدت‌ها

so far = such a long way آنقدر دور

so many = such a lot of آنقدر زیاد

so much = such a lot of آنقدر زیاد

Why did you buy such a lot of (so much) food?

جمع‌بندی شناسه‌های قبل از اسم، صفت یا قید

شناسه	کاربرد
any	1. جملات منفی یا سؤالی 2. جملات مثبت با معنای منفی 3. قسمت شرط از یک جمله شرطی 4. جمله مثبت به شرط داشتن معنای «فرقی نمی‌کند کدام» 5. اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) 6. در مواردی که any به معنای «هر» باشد، اسم قابل شمارش بعد از آن مفرد می‌تواند بدون اسم به کار رود.
some	1. جملات مثبت و خبری 2. در جملات سؤالی به شرطی که مطمئن باشیم پاسخ مثبت (بله) است و یا در حالت تعارف. 3. پیشنهاد یا تقاضا و اجازه استفاده 4. با اسامی قابل شمارش (جمع) و با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) 5. می‌تواند بدون اسم به کار رود.
a lot of	1. در جملات مثبت 2. اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) 3. a lot می‌تواند بدون اسم به کار رود.
lots of	1. در جملات مثبت 2. با اسامی قابل شمارش (جمع) و با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد)
plenty	1. تأکید بر بیش از حد بودن مقدار یا تعداد چیزی 2. با اسامی قابل شمارش (جمع) و با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد)
much	1. در جملات منفی و سؤالی 2. اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) 3. می‌تواند بدون اسم به کار رود.
many	1. در جملات منفی و سؤالی 2. اسامی قابل شمارش (جمع)
a few	1. حالت مثبت 2. اسامی قابل شمارش
a little	1. حالت مثبت 2. اسامی غیرقابل شمارش
enough	1. بعد از صفت و قید 2. اسامی قابل شمارش (جمع) و غیر قابل شمارش (مفرد) 3. می‌تواند بدون اسم به کار رود. 4. بعد از صفت و قید
too	1. قبل از صفت یا قید 2. به همراه یک صفت یا قید و یک مصدر 3. به همراه یک صفت و یک مصدر و for و ضمیر مفعولی یا اسم

every	<p>1. به معنای «هر»</p> <p>2. مفرد است، با اسم قابل شمارش مفرد و فعل بعد از آن نیز مفرد.</p> <p>3. به گروه یا مجموعه اشاره دارد.</p> <p>4. وقتی تعداد اسم مورد اشاره زیاد باشد به each ارجحیت دارد.</p> <p>5. نمی‌تواند به تنهایی به کار رود، حتماً باید همراه یک اسم باشد.</p>
each	<p>1. به معنای «هر»</p> <p>2. اسم قابل شمارش مفرد و فعل مفرد</p> <p>3. وقتی تعداد اسم مورد اشاره کم باشد به every ارجحیت دارد.</p> <p>4. می‌تواند به تنهایی و بدون همراهی با اسم به کار برده شود.</p> <p>5. بعد از اسم یا ضمیر جمع و فعل جمع</p>
none	<p>1. به جای اسم قرار می‌گیرد.</p> <p>2. معنای منفی دارد (هیچ، هیچ‌کس، هیچ‌کدام).</p> <p>3. به تنهایی نیز به کار می‌رود.</p>
both	<p>1. به معنای «هر دو» فقط با اسامی قابل شمارش جمع</p> <p>2. جمع است و فعل جمع می‌خواهد.</p> <p>3. به تنهایی نیز به کار می‌رود.</p> <p>4. both of + the/these/my/Tom's/you/them ...</p>
no	<p>1. به معنای «هیچ» قبل از اسامی قابل شمارش (جمع) و نیز غیر قابل شمارش (مفرد)</p> <p>2. این کلمه و مشتقاتش در جملات مثبت می‌آیند و معنای جمله را منفی می‌کنند.</p> <p>3. به تنهایی به کار نمی‌رود.</p>
all	<p>1. به معنی «همه» اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسم‌های غیر قابل شمارش (مفرد)</p> <p>2. all به همراه that, these, his, my, the, ... و یا عدد</p> <p>3. بعد از ضمائر فاعلی</p> <p>4. بعد از فعل be و همچنین بعد از اولین فعل</p> <p>5. برای تأکید، all قبل از فعل کمکی</p> <p>6. حالت منفی: not all (of)</p> <p>7. به تنهایی به کار نمی‌رود.</p> <p>8. به معنای «تنها چیز»</p>
whole	<p>1. به معنای «کامل، همه، تمام» است و اغلب با اسم‌های مفرد</p> <p>2. اسم‌های غیر قابل شمارش به کار نمی‌بریم.</p>
most	<p>1. به معنای «اغلب» قبل از اسامی قابل شمارش جمع و نیز غیر قابل شمارش مفرد</p> <p>2. در مورد چیز مشخصی most of</p> <p>3. به تنهایی نیز به کار می‌رود.</p>
half	<p>1. به معنای (نیمی از، نصف) معمولاً با the یا a/an آمده و بعد از آن اسم مفرد یا جمع</p> <p>2. استفاده از of بعد از half اختیاری است.</p>
either	<p>1. برای انتخاب یکی از دو تا گزینه</p> <p>2. با اسم قابل شمارش مفرد و فعل پس از آن نیز مفرد</p> <p>3. به معنای «یکی از دو تا، هر یک»</p> <p>4. either of + the/these/my/Tom's/you/them ...</p>

neither	<p>1. برای انتخاب نکردن هیچ یک از دو تا گزینه</p> <p>2. با اسم قابل شمارش مفرد و فعل پس از آن نیز مفرد</p> <p>3. به معنای «هیچ یک از دو تا»</p> <p>4. ... neither of + the/these/my/Tom's/you/them</p>
other	<p>1. به معنای «دیگری»</p> <p>2. جمع آن others</p> <p>2. اگر قبل از آنها حرف تعریف the اضافه شود ضمیر معین می‌باشد.</p>
another	<p>1. به معنای «دیگری، آن یکی»</p> <p>2. به جای اسامی قابل شمارش مفرد به کار می‌رود</p> <p>3. همراه حرف تعریف نمی‌آید.</p>
one	<p>1. به معنای «یک، یکی، آن یکی»</p> <p>2. به جای اسم قابل شمارش مفرد به کار می‌رود.</p> <p>3. جمع آن ones می‌باشد که به جای اسامی جمع استفاده می‌شود.</p>
so	<p>1. قبل از صفت یا قید</p> <p>2. به معنای «خیلی، واقعاً» یا «آنقدر، اینقدر»</p> <p>3. so + adj/adv + that clause</p>
such	<p>1. قبل از صفت یا اسم</p> <p>2. such + (a/an) + adj + noun + that clause</p>



MasterTest.ir

با عضویت در خبرنامه
مستر تست آخرین و
اخبار و اطلاعات
آزمون کارشناسی
ارشد به ایمیل شما
ارسال خواهد شد.

عضویت در خبرنامه مستر تست

➤ Exercises

Questions

1. A desert receives less than twenty-five of rainfall everyday.
 A. centimeter
 B. a centimeter
 C. centimeters
 D. of centimeters
2. of 212 degrees F. and freezes at 32 degrees F.
 a. Waters boils
 B. The waters boils
 C. Water boils
 D. Waters boil
3. It is generally believed that an M.B.A degree is good preparation for a career in
 A. a business
 B. business
 C. businesses
 D. one business
4. Fire-resistant materials are used to regard of modern aircraft in case of accidents.
 A. a damage to the passengers cabin
 B. that damage to the passenger cabin
 C. damage to the passenger cabin
 D. passenger's cabin damage
5. Hybrids have one more per plant than other varieties.
 A. corns
 B. ear of corn
 C. corn ears
 D. corn's ears
6. trees is a custom that many people engage in to celebrate Arbor Day.
 A. The plant
 B. Plant
 C. Planting
 D. To planting

7. migrate long distances is well documented.

- A. That is bird
- B. That birds
- C. Birds that
- D. It is that birds

8. In 1950 it was naively predicted that eight or ten computer would be sufficient to handle all of the scientific and business needs in the United States.

9. The religion attempts to clarify mankind's relationship with a superhuman power.

10. A space is the last frontier for man to conquer.

11. A progress has been made toward finding a cure for AIDS.

12. A few tiles on Skylab were the only equipments that failed to perform well in outer space.

13. Spell correctly is easy with the aid of a number of word processing programs for personal computers.

14. That it is the moon influences only one kind of tide is not generally known.

Answers

- 1. C
- 2. C
- 3. B
- 4. C
- 5. B
- 6. C
- 7. B
- 8. C (eight or ten computers)
- 9. A (religion)
- 10. A (space)
- 11. A (progress)
- 12. C (pieces of equipment)
- 13. A (Spelling or To spell)
- 14. A (it is should be omitted)

20- افعالی که to یا ing می‌گیرند.

- فعل بعد از افعال زیر به صورت to + فعل ساده (infinitive) می‌آید:

Agree	Forget	Prefer
Appear	Hesitate	Propose
Arrange	Hope	Pretend
Ask	Intend	Promise
Advise	Insist	Refuse
Claim	Learn	Seem
Consent	Manage	Suggest
Decide	Mean	Tend
Demand	Need	Threaten
Deserve	Offer	Urge
Expect	Plan	Wait
Fail	Prepare	Want

- I intend to inform you that we cannot approve your application.

- فعل بعد از افعال زیر به صورت اسم مصدر (ing + فعل ساده) می‌آید:

Admit	Forbid	
Appreciate	Forgive	Recommend
Avoid	Keep	Regard
Complete	Mention	Regret
Consider	Mind	Resist
Delay	Miss	Risk
Deny	Postpone	Stop
Discuss	Practice	Suggest
Enjoy	Prevent	Tolerate
Escape	Quit	Understand
Finish	Recall	

- I miss watching the news when I am traveling.

- بعد از افعالی مانند افعال زیر که حرف اضافه دارند، فعل ing دار خواهیم داشت:

Approve of	Forget about	Object to
Be better of	Get through	Think about
Can't/Couldn't/Wouldn't help	Insist on	Think of
Count on	Keep on	Depend on
Do not mind	Look forward to	

- We can't help wondering why she left.

➤ Exercises

Questions

1. One of the least effective ways of storing information is learning it.
 A. how repeat
 B. repeating
 C. to repeat
 D. repeat
2. Strauss finished two of his published compositions before his tenth birthday.
 A. written
 B. write
 C. to write
 D. writing
3. Many modern architects insist on materials native to the region that will blend into the surrounding landscape.
 A. use
 B. to use
 C. the use
 D. using
4. Representative democracy seemed evolve simultaneously during the eighteenth and nineteenth centuries in Britain, Europe and the United States.
 A B C
 D
5. Many people have stopped to smoke because they are afraid that it may be harmful to their health.
 A B C D
6. During Jackson's administration, those who did not approve of permit common people in the White House were shocked by the president's insistence that they be invited into the mansion.
 A B
 C D

Answers

1. C
2. D
3. D
4. A
5. B
6. B

21- صفت

- صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند. در زبان انگلیسی صفت پیش از موصوف آن آورده می‌شود. یک اسم می‌تواند یک یا چند صفت داشته باشد. ترتیب صفت‌ها در زبان انگلیسی به صورت ذیل است:

1. حروف تعریف: a/an/the
2. صفت‌های بیانگر کیفیت: good/nice/bad/ugly/...
3. صفت‌های بیانگر اندازه: ling/tall/short/...
4. صفت‌های بیانگر سن: old/young/...
5. صفت‌های بیانگر شکل: round/circular/...
6. صفت‌های بیانگر رنگ: blue/green/...
7. صفت‌های بیانگر وزن: heavy/light/...
8. صفت‌های بیانگر ملیت: Iranian/French/...
9. صفت‌های بیانگر جنس: wooden/silk/...

نکته: بعد از افعال حسی باید از صفت استفاده کنیم.

This food tastes delicious.
The children feel happy.
The weather became cold.

صفت‌های فاعلی و مفعولی

- از ریشه فعل به دو صورت می‌توان صفت ساخت:

1. صفت فاعلی با اضافه کردن ing
2. صفت مفعولی به صورت قسمت سوم فعل

Ali is shocked because the film is shocking. علی شوکه شده است، چون فیلم شوکه‌کننده است.

صفت‌های عالی و تفضیلی

- صفت تفضیلی برای مقایسه دو چیز همسان و صفت عالی برای برجسته کردن یکی از تعداد زیاد به کار می‌رود.

In my opinion, the most beautiful place in Oregon is Mount Hood.

The afternoon seminar was much more interesting than the morning lecture

- صفت تفضیلی از اضافه شدن er به صفت کوتاه و more به صفت طولانی (دارای بیش از یک سیلاب) بدست می‌آید. صفت عالی از اضافه شدن est به صفت کوتاه و most به صفت طولانی بدست می‌آید.

نکته 1: صفات دو سیلابی که به er, y, ly, ow, le ختم می‌شوند، با اضافه کردن er به صفت تفضیلی و با اضافه کردن est به صفت عالی تبدیل می‌شوند.

narrow → narrower
clever → the cleverest

نکته 2: در صفت‌هایی که به حروف بی‌صدا ختم می‌شوند و حرف قبل از حرف بی‌صدا، حرف صدادار باشد، حرف بی‌صدا تکرار می‌شود.

fat → fatter
big → the biggest

نکته 3: صفت‌هایی که به e ختم می‌شوند، فقط r یا st به انتهای آنها اضافه می‌شود.

late → later
nice → the nicest

than + صفت تفضیلی

the + صفت عالی + in/ of/ that

She always tries to do the best and most efficient job *that* she can do.

The quarterback on this year's football team is more versatile *than* the quarterback on last year's team.

Fashions this year are shorter and more colorful *than* they were last year.

- صفت‌های تفضیلی و عالی برخی از پرکاربردترین صفت‌های بی‌قاعده در زیر آمده است:

adjective	comparative	superlative
bad	worse	the worst
good	better	the best
far	farther further	the farthest the furthest
little	less	the least
many much	more	the most

صفت‌های تفضیلی مضاعف

- وقتی دو صفت تفضیلی همراه هم به کار می‌روند، صفت اول بیانگر علت و صفت دوم بیانگر نتیجه است:

The + er / more + (same structure), the + er / more + (same structure)

- The more you study during the semester, the less you have to study the week before exams.
- The louder he shouted, the less he convinced anyone.
- The more you practice speaking, the better you will do it.

22- قید

قید نحوه انجام یک عمل، کمیت، کیفیت و چگونگی آن را توصیف می‌کند. قیدها در زبان انگلیسی عموماً با اضافه کردن -ly به صفت ساخته می‌شوند.

- کاربردهای قید در جملات شامل موارد ذیل است:
1. توصیف فعل

او به سرعت می‌دود. He runs quickly.
قید فعل

2. توصیف صفت

من بسیار خوشحال هستم. I'm extremely happy.
صفت قید

3. توصیف اسم به همراه یک صفت

A well designed table
اسم صفت قید

نکته: برخی قیدها در وسط جمله به کار می‌روند و عمدتاً جای ثابتی دارند، برخی از این قیدها عبارتند از:

usually, often, always, seldom, sometimes, already, finally, just, probably, never, ever, ...
1. قبل از حال و گذشته ساده

Ali always comes late.

2. بعد از فعل be

Ali is always on time.

3. بین فعل کمکی و فعل اصلی

Does Ali always come on time?

We can always go to everywhere we want.

23- ساختارهای موازی

ساختارهای موازی با همسان کردن شکل کلمات تا حد امکان حاصل می‌شوند.

- حروف ربط *and, but, or* جهت مرتبط کردن عبارات همسان به کار می‌روند. بنابراین لازم است کلماتی که توسط این حروف به هم مرتبط می‌شوند دارای ساختار گرامری یکسانی باشند.

- She enjoys teaching *and* to write. (incorrect)
- She enjoys teaching and writing. (correct)
- Jane is young, enthusiastic, *and* she has talent. (incorrect)
- Jane is young, enthusiastic and talented. (correct)
- There are papers to file, reports to type, *and* letters should be answered. (incorrect)
- There are papers to file, reports to type, and letters to answer. (correct)
- I am here because I have to be *and* because I want. (incorrect)
- I am here because I have to be and because I want to be. (correct)

- حروف ربطی که به صورت دوتایی به کار می‌روند نیز نیازمند ساختارهای موازی هستند.

both and
 either or
 neither nor
 not only but also

- He is not *only* intelligent *but also* he is creative. (incorrect)
- He is not only intelligent but also creative. (correct)
- He wants *either* to go by train *or* going by plane. (incorrect)
- He wants either to go by train or to go by plane. (correct)
- You can graduate *either* at the end of the fall semester *or* you can graduate at the end of the spring semester. (incorrect)
- You can graduate either at the end of the fall semester or at the end of the spring semester. (correct)

- هنگامی که مقایسه صورت می‌گیرد، تفاوت‌ها و شباهت‌ها بیان می‌شود که این موارد باید ساختار موازی با هم داشته باشند.

same structure	more than -er than less than as as the same as similar to	same structure
----------------	--	----------------

- Music in your country is quite *similar to* my country. (incorrect)
- Music in your country is quite similar to music in my country. (correct)
- How to buy a used car can be as difficult as buying a new car. (incorrect)
- Buying a used car can be *as difficult as* buying a new car. (correct)

- How to buy a used car can be *as* difficult *as* how to buy a new car. (correct)
- You have *less* homework *than* them. (incorrect)
- You have less homework than they do. (correct)
- His research for the thesis was *more* useful *than* hers. (correct)

نکته: same و the same as معنای مشابهی دارند، با این تفاوت که the same as بین دو اسم که قرار است با هم مقایسه شوند به کار می‌رود، در حالی که the same بعد از دو اسمی که قرار است با هم مقایسه شوند، به کار می‌رود.

That car is almost the same as mine.

That car and mind are almost the same.

➤ Exercises

Questions

1. In a hot, sunny climate, man acclimatizes by eating less, drinking more liquids, wearing lighter clothing and

- A. skin changes that darken
- B. his skin is darken
- C. experiencing a darkening of the skin
- D. darkens his skin

2. Both historically and, Ontario is the heartland of Canada.

- A. in its geography
- B. geographically
- C. also its geography
- D. geography

3. The aims of the European Economic Community are to eliminate tariffs between

member countries; developing common policies for agriculture, labor, welfare, trade, and transportation; and to abolish trusts and cartels.

4. The cacao bean was cultivated by the Aztecs not only to drink but also using as currency.

Answers

- 1. C
- 2. B
- 3. B (to develop)
- 4. D (to use as currency)

24- قیود همسان کننده

- قیود همسان کننده به معنای «من هم همین طور» هستند و عبارتند از: *neither* و *so, too, either*.

- *so* و *too* در جمله های مثبت و *neither* و *either* در جملات منفی به کار می روند. به صورت خلاصه، فرمول به کار بردن این چهار قید به صورت زیر است:

در جملات مثبت	$\left\{ \begin{array}{l} \text{so do I} \\ \text{I do too} \end{array} \right.$
---------------	--

در جملات منفی	$\left\{ \begin{array}{l} \text{I don't either} \\ \text{Neither do I} \end{array} \right.$
---------------	---

He can drive, so can I.

She did her homework, I did too.

He can't drive, I can't either.

She didn't her homework, neither did I.

25- اسم‌های غیر قابل شمارش با عبارات توصیفی

- the با اسم‌های قابل شمارش یا اسم‌های غیر قابل شمارشی که با یک عبارت توصیفی آمده باشند، استفاده می‌شود.
- The poverty of people in the rural areas is not as visible as that of people in the city.
 - The work of many people made the project a success.
- no به معنای not any است، که می‌تواند با اسامی قابل شمارش مفرد یا جمع یا با اسامی غیر قابل شمارش به کار رود.
- No cheating will be tolerated.
 - Bill told me that he has no friends.
- almost all و most of the هر دو به معنی «همه به غیر از مقدار کمی» هستند. با این تفاوت که almost all مقدار بیشتری را شامل می‌شود.
- Almost all of the teachers at State University care about their students' progress.
 - Almost all teachers at State University care about their students' progress.
 - Most of the teachers at State University care about their students' progress.
 - Most teachers at State University care about their students' progress.
- وقتی دو اسم پشت سر هم می‌آیند، اسم اول در نقش صفت عمل کرده و اسم دوم را توصیف می‌کند.
- I forgot their telephone's number. (incorrect)
 - I forgot their telephone number. (correct)
 - May I borrow some notebook's paper? (incorrect)
 - May I borrow some notebook paper? (correct)
- نکته 1: در مواردی که دو اسم پشت سر هم می‌آیند و اسم اول نقش صفت را دارد، نمی‌توان به اسم اول، -s جمع اضافه کرد. در حقیقت -s جمع فقط به اسم دوم که موصوف است، اضافه کرد.
- two bus stops
- نکته 2: توجه داشته باشید که در مورد اسم‌های مرتبط با علوم و رشته‌های علمی نباید s مربوط به نام رشته را حذف کرد.
- two mathematics students
- نکته 3: به اسم اول، s مالکیت نیز نباید اضافه شود.
- a paper's tiger → a paper tiger
- در صفت‌های مرکب (hyphen) معمولاً بین بخش‌های مختلف از خط تیره استفاده می‌شود. دقت کنید که هیچ یک از اجزای صفت مرکب s جمع نمی‌گیرد.
- They have a four-months-old baby. (incorrect)
 - They have a four-month-old baby. (correct)
 - A two-doors car is cheaper than a four-doors model. (incorrect)
 - A two-door car is cheaper than a four-door model. (correct)

- so قبل از عبارت (adjective or adverb + that) به کار می رود. جمله‌واره (clause) so بیانگر علت و جمله‌واره that بیانگر نتیجه است.

- He is so slow that he never gets to class on time.
- Preparing frozen foods is so easy that anyone can do it.
- He drives so fast that no one likes to ride with him.

➤ Exercises

Questions

1. of Country-Western singers may be related to old English ballads.
 A. The music
 B. Music
 C. Their music
 D. Musics

2. At Woolworth's first five-and-ten-cent store, more than a dime.
 A. neither items cost
 B. items not cost
 C. items none costing
 D. no item costs

3. fuel that is used today is a chemical form of solar energy.
 A. Most of
 B. The most
 C. Most
 D. Almost the

4. is cheaper for students who maintain a B average because they are a better risk than average or below-average students.
 A. Automobile's insurance
 B. Insurance of automobiles
 C. Automobile insurance
 D. Insurance automobile

5. The evolution of vertebrates suggests development from a very simple heart in fish to a in man.
 A. four-chamber heart
 B. four-chambers heart
 C. four-chamber hearts
 D. four-chamber's heart

6. Oil paints are they have become the most popular painter's colors.
 A. so versatile and durable that
 B. so versatile and durable than
 C. such versatile and durable as
 D. such versatile and durable

7. Philosophy of the ancient Greeks has been preserved in the scholarly writing of Civilization.
 A B C D

8. Some religions have none deity but are philosophies that function instead of religions.
 A B C D

9. Almost the plants known to us are made up of a great many cells, specialized to perform different tasks.
 A B C D

10. Sex's education is instituted to help the student understand the process of maturation; to eliminate anxieties related to development, to learn values, and to prevent disease.
 A B C D

11. The MX is a four-stages rocket with an 8000-mile range, larger than that of the Minuteman. A B C D

12. By the mid-nineteenth century, land was such expensive in large cities that architects began to conserve space by designing skyscrapers.
 A B C D

Answers

1. A
2. D
3. C
4. C
5. A
6. A
7. A (The philosophy)
8. B (no)
9. A (Most of *or* Almost all of)
10. A (Sex education)
11. B (four-stage)
12. B (so expensive)

26- جمله‌واره‌ها

خیلی از جملات در انگلیسی دارای یک یا چند جمله‌واره یا شبه‌جمله (clause) هستند. جمله‌واره‌ها گروهی از کلمات هستند که دارای فاعل و فعل هستند. هر گاه با جمله‌واره‌ها مواجه شدید: 1. از وجود فعل و فاعل اطمینان حاصل کنید. 2. از درستی نحوه اتصال جمله‌واره‌ها مطمئن شوید.

✓ همان‌طور که می‌دانید جمله‌واره‌ها به سه گروه ساده، مرکب (compound) و ترکیبی یا همان (complex) تقسیم می‌شوند که در نوع دوم از کلمات **and, so, for, nor, or, but, yet** به عنوان حرف پیوند یا ربط‌دهنده استفاده می‌شود (برای سهولت در یادگیری می‌توانید **fan boys** که مخفف حروف اول ربط‌دهنده‌هاست را به خاطر بسپارید).

Clause + for + Clause
and
nor
but
or
yet
so

Tom is singing, and Paul is dancing.

Tom is tall, but Paul is short.

Tom must write the letter, or Paul will do it.

Tom told a joke, so Paul laughed.

Tom is tired, yet he is not going to sleep.

The missing wallet was found, but the cash and credit cards had been removed.

wallet فاعل اولین جمله‌واره، was found فعل اولین جمله‌واره

cash and credit cards فاعل دومین جمله‌واره، had been removed فعل دومین جمله‌واره

but اتصال دهنده دو جمله‌واره

✓ قیود ربط زمان و علت به دو شکل زیر جمله‌واره‌ها را به هم متصل می‌کنند.

زمان				جمله‌واره	
after	as soon as	once	when	as	now that (حالا که، اکنون که)
as	before	since	whenever	because	
as long as	by the time	until	while	inasmuch as (از آنجایی که)	since
subject + verb		قید ربط		subject + verb	
Teresa went inside		because		it was raining	
قید ربط		subject + verb		subject + verb	
Because		it was raining,		Teresa went inside.	

The mother is going to be quite upset with her son as long as he misbehaves so much.

mother فاعل اولین جمله‌واره، is going to be فعل اولین جمله‌واره

as long as قید ربط

he فاعل دومین جمله‌واره، misbehaves فعل دومین جمله‌واره

✓ جمله‌واره‌های قیدی علاوه بر زمان و علت، بر موارد دیگری نیز دلالت دارند که در جدول زیر معرفی شده است:

مکان	حالت	تضاد	شرط
where wherever	as in that	although even though though while whereas (در حالی که)	if in case provided (در صورتی که) providing unless whether
subject + verb he felt sick.	قید ربط even though	subject + verb Bob went to school	
subject + verb he went to school.	subject + verb Bob felt sick,	قید ربط Even though	

As the nurse already explained, all visitors must leave the hospital room now.

As قید ربط

nurse فاعل اولین جمله‌واره، explained فعل اولین جمله‌واره

visitors فاعل دومین جمله‌واره، must leave فعل دومین جمله‌واره

It is impossible to enter the program if you lack experience as a teacher.

It فاعل اولین جمله‌واره، is فعل اولین جمله‌واره

if قید ربط

you فاعل دومین جمله‌واره، lack فعل دومین جمله‌واره

✓ یک عبارت اسمی مجموعه‌ای از کلمات است که به جای یک اسم در جمله به کار می‌رود. یک عبارت اسمی با کلماتی

نظیر who – whom – what – where – when – whose – why و آغاز می‌شود که به آنها کلمات ربط (قیود

ربط) گفته می‌شود. عبارت اسمی می‌تواند به جای فاعل جمله، مفعول برای فعل و یا مفعول برای حرف اضافه به کار رود.

why where what when how	whatever whenever	whether if	that
عبارت اسمی به جای مفعول			
subject + verb I know	noun connector what	subject + verb you did.	
عبارت اسمی به جای فاعل			
noun connector What	subject + verb you did	verb was wrong.	

The schedule indicated if the team would be playing in the final game.

would be playing if the team would be playing in the final game

schedule فاعل عبارت اسمی، indicated فعل عبارت اسمی

if قید ربط

would be playing team فاعل فعل

Whether or not the new office would be built was to be determined at the meeting.

Whether or not the new office would be built

Whether or not قید ربط

office فاعل عبارت اسمی، would be built فعل عبارت اسمی

He always talked with whomever he pleased and wherever he wanted.

He فاعل، talked فعل

whomever he pleased+ wherever he wanted

whomever قید ربط

he فاعل فعل pleased

wherever قید ربط

he فاعل فعل wanted

✓ در برخی موارد کلمه ربط خود می تواند علاوه بر نقش ارتباط دهنده گی اش، فاعل عبارت اسمی هم باشد.

who whoever	what whatever	which whichever
عبارت اسمی به عنوان مفعول		
subject + verb I know	noun connector/subject What	verb happened.
عبارت اسمی به عنوان فاعل		
noun connector/subject What	verb happened	verb was wrong.

What was written in the letter angered him beyond belief.

What was written عبارت اسمی که فاعل جمله است.

What فاعل عبارت اسمی، was written فعل عبارت اسمی

angered فعل جمله

✓ عبارت توصیفی جهت توصیف یک اسم در جمله به کار می‌رود و چون نقش صفت دارد، بلافاصله پس از اسم آورده می‌شود.

whom (for people)	which (for things)	that (for people or things)
عبارت توصیفی برای مفعول		
subject + verb + object I like the book	adj connector which	subject + verb you recommended.
عبارت توصیفی برای فاعل		
subject The book	adj connector which	subject + verb you recommended
		verb was interesting.

The plane that he was scheduled to take to Hawaii was delayed.

plane فاعل جمله، was delayed فعل جمله
that he was scheduled to take to Hawaii عبارت توصیفی برای فاعل
that ضمیر موصولی
he فاعل عبارت توصیفی، was scheduled فعل عبارت توصیفی

I made an appointment with the doctor whom you recommended.

I فاعل جمله، made فعل جمله، appointment مفعول برای فعل، doctor مفعول برای حرف اضافه
whom you recommended عبارت توصیفی برای مفعول (doctor)
whom ضمیر موصولی
you فاعل عبارت توصیفی، recommended فعل عبارت توصیفی

خلاصه کردن جمله‌واره‌ها

- عبارت توصیفی می‌تواند به صورت خلاصه ظاهر شود. در این صورت ضمیر موصولی و فعل be که بلافاصله پس از آن می‌آید حذف می‌شود.

The letter ~~which was~~ written last week arrived today.

The letter written last week arrived today.

نکته 1: اگر جمله فعل be نداشته باشد، برای خلاصه کردن عبارت توصیفی کافی است که ضمیر موصولی را حذف کرده و فعل را به فرم ing تغییر دهید.

I don't understand the article ~~which~~ appears in today's paper.

I don't understand the article appearing in today's paper.

نکته 2: لازم به یادآوری است که همه عبارات توصیفی نمی‌توانند خلاصه شوند و تنها مواردی امکان خلاصه شدن دارند که بعد از ضمیر موصولی بلافاصله فعل آمده باشد.

The woman that I just met is the tour guide.

نکته 3: در صورتی که عبارتی توصیفی با کاما همراه باشد، شکل کوتاه شده آن می‌تواند علاوه بر آن گونه که گفته شد، در ابتدای جمله نیز ظاهر شود.

The White House, ~~which is~~ located in Washington, is the home of the president.

The White House, located in Washington, is the home of the president.

Located in Washington, the White House is the home of the president.

- عبارات قیدی نیز می‌توانند به صورت خلاصه ظاهر شوند، بدین صورت که قید ربط باقی مانده و فعل be و فاعل حذف می‌شود.

Although ~~he is~~ rather unwell, the speaker will take part in the seminar.

Although rather unwell, the speaker will take part in the seminar.

نکته 1: اگر فعل be در جمله وجود نداشت، جهت خلاصه کردن فاعل حذف شده و فعل به شکل ing تغییر پیدا می‌کند.

When ~~you give~~ your speech, you should speak loudly and distinctly.

When giving your speech, you should speak loudly and distinctly.

نکته 2: همه عبارت‌های قیدی امکان استفاده به شکل کوتاه شده را ندارند و برخی از آنها فقط در حالت جمله مجهول کوتاه می‌شوند:

	time	condition	contrast	place	manner
کاهش در جمله معلوم	after before since while when	if unless whether	although though		
کاهش در جمله مجهول	once until when whenever	if unless whether	although though	where wherever	as

If not completely satisfied, you can return the product to the manufacturer.

Once purchased, the swimsuits cannot be returned.

27- ساختارهای بدون فاعل

در برخی جملات یک جمله‌واره ابتدایی وجود دارد که باید فاعل جمله اصلی با فاعل آن جمله‌واره ابتدایی یکسان باشد. به عبارت دیگر جمله‌واره ابتدایی فاعل جمله اصلی را مورد تعریف قرار می‌دهد.

Looking at his watch, Mr.Jones got up and left.

در جمله فوق Looking at his watch، به عنوان جمله‌واره ابتدایی شناخته می‌شود و Mr.Jones فاعل جمله اصلی است، که فاعل هر دو جمله یکسان است.

و یا در جمله زیر John فاعل هر دو جمله ابتدایی و جمله اصلی است:

Compared to his father, John is a tall man.

به طور کلی ساختارهای بدون فاعل به دو شکل به کار می‌روند:

1. فعل + ing: بیان دو عمل که در یک لحظه و همزمان رخ داده باشند و فاعل هر دو یکسان باشد.

Brushing his teeth, he answered the phone.

2. قسمت سوم فعل + having: برای بیان دو عمل به کار می‌رود که فاعل هر دو یکسان بوده و در امتداد هم رخ داده باشند. یعنی بر خلاف حالت اول که شاهد همزمانی دو عمل بودیم، در حالت دوم شاهد توالی و به دنبال هم رخ دادن کارها هستیم.

Having bought the ticket, we entered into the stadium.

28- جابه‌جایی فعل و فاعل

1. بعد از عباراتی که مکان را بیان می‌کنند فعل و فاعل گاهی اوقات جابجا می‌شوند. این مورد ممکن است پس از یک واژه نظیر here, there, nowhere به کار رود.

There are the keys that I thought I lost.

Here is the book that you lent me.

Nowhere have I seen such beautiful weather.

- همچنین پس از عباراتی که با حرف اضافه، مکان را بیان می‌کنند، فعل و فاعل می‌توانند جابجا شوند.

In the closet are the clothes that you want.

Around the corner is Sam's house.

Beyond the mountains lies the town where you will live.

نکته: تنها در صورتی امکان جابجایی فعل و فاعل پس از عبارات بیان‌کننده مکان وجود دارد که وجود آن عبارت در جمله برای تکمیل شدن جمله ضروری باشد.

In the forest are many exotic birds.

In the forest I walked for many hours.

2 فعل و فاعل پس از برخی عبارات منفی نظیر no, not, never جابجا می‌شوند.

Not once did I miss a question.

Never has Mr. Jones taken a vacation.

At *no* time can the woman talk on the telephone.

- همچنین برخی کلمات نظیر hardly, barely, scarcely, only, rarely, seldom عمل می‌کنند. در صورتی که یکی از این کلمات در ابتدای جمله بیاید، فاعل و فعل جابجا می‌شوند.

Hardly ever does he take time off.

Only once did the manager issue overtime paychecks.

- وقتی یک عبارت منفی‌کننده پیش از فاعل و فعل در وسط جمله بیاید، فعل و فاعل جابجا می‌شود. این عبارت معمولاً کلمه neither و یا nor است.

I don't want to go, and *neither* does Tom.

The secretary is not attending the meeting, *nor* is her boss.

3. همچنین جابجایی فعل و فاعل در هنگام مقایسه نیز اتفاق می‌افتاد. اما باید توجه داشت در این موارد جابجایی فعل و فاعل یک الزام نیست و اختیاری است.

My sister spends *more* hours in the office *than* John.

My sister spends *more* hours in the office *than* John does.

My sister spends *more* hours in the office *than* does John.

4. در ساختارهای مشخصی که فعل کمکی had, should, were باشد و ربط‌دهنده شرطی if باشد، می‌توان if را حذف کرده و در این صورت فعل و فاعل را جابجا کرد.

If he had taken more time, the results would have been better.

Had he taken more time, the results would have been better.

I would help you if I were in a position to help.

I would help you were I in a position to help.

If you should arrive before 6:00, just give me a call.

Should you arrive before 6:00, just give me a call.

29- حروف تعریف

- حروف تعریف زبان انگلیسی عبارتند از the (حرف تعریف معین که برای اسم‌های شناخته شده اعم از مفرد و جمع به کار می‌رود.) و a/an (حروف تعریف نامعین که قبل از اسم‌های نامعین مفرد مورد استفاده قرار می‌گیرد).

The teachers who are teaching in this university are mostly Asian.

I need a new iron.

نکته 1: قبل از اسم‌های عام که به یک طبقه از افراد یا اشیاء اشاره می‌کنند، هرگز از حروف تعریف استفاده نمی‌شود.

Cats cannot fly.

Fruit is good for you.

نکته 2: قبل از اسم‌هایی که در جهان شناخته شده و یکتا هستند، همواره از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم. مانند the sun, the moon, ...

نکته 3: در هنگام به کار بردن عام یک اسم، هرگز از the استفاده نکنید.

Gold is a metal.

نکته 4: قبل از اسم راه‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها از the استفاده می‌شود.

the Caspian Sea, the Atlantic Ocean, ...

نکته 5: صفت‌هایی مانند poor, tall و ... را می‌توان به عنوان اسم به کار برد. در این حالت قبل از این صفات، از حرف تعریف the استفاده می‌شود.

The tall is my brother.

The poors need help.

نکته 6: قبل از صفت‌های عالی و اعداد ترتیبی از the استفاده می‌شود.

the fist, the best, the most, ...

نکته 7: قبل از روزهای هفته، ماه‌های سال و شماره سال‌ها، اسم اشخاص و نام کشورها، هرگز از the استفاده نکنید.

نکته 8: در نام برخی کشورهایی که دارای عبارت تعریف هستند، از the استفاده می‌شود.

~~the~~ Iran

the Islamic Republic of Iran

نکته 9: قبل از جهت‌های چهارگانه جغرافیایی از the استفاده می‌شود.

The North, the East, the West, the South

نکته 10: قبل از اسم افراد، از the استفاده نمی‌شود، مگر این که منظور اعضای یک خانواده باشد.

The Jacksons, ...

30- حروف اضافه

در جدول زیر، رایج‌ترین حروف اضافه‌ای که همراه با اسم و صفت مورد استفاده قرار می‌گیرند، آورده شده است:

<i>be absent from</i>	<i>be divorced from</i>	<i>be married to</i>
<i>be accused of</i>	<i>be done with</i>	object to
<i>be accustomed to</i>	dream of/about	<i>be opposed to</i>
<i>be acquainted with</i>	<i>be addressed in</i>	participate in
<i>be addicted to</i>	<i>be engaged in/to</i>	<i>be patient with</i>
<i>be afraid of</i>	<i>be envious of</i>	<i>be pleased with</i>
agree with	<i>be equipped with</i>	<i>be polite to</i>
<i>be angry at/with</i>	escape from	pray for
<i>be annoyed with/by</i>	excel in/at	<i>be prepared for</i>
apologize for	<i>be excited about</i>	prevent from
apply to/for	<i>be exhausted from</i>	prohibit from
approve of	excuse for	<i>be protected from</i>
argue with/about	<i>be exposed to</i>	<i>be proud of</i>
arrive in/at	<i>be faithful to</i>	provide with
<i>be associated with</i>	<i>be familiar with</i>	<i>be qualified for</i>
<i>be aware of</i>	feel like	recover from
believe in	fight for	<i>be related to</i>
blame for	<i>be filled with</i>	<i>be relevant to</i>
<i>be blessed with</i>	<i>be finished with</i>	rely (up) on
<i>be bored with/by</i>	<i>be fond of</i>	<i>be remembered for</i>
<i>be capable of</i>	forget about	rescue from
care about/for	forgive for	respond to
<i>be cluttered with</i>	<i>be friendly to/with</i>	<i>be responsible for</i>
<i>be committed to</i>	<i>be frightened of/by</i>	<i>be satisfied with</i>
compare to/with	<i>be furnished with</i>	<i>be scared of/by</i>
complain about/of	<i>be gone from</i>	stare at
<i>be composed of</i>	<i>be grateful to/for</i>	stop from
<i>be concerned about</i>	be guilty of	subscribe to
<i>be connected to</i>	hide from	substitute for
consist of	hope for	succeed in
<i>be content with</i>	<i>be innocent of</i>	take advantage of
contribute to	insist on	take care of
<i>be convinced of</i>	<i>be interested in</i>	talk about/of
<i>be coordinated with</i>	introduce to	<i>be terrified of/by</i>
count (up) on	<i>be involved in</i>	thank for
<i>be covered with</i>	<i>be jealous of</i>	think about/of
<i>be crowded with</i>	keep from	<i>be tired of/from</i>
decide (up) on	<i>be known for</i>	<i>be upset with</i>
be dedicated to	<i>be limited to</i>	<i>be used to</i>
depend on/upon	<i>be located in</i>	vote for
<i>be devoted to</i>	look forward to	be worried about
<i>be disappointed in/with</i>	<i>be made of/from</i>	
<i>be discriminated against</i>		
distinguish from		

31- تفاوت‌ها

تفاوت بین do و make

- make عمدتاً به معنی «ساختن»، «بنا کردن» یا «ایجاد کردن» به کار می‌رود. در حالی که do بیشتر به معنای «کامل کردن» یا «به انجام رساندن» استفاده می‌شود.

- She likes to make her own clothes.
- Would you like to make a cake for dessert?
- If you make a mistake, you should correct it.
- This morning she did all the dishes.
- The students are doing the assignments.
- The janitors did the work they were assigned.

- در ادامه تعدادی از عبارات پر کاربرد با do و make را ملاحظه می‌کنید:

make an attempt سعی کردن

make an offer پیشنهاد دادن

make a decision تصمیم گرفتن

make a discovering کشف کردن

make a profit نفع بردن

make a promise قول دادن

make an announcement اعلان کردن

make a mistake اشتباه کردن

do a favor لطف کردن

do homework تکلیف انجام دادن

do a paper مقاله نوشتن

do research تحقیق کردن

do the dishes ظرف‌ها را شستن

do the laundry خشکشویی کردن

do the work کار انجام دادن

تفاوت بین like, alike, unlike و dislike

- like و alike هر دو صفاتی هستند که به معنای «شبيه به» می باشند. alike تنها می تواند بعد از افعالی مانند are به کار رود، اما like صفتی است که باید حتماً قبل از یک اسم استفاده شود.

He doesn't look his brother.

He and his brother don't look alike.

Like (شبيه به) و unlike (متفات از) هر دو قبل از مفعول می آیند و در همه جای جمله حتی در آغاز آن هم می توانند استفاده شوند.

Like (دوست داشتن) و dislike (متنفر بودن) هر دو فعل هستند و قواعد مربوط به فعل در مورد آنها اعمال می شود.

تفاوت بین other, another و others

- برای اینکه تصمیم بگیرید که از کدام یک باید استفاده کنید نیاز است که ابتدا چند چیز را مد نظر قرار دهید: 1. کلمه مورد نظر جمع است یا مفرد 2. مشخص است یا نامشخص 3. صفت است یا ضمیر. به مثال های زیر دقت کنید:

- I have another book.
- I have another.
- I have the other book.
- I have the other.
- I have other books.
- I have others.
- I have the other books.
- I have the others.

تفاوت بین would rather و had better

had better و would rather از نظر معنی تفاوت اساسی با هم دارند.

- would rather به معنای «ترجیح دادن» و فاعل آن اصولاً I می باشد. فعل بعد از آن به صورت مصدر بدون to می آید و ترجیح دادن با آن را می توان با than کامل کرد.

I would rather go to a movie tonight.

I would rather go to a movie tonight than study grammar.

- شکل منفی این ساختار به صورت ذیل است:

I would rather not tell you.

نکته: در جمله ذیل می تواند study را به قرینه لفظی حذف نمود:

I'd rather study history than study biology.

I'd rather study history than biology.

- گذشته would rather به صورت قسمت سوم فعل + have + would rather است.

The movie was ok, but I would rather have gone to the concert last night.

- شکل استمراری would rather به صورت ing + فعل + be + would rather است.

- had better به معنای «بهتر است که...» و برای نصیحت کردن به فرد دیگر (عمدتاً ضمیر you) به کار می‌رود. فعل بعد از had better هم به صورت مصدر بدون to است.

You'd better take care of it.

- شکل منفی این ساختار به صورت ذیل است:

You'd better not go to the party tonight.

نکته: had better برای زمان‌های حال و آینده به کار می‌رود و گذشته ندارد.

➤ Exercises

Questions

- The buffalo and bison are like except for the size and shape of the head and shoulders.
A B C D
- Other interesting aspects of tachistopic training in recent years has been the new found use by professional teams.
A B C D
- Only about 3 percent of oil wells actually do a profit.
A B C D
- Dislike sumac with red berries, sumac with white berries is poisonous.
A B C D
- Pittsburg has reduced its smog by requiring more complete oxidation of fuel in cars, and others cities can do the same thing.
A B C D
- Alike all other mammals, dolphins have lings.
A B C D
- Up to World War II almost all important research in physics had made in universities, with only university funds for support.
A B C D
- Because the plan that was made yesterday is no longer feasible, the manager had to choose another alternatives.
A B C D
- Particles with unlike charges attract each other, while particles with alike charges repel each other.
A B C D
- One another surprising method of forest conservation controlled cutting of trees.
A B C D

Answers

- B (alike)
- A (another)
- D (make)
- A (unlike)

- 5. C (other)
- 6. A (like)
- 7. B (done)
- 8. D (alternative)
- 9. C (like)
- 10. A (another)

32- حشو (Redundancy)

- همواره صریح‌ترین و ساده‌ترین شکل یک جمله بر شکل پیچیده و نامفهوم آن ارجحیت دارد و کلمات و عبارات اضافی باید تا حد امکان حذف گردند (حشو):

- The disease was very serious in the nature of it. (incorrect)
- The disease was very serious. (correct)
- Mary had always behaved in a responsible manner. (incorrect)
- Mary had always behaved responsibly. (correct)

- از تکرار کلمات با معنی مشابه در یک جمله بپرهیزید.

- The money that I have is sufficient enough for my needs. (incorrect)
- The money that I have is sufficient for my needs. (correct)
- The class advanced forward rapidly. (incorrect)
- The class advanced rapidly. (correct)

- از آوردن همزمان یک اسم همراه با ضمیری که همان اسم را توصیف می‌کند در جایی که نیاز نیست، بپرهیزید:

- My sister she found a store that imported food from our country. (incorrect)
- My sister found a store that imported food from our country. (correct)

Questions

A. in a courteous manner
B. courteously
C. with courtesy in their manner
D. courteous

A. new innovations for
B. innovations in
C. newly approached
D. innovations newly approached in

A. any plant that it continues to grow
B. any plant it continuing to grow
C. any plant that continues to grow
D. any plant continuing growth

5. The idea of a submarine is an old ancient one, dating from as early as the fifteenth
A B C
century when Drebbel and Da Vinci made preliminary drawings.
D

6. Advertising it provides most of the income for magazines, newspapers, radio, and television in the United States today.

Answers

1. B
2. B
3. C
4. B (rapidly)
5. A (an old one *or* an ancient one)
6. A (it should be ommited)

بخش دوم: نحوه
پاسخ‌گویی به سؤالات
درک مطلب

عضویت در پیام‌رسان تلگرام

با عضویت در پیام‌رسان تلگرام مستر تست در کوتاه‌ترین زمان در جریان آخرین و اخبار و اطلاعات آزمون کارشناسی ارشد قرار بگیرید.



@mastertestbot

- درک مطلب از بخش‌های مهم زبان عمومی آزمون کارشناسی ارشد به شمار می‌آید. درک مطلب فرآیندی است که به استمرار و تمرین فراوان نیاز دارد و نمی‌توان با خواندن چند مهارت و تعداد کمی نمونه سؤال در آن متبحر شد.
- خود را مقید کنید که هر روز حداقل یک درک مطلب را حل کنید. استمرار در خواندن درک مطلب‌های مختلف به شما این توانایی را می‌دهد که بتوانید انواع مختلف تست‌ها را حل کنید. ما درک مطلب‌های متعددی را بر روی سایت قرار خواهیم داد تا بتواند نمونه خوبی برای شما باشد.
 - مشکلی که بسیاری در پاسخ دادن به سؤالات درک مطلب با آن مواجه می‌شوند، خستگی و عدم تمرکز کافی است. با متنوع خواندن و حل کردن درک مطلب‌های طولانی دامنه تمرکز خود را بالا ببرید.
 - گرچه دایره لغات نقش زیادی در پاسخگویی درست به سؤالات درک مطلب دارد، اما تنها عامل موفقیت نیست. با تمرین زیاد باید بتوانید معنای واژگان ناآشنا را حدس بزنید. حتی اگر حدس شما کاملاً درست نباشد به شما امکان می‌دهد خواندن متن را ادامه داده و به سؤالات پاسخ دهید.
 - در ابتدای پاسخگویی به سؤالات بخش، درک مطلب آنها را بر حسب دشواری و سادگی و میزان آشنایی شما با موضوع مطرح شده رده‌بندی کنید. خیلی سریع چند سطر اول درک مطلب‌های مختلف را مرور کنید و به ترتیب از ساده‌ترین متن شروع کنید تا با مشکل کمبود وقت روبرو نشوید.
 - عجله نکنید. شروع آهسته کاملاً طبیعی است. با خواندن چند جمله اول با متن آشنا می‌شوید و آنگاه سرعت خواندن شما بیشتر خواهد شد.
 - سعی نکنید چیزی را حفظ کنید. حفظ کردن وقت‌گیر است و فایده چندانی هم ندارد.

سؤالات درک مطلب

این گونه سؤالات درک مطلب به صورت یک متن نیم تا یک صفحه‌ای ارائه شده و در پایان سؤالاتی در مورد آن مطرح می‌گردد، این نوع سؤالات که بیشتر در آزمون تافل مشاهده می‌شود، در آزمون کارشناسی ارشد سال‌های مختلف مطرح گردیده است. برای پاسخگویی به این سؤالات راهنمایی‌های زیر را به کار ببندید:

- 1- درک مطلب‌ها را بوجه‌بندی کنید. برای هر یک از درک مطلب‌های ارائه شده زمانی در نظر بگیرید. از درک مطلب ساده‌تر شروع کنید و به ترتیب ادامه دهید.
- 2- در زمان مطالعه چند خط اول هر درک مطلب سعی کنید ایده اصلی متن را کنار آن بنویسید. اگر نتوانستید با چند خط اول متن ارتباط برقرار کنید ناامید نشوید. ممکن است در ادامه متن از سختی آن کاسته شود. بعد از خواندن چند سطر اول متن در حد یک تا دو دقیقه بقیه آن را مرور سریع کنید و به سراغ سؤال‌ها بروید. اگر تعداد سؤال‌ها زیاد بود، نیمی از آنها و اگر کم بود همه آنها را بخوانید و به سرعت موضوع کلی سؤال‌ها را در کنار آن بنویسید و یا دست کم زیر کلمات کلیدی سؤال خط بکشید.
- 3- به قیدها و کلمات ربط موجود در صورت سؤال توجه کنید. توجه به این کلمات و خط کشیدن زیر آن باعث می‌شود، معنای سؤال را اشتباه نفهمیم.

- 4- بعد از خواندن سؤالات به سراغ یافتن پاسخ آنها در متن بروید. توجه باشید باشید که در بیشتر موارد عین کلام داده شده در متن نیست و باید به دنبال معادل آنها باشید.
- 5- کلماتی که با حروف بزرگ نوشته شده‌اند اسامی خاص هستند و طبیعی است که شما معنای آنها را ندانید. پس بیهوده نگران نشوید!
- 6- در بسیاری موارد سؤالات به ترتیب پرسیده می‌شود. به این معنا که پاسخ سؤال 2 در متن قبل از پاسخ سؤال 3 است.
- 7- توجه داشته باشید که واژه following به معنای بعدی و preceding به معنای قبلی است.

➤ سؤالات چهارگزینه‌ای

سؤالات چهار گزینه‌ای معمولاً به این شکل طرح می‌شوند:

- یک گزینه کاملاً غلط، گزینه دوم نزدیک به درست ولی با کمی دقت به اشتباه بودن آن پی می‌بریم، گزینه بعدی بسیار نزدیک به درست که بیشتر دانشجویان تشویق می‌شوند که آن گزینه را انتخاب کنند و یک گزینه هم کاملاً درست است.
- از طرفی جواب درست یا state است، یعنی دقیقاً در متن آورده شده که کافی است با رجوع به متن جواب درست را پیدا کرد و یا imply می‌باشد، یعنی دقیقاً جواب درست هر سؤال در متن به راحتی دیده نمی‌شود و باید آن را استنباط کرد.
- برای درک کلی متن باید واژه‌های متن را حدس زد و نباید ترجمه لغت به لغت کرد بلکه باید مفهوم کلی پاراگراف را یک جا درک کرد. نویسنده در طرح سؤالات چهار گزینه‌ای از فاکتورهای زیادی استفاده می‌کند، مثلاً بازی با مترادف‌ها و متضادها، شکل‌های مختلف گرامری دو عبارت که دارای یک مفهوم هستند، بازی با ضمائر و غیره. این قبیل الگوها به طراح کمک می‌کند تا گزینه مناسبی را انتخاب کند.
- از طرفی وقتی می‌خواهیم متنی را بخوانیم و به سؤالات چهار گزینه‌ای پاسخ دهیم به شکل‌های متفاوتی عمل می‌کنیم، یکی از منطقی‌ترین راه‌ها برای کسانی که بهتر متن می‌خوانند این است که یک بار متن را بخوانند و به هنگام خواندن به مهم‌ترین جمله متن که نظر نویسنده نیز می‌باشد توجه کرده، آن را علامت بزنند و یا اطلاعاتی که در متن آمده مثل اشاره به تاریخ، محل، شخص، مکان و یا هر موضوع شاخص دیگری توجه داشته باشند و اگر در انتخاب گزینه‌ای شک کردند می‌توانند با skim یا scan جواب آن را در متن ببینند. skim یعنی سریع و سرسری نگاه کردن به موضوعی بدون دریافت اطلاعات و فقط یافتن یک رمز مثلاً دیدن اسم داوطلب در روزنامه بعد از اعلام نتایج امتحان، اما scan دقیق‌تر نگاه کردن به یک مطلب مثلاً تاریخ تولد فردی بین چندین تاریخی که در متن درج شده باشد.
- اما برای کسانی که متن انگلیسی زیاد نخوانده‌اند و یا به طور کلی در خواندن یک متن انگلیسی و درک مفهوم آن مشکل دارند، باید با در نظر گرفتن توانایی خود هر بار نوع خاصی را در خواندن هر قسمت امتحان کنند تا بهترین روش برای رویارویی با متون مختلف را بیابند؛ مثلاً می‌توان به سؤالات نگاهی سریع انداخت تا حدود و نوع سؤال شناخته شود و بعد با skim یا scan به دنبال جواب رفت، در حالی که به فاکتورهای همراه کننده نویسنده نیز توجه کرد و یا یک پاراگراف خوانده شود و به سؤالات مربوط به آن پاراگراف جواب داد.
- به‌طور کلی بعضی از گزینه‌ها در سؤالات درک مطلب، بسیار غلط به نظر می‌رسند. مثلاً یا خیلی عمومیت داده شده‌اند یا بسیار خاص صحبت شده است. متن راجع به ماهی سفید صحبت می‌کند. در سؤال، گزینه all fish را داریم که واژه all عمومیت می‌دهد به همه ماهی‌ها و غلط است، و یا متن در خصوص گل‌ها صحبت می‌کند و گزینه only tulip شروع

شده که فقط به گل لاله اشاره می‌کند. بنابراین هر واژه‌ای مثل all و only معمولاً طرح یک گزینه غلط را نشان می‌دهد و نیز اگر بتوانیم تشخیص دهیم که متن چه نوع پاراگرافی را مطرح می‌کند شاید به انتخاب گزینه درست به ما کمک کند.

- تشخیص عنوان و موضوع متن (Main Idea Questions)

این سؤالات در مورد زمینه (theme) اصلی متن و موضوع اصلی که در متن مورد بحث قرار گرفته است، می‌باشند. این نوع سؤالات از نظر بیشتر آزمون‌دهندگان سؤالات سختی هستند. چند نمونه از سؤالاتی که ایده و موضوع اصلی متن را مورد پرسش قرار می‌دهند، عبارتند از:

- ✓ What does this passage mainly discuss?
- ✓ What is the main idea of this passage/article?
- ✓ What is the topic/subject of this passage?
- ✓ What would be a good title for this passage?
- ✓ The second paragraph is mainly concerned with

برای پاسخ دادن به چنین سؤالاتی، نکات زیر قابل ذکر است:

- * جملات آغازین هر پاراگراف و آخرین جمله متن محل قرار گرفتن «ایده یا موضوعات اصلی» متن می‌باشند.
- * معمولاً گزینه‌هایی که به ارائه حقایق آشکار و آمار می‌پردازند را می‌توان با آسودگی خاطر حذف کرد.
- * گزینه‌هایی که خیلی کلی یا جزئی بیان شده‌اند نیز غالباً گزینه موردنظر نیستند.
- * گزینه‌ای که کلمات و مفاهیم کلیدی ایده اصلی ارائه شده در متن را شامل می‌شود، می‌تواند گزینه صحیح باشد.

- سؤالات استنتاجی (Inference Questions)

سؤالات استنتاجی در ارتباط با حقایق آشکار و جلوی چشم در متن نیستند، بلکه این نوع سؤالات قدرت استنتاج و نتیجه‌گیری شما را درباره موضوعی براساس دیگر اطلاعات موجود در متن مورد آزمون قرار می‌دهند. گاهی در این سؤالات از شما خواسته می‌شود درباره نظرات نویسنده که در متن آمده‌اند، قضاوت کنید و یا اینکه حدس بزنید نویسنده چه نتایج دیگری ممکن است بگیرد. این سؤالات در زمره سخت‌ترین سؤالات درک مطلب قرار دارند. نمونه‌هایی از سؤالات استنتاجی عبارتند از:

- ✓ It can be inferred from the passage that
- ✓ What does the author mean by ...?
- ✓ Which of the following reveals the author's attitude towards ...?

برای پاسخ دادن به چنین سؤالاتی، نکات زیر قابل ذکر است:

- * در این گونه سؤالات باید به دنبال نشانه‌ها و شواهدی باشید که در یافتن پاسخ صحیح به شما کمک کنند.
- * در برخی مواقع به دست آوردن یک دید کلی از متن برای رسیدن به گزینه صحیح کافی است.

- سؤالات درباره حقایق موجود در متن (Factual Questions)

شاید این سؤالات ساده‌ترین نوع سؤالات درک مطلب باشند، اما پاسخ دادن به آنها کمی وقت‌گیر است. تنها کاری که لازم است انجام دهید این است که سؤال را بخوانید و با مراجعه به متن پاسخ سؤال را از میان گزینه‌های داده شده انتخاب کنید.

* در زمان خواندن سؤال، کلمات محتوایی مهم (اسم‌ها، افعال، صفات) و آمار و ارقام (تاریخ‌ها و ...) را مشخص کنید.

* یکی از انواع رایج سؤال درک مطلب مربوط به یافتن مرجع ضمیرها است. ضمائر ممکن است فاعلی، مفعولی، انعکاسی، اشاره و مبهم باشند. برای پیدا کردن مرجع ضمیرها ابتدا باید به معنای متن توجه کرد. در بیشتر موارد اولین اسمی که قبل از ضمیر به کار رفته و از نظر تعداد (جمع و مفرد) و جنس (مذکر و مؤنث) با آن مطابقت داشته باشد، مرجع آن ضمیر است.

* متن را به سرعت مرور کنید و به دنبال همان کلمات مهم (یا مترادف آنها) بگردید.

➤ سؤالات چند گزینه‌ای

- سؤالات چند گزینه‌ای تک جوابی (انتخاب از بین سه تا چهار گزینه)

- سؤالات چند گزینه‌ای چند جوابی (انتخاب بیش از یک گزینه از یک لیست گزینه‌ها)

سؤالات چند گزینه‌ای ممکن است موضوع اصلی و یا نقطه نظر نویسنده متن را مورد سؤال قرار دهند.

در حالت تک جوابی شما باید یکی از سه یا چهار گزینه داده شده که مورد نظر است را انتخاب کنید. در چند جوابی‌ها از بین حدود شش تا نه گزینه بین سه تا چهار گزینه درست بر اساس اطلاعات داده شده در متن انتخاب می‌شوند. در این موارد ترتیب پاسخ‌ها مهم نیست.

➤ سؤالات کوتاه پاسخ

ترتیب عناصر درون متن است. اما پاسخ‌ها الزاماً از ترتیب خاصی برخوردار نیستند. برای حل کردن این گونه سؤالات باید به کلمات کلیدی صورت سؤال توجه کنید و در متن آن را جستجو و پیدا کنید. اکثر کتاب‌های مرجع توصیه می‌کنند که ابتدا سؤال‌ها را بخوانید و بعد در متن دنبال جواب بگردید.

➤ سؤالات کامل کردنی

سؤالات کامل کردن جمله یا خلاصه متن اطلاعات کلیدی بخش یا تمام متن را مورد توجه قرار می‌دهد. دو نوع سؤال کامل کردنی رایج است. کامل کردن جمله یا خلاصه متن با کلماتی که مستقیماً توسط دانشجو از درون متن انتخاب می‌شود و نوع دیگر که با استفاده از کلماتی که در یک فهرست داده شده است به انتخاب می‌زند.

➤ سؤالات جورکردنی

سؤالات جورکردنی تنوع زیادی دارند. ممکن است در این گونه از سؤالات بخواهند که اطلاعات تصویری یا متنی را با اطلاعات داده شده در ستون دیگر مرتبط کنید. در سؤالات جورکردنی یک گزینه می‌تواند چند بار مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از انواع مهم سؤالات جورکردنی سؤالات list of heading است. در این گونه سؤالات ابتدا فهرستی از عنوان‌ها داده می‌شود، سپس از شما خواسته می‌شود با استفاده از عنوان‌های داده شده در فهرست، برای هر پاراگراف عنوان مناسبی بیابید. در این گونه از سؤالات که بسیار پرکاربرد است، ابتدا ترجمه فارسی عناوین را جلوی آنها بنویسید. آن گاه با خواندن جملات اول هر پاراگراف می‌توانید عنوان مناسب را پیدا کنید. اگر بین دو پاراگراف شک داشتید پاراگراف‌ها را به طور کامل بخوانید تا عنوان مناسب هر کدام مشخص شود.

➤ سوالات درست/غلط/داده نشده

در این گونه سوالات متنی داده می‌شود و سپس گزاره‌ای مطرح می‌شود و سؤال این است که آیا این گزاره درست است/غلط است/ یا در متن چیزی در این مورد گفته نشده است.

در پاسخ دهی به این سوالات توجه داشته باشید که تنها از اطلاعات داده شده در متن استفاده کنید و هرگز از اطلاعات و دانسته‌های خود استفاده نکنید.

انواع پاراگراف

یک نوشته براساس افکار نویسنده می‌تواند از یک پاراگراف و یا چند پاراگراف تشکیل شود که هر پاراگراف فکر جدیدی را بیان می‌کند و معمولاً خط اول یا خط آخر هر پاراگراف می‌تواند نظر اصلی نویسنده باشد، چون نویسنده می‌تواند به دو صورت فکر خود را به خواننده انتقال دهد. «کل به جزء» یا همان deductive که در خط اول موضوع اصلی پاراگراف توضیح داده می‌شود که این قسمت معمولاً «بهترین عنوان پاراگراف» هم نامیده می‌شود و یا «جزء به کل» یا به عبارتی inductive که نویسنده افکار و عقاید خود را در خط آخر هر پاراگراف جمع‌بندی می‌کند که می‌توان این قسمت را معمولاً (ایده اصلی نویسنده) هم نامید. به‌طور کلی می‌توان از پنج نوع پاراگراف صحبت کرد.

1. پاراگراف‌هایی که در آن نوعی تجزیه و تحلیل فکر نویسنده می‌باشد که در این نوع نوشته‌ها اصول کل به جز یا جز به کل رعایت می‌شود. وقتی می‌گوییم:

Oil is called black gold.

نویسنده بلافاصله در همان خط اول با خواننده خود ارتباط برقرار می‌کند و بعد با جملات دیگری بیشتر به تجزیه و تحلیل جمله اول می‌پردازد، ولی خواننده می‌داند راجع به چه چیزی صحبت می‌شود و یا نویسنده می‌تواند متن خود را این‌طور شروع کند:

It is very valuable in industry.

اما خواننده ابتدا متوجه موضوع اصلی پاراگراف نمی‌شود تا به آخر پاراگراف برسد.

2. پاراگراف‌هایی که چیزی توصیف می‌شود که معمولاً در همان ابتدای پاراگراف این تعریف دیده می‌شود.

An octopus appears to be just a huge head with eight long arms.

3. پاراگراف‌هایی که نوعی تضاد یا مقایسه را نشان می‌دهند که معمولاً در ابتدای پاراگراف این تضاد دیده می‌شود.

Discovery and invention are sometimes confused.

4. پاراگراف‌هایی که نوعی تعریف، توضیح و توصیف موضوعی باشد.

A pupil is one who is under the close supervision of a teacher.

«تعریف واژه pupil است.»

5. پاراگراف‌هایی که نوعی قیاس را انجام می‌دهد که بیشتر شفاف‌سازی یک موضوع می‌باشد.

The distinction between Newton's and Einstein's ideas about gravitation has sometimes been ...

چگونه معنای یک کلمه را حدس بزنیم؟

1- از طریق بیان مجدد و با استفاده از بعضی علائم. مثال:

Ali is loquacious.

معنی جمله فوق مشکل به نظر می رسد، اما اگر بگوییم:

Ali is loquacious, that is he talks too much.

با واژه هایی مانند that is و that is to say / be defined as / mean و توضیح بیشتر جمله اول متوجه می شوید که واژه loquacious به معنی وراج و پر حرف می باشد.

2- با استفاده از علائم و نشانه ها. مثال:

His skull broke (the bony part of the head that protects the brain).

3- با استفاده از ضمائر و مراجع آنها. مثال:

Seismologist is experimenting with a new device.

شاید معنی seismologist از جمله فوق به درستی مشخص نشود، اما در ادامه می گوییم:

He is person who can know where or even when an earthquake may happen

واژه he به seismologist اشاره می کند یعنی زلزله شناس.

4- آشنایی با واژه های تضاد به ما کمک می کند که معنی واژه ها را بهتر حدس بزنیم؛ مثلاً می دانیم but به معنی اما، نوعی تضاد را به وجود می آورد. وقتی می گوییم:

Ali is rude.

شاید در نگاه اول معنی rude مشخص نشود. ولی در ادامه:

Ali is rude, but Reza is polite.

واژه but کمک می کند که تضاد بین polite و rude را بیشتر بشناسیم و بهتر به معنی rude پی ببریم.

5- گاهی اوقات از mother tongue یا زبان مادری می توانیم بدون ترجمه واژه به معنی آن پی ببریم، در انگلیسی و فارسی واژه های زیر تقریباً به یک معنی هستند: calories , strategy , method.

6- گاهی اوقات می توان از حدس یا اطلاعات عمومی معنی واژه ای را در متن فهمید، مثال:

After a vaccination , you are immune to the disease for a number of years.

چون صحبت از واکسیناسیون شده پس واژه مصونیت در زیر تداعی می شود و احتمال می دهیم واژه immune به معنی مصونیت داشتن است. که حدس مان هم درست است.

7- گاهی اوقات یافتن فاعل جمله کمک می کند که جمله راحت تر ترجمه شود.

Not only physics but also chemistry are Mr. adams' son' interest.

فاعل جمله فوق پسر آقای آدامز می باشد.

8- گاهی اوقات توجه به افعال چند قسمتی و یا حرف اضافه و همچنین افعال جداسازی در جمله به درک مفهوم اصلی جمله کمک می‌کند. افعالی مانند keep in touch with و یا put up with باید با دقت در متن دیده شوند. حرف اضافه را در جمله زیر توجه کنید:

They try to weigh all the proper costs against.

واژه against حرف اضافه برای weigh می‌باشد (weigh against)، یعنی سبک و سنگین کردن .

9- بعضی از نقطه‌گذاری‌ها به ترجمه متن کمک می‌کنند. وقتی می‌گوییم:

Mr.Brown: I can do it.

ترجمه I در این جمله یعنی آقای براون می‌باشد.

یا اگر عبارت را بین دو خط تیره بگذاریم، یعنی تعریف واژه قبل از خود می‌باشد.

10- آشنایی با کلمات ربط نیز در شناختن کل جمله کمک خواهد کرد؛

مثلاً واژه‌های thus, therefore, hence, consequently, accordingly برای نتیجه‌گیری یک موضوع به کار می‌رود، که در درک مطلب می‌توان حدس زد که بعد از این واژه ها نویسنده نظر شخصی خود را بیان می‌کند.

و یا واژه‌هایی از قبیل however, unlike, yet, nevertheless, still, although, while, whereas, despite نشان‌دهنده نوعی تضاد در جمله می‌باشد که ضد و نقیض بودن دو چیز را نشان می‌دهد، و یا نویسنده برای توضیح بیشتر می‌تواند واژه‌هایی از قبیل and, and too, as well as, besides, moreover, furthermore, in addition to استفاده کند و یا حتی برای نشان دادن دوره‌هایی از زمان می‌توان از واژه‌هایی مانند as , when while, since, then, afterward, finally, at last استفاده کرد.

نمونه درک مطلب

Passage 1

In brief, the modern scientific method is an organized approach to explaining observed facts, with a model of nature, subject to the constraint that any proposed model must be testable and the provision that the model must be modified or discarded if it fails these tests.

In its most idealized form, the scientific method begins with a set of observed facts. A fact is supposed to be a statement that is objectively true. For example, we consider it a fact that the Sun rises each morning, that the planet Mars appeared in a particular place in our sky last night, and that the Earth rotates. Facts are not always **obvious**, as illustrated by the case of the Earth's rotation. For most of human history, the Earth was assumed to be stationary at the center of the universe. In addition, our interpretations of facts often are based on beliefs about the world that others might not share. For example, when we say that the Sun rises each morning, we assume that it is the same Sun day after day-an idea that might not have been accepted by ancient Egyptians, whose mythology held that the Sun died with every sunset and was reborn with every sunrise. Nevertheless, facts are the raw material that scientific models seek to explain, so it is important that scientists agree on the facts. In the context of science, a fact must therefore be something that anyone can verify for himself or herself, at least in principle.

Once the facts have been collected, a model can be proposed to explain them. A useful model must also make predictions that can be tested through further observations or experiments. Ptolemy's model of the universe was useful because it predicted future locations of the Sun, Moon, and planets in the sky. However, although the Ptolemaic model remained in use for nearly 1,500 years, eventually it became clear that its predictions didn't quite match actual observations -a key reason why the Earth-centered model of the universe finally was discarded.

In summary, the idealized scientific method proceeds as follows:

- Observation: The scientific method begins with the collection of a set of observed facts.
- Hypothesis: A model is proposed to explain the observed facts and to make new predictions. A proposed model is often called a hypothesis, which **essentially** means an educated guess.
- Further observations/ experiments: The model's predictions are tested through further observations or experiments. When a prediction is verified, we gain confidence that the model truly represents nature. When a prediction fails, we recognize that the model is **flawed**, and we therefore must refine or discard the model.
- Theory: A model must be continually challenged with new observations or experiments by many different scientists. A model achieves the status of a scientific theory only after a broad range of its predictions has been repeatedly verified. Note that, while we can have great confidence that a scientific theory truly represents nature, we can never prove a theory to be true beyond all doubt. Therefore, even well-established theories must be subject to continuing challenges through further observations and experiments.

In reality, scientific discoveries rarely are made by a process as mechanical as the idealized scientific method described here. For example, Johannes Kepler, who discovered the laws of

planetary motion in the early 1600s' tested his model against observations that had been made previously, rather than verifying new predictions based on his model. Moreover, like most scientific work, Kepler's work involved intuition, collaboration with others, moments of insight, and luck. Nevertheless, with hindsight we can look back at Kepler's theory and see that other scientists eventually made **plenty** of observations to verify the planetary positions predicted by his model. In that sense, the scientific method represents an ideal prescription for judging objectively whether a proposed model of nature is close to the truth.

1. The word obvious in paragraph 2 is closest in meaning to

- A) interesting
- B) clear
- C) simple
- D) correct

2. Why did the author give the example of the ancient Egyptians in paragraph 2?

- A) To explain the rotation of the earth and the sun
- b) To prove that facts may be interpreted differently across cultures
- C) To present the fact that can be verified by the reader
- D) To discard a model that was widely accepted

3. The word essentially in paragraph 4 is closest in meaning to

- A) obviously
- B) occasionally
- C) basically
- D) oddly

4. The word flawed in the passage is closest in meaning to

- A) not perfect
- B) not modern
- C) not routine
- D) not accepted

5. According to paragraph 3, why was the Ptolemaic model replaced?

- A) The model was not useful in forecasting the movement of the Sun.
- B) The predictions did not conform to observations of the universe.
- C) The Ptolemaic model had been in use for about 1,500 years.
- D) Most scientists believed that the Earth was the center of the universe.

6. According to paragraph 4, theories that are generally accepted

- A) must still be verified
- B) have several models
- C) can be unscientific
- D) are very simple

7. According to paragraph 5, what did Kepler do to verify his theory of planetary motion?

- A) He made predictions based on the model.
- B) He asked other scientists to make predictions.
- C) He used prior observations to test the model.
- D) He relied on insight to verify the theory.

8. The word plenty in the passage is closest in meaning to

- A) broad
- B) reliable
- C) detailed
- D) numerous

9. All of the following statements are part of a definition of the term fact EXCEPT

- A) A fact is objectively true.
- B) A fact can be verified.
- C) A fact may be interpreted.
- D) A fact must be comprehensible.

10. It may be concluded from information in this passage that a model

- A) does not always reflect observations
- B) is not subject to change like theories are
- C) is considered true without doubt
- D) does not require further experimentation

Passage 2

Each advance in microscopic technique has provided scientists with new perspective, on the function of living organisms and the nature of matter itself. The invention of the visible-light microscope late in the sixteenth century introduced a previously unknown realm of single-celled plants and animals. In the twentieth century, electron microscopes have provided direct views of viruses and **minuscule** surface structures. Now another type of microscope, one that utilizes X rays rather than light or electrons, offers a different way of examining tiny details; it should extend human perception still farther into the natural world.

The dream of building an X-ray microscope dates to 1895; its development, however, was virtually halted in the 1940's because the development of the electron microscope was progressing rapidly. During the 1940's electron microscopes routinely achieved resolution better than that possible with a visible-light microscope, while the performance of X-ray microscopes resisted improvement. In recent years, however, interest in X-ray microscopes has revived, largely because of advances such as the development of new sources of X-ray illumination. As a result, the brightness available today is millions of times that of X-ray tubes, which, for most of the century, were the only available sources of soft X-rays.

The new X-ray microscopes considerably improve on the resolution provided by optical microscopes. They can also be used to map the distribution of certain chemical elements. Some can form pictures in extremely short times; others hold the promise of special capabilities such as three-dimensional imaging. Unlike conventional electron microscopy, X-ray microscopy **enables** specimens to be kept in air and in water, which means that biological samples can be studied under conditions similar to their natural state. The illumination used, so-called soft X rays in the wavelength range of twenty to forty angstroms (an angstrom is one ten-billionth of a meter), is also sufficiently penetrating to image intact biological cells in many cases. Because of the wavelength of the X rays used, soft X-ray microscopes will never match the highest resolution possible with electron microscopes. **Rather**, their special properties will make possible investigations that will complement **those** performed with light- and electron-based instruments.

1. What does the passage mainly discuss?

- A) The detail seen through a microscope
- B) Sources of illumination for microscope
- C) A new kind of microscope
- D) Outdated microscopic techniques

2. According to the passage, the invention of the visible-light microscope allowed scientists to

- A) see viruses directly
- B) develop the electron microscope later on
- C) understand more about the distribution of the chemical elements
- D) discover single-celled plants and animals they had never seen before

3. The word minuscule in paragraph 1 is closest in meaning to

- A) circular
- B) dangerous
- C) complex
- D) tiny

4. The word it in paragraph 1 refers to

- A) a type of microscope
- B) human perception
- C) the natural world
- D) light

5. Why does the author mention the visible-light microscope in the first paragraph?

- A) To begin a discussion of sixteenth-century discoveries
- B) To put the X-ray microscope in a historical perspective
- C) To show how limited its uses are
- D) To explain how it functioned

6. Why did it take so long to develop the X-ray microscope?

- A) Funds for research were insufficient.
- B) The source of illumination was not bright enough until recently.
- C) Materials used to manufacture X-ray tubes were difficult to obtain.
- D) X-ray microscopes were too complicated to operate.

7. The word enables in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) constitutes
- B) specifies
- C) expands
- D) allows

8. The word Rather in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) significantly
- B) preferably
- C) somewhat
- D) instead

9. The word those in paragraph 3 refers to

- A) properties
- B) investigations
- C) microscopes
- D) X rays

10. Based on the information in the passage, what can be inferred about X-ray microscopes in the future?

- A) They will probably replace electron microscopes altogether.
- B) They will eventually be much cheaper to produce than they are now.
- C) They will provide information not available from other kinds of microscopes.
- D) They will eventually change the illumination range that they now use.

Passage 3

In the United States in the early 1800's, individual state governments had more **effect** on the economy than did the federal government. States chartered manufacturing, banking, mining, and transportation firms and participated in the construction of various internal improvements such as canals, turnpikes, and railroads. The states encouraged internal improvements in two **distinct** ways: first, by actually establishing state companies to build such improvements; second, by providing part of the capital for mixed public-private companies setting out to make a profit.

In the early nineteenth century, state governments also engaged in a surprisingly large amount of direct regulatory activity, including extensive licensing and inspection programs. Licensing targets reflected both similarities in and differences between the economy of the

nineteenth century and that of today: in the nineteenth century, state regulation through licensing fell especially on peddlers, innkeepers, and retail merchants of various kinds. The perishable commodities of trade generally came under state inspection, and such important frontier staples as lumber and gunpowder were also subject to state control. Finally, state governments experimented with direct labor and business regulation designed to help the individual laborer or consumer, including **setting** maximum limits on hours of work and restrictions on price-fixing by businesses.

Although the states dominated economic activity during this period, the federal government was not inactive. Its goals were the facilitation of western settlement and the development of native industries. Toward these **ends** the federal government pursued several courses of action. It established a national bank to stabilize banking activities in the country and, in part, to provide a supply of relatively easy money to the frontier, where it was greatly needed for settlement. It permitted access to public western lands on increasingly easy terms, culminating in the Homestead Act of 1862, by which title to land could be claimed on the basis of residence alone. Finally, it set up a system of tariffs that was basically protectionist in effect, although maneuvering for position by various regional interests produced frequent changes in tariff rates throughout the nineteenth century.

1. What does the passage mainly discuss?

- A) States' rights versus federal rights
- B) The participation of state governments in railroad, canal, and turnpike construction
- C) The roles of state and federal governments in the economy of the nineteenth century
- D) Regulatory activity by state Governments

2. The word effect in paragraph 1 is closest in meaning to

- A) value
- B) argument
- C) influence
- D) restraint

3. All of the following are mentioned in the passage as areas that involved state governments in the nineteenth century EXCEPT

- A) mining
- B) banking
- C) manufacturing
- D) higher education

4. The word distinct in paragraph 1 is closest in meaning to

- A) separate
- B) innovative
- C) alarming
- D) provocative

5. It can be inferred from the first paragraph that in the nineteenth century canals and railroads were

- A) built with money that came from the federal government
- B) much more expensive to build than they had been previously
- C) built predominantly in the western part of the country
- D) sometimes built in part by state companies

6. The regulatory activities of state governments included all of the following EXCEPT

- A) licensing of retail merchants
- B) inspecting materials used in turnpike maintenance
- C) imposing limits on price fixing
- D) control of lumber

7. The word setting in paragraph 2 is closest in meaning to

- A) discussing
- B) analyzing
- C) establishing
- D) avoiding

8. The word ends in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) benefits
- B) decisions
- C) services
- D) goals

9. According to the passage, which of the following is true of the Homestead Act of 1862?

- A) It made it increasingly possible for settlers to obtain land in the West.
- B) It was a law first passed by state governments in the West.
- C) It increased the money supply in the West.
- D) It established tariffs in a number of regions.

10. Which of the following activities was the responsibility of the federal government in the nineteenth century?

- A) Control of the manufacture of gunpowder
- B) Determining the conditions under which individuals worked
- C) Regulation of the supply of money
- D) Inspection of new homes built on western lands

Passage 4

Life originated in the early seas less than a billion years after the Earth was formed. Yet another three billion years were to pass before the first plants and animals appeared on the continents. Life's transition from the sea to the land was perhaps as much of an evolutionary challenge as was the genesis of life.

What forms of life were able to make such a **drastic** change in lifestyle? The traditional view of the first terrestrial organisms is based on megafossils — relatively large specimens of essentially whole plants and animals. Vascular plants, related to modern seed plants and ferns, left the first comprehensive megafossil record. Because of this, it has been commonly assumed that the sequence of terrestrialization reflected the evolution of modern terrestrial ecosystems. In this view, primitive vascular plants first colonized the margins of continental waters, followed by animals that fed on the plants, and lastly by animals that preyed on the plant-eaters. Moreover, the megafossils suggest that terrestrial life appeared and diversified explosively near the boundary between the Silurian and the Devonian periods, a little more than 400 million years ago.

Recently, however, paleontologists have been taking a closer look at the sediments below this Silurian-Devonian geological boundary. It turns out that some fossils can be **extracted** from these sediments by putting the rocks in an acid bath. The technique has uncovered new evidence from sediments that were deposited near the shores of the ancient oceans — plant microfossils and microscopic pieces of small animals. In many **instances** the specimens are less than one-tenth of a millimeter in diameter. Although **they** were **entombed** in the rocks for hundreds of millions of years, many of the fossils consist of the organic remains of the organism.

These newly discovered fossils have not only revealed the existence of previously unknown organisms, but have also pushed back these dates for the invasion of land by multicellular organisms. Our views about the nature of the early plant and animal communities are now being revised. And with those revisions come new speculations about the first terrestrial life-forms.

1. The word **drastic** in paragraph 2 is closest in meaning to

- A) widespread
- B) radical
- C) progressive
- D) risky

2. According to the theory that the author calls "the traditional view," what was the first form of life to appear on land?

- A) Bacteria
- B) Meat-eating animals
- C) Plant-eating animals
- D) Vascular plants

3. According to the passage, what happened about 400 million years ago?

- A) Many terrestrial life-forms died out.
- B) New life-forms on land developed at a rapid rate.
- C) The megafossils were destroyed by floods.
- D) Life began to develop in the ancient seas.

4. The word extracted in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) located
- B) preserved
- C) removed
- D) studied

5. What can be inferred from the passage about the fossils mentioned in paragraph 3?

- A) They have not been helpful in understanding the evolution of terrestrial life.
- B) They were found in approximately the same numbers as vascular plant fossils.
- C) They are older than the megafossils.
- D) They consist of modern life-forms.

6. The word instances in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) methods
- B) processes
- C) cases
- D) reasons

7. The word they in paragraph 3 refers to

- A) rocks
- B) shores
- C) oceans
- D) specimens

8. The word entombed in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) crushed
- B) trapped
- C) produced
- D) excavated

9. Which of the following resulted from the discovery of microscopic fossils?

- A) The time estimate for the first appearance of terrestrial life-forms was revised.
- B) Old techniques for analyzing fossils were found to have new uses.
- C) The origins of primitive sea life were explained.
- D) Assumptions about the locations of ancient seas were changed.

10. With which of the following conclusions would the author probably agree?

- A) The evolution of terrestrial life was as complicated as the origin of life itself.
- B) The discovery of microfossils supports the traditional view of how terrestrial life evolved.
- C) New species have appeared at the same rate over the course of the last 400 million years.
- D) The technology used by paleontologists is too primitive to make accurate determinations about ages of fossils.

Passage 5

What we today call American folk art was, indeed, art of, by, and for ordinary, everyday "folks" who, with increasing prosperity and leisure, created a market for an of all kinds, and especially for portraits. Citizens of prosperous, essentially middle-class republics — whether ancient Romans, seventeenth-century Dutch burghers, or nineteenth-century Americans — have always shown a **marked** taste for portraiture. Starting in the late eighteenth century, the United States contained increasing numbers of such people, and of the artists who could meet their demands.

The earliest American folk art portraits come, not surprisingly, from New. England — especially Connecticut and Massachusetts — for **this** was a wealthy and populous region and the center of a strong craft tradition. Within a few decades after the signing of the Declaration of Independence in 1776, the population was pushing westward, and portrait painters could be found at work in western New York, Ohio, Kentucky, Illinois, and Missouri. Midway through its first century as a nation, the United States' population had increased roughly five times, and eleven new states had been added to the original thirteen. During these years the demand for portraits grew and grew, eventually to be satisfied by the camera. In 1839 the **daguerreotype** was introduced to America, **ushering in** the age of photography, and within a generation the new invention put an end to the popularity of painted portraits. Once again an original portrait became a luxury, commissioned by the wealthy and **executed** by the professional.

But in the heyday of portrait painting — from the late eighteenth century until the 1850's — anyone with a modicum of artistic ability could become a limner, as such a portraitist was called. Local craftspeople — sign, coach, and house painters — began to paint portraits as a profitable sideline; sometimes a talented man or woman who began by **sketching** family members gained a local reputation and was besieged with requests for portraits; artists found it **worth their while** to pack their paints, canvases, and brushes and to travel the countryside, often combining house decorating with portrait painting.

1. In paragraph 1, the author mentions seventeenth-century Dutch burghers as an example of a group that

- A) consisted mainly of self-taught artists
- B) appreciated portraits
- C) influenced American folk art
- D) had little time for the arts

2. The word marked in paragraph 1 is closest in meaning to

- A) pronounced
- B) fortunate
- C) understandable
- D) mysterious

3. According to the passage, where were many of the first American folk art portraits painted?

- A) In western New York
- B) In Illinois and Missouri
- C) In Connecticut and Massachusetts
- D) In Ohio

4. The word this in paragraph 2 refers to

- A) a strong craft tradition
- B) American folk art
- C) New England
- D) western New York

5. How much did the population of the United States increase in the first fifty years following independence?

- A) It became three times larger.
- B) It became five times larger.
- C) It became eleven times larger.
- D) It became thirteen times larger.

6. The phrase ushering in in paragraph 2 is closest in meaning to

- A) beginning
- B) demanding
- C) publishing
- D) increasing

7. The relationship between the daguerreotype (paragraph 2) and the painted portrait is similar to the relationship between the automobile and the

- A) highway
- B) driver
- C) horse-drawn carriage
- D) engine

8. According to the passage, which of the following contributed to a decline in the demand for painted portraits?

- A) The lack of a strong craft tradition
- B) The westward migration of many painters
- C) The growing preference for landscape paintings
- D) The invention of the camera

9. The word executed in paragraph 2 is closest in meaning to

- A) sold
- B) requested
- C) admired
- D) created

10. The author implies that most limners

- A) received instruction from traveling teachers
- B) were women
- C) were from wealthy families
- D) had no formal art training

11. The word sketching in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) drawing
- B) hiring
- C) helping
- D) discussing

12. The phrase worth their while in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) essential
- B) educational
- C) profitable
- D) pleasurable

Passage 6

Smallpox was the first widespread disease ever to be eliminated by human intervention. A highly contagious viral disease, it was endemic in Europe, causing the deaths of millions of people until the development of the vaccination by Edward Jenner around 1800. In many non-European nations, it remained a dreaded, often fatal illness until very recently. Its victims suffered high fever, vomiting, and painful, itchy pustules, pus-filled skin eruptions that left pits or pockmark scars. In villages and cities all over the world, scarred people showed that they had survived smallpox.

In May 1966, the World Health Organization (WHO), an agency of the United Nations, was authorized to initiate a global campaign to eradicate smallpox. The goal was to eliminate the disease in one decade. At the time, the disease posed a serious **threat** to people in thirty nations.

More than 700 physicians, nurses, scientists, and other personnel from WHO joined about 200,000 health workers in the infected nations to battle the disease. Because similar projects for malaria and yellow fever had failed, few believed that a disease as widespread as smallpox could actually be eradicated, but eleven years after the initial organization of the anti-smallpox campaign, no cases were reported in the field.

The strategy that developed was to combat the disease at several levels. There was an education campaign, of course, so that the people in the threatened countries could be taught more about how the disease spread and become active participants in the fight against smallpox. Other strategies included not only providing mass vaccinations but also isolating patients with active smallpox in order to contain the spread of the disease, thus breaking the chain of human transmission. Monetary rewards for reporting smallpox assisted in motivating the public to aid health workers. One by one, each smallpox victim was sought out, removed from contact with others, and treated. At the same time, the entire village where the victim had lived was vaccinated.

By April of 1978, WHO officials announced that **they** had **isolated** the last known case of the disease, but health workers continued to search for new cases for two additional years to be completely sure. In May 1980, a formal statement was made to the global community. Today smallpox is no longer a threat to humanity. Routine vaccinations have been stopped worldwide.

1. Which of the following is the best title for the passage?

- A) The World Health Organization
- B) The Eradication of Smallpox
- C) Smallpox Vaccinations
- D) Infectious Diseases

2. The word threat in paragraph 2 could best be replaced by

- A) debate
- B) humiliation
- C) risk
- D) bother

3. According to the passage, what was the strategy used to eliminate the spread of smallpox?

- A) Vaccinations of entire villages
- B) Treatment of individual victims
- C) Isolation of victims and mass vaccinations
- D) Extensive reporting of outbreaks

4. The word They in paragraph 4 refers to

- A) years
- B) officials
- C) victims
- D) cases

5. The word **isolated** in paragraph 4 is closest in meaning to

- A) restored
- B) separated
- C) attended
- D) located

6. How was the public motivated to help the health workers?

- A) By educating them
- B) By rewarding them for reporting cases
- C) By isolating them from others
- D) By giving them vaccinations

7. Which one of the statements does NOT refer to smallpox?

- A) Previous projects had failed.
- B) People are no longer vaccinated for it.
- C) The World Health Organization mounted a worldwide campaign to eradicate the disease.
- D) It was a serious threat.

8. It can be inferred from the passage that

- A) no new cases of smallpox have been reported this year
- B) malaria and yellow fever have been reported this year
- C) smallpox victims no longer die when they contract the disease
- D) smallpox is not transmitted from one person to another

Passage 7

Precipitation, commonly referred to as rainfall, is a measure of the quantity of atmospheric water in the form of rain, hail, or snow that reaches the ground. The average annual precipitation over the whole of the United States is thirty-six inches per year. It should be understood, however, that all precipitation is not measured equally. For example, a foot of snow does not equal a foot of precipitation. According to the general formula for computing the precipitation of snowfall, ten inches of snow equals one inch of precipitation. In upper New York State, for example, where there is typically a large amount of snowfall every winter, a hundred inches of snow in one year would be recorded as only ten inches of precipitation. On the other hand, rain is rain. Forty inches of rain would be recorded as forty inches of precipitation. The total annual precipitation for an area with forty inches of rain and one hundred inches of snow would be recorded as fifty inches of precipitation.

The amount of precipitation that an area receives is a combined result of several factors, including location, altitude, **proximity to** the sea, and the direction of prevailing winds. Most of the precipitation in the United States is brought originally by prevailing winds from the Pacific Ocean, the Gulf, of Mexico, the Atlantic Ocean, and the Great Lakes. Because these prevailing winds generally come from the west, the Pacific Coast receives more annual precipitation than the Atlantic Coast. Along the Pacific Coast itself, however, altitude causes

some diversity in rainfall. The mountain ranges of the United States, especially the Rocky Mountain Range and the Appalachian Mountain Range, influence the amount of precipitation in the areas to the windward and leeward sides of these ranges. East of the Rocky Mountains, the annual precipitation is **substantially** less than that west of the Rocky Mountains. The precipitation north of the Appalachian Mountains averages 40 percent less than **that** south of the Appalachian Mountains. As air currents from the oceans move over land, the air must rise to pass over the mountains. The air cools, and the water that is held in the clouds falls as rain or snow on the ascending side of the mountains. The air, therefore, is much drier on the other side of the mountains.

1. What does this passage mainly discuss?

- A) Precipitation
- B) Snowfall
- C) New York State
- D) A general formula

2. Which of the following is another word that is often used in place of precipitation?

- A) Humidity
- B) Wetness
- C) Rainfall
- D) Rain-snow

3. The term *precipitation* includes

- A) only rainfall
- B) rain, hail, and snow
- C) rain, snow, and humidity
- D) rain, hail, and humidity

4. What is the average annual rainfall in inches in the United States?

- A) Thirty-six inches
- B) Thirty-eight inches
- C) Forty inches
- D) Forty-two inches

5. If a state has 40 inches of snow in a year, by how much does this increase the annual precipitation?

- A) By two feet
- B) By four inches
- C) By four feet
- D) By 40 inches

6. The phrase proximity to in paragraph 2 is closest in meaning to

- A) communication with
- B) dependence on
- C) nearness to
- D) similarity to

7. Where is the annual precipitation highest?

- A) The Atlantic Coast
- B) The Great Lakes
- C) The Gulf of Mexico
- D) The Pacific Coast

8. Which of the following was NOT mentioned as a factor in determining the amount of precipitation that an area will receive?

- A) Mountains
- B) Latitude
- C) The sea
- D) Wind

9. The word substantially in paragraph 2 could best be replaced by

- A) fundamentally
- B) slightly
- C) completely
- D) apparently

10. The word that in paragraph 2 refers to

- A) decreases
- B) precipitation
- C) areas
- D) mountain ranges

Passage 8

The Acacia, a genus of trees and shrubs of the mimosa family that originated in Australia, has long been used there in building simple mud and stick structures. The acacia is called a wattle in Australia, and the structures are said to be made of daub and wattle. The acacia is actually related to the family of plants known as legumes that includes peas, beans, lentils, peanuts, and pods with beanlike seeds. Some acacias actually produce edible crops. Other Acacia varieties are valued for the sticky resin, called gum Arabic or gum acacia, used widely in medicines, foods, and perfumes, for the dark dense wood prized for making pianos, or for the bark, rich in tannin, a dark, acidic substance used to cure the hides of animals, transforming them into leather.

Nearly five hundred species of *Acacia* have been analyzed, identified, categorized, and proven capable of survival in hot and generally arid parts of the world; however, only a dozen of the three hundred Australian varieties **thrive** in the southern United States. Most *acacia* imports are low spreading trees, but of **these**, only three flower, including the *Bailey Acacia* with fernlike silver leaves and small, fragrant flowers arranged in rounded clusters, the *Silver Waffle*, similar to the *Bailey Acacia*, which grows twice as high, and the squat *Sydney Golden Wattle*, bushy with broad, flat leaves, **showy** bright yellow blossoms, and sharp spined twigs. Another variety, the *Black Acacia*, also called the *Blackwood*, has dark green foliage and unobtrusive blossoms. Besides being a popular ornamental tree, the *Black Acacia* is considered valuable for its dark wood, which is used in making furniture, as well as highly prized musical instruments.

The *Acacia*'s unusual custom of blossoming in February has been commonly attributed to its Australian origins, as if the date and not the quality of light made the difference for a tree in its flowering cycle. In the Southern Hemisphere, the seasons are reversed, and February, which is wintertime in the United States, is summertime in Australia. Actually, however, the pale, yellow blossoms appear in August in Australia. Whether growing in the Northern or Southern Hemisphere, the lovely *acacia* blossoms in winter.

1. With which of the following topics is the passage primarily concerned?

- A) The *Black Acacia*
- B) Characteristics and varieties of the *Acacia*
- C) Australian varieties of the *Acacia*
- D) The use of *Acacia* wood in ornamental furniture

2. How many species of *Acacia* grow well in the southern United States?

- A) Five hundred
- B) Three hundred
- C) Twelve
- D) Three

3. The word thrive in paragraph 2 is closest in meaning to which of the following?

- A) grow well
- B) are found
- C) were planted
- D) can live

4. The word these in paragraph 2 refers to

- A) United States
- B) varieties
- C) species
- D) trees

5. According to this passage, the *Silver Wattle*

- A) is squat and bushy
- B) has unobtrusive blossoms
- C) is taller than the Bailey Acacia
- D) is used for making furniture

6. The word showy in paragraph 2 could best be replaced by

- A) strange
- B) elaborate
- C) huge
- D) fragile

7. Which of the following *Acacias* has the least colorful blossoms?

- A) *Bailey Acacia*
- B) *Sydney Golden Wattle*
- C) *Silver Wattle*
- D) *Black Acacia*

8. Which of the following would most probably be made from a *Black Acacia* tree?

- A) A flower arrangement
- B) A table
- C) A pie
- D) Paper

9. When do *Acacia* trees bloom in Australia?

- A) February
- B) Summer
- C) August
- D) Spring

Passage 9

In 1626, Peter Minuit, governor of the Dutch settlements in North America known as New Amsterdam, negotiated with Canarsee chiefs for the purchase of Manhattan Island for merchandise valued at sixty guilders or about \$24.12. He purchased the island for the Dutch West India Company.

The next year, Fort Amsterdam was built by the company at the extreme southern tip of the island. Because attempts to encourage Dutch immigration were not immediately successful, offers, generous by the standards of the era, were extended throughout Europe. Consequently, the settlement became the most **heterogeneous** of the North American colonies. By 1637, the fort had expanded into the village of New Amsterdam, other small communities had grown up around it, including New Haarlem and Stuyvesant's Bouwery, and New Amsterdam began to prosper, developing characteristics of religious and linguistic tolerance unusual for the times.

By 1643, it was reported that eighteen different languages could be heard in New Amsterdam alone.

Among the multilingual settlers was a large group of English colonists from Connecticut and Massachusetts who supported the English King's claim to all of New Netherlands set out in a charter that gave the territory to his brother James, Duke of York. In 1644, when the English sent a **formidable** fleet of warships into the New Amsterdam harbor, Dutch governor Peter Stuyvesant surrendered without resistance.

When the English acquired the island, the village of New Amsterdam was renamed New York in honor of the Duke. By the onset of the Revolution, New York City was already a bustling commercial center. After the war, **it** was selected as the first capital of the United States. Although the government was eventually moved, first to Philadelphia and then to Washington, D.C., New York maintained its status. It became a haven for pirates who conspired with leading merchants to exchange supplies for their ships in return for a share in the plunder. As a colony, New York exchanged many agricultural products for English manufactured goods. In addition, trade with the West Indies prospered. Three centuries after his initial trade with the Native Americans, Minuit's tiny investment was worth more than seven billion dollars.

1. Which of the following would be the best title for this passage?

- A) A History of New York City
- B) An Account of the Dutch Colonies
- C) A Biography of Peter Minuit
- D) The First Capital of the United States

2. What did the Native Americans receive in exchange for their island?

- A) Sixty Dutch guilders
- B) \$24.12 U.S.
- C) Goods and supplies
- D) Land in New Amsterdam

3. Where was New Amsterdam located?

- A) In Holland
- B) In North America
- C) On the island of Manhattan
- D) In India

4. What does the author mean by the statement "Because attempts to encourage Dutch immigration were not immediately successful, offers, generous, by the standards of the era, were extended throughout Europe"?

- A) Other Europeans were given opportunities to immigrate to the new world after a slow response by the Dutch.
- B) Since the Dutch immigration was so successful, opportunities were provided for the Europeans to immigrate to the new world also.
- C) The Dutch took advantage of opportunities to immigrate to Europe instead of to the new world.
- D) Immigration to the new world required that the Dutch and other Europeans wait until opportunities were available.

5. The word heterogeneous in paragraph 2 could best be replaced by

- A) liberal
- B) renowned
- C) diverse
- D) prosperous

6. Why were so many languages spoken in New Amsterdam?

- A) The Dutch West India Company was owned by England.
- B) The Dutch West India Company allowed freedom of speech.
- C) The Dutch West India Company recruited settlers from many different Countries in Europe.
- D) The Indians who lived there before the Dutch West India Company purchase spoke many languages.

7. The word formidable in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) powerful
- B) modem
- C) expensive
- D) unexpected

8. The word it in paragraph 4 refers to

- A) Revolution
- B) New York City
- C) the island
- D) the first capital

9. Which city was the first capital of the new United States?

- A) New Amsterdam
- B) New York
- C) Philadelphia
- D) Washington

10. On what date was Manhattan valued at \$7 billion?

- A) 1626
- B) 1726
- C) 1656
- D) 1926

Passage 10

Perhaps it was his own lack of adequate schooling that inspired Horace Mann to work so hard to accomplish the important reforms in education that he advocated. While he was still a boy, his father and older brother died, and he became responsible for supporting his family. Like most of the children in his town, he attended school only two or three months a year. Later, with the help of several teachers, he was able to study law and become a member of the Massachusetts bar, but he never forgot those early **struggles**.

While serving in the Massachusetts legislature, he signed an historic education bill that set up a state board of education. Without regret, he gave up his successful legal practice and political career to become the first secretary of the board. **There** he exercised an enormous influence during the critical period of reconstruction that brought into existence the American graded elementary school as a substitute for the older district school system. Under his leadership, the curriculum was restructured, the school year was increased to a minimum of six months, and mandatory schooling was extended to age sixteen. Other important reforms that came into existence under Mann's guidance included the establishment of state normal schools for teacher training, institutes for in service teacher education, and lyceums for adult education. He was also instrumental in improving salaries for teachers and creating school libraries.

Mann's ideas about school reform were developed and distributed in the twelve annual reports to the state of Massachusetts that he wrote during his tenure as secretary of education. Considered quite radical at the time, the Massachusetts reforms later served as a model for the nation's educational system. Mann was formally recognized as the father of public education.

During his lifetime, Horace Mann worked tirelessly to extend educational opportunities to agrarian families and the children of poor laborers. In one of his last speeches he summed up his philosophy of education and life: "Be ashamed to die until you have won some victory for humanity." Surely, his own life was an example of that philosophy.

1. Which of the following titles would best express the main topic of the passage?

- A) The Father of American Public Education
- B) Philosophy of Education
- C) The Massachusetts State Board of Education
- D) Politics of Educational Institutions

2. Why does the author mention Horace Mann's early life?

- A) As an example of the importance of an early education for success
- B) To make the biography more complete
- C) Because it served as the inspiration for his later work in education
- D) In tribute to the teachers who helped him succeed

3. The word struggles in paragraph 1 could best be replaced by

- A) valuable experiences
- B) happy situations
- C) influential people
- D) difficult times

4. The word there refers to

- A) the Massachusetts legislature
- B) the state board of education
- C) Mann's legal practice
- D) his political career

5. With which of the following statements would the author most probably agree?

- A) Horace Mann's influence on American education was very great.
- B) A small but important influence on American education was exerted by Horace Mann.
- C) Few educators fully understood Horace Mann's influence on American education.
- D) The influence on American education by Horace Mann was not accepted or appreciated.

6. Horace Mann advocated all of the following EXCEPT

- A) a state board of education
- B) a district school system
- C) classes for adults
- D) graded elementary schools

7. The reforms that Horace Mann achieved

- A) were not very radical for the time
- B) were used only by the state of Massachusetts
- C) were later adopted by the nation as a model
- D) were enforced by the Massachusetts bar

8. With which of the following statements would Horace Mann most probably agree?

- A) Think in new ways.
- B) Help others.
- C) Study as much as possible.
- D) Work hard.

Passage 11

Organic architecture—that is, natural architecture—may vary in concept and form, but it is always faithful to natural principles. The architect dedicated to the promulgation of organic architecture rejects outright all rules imposed by individual reference or mere aesthetics in order to remain true to the nature of the site, the materials, the purpose of the structure, and the people who will **ultimately** use it. If these natural principles are **upheld**, then a bank cannot be built to look like a Greek temple. Form does not follow function; rather, form and function are inseparably two aspects of the same phenomenon. In other words, a building should be inspired by nature's forms and constructed with materials that retain and respect the natural characteristics of the setting to create harmony between the structure and its natural environment. It should maximize people's contact with and utilization of the outdoors. Furthermore, the rule of functionalism is upheld; that is, the principle of excluding everything that serves no practical purpose.

Natural principles, then, are principles of design, not style, expressed by means and modes of construction that reflect unity, balance, proportion, rhythm, and scale. Like a sculptor, the organic architect views the site and materials as an innate form that develops organically from within. Truth in architecture results in a natural, spontaneous structure in total harmony with the setting. For the most part, these structures find their geometric shapes in the contours of the land and their colors in the surrounding palette of nature.

From the outside, an organic structure is so much a part of nature that it is often **obscured** by it. In other words, it may not be easy, or maybe not even possible, for the human eye to separate the artificial structure from the natural terrain. Natural light, air, and view permeate the whole structure, providing a sense of communication with the outdoors. From the inside, living spaces open into one another. The number of walls for separate rooms is reduced to a minimum, allowing the functional spaces to flow together. Moreover, the interiors are sparse. Organic architecture incorporates built-in architectural features such as benches and storage areas to take the place of furniture.

1. According to the passage, what is another name for organic architecture?

- A) Natural architecture
- B) Aesthetic architecture
- C) Principle architecture
- D) Varied architecture

2. The word ultimately in paragraph 1 could best be replaced by

- A) fortunately
- B) eventually
- C) supposedly
- D) obviously

3. The word **upheld** in paragraph 1 is closest in meaning to

- A) invalidated
- B) disputed
- C) promoted
- D) perceived

4. The following examples are all representative of natural architecture EXCEPT

- A) a bank that is built to look like a Greek temple
- B) a bank built so that the location is important to the structure
- C) a bank that is built to conform to the colors of the natural surroundings
- D) a bank that is built to be functional rather than beautiful

5. Why does the author compare an organic architect to a sculptor?

- A) To emphasize aesthetics
- B) To give an example of natural principles
- C) To make a point about the development of geometry
- D) To demonstrate the importance of style

6. The word **obscured** in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) difficult to see
- B) in high demand
- C) not very attractive
- D) mutually beneficial

7. With which of the following statements would the author most probably agree?

- A) Form follows function.
- B) Function follows form.
- C) Function is not important to form.
- D) Form and function are one.

8. Which of the following statements best describes the architect's view of nature?

- A) Nature should be conquered.
- B) Nature should not be considered.
- C) Nature should be respected.
- D) Nature should be improved.

Passage 12

Although its purpose and techniques were often magical, alchemy was, in many ways, the predecessor of the modern science of chemistry. The fundamental premise of alchemy derived from the best philosophical dogma and scientific practice of the time, and the majority of educated persons between 1400 and 1600 believed that alchemy had great merit.

The earliest **authentic** works on European alchemy are those of the English monk Roger Bacon and the German philosopher St. Albertus Magnus. In their treatises they maintained that

gold was the perfect metal and that inferior metals such as lead and mercury were removed by various degrees of imperfection from gold. They further asserted that these base metals could be transmuted to gold by blending them with a substance more perfect than gold. This elusive substance was referred to as the "philosopher's stone." The process was called transmutation.

Most of the early alchemists were artisans who were accustomed to keeping trade secrets and often resorted to **cryptic** terminology to record the progress of their work. The term sun was used for gold, moon for silver, and the five known planets for base metals. This convention of substituting symbolic language attracted some mystical philosophers who compared the search for the perfect metal with the struggle of humankind for the perfection of the soul. The philosophers began to use the artisan's terms in the mystical literature that they produced. Thus, by the fourteenth century, alchemy had developed two distinct groups of practitioners-the laboratory alchemist and the literary alchemist. Both groups of alchemists continued to work throughout the history of alchemy, but, of course, it was the literary alchemist who was more likely to produce a written record; therefore, much of what is known about the science of alchemy is derived from philosophers rather than from the alchemists who labored in laboratories.

Despite centuries of experimentation, laboratory alchemists failed to produce gold from other materials. However, they gained wide knowledge of chemical substances, discovered chemical properties, and invented many of the tools and techniques that are used by chemists today. Many laboratory alchemists earnestly devoted themselves to the scientific discovery of new compounds and reactions and, therefore, must be considered the legitimate forefathers of modern chemistry. They continued to call themselves alchemists, but they were becoming true chemists.

1. Which of the following is the main point of the passage?

- A) There were both laboratory and literary alchemists.
- B) Base metals can be transmuted to gold by blending them with a substance more perfect than gold.
- C) Roger Bacon and St. Albertus Magnus wrote about alchemy.
- D) Alchemy was the predecessor of modern chemistry.

2. The word authentic in paragraph 2 could best be replaced by

- A) valuable
- B) genuine
- C) complete
- D) comprehensible

3. According to the alchemists, what is the difference between base metals and gold?

- A) Perfection
- B) Chemical content
- C) Temperature
- D) Weight

4. According to the passage, what is the "philosopher's stone"?

- A) Lead that was mixed with gold
- B) An element that was never found
- C) Another name for alchemy
- D) A base metal

5. The word cryptic in paragraph 3 could be replaced by which of the following?

- A) scholarly
- B) secret
- C) foreign
- D) precise

6. In paragraph 3, the author suggests that we know about the history of alchemy because

..... .

- A) the laboratory alchemists kept secret notes
- B) the literary alchemists recorded it in writing
- C) the mystical philosophers were not able to hide the secrets of alchemy
- D) the historians were able to interpret the secret writings of the alchemists

7. Why did the early alchemists use the terms sun and moon?

- A) To keep the work secret
- B) To make the work more literary
- C) To attract philosophers
- D) To produce a written record

8. Who were the first alchemists?

- A) Chemists
- B) Writers
- C) Artisans
- D) Linguists

9. With which of the following statements would the author most probably agree?

- A) Alchemy must be considered a complete failure.
- B) Some very important scientific discoveries were made by alchemists.
- C) Most educated people dismissed alchemy during the time that it was practiced.
- D) The literary alchemists were more important than the laboratory alchemists

Passage 13

A geyser is the result of underground water under the combined conditions of high temperatures and increased pressure beneath the surface of the Earth. Since temperature rises about 1°F for every sixty feet under the Earth's surface, and pressure increases with depth, water that seeps down in cracks and fissures until **it** reaches very hot rocks in the Earth's interior becomes heated to a temperature of approximately 290°F.

Water under pressure can remain liquid at temperatures above its normal boiling point, but in a geyser, the weight of the water nearer the surface exerts so much pressure on the deeper water that the water at the bottom of the geyser reaches much higher temperatures than does the water at the top of the geyser. As the deep water becomes hotter, and consequently lighter, it suddenly rises to the surface and shoots out of the surface in the form of steam and hot water. In turn, the explosion agitates all the water in the geyser reservoir, creating further explosions. Immediately afterward, the water again flows into the underground reservoir, heating begins, and the process repeats itself.

In order to function, then, a geyser must have a source of heat, a reservoir where water can be stored until the temperature rises to an unstable point, an opening through which the hot water and steam can escape, and underground channels for resupplying water after an eruption.

Favorable conditions for geysers exist in regions of geologically recent volcanic activity, especially in areas of more than average precipitation. For the most part, geysers are located in three regions of the world: New Zealand, Iceland, and the Yellowstone National Park area of the United States. The most famous geyser in the world is Old Faithful in Yellowstone Park. Old Faithful erupts every hour, rising to a height of 125 to 170 feet and **expelling** more than ten thousand gallons during each eruption. Old Faithful earned its name because, unlike most geysers, it has never failed to erupt on schedule even once in eighty years of observation.

1. Which of the following is the main topic of the passage?

- A) The Old Faithful geyser in Yellowstone National Park
- B) The nature of geysers
- C) The ratio of temperature to pressure in underground water
- D) Regions of geologically recent volcanic Activity

2. In order for a geyser to erupt

- A) hot rocks must rise to the surface of the Earth
- B) water must flow underground
- C) it must be a warm day
- D) the earth must not be rugged or broken

3. The word it in paragraph 1 refers to

- A) water
- B) depth
- C) pressure
- D) surface

4. As depth increases

- A) pressure increases but temperature does not
- B) temperature increases but pressure does not
- C) both pressure and temperature increase
- D) neither pressure nor temperature increases

5. Why does the author mention New Zealand and Iceland in paragraph 4?

- A) To compare areas of high volcanic activity
- B) To describe the Yellowstone National Park
- C) To provide examples of areas where geysers are located
- D) To name the two regions where all geysers are found

6. How often does Old Faithful erupt?

- A) Every 10 minutes
- B) Every 60 minutes
- C) Every 125 minutes
- D) Every 170 minutes

7. The word expelling in paragraph 4 is closest in meaning to

- A) firing
- B) discharging
- C) supplying
- D) wasting

8. What does the author mean by the statement Old faithful earned its name because unlike most geysers, it has never failed to erupt on schedule even once in eighty years of observation?

- A) Old Faithful always erupts on schedule.
- B) Old Faithful is usually predictable.
- C) Old Faithful erupts predictably like other geysers.
- D) Old Faithful received its name because it has been observed for many years.

9. According to the passage, what is required for a geyser to function?

- A) A source of heat, a place for water to collect, an opening, and underground channels
- B) An active volcano nearby and a water reservoir
- C) Channels in the Earth and heavy rainfall
- D) Volcanic activity, underground channels, and steam

Passage 14

This question has often been posed: Why were the Wright brothers able to succeed in an effort at which so many others had failed? Many explanations have been mentioned, but three reasons are most often **cited**. First, they were a team. Both men worked congenially and cooperatively, read the same books, located and shared information, talked **incessantly** about the possibility of manned flight, and sewed as a consistent source of inspiration and encouragement to each other. Quite simply, two geniuses are better than one.

Both were glider pilots. Unlike some other engineers who experimented with the theories of flight, Oville and Wilbur Wright experienced the practical aspects of aerodynamics by building and flying in kites and gliders. Each craft they built was slightly superior to the last,

as they incorporated knowledge that they had gained from previous failures. They had realized from their experiments that the most serious challenge in manned flight would be stabilizing and maneuvering the aircraft once it was airborne. While others concentrated their efforts on the problem of achieving lift for take-off, the Wright brothers were focusing on developing a three-axis control for guiding their aircraft. By the time that the brothers started to build an airplane, they were already among the world's best glider pilots; they knew the problems of riding the air first hand.

In addition, the Wright brothers had designed more effective wings for the airplane than had been previously engineered. Using a wind tunnel, **they** tested more than two hundred different wing designs, recording the effects of slight variations in shape on the pressure of air on the wings. The data from these experiments allowed the Wright brothers to construct a superior wing for their aircraft.

In spite of these advantages, however, the Wright brothers might not have succeeded had they not been born at precisely the opportune moment in history. Attempts to achieve manned flight in the early nineteenth century were **doomed** because the steam engines that powered the aircrafts were too heavy in proportion to the power that they produced. But by the end of the nineteenth century, when the brothers were experimenting with engineering options, a relatively light internal combustion engine had already been invented, and they were able to bring the ratio of weight to power within acceptable limits for flight.

1. Which of the following is the main topic of the passage?

- A) The reasons why the Wright brothers succeeded in manned flight
- B) The advantage of the internal combustion engine in the Wright brothers' experiments
- C) The Wright brothers' experience as pilots
- D) The importance of gliders to the development of airplanes

2. The word cited in paragraph 1 is closest in meaning to which of the following?

- A) disregarded
- B) mentioned
- C) considered
- D) proven

3. The word incessantly paragraph 1 could best be replaced by which of the following?

- A) confidently
- B) intelligently
- C) constantly
- D) optimistically

4. What kind of experience did the Wright brothers have that distinguished them from their competitors?

- A) They were geniuses.
- B) They were glider pilots.
- C) They were engineers.
- D) They were inventors.

5. Why does the author suggest that the experiments with the wind tunnel were important?

- A) Because they allowed the Wright brothers to decrease the weight of their airplane to acceptable limits
- B) Because they resulted in a three-axis control for their airplane
- C) Because they were important in the refinement of the wings for their airplane
- D) Because they used the data to improve the engine for their airplane

6. The word they in paragraph 3 refers to

- A) the Wright brothers
- B) aircraft
- C) engines
- D) attempts

7. The word doomed in paragraph 4 is closest in meaning to

- A) destined to fail
- B) difficult to achieve
- C) taking a risk
- D) not well planned

8. In paragraph 4, the author suggests that the steam engines used in earlier aircraft had failed because

- A) They were too small to power a large plane.
- B) They were too light to generate enough power.
- C) They did not have internal combustion power.
- D) They did not have enough power to lift their own weight.

Passage 15

The Federal Reserve System, as an independent agency of the United States government, is charged with **overseeing** the national banking system. Since 1913 the Federal Reserve System, commonly called the Fed, has served as the central bank for the United States. The system consists of twelve District Reserve Banks and their branch offices, along with several committees and councils. All national commercial banks are required by law to be members of the Fed, and all deposit-taking institutions like credit unions are subject to regulation by the Fed regarding the amount of deposited funds that must be held in reserve and that by definition,

therefore, are not available for loans. The most powerful body is the seven-member Board of Governors in Washington, appointed by the President and **confirmed** by the Senate.

The System's primary function is to control monetary policy by influencing the cost and availability of money and credit through the purchase and sale of government **securities**. If the Federal Reserve provides too little money, interest rates tend to be high, borrowing is expensive, business activity slows down, unemployment goes up, and danger of recession is augmented. If there is too much money, interest rates decline, and borrowing can lead to excess demand, pushing up prices and fueling inflation.

The Fed has several responsibilities in addition to controlling the money supply. In collaboration with the U.S. Department of the Treasury, the Fed puts new coins and paper currency into circulation by issuing them to banks. It also supervises the activities of member banks abroad, and regulates certain aspects of international finance.

It has been said that the Federal Reserve is actually a fourth branch of the United States government because it is composed of national policy makers. However, in practice, the Federal Reserve does not stray from the financial policies established by the executive branch of the government. Although it is true that the Fed does not depend on Congress for budget allocations, and therefore is free from the partisan politics that influence most of the other governmental bodies, it is still responsible for frequent reports to the Congress on the conduct of monetary policies.

1. Which of the following is the most appropriate title for the passage?

- A) Banking
- B) The Federal Reserve System
- C) The Board of Governors
- D) Monetary Policies

2. The word overseeing in paragraph 1 is closest in meaning to

- A) supervising
- B) maintaining
- C) financing
- D) stimulating

3. The word confirmed in paragraph 1 could best be replaced by

- A) modified
- B) considered
- C) examined
- D) approved

4. According to the passage, the principal responsibility of the Federal Reserve System is

.....

- A) to borrow money
- B) to regulate monetary policies
- C) to print government securities
- D) to appoint the Board of Governors

5. The word securities in paragraph 2 is intended to mean

- A) debts
- B) bonds
- C) protection
- D) confidence

6. What happens when the Federal Reserve provides too little money?

- A) Demand for loans increases.
- B) Unemployment slows down.
- C) Interest rates go up.
- D) Businesses expand.

7. In paragraph 2, the author suggests that inflation is caused by

- A) high unemployment rates
- B) too much money in the economy
- C) very high fuel prices
- D) a limited supply of goods

8. What does the author mean by the statement "However in practice, the Federal Reserve does not stray from the financial policies established by the executive branch of the government"?

- A) The Fed is more powerful than the executive branch of the government.
- B) The policies of the Fed and those of the executive branch of the government are not the same.
- C) The Fed tends to follow the policies of the executive branch of the government.
- D) The Fed reports to the executive branch of the government.

9. All of the following statements could be included in a summary of the passage EXCEPT:

- A) The Federal Reserve is an independent agency of the United States government.
- B) The Federal Reserve controls the flow of money and credit by buying and selling government securities.
- C) The Federal Reserve issues new coins and currency to banks.
- D) The Federal Reserve receives its yearly budget from Congress.

Passage 16

Harvard University, today recognized as part of the top echelon of the world's universities, came from very inauspicious and humble beginnings.

This oldest of American universities was founded in 1636, just sixteen years after the Pilgrims landed at Plymouth. Included in the Puritan emigrants to the Massachusetts colony during this period were more than 100 graduates of England's prestigious Oxford and Cambridge universities, and these university graduates in the New World were determined that their sons would have the same educational opportunities that **they** themselves had had. Because of this support in the colony for an institution of higher learning, the General court of Massachusetts appropriated 400 **pounds** for a college in October of 1636 and early the following year decided on a parcel of land for the school; this land was in area called Newtown, which was later renamed Cambridge after its **English cousin** and is the site of the present-day university.

When a young minister named John Harvard, who came from the neighboring town of Charlestown, died from tuberculosis in 1638, he willed half of his estate of 1,700 pounds to the **fledgling** college. In spite of the fact that only half of the bequest was actually paid, the General court named the college after the minister in appreciation for what he had done. The amount of the bequest may not have been large, particularly by today's standards, but it was more than the General court had found it necessary in order to open the college.

Henry Dunster was appointed the first president of Harvard in 1640, and it should be noted that in addition to serving as president, he was also the entire faculty, with an entering freshman class of four students. Although the staff did expand **somewhat**, for the first century of its existence the entire teaching staff consisted of the president and three or four tutors.

1. The main idea of this passage is that

- A) Harvard is one of the world's most prestigious universities
- B) what is today a great university started out small
- C) John Harvard was key to the development of a great university
- D) Harvard University developed under the auspices of the General Court of Massachusetts

2. The passage indicates that Harvard is

- A) one of the oldest universities in the world
- B) the oldest university in the world
- C) one of the oldest universities in America
- D) the oldest university in America

3. It can be inferred from the passage that the Puritans who traveled to the Massachusetts colony were

- A) rather well educated
- B) rather rich
- C) rather supportive of the English government
- D) rather undemocratic

4. The pronoun they in paragraph 2 refers to

- A) Oxford and Cambridge universities
- B) university graduates
- C) sons
- D) educational opportunities

5. The pounds in paragraph 2 are probably

- A) types of books
- B) college students
- C) units of money
- D) school campuses

6. The English cousin in paragraph 2 refers to a

- A) city
- B) relative
- C) person
- D) court

7. Which of the following is NOT mentioned about John Harvard?

- A) What he died of
- B) Where he came from
- C) Where he was buried
- D) How much he bequeathed to Harvard

8. The word fledgling in paragraph 3 could best be replaced by which of the following?

- A) Newborn
- B) Flying
- C) Winged
- D) Established

9. The passage implies that

- A) Henry Dunster was an ineffective president
- B) someone else really served as president of Harvard before Henry dunster
- C) Henry Dunster spent much of his time as president managing the Harvard faculty
- D) the position of president of Harvard was not merely an administrative position in the early years

10. The word somewhat in paragraph 4 could best be replaced by

- A) back and forth
- B) to and fro
- C) side by side
- D) more or less

Passage 17

The word laser was **coined** as an acronym for Light Amplification by the Stimulated Emission of Radiation. Ordinary light, from the Sun or a light bulb, is emitted spontaneously, when atoms or molecules get rid of excess energy by themselves, without any outside **intervention**. Stimulated emission is different because it occurs when an atom or molecule holding onto excess energy has been stimulated to emit it as light.

Albert Einstein was the first to suggest the existence of stimulated emission in a paper published in 1917. However, for many years physicists thought that atoms and molecules always were much more likely to emit light spontaneously and that stimulated emission thus always would be much weaker. It was not until after the Second World War that physicists began trying to make stimulated emission dominate. They sought ways by which one atom or molecule could stimulate many others to emit light, amplifying it to much higher powers.

The first to succeed was Charles H. Townes, then at Columbia University in New York. Instead of working with light, however, he worked with microwaves, which have a much longer wavelength, and built a device he called a “maser,” for Microwave Amplification by the Stimulated Emission of Radiation. Although he thought of the key idea in 1951, the first maser was not completed until a couple of years later. Before long, many other physicists were building masers and trying to discover how to produce stimulated emission at even shorter wavelengths.

The key concepts **emerged** about 1957. Townes and Arthur Schawlow, then at Bell Telephone Laboratories, wrote a long paper **outlining** the conditions needed to amplify stimulated emission of visible light waves. At about the same time, similar ideas crystallized in the mind of Gordon Gould, then a 37-year-old graduate student at Columbia, who wrote them down in a series of notebooks. Townes and Schawlow published their ideas in a scientific journal, physical Review Letters, but Gould filed a patent application. Three decades later, people still argue about who deserves the credit for the concept of the laser.

1. The word coined in paragraph 1 could best be replaced by

- A) created
- B) mentioned
- C) understood
- D) discovered

2. The word intervention in paragraph 1 can best be replaced by

- A) need
- B) device
- C) influence
- D) source

3. Which of the following statements best describes a laser?

- A) A device for stimulating atoms and molecules to emit light
- B) An atom in a high-energy state
- C) A technique for destroying atoms or molecules
- D) An instrument for measuring light waves

4. Why was Towne's early work with stimulated emission done with microwaves?

- A) He was not concerned with light amplification.
- B) It was easier to work with longer wavelengths.
- C) His partner Schawlow had already begun work on the laser.
- D) The laser had already been developed.

5. In his research at Columbia University, Charles Townes worked with all of the following EXCEPT

- A) stimulated emission
- B) microwaves
- C) light amplification
- D) a maser

6. In approximately what year was the first maser built?

- A) 1917
- B) 1951
- C) 1953
- D) 1957

7. The word emerged in paragraph 4 is closest in meaning to

- A) increased
- B) concluded
- C) succeeded
- D) appeared

8. The word outlining in paragraph 4 is closest in meaning to

- A) assigning
- B) studying
- C) checking
- D) summarizing

9. Why do people still argue about who deserves the credit for the concept of the laser?

- A) The researchers' notebooks were lost.
- B) Several people were developing the idea at the same time.
- C) No one claimed credit for the development until recently.
- D) The work is still incomplete.

Passage 18

Crows are probably the most frequently met and easily identifiable members of the native fauna of the United States. The great number of tales, legends, and myths about these birds indicates that people have been exceptionally interested in them for a long time. On the other hand, when it comes to substantive — particularly behavioral — information, crows are less well known than many **comparably** common species and, for that matter, not a few quite uncommon ones: the endangered California condor, to cite one obvious example. There are practical reasons for this.

Crows are notoriously poor and aggravating subjects for field research. Keen observers and quick learners, they are astute about the intentions of other creatures, including researchers, and adept at avoiding **them**. Because they are so numerous, active, and monochromatic, it is difficult to distinguish one crow from another. Bands, radio transmitters, or other identifying devices can be attached to them, but this of course requires catching live crows, who are among the wariest and most untrappable of birds.

Technical difficulties aside, crow research is daunting because the ways of these birds are so complex and various. As preeminent generalists, members of this species ingeniously exploit a great range of habitats and resources, and they can quickly adjust to changes in their circumstances. Being so educable, individual birds have markedly different interests and **inclinations**, strategies and scams. For example, one pet crow learned how to let a dog out of its kennel by pulling the pin on the door. When the dog escaped, the bird went into the kennel and ate its food.

1. What is the main topic of the passage?

- A) The ways in which crows differ from other common birds
- B) The myths and legends about crows
- C) The characteristics that make crows difficult to study
- D) The existing methods for investigating crow behavior

2. According to the first paragraph, what evidence is there that crows have interested people for a long time?

- A) The large number of stories about crows
- B) The frequency with which crows are sighted
- C) The amount of research that has been conducted on crows
- D) The ease with which crows are identified

3. The word **comparably** in paragraph 1 is closest in meaning to

- A) interestingly
- B) similarly
- C) otherwise
- D) sometimes

4. In paragraph 1, the author mentions the endangered California condor as an example of a species that is

- A) smaller than the crow
- B) easily identifiable
- C) featured in legends
- D) very rare

5. The word them in paragraph 2 refers to

- A) crows
- B) subjects
- C) intentions
- D) researchers

6. According to the second paragraph crows are poor subjects for field research for all of the following reasons EXCEPT:

- A) They can successfully avoid observers.
- B) They are hard to distinguish from one another.
- C) They can be quite aggressive.
- D) They are difficult to catch.

7. In the second paragraph, the author implies that using radio transmitters would allow a researcher who studies crows to

- A) identify individual crows
- B) follow flocks of crows over long distances
- C) record the times when crows are most active
- D) help crows that become sick or injured

8. According to the third paragraph, which of the following is true about crows?

- A) They seldom live in anyone place for very long.
- B) They thrive in a wide variety of environments.
- C) They have marked preferences for certain kinds of foods.
- D) They use up the resources in one area before moving to another.

9. In paragraph 3, the word inclinations is closest in meaning to

- A) tricks
- B) opportunities
- C) preferences
- D) experiences

10. In the two last lines, the author mentions a pet crow to illustrate which of the following?

- A) The clever ways that crows solve problems
- B) The differences between pet crows and wild crows
- C) The ease with which crows can be tamed
- D) The affection that crows show to other creatures

11. Which of the following statements is supported by the passage?

- A) Crows have relatively long lives.
- B) Crows have keen vision.
- C) Crows are usually solitary.
- D) Crows are very intelligent.

Passage 19

In the early days of the United States, postal charges were paid by the recipient, and charges **varied** with the distance carried. In 1825, the United States Congress permitted local postmasters to give letters to mail carriers for home delivery, but these carriers received no government salary and their entire compensation depended on what they were paid by the recipients of individual letters.

In 1847 the United States Post Office Department adopted the idea of a postage stamp, which of course simplified the payment for postal service but caused grumbling by those who did not like to prepay. Besides, the stamp covered only delivery to the post office and did not include carrying it to a private address. In Philadelphia, for example, with a population of 150,000, people still had to go to the post office to get their mail. The confusion and congestion of individual citizens looking for their letters was itself enough to discourage use of the mail. It is no wonder that, during the years of these **cumbersome** arrangements, private letter-carrying and express businesses developed. Although their activities were only semi legal, they thrived, and actually advertised that between Boston and Philadelphia **they** were a half-day speedier than the government mail. The government postal service lost volume to private competition and was not able to handle efficiently even the business it had.

Finally, in 1863, Congress provided that the mail carriers who delivered the mail from the post offices to private addresses should receive a government salary, and that there should be no extra charge for that delivery. But this delivery service was at first **confined** to cities, and free home delivery became a mark of urbanism. As late as 1887, a town had to have 10,000 people to be eligible for free home delivery. In 1890, of the 75 million people in the United States, fewer than 20 million had mail delivered free to their doors. The rest, nearly three-quarters of the population, still received no mail unless they went to their post office.

1. What does the passage mainly discuss?

- A) The increased use of private mail Services
- B) The development of a government postal system
- C) A comparison of urban and rural postal services
- D) The history of postage stamps

2. The word varied in paragraph 1 could best be replaced by

- A) increased
- B) differed
- C) returned
- D) started

3. Which of the following was seen as a disadvantage of the postage stamp?

- A) It had to be purchased by the sender in advance.
- B) It increased the cost of mail delivery.
- C) It was difficult to affix to letters.
- D) It was easy to counterfeit.

4. Why does the author mention the city of Philadelphia in paragraph 2?

- A) It was the site of the first post office in the United States.
- B) Its postal service was inadequate for its population.
- C) It was the largest city in the United States in 1847.
- D) It was commemorated by the first United States postage stamp.

5. The word cumbersome in paragraph 2 is closest in meaning to

- A) burdensome
- B) handsome
- C) loathsome
- D) quarrelsome

6. The word they in paragraph 2 refers to

- A) Boston and Philadelphia
- B) businesses
- C) arrangements
- D) letters

7. The private postal services of the nineteenth century claimed that they could do which of the following better than the government?

- A) Deliver a higher volume of mail.
- B) Deliver mail more cheaply.
- C) Deliver mail faster.
- D) Deliver mail to rural areas.

8. In 1863 the United States government began providing which of the following to mail carriers?

- A) A salary
- B) Housing
- C) Transportation
- D) Free postage stamps

9. The word **confined** in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) granted
- B) scheduled
- C) limited
- D) recommended

Passage 20

Archaeology has long been an accepted tool for studying prehistoric cultures. Relatively recently the same techniques have been systematically applied to studies of the more immediate past. This has been called “historical archaeology,” a term that is used in the United States to refer to any archaeological investigation into North American sites that postdate the arrival of Europeans.

Back in the 1930's and 1940's, when building restoration was popular, historical archaeology was primarily a tool of architectural reconstruction. The role of archaeologist was to find the foundations of historic buildings and then take a back seat to architects.

The mania for reconstruction had largely subsided by the 1950's and 1960's. Most people entering historical archaeology during this period came out of university anthropology departments, where they had studied prehistoric cultures. They were, by training, social scientists, not historians, and their work tended to reflect this bias. The questions they **framed** and the techniques they used were designed to help them understand, as scientists, how people behaved. But because they were treading on historical ground for which there was often extensive written documentation, and because their own knowledge of these periods was usually limited, **their contributions** to American history remained circumscribed. Their reports, highly technical and sometimes poorly written, went unread.

More recently, professional archaeologists have taken over. These researchers have sought to demonstrate that their work can be a valuable tool not only of science but also of history, providing fresh insights into the daily lives of ordinary people whose existences might not otherwise be so well documented. This newer emphasis on archaeology as social history has shown great promise, and indeed work done in this area has led to a reinterpretation of the United States past.

In Kingston, New York, for example, evidence has been uncovered that indicates that English goods were being smuggled into that city at a time when the Dutch **supposedly** controlled trading in the area. And in Sacramento an excavation at the site of a fashionable

nineteenth-century hotel revealed that garbage had been stashed in the building's basement despite sanitation laws to the contrary.

1. What does the passage mainly discuss?

- A) Why historical archaeology was first developed
- B) How the methods and purpose of historical archaeology have changed
- C) The contributions architects make to historical archaeology
- D) The attitude of professional archaeologists toward historical archaeology

2. According to the first paragraph, what is a relatively new focus in archaeology?

- A) Investigating the recent past
- B) Studying prehistoric cultures
- C) Excavating ancient sites in what is now the United States
- D) Comparing findings made in North America and in Europe

3. According to the passage, when had historical archaeologists been trained as anthropologists?

- A) Prior to the 1930's
- B) During the 1930's and 1940's
- C) During the 1950's and 1960's
- D) After the 1960's

4. The word framed in paragraph 3 is closest in meaning to

- A) understood
- B) read
- C) avoided
- D) posed

5. In the third paragraph, the author implies that the techniques of history and the techniques of social science are

- A) quite different from each other
- B) equally useful in studying prehistoric cultures
- C) usually taught to students of archaeology
- D) both based on similar principles

6. The phrase their contributions in paragraph 3 refers to the contributions of

- A) social scientists
- B) prehistoric cultures
- C) historians
- D) documentation and knowledge

7. The author mentions an excavation at the site of a hotel in Sacramento in order to give an example of

- A) a building reconstruction project
- B) the work of the earliest historical archaeologists
- C) a finding that conflicts with written records
- D) the kind of information that historians routinely examine

8. The word supposedly in paragraph 4 is closest in meaning to

- A) ruthlessly
- B) tightly
- C) barely
- D) seemingly

Answer Key				
Passage 1	Passage 2	Passage 3	Passage 4	Passage 5
1- B 2- B 3- C 4- A 5- B 6- A 7- C 8- D 9- D 10- A	1- C 2- D 3- D 4- A 5- B 6- B 7- D 8- D 9- B 10- C	1- C 2- C 3- D 4- A 5- D 6- B 7- C 8- D 9- A 10- C	1- B 2- D 3- B 4- C 5- C 6- C 7- D 8- B 9- A 10- A	1- B 2- A 3- C 4- C 5- B 6- A 7- C 8- D 9- D 10- D 11- A 12- C
Passage 6	Passage 7	Passage 8	Passage 9	Passage 10
1- B 2- C 3- C 4- B 5- B 6- B 7- A 8- A	1- A 2- C 3- B 4- A 5- B 6- C 7- D 8- A 9- A 10- B	1- B 2- C 3- A 4- D 5- C 6- B 7- D 8- B 9- C	1- A 2- C 3- B 4- A 5- C 6- C 7- A 8- B 9- B 10- D	1- A 2- C 3- D 4- B 5- A 6- B 7- C 8- B
Passage 11	Passage 12	Passage 13	Passage 14	Passage 15
1- A 2- B 3- C 4- A 5- B 6- A 7- D 8- C	1- D 2- B 3- A 4- B 5- B 6- B 7- C 8- C 9- B	1- B 2- A 3- A 4- C 5- C 6- B 7- B 8- A 9- A	1- A 2- B 3- C 4- B 5- C 6- A 7- A 8- D	1- B 2- A 3- D 4- B 5- B 6- C 7- B 8- C 9- D
Passage 16	Passage 17	Passage 18	Passage 19	Passage 20
1- B 2- D 3- A 4- B 5- C 6- A 7- C 8- A 9- D 10- D	1- A 2- C 3- A 4- B 5- C 6- C 7- D 8- D 9- B	1- C 2- A 3- B 4- D 5- D 6- C 7- A 8- B 9- C 10- A 11- D	1- B 2- B 3- A 4- B 5- A 6- B 7- C 8- A 9- C	1- B 2- A 3- C 4- D 5- A 6- A 7- C 8- D

پاسخ تشریحی درک مطلب

متن ۱

به طور خلاصه، روش علمی مدرن رویکردی سازمان یافته به همراه توضیح حقایق مشاهده شده همراه با مدلی از طبیعت است؛ وابسته به این محدودیت که هر مدل مطرح شده باید آزمون پذیر باشد و با این شرط که اگر مدلی در این تست ها رد شود باید اصلاح شود و یا کنار گذاشته شود.

در مطلوب ترین حالت ممکن، روش علمی با مجموعه ای از حقایق مشاهده شده آغاز می شود. یک حقیقت به صورت مفروض بیانیه ای است که به صورت عینی صحیح است. به عنوان مثال، این که خورشید هر روز صبح طلوع می کند، سیاره مریخ دیشب در جایی از آسمان ما ظاهر شد، و این که زمین می چرخد را به عنوان یک حقیقت در نظر می گیریم. حقایق، آن طور که در مثال چرخش زمین نشان داده شد، همواره **بدیهی** نیستند. در تاریخ بشر، برای مدتی طولانی زمین، ساکن و در مرکز جهان در نظر گرفته می شد. به علاوه، تفسیر ما از حقایق بر اساس عقایدی در مورد دنیاست که ممکن است با دیگران مشترک نباشد. برای مثال، هنگامی که می گوئیم خورشید هر روز صبح طلوع می کند، فرض می کنیم که خورشید روز به روز تغییر نمی کند - فکری که ممکن است برای مصریان باستان قابل قبول نبوده باشد چرا که بنا بر اسطوره شناسی آن ها، خورشید هر روز می مرد و با هر طلوع دوباره متولد می شد. با این وجود، حقایق مواد خامی هستند که مدل های علمی در پی توضیحشان هستند، بنابراین توافق دانشمندان بر این حقایق مهم است. پس در زمینه علم، یک حقیقت باید چیزی باشد که هر شخص بتواند صحتش را حداقل در تئوری برای خود معلوم کند.

زمانی که حقایق جمع آوری شد، مدلی می تواند برای توضیح آن ها ارائه شود. یک مدل مفید باید پیش بینی هایی را مطرح کند که بتوانند از طریق مشاهدات و آزمایشات بیشتر سنجیده شوند. مدل جهان بطلمیوس مفید بود چرا که موقعیت آینده خورشید، ماه، و سیارات را در آسمان پیش بینی کرد. اگر چه مدل بطلمیوسی حدوداً به مدت 1500 سال مورد استفاده بود، اما در نهایت مشخص شد که پیش بینی های آن با مشاهدات حقیقی مطابقت نداشت - علتی کلیدی برای کنار گذاشته شدن مدل جهان زمین محور.

به طور خلاصه، فرآیند روش علمی ایده آل به صورت زیر است:

- مشاهده: روش علمی با جمع آوری مجموعه ای از حقایق مشاهده شده آغاز می شود.
- فرضیه: مدلی برای توضیح حقایق مشاهده شده و طرح پیش بینی های جدید ارائه می شود. مدل ارائه شده اغلب فرضیه نامیده می شود که اساساً به معنای یک حدس بررسی شده است.
- مشاهدات/آزمایشات بیشتر: پیش بینی های مدل از طریق مشاهدات و آزمایشات بیشتر سنجیده می شوند. هنگامی که صحت یک پیش بینی معلوم شد، از این که مدل حقیقتاً نشان دهنده طبیعت است مطمئن می شویم. هنگامی که یک پیش بینی رد می شود، تشخیص می دهیم که مدل **ناقص** است و بنابراین باید مدل را اصلاح کنیم و یا کنار بگذاریم.
- نظریه: یک مدل باید همواره با مشاهدات و آزمایشات جدید و توسط دانشمندان مختلف به چالش کشیده شود. یک مدل تنها زمانی به مرتبه نظریه علمی می رسد که صحت گستره وسیعی از پیش بینی هایش مکرراً واری شده باشد. توجه داشته باشید با وجود این که می توانیم کاملاً اطمینان داشته باشیم که یک نظریه علمی حقیقتاً نشان دهنده طبیعت است، هیچ گاه

نمی‌توانیم ثابت کنیم یک نظریه بی هیچ تردیدی درست است. بنابراین، حتی نظریه‌هایی که به خوبی تثبیت شده‌اند نیز باید به طور مداوم از طریق مشاهدات و آزمایشات بیشتر به چالش کشیده شوند.

در واقع، اکتشافات علمی به‌ندرت توسط یک فرآیند مکانیکی مانند روش علمی ایده‌آلی که در اینجا توضیح داده شد صورت می‌گیرند. به عنوان مثال، یوهانس کپلر که قوانین حرکت سیارات را در اوایل قرن 17 کشف کرد مدل خود را در مقابل مشاهدات پیشین آزمود، به جای این که صحت پیش‌بینی‌های جدید بر اساس مدلس را معلوم کند. به‌علاوه، مانند بیشتر اکتشافات علمی، کشف کپلر شامل شهود، همکاری با دیگران، لحظات بینش، و شانس بود. با این وجود، می‌توانیم نظریه کپلر را بازنگری کنیم و ببینیم که سرانجام سایر دانشمندان با بسیاری از مشاهداتشان صحت موقعیت‌های سیاره‌ای پیش‌بینی شده توسط مدل او را تأیید می‌کنند. با این دیدگاه، روش علمی نشان‌دهنده نسخه‌ای ایده‌آل برای قضاوت عینی یک مدل مطرح شده و قرابتش با حقیقت است.

1. معنای کلمه بدیهی در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به

(الف) جالب

(ب) واضح

(ج) ساده

(د) درست

گزینه ب صحیح است.

«حقایق، آن‌طور که در مثال چرخش زمین نشان داده شد، همواره بدیهی نیستند. در تاریخ بشر، برای مدتی طولانی زمین، ساکن و در مرکز جهان در نظر گرفته می‌شد.»

جمله دوم در توضیح کلمه obvious و نیز مثال ذکر شده در جمله اول آمده است. جمله دوم به طور ضمنی بیان می‌کند که حقیقتی امروز از نظر ما واضح است، اما پیش از این، تصور دیگری از آن می‌شد. بنابراین همواره بدیهی و واضح نبوده است.

2 چرا نویسنده در پاراگراف دوم مصریان باستان را به عنوان مثال آورده است؟

(الف) برای توضیح چرخش زمین و خورشید

(ب) برای اثبات حقایقی که ممکن است در فرهنگ‌های مختلف به گونه‌ای متفاوت تفسیر شود.

(ج) برای ارائه حقیقتی که خواننده صحت آن را معلوم کند.

(د) برای کنار گذاشتن مدلی که به صورت گسترده پذیرفته شده بود.

گزینه ب صحیح است.

در متن، پیش از ارائه مثال مصریان باستان، گفته شده است که «تفسیر ما از حقایق بر اساس عقایدی در مورد دنیاست که ممکن است با دیگران مشترک نباشد.»

3. معنای کلمه اساساً در پاراگراف دوم نزدیک تر است به

الف) به طور بدیهی

ب) گهگاه

ج) به طور اساسی

د) عجیب

گزینه ج صحیح است.

«مدل ارائه شده اغلب فرضیه نامیده می‌شود که اساساً به معنای یک حدس بررسی شده است.»
 ... which essentially means نشان می‌دهد که جمله دوم، جمله‌واره توصیفی برای کلمه فرضیه است و برای توضیح بیشتر آن آمده است. بنابراین برای معنای کلمه essentially می‌توان استنباط «درحقیقت، قاعدتاً و اساساً» را داشت.

4. معنای کلمه ناقص در متن نزدیک تر است به

الف) کامل نیست

ب) مدرن نیست

ج) روتین نیست

د) پذیرفته نیست

گزینه الف صحیح است.

«تشخیص می‌دهیم که مدل ناقص است و بنابراین باید مدل را اصلاح کنیم و یا کنار بگذاریم.»
 جملات دوم و سوم که در ادامه ناقص بودن مدل ذکر شده‌اند، نشان‌دهنده عدم پذیرش مدل هستند.

5. طبق پاراگراف سوم، چرا مدل بظلمیوسی جایگزین شد؟

الف) مدل برای پیش‌بینی حرکت خورشید مفید نبود.

ب) پیش‌بینی‌ها با مشاهدات موجود از جهان تطابق نداشتند.

ج) مدل بظلمیوسی به مدت 1500 سال مورد استفاده قرار گرفته بود.

د) اکثر دانشمندان بر این باور بودند که زمین مرکز جهان است.

گزینه ب صحیح است.

در انتهای پاراگراف سوم، بیان شده است که «اما در نهایت مشخص شد که پیش‌بینی‌های آن با مشاهدات حقیقی مطابقت نداشت - علتی کلیدی برای کنار گذاشته شدن مدل جهان زمین‌محور».

6. طبق پاراگراف چهارم، نظریه‌هایی که عموماً پذیرفته می‌شوند

الف) صحتشان باید همچنان واریسی شود

ب) چندین مدل دارند

ج) می‌توانند غیرعلمی باشند

د) بسیار ساده هستند

گزینه الف صحیح است.

در پاراگراف چهارم گفته شده که «یک مدل تنها زمانی به مرتبه نظریه علمی می‌رسد که صحت گستره وسیعی از پیش‌بینی‌هایش مکرراً واری شده باشد».

7. طبق پاراگراف پنجم، کپلر برای مشخص کردن صحت نظریه حرکت سیارات خود چه کرد؟

الف) بر اساس مدل پیش‌بینی‌هایی کرد.

ب) از سایر دانشمندان خواست پیش‌بینی کنند.

ج) از مشاهدات اولیه برای آزمودن مدل استفاده کرد.

د) برای معلوم کردن صحت نظریه‌اش به بینش اتکا کرد.

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف پنجم ذکر شده است که «یوهانس کپلر که قوانین حرکت سیارات را در اوایل قرن 17 کشف کرد، مدل خود را در مقابل مشاهدات پیشین آزمود».

8. معنای کلمه بسیاری در متن نزدیک‌تر است به

الف) گسترده

ب) قابل اعتماد

ج) با جزئیات

د) متعدد

گزینه د صحیح است.

در پاراگراف قبل در توضیح نظریه گفته شده است که «نظریه: یک مدل باید همواره با مشاهدات و آزمایشات جدید و توسط دانشمندان مختلف به چالش کشیده شود. یک مدل تنها زمانی به مرتبه نظریه علمی می‌رسد که صحت گستره وسیعی از پیش‌بینی‌هایش مکرراً واری شده باشد».

سپس در این پاراگراف بیان شده که «در واقع، اکتشافات علمی به‌ندرت توسط یک فرآیند مکانیکی مانند روش علمی ایده‌آلی که در اینجا توضیح داده شد صورت می‌گیرند. ... با این وجود، می‌توانیم نظریه کپلر را بازنگری کنیم و ببینیم که سرانجام سایر دانشمندان با بسیاری از مشاهداتشان صحت موقعیت‌های سیاره‌ای پیش‌بینی شده توسط مدل او را تأیید می‌کنند». بنابراین گر چه روند اکتشافات دقیقاً به همان صورت نیست، اما بازنگری آن به همان روش، یعنی بررسی مکرر توسط دانشمندان، است.

9. تمام جملات زیر بخشی از تعریف اصطلاح حقیقت هستند به غیر از

الف) حقیقت به صورت عینی درست است

ب) صحت حقیقت را می‌توان معلوم کرد

ج) حقیقت ممکن است تفسیر شود

د) حقیقت باید قابل فهم باشد

گزینه د صحیح است.

رد گزینه الف: در پاراگراف دوم گفته شده است که «یک حقیقت به صورت مفروض بیانیه‌ای است که به صورت عینی صحیح است». پس این گزینه صحیح است.

رد گزینه ب: همچنین در پاراگراف دوم بیان شده است که «یک حقیقت باید چیزی باشد که هر شخص بتواند صحتش را حداقل در تئوری برای خود معلوم کند». این گزینه نیز صحیح است.

رد گزینه ج: در همان پاراگراف آمده است که «به علاوه، تفسیر ما از حقایق بر اساس عقایدی در مورد دنیاست که ممکن است با دیگران مشترک نباشد». بنابراین حقیقت ممکن است تفسیر شود. پس این گزینه نیز صحیح است.

10. از اطلاعات موجود در متن می‌توان نتیجه گرفت که یک مدل

الف) همیشه مشاهدات را منعکس نمی‌کند

ب) مانند نظریه‌ها در معرض تغییر نیست

ج) بدون تردید درست در نظر گرفته می‌شود

د) به آزمایشات بیشتر نیازی ندارد

گزینه الف صحیح است.

در پاراگراف چهارم آمده است که «پیش‌بینی‌های مدل از طریق مشاهدات و آزمایشات بیشتر سنجیده می‌شوند. هنگامی که صحت یک پیش‌بینی معلوم شد، از این که مدل حقیقتاً نشان‌دهنده طبیعت است مطمئن می‌شویم. هنگامی که یک پیش‌بینی رد می‌شود، تشخیص می‌دهیم که مدل ناقص است و بنابراین باید مدل را اصلاح کنیم و یا کنار بگذاریم».

بنابراین گزینه‌های ب، ج و د صحیح نیستند.

متن ۲

هر گونه پیشرفت در زمینه تکنیک میکروسکوپی دیدگاهی جدید در مورد عملکرد موجودات زنده و طبیعت خود ماده در اختیار دانشمندان گذاشته است. اختراع میکروسکوپ نور مرئی در اواخر قرن شانزدهم حوزه ناشناخته گیاهان و جانوران تک‌سلولی را معرفی کرد. در قرن بیستم، میکروسکوپ‌های الکترونی امکان مشاهده مستقیم ویروس‌ها و ساختارهای سطح خرد را فراهم کردند. اکنون نوع دیگری از میکروسکوپ، که از اشعه ایکس به جای نور یا الکترون استفاده می‌کند، روشی متفاوت برای بررسی جزئیات ریز ارائه می‌دهد؛ این باید همچنان درک انسان را از جهان طبیعت گسترده‌تر کند.

روای ساخت میکروسکوپ اشعه ایکس به سال 1895 برمی‌گردد، هر چند در دهه 1940، این رویا به دلیل پیشرفت سریع میکروسکوپ الکترونی تقریباً متوقف شده بود. طی دهه 1940 میکروسکوپ‌های الکترونی به طور معمول به وضوح بهتری نسبت به میکروسکوپ نور مرئی می‌رسیدند، در حالی که عملکرد میکروسکوپ‌های اشعه ایکس مانع پیشرفت بود. هر چند در سال‌های اخیر، علاقه به میکروسکوپ‌های اشعه ایکس، عمدتاً به دلیل پیشرفت‌هایی مانند توسعه منابع جدید نور اشعه ایکس، احیا شده است. در نتیجه، امروزه روش‌شنایی موجود میلیون‌ها بار از لوله‌های اشعه ایکس، که برای مدتی طولانی از قرن تنها منابع موجود اشعه ایکس نرم بودند، بیشتر است.

میکروسکوپ‌های جدید اشعه ایکس به طور قابل توجهی از جهت وضوح در مقایسه با میکروسکوپ‌های نوری بهبود یافته‌اند. از آن‌ها می‌توان برای ترسیم توزیع عناصر شیمیایی مشخص نیز استفاده کرد. بعضی از آن‌ها می‌توانند تصاویر را در فواصل زمانی بسیار کوتاه تشکیل دهند؛ برخی وعده قابلیت‌های خاصی مانند تصویربرداری سه بعدی را داده‌اند. بر خلاف میکروسکوپ الکترونی معمولی، میکروسکوپ اشعه ایکس امکان نگهداری نمونه‌های آزمایش در آب و در هوا را فراهم می‌کند، یعنی نمونه‌های زیستی می‌توانند تحت شرایطی مشابه به وضعیت طبیعی‌شان بررسی شوند. نور استفاده شده، همان به اصطلاح اشعه ایکس نرم در محدوده طول موج بیست تا چهل آنگستروم (آنگستروم یک ده میلیارد متر است) است که در بسیاری از موارد برای تصویربرداری از سلول‌های زیستی دست‌نخورده به اندازه کافی نافذ است. به دلیل طول موج اشعه‌های ایکس مورد استفاده، میکروسکوپ‌های اشعه ایکس نرم هیچ‌گاه با بالاترین وضوح ممکن در میکروسکوپ‌های الکترونی مطابقت ندارند. بلکه ویژگی‌های خاص آن‌ها تحقیقاتی را ممکن می‌سازد که مکمل آن‌هایی است که با ابزار نوری و یا الکترونی انجام می‌شوند.

1. متن عمدتاً در مورد کدام یک از موارد زیر بحث می‌کند؟

(الف) جزئیاتی که از طریق میکروسکوپ مشاهده می‌شود.

(ب) منابع نوری برای میکروسکوپ

(ج) نوع جدیدی از میکروسکوپ

(د) تکنیک‌های منسوخ میکروسکوپی

گزینه ج صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح زیر است:

- هر گونه پیشرفت در زمینه تکنیک میکروسکوپی دیدگاهی جدید در مورد عملکرد موجودات زنده و طبیعت خود ماده را در اختیار دانشمندان گذاشته است.

- رویای ساخت میکروسکوپ اشعه ایکس به سال 1895 برمی‌گردد، هر چند در دهه 1940، این رویا به دلیل پیشرفت سریع میکروسکوپ الکترونی تقریباً متوقف شده بود.

- میکروسکوپ‌های جدید اشعه ایکس به طور قابل توجهی از جهت وضوح در مقایسه با میکروسکوپ‌های نوری بهبود یافته‌اند.

- به دلیل طول موج اشعه‌های ایکس مورد استفاده، میکروسکوپ‌های اشعه ایکس نرم (سافت) هیچ‌گاه با بالاترین وضوح ممکن در میکروسکوپ‌های الکترونی مطابقت ندارند. بلکه ویژگی‌های خاص آن‌ها تحقیقاتی را ممکن می‌سازد که مکمل آن‌هایی است که با ابزار نوری و یا الکترونی انجام می‌شوند.

بنابراین متن عمدتاً به توضیحاتی راجع به میکروسکوپ‌های جدید اشعه ایکس پرداخته است.

2. بر اساس متن، اختراع میکروسکوپ نور مرئی به دانشمندان اجازه داد که

(الف) ویروس‌ها را مستقیماً مشاهده کنند

(ب) بعدها میکروسکوپ الکترونی را توسعه دهند

(ج) در مورد توزیع عناصر شیمیایی بیشتر بدانند

(د) گیاهان و جانوران تک‌سلولی که تا آن زمان ندیده بودند را کشف کنند

گزینه د صحیح است.

در پاراگراف اول عنوان شده است که «اختراع میکروسکوپ نور مرئی در اواخر قرن شانزدهم حوزه ناشناخته گیاهان و جانوران تکسلولی را معرفی کرد.».

3. معنای کلمه خرد در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به

الف) مدور

ب) خطرناک

ج) پیچیده

د) ریز

گزینه د صحیح است.

«در قرن بیستم، میکروسکوپ‌های الکترونی امکان مشاهده مستقیم ویروس‌ها و ساختارهای سطح خرد را فراهم کردند.» همراه شدن واژه «ساختارهای سطح خرد» با «ویروس‌ها» به معنای نوعی تشابه با آنهاست و از آنجا که موضوع راجع به مشاهده توسط میکروسکوپ و امکانی است که میکروسکوپ‌های الکترونی جهت مشاهده فراهم کرده‌اند، این تشابه می‌تواند به لحاظ ابعاد باشد.

4. کلمه این در پاراگراف اول اشاره دارد به

الف) یک نوع میکروسکوپ

ب) درک انسان

ج) جهان طبیعت

د) نور

گزینه الف صحیح است.

«اکنون نوع دیگری از میکروسکوپ، که از اشعه ایکس به جای نور یا الکترون استفاده می‌کند، روشی متفاوت برای بررسی جزئیات ریز ارائه می‌دهد؛ این باید همچنان درک انسان را از جهان طبیعت گسترده‌تر کند.» بنابراین این به نوع دیگری از میکروسکوپ در جمله قبلی بازمی‌گردد.

5. چرا نویسنده در پاراگراف اول به میکروسکوپ نور مرئی اشاره می‌کند؟

الف) برای آغاز بحث درمورد اکتشافات قرن شانزدهم

ب) برای قرار دادن میکروسکوپ اشعه ایکس در چشم‌اندازی تاریخی

ج) برای نشان دادن کاربردهای محدود آن

د) برای توضیح عملکرد آن

گزینه ب صحیح است.

در ابتدا از میکروسکوپ نور مرئی و امکانات آن، سپس از میکروسکوپ‌های الکترونی و امکانات آن صحبت شده و سپس به میکروسکوپ اشعه ایکس و امکانات آن اشاره شده است. بنابراین به روندی تاریخی اشاره شده تا به میکروسکوپ اشعه ایکس رسیده است.

6. چرا زمان زیادی طول کشید تا میکروسکوپ اشعه ایکس توسعه یابد؟

(الف) بودجه پژوهش کافی نبود.

(ب) تا همین اواخر، منبع نور به اندازه کافی روشن نبود.

(ج) به دست آوردن مواد مورد استفاده برای تولید لوله‌های اشعه ایکس دشوار بود.

(د) کاربری میکروسکوپ‌های اشعه ایکس بیش از حد پیچیده بود.

گزینه ب صحیح است.

«در حالی که عملکرد میکروسکوپ‌های اشعه ایکس مانع پیشرفت بود. هر چند در سال‌های اخیر، علاقه به میکروسکوپ‌های

اشعه ایکس، عمدتاً به دلیل پیشرفت‌هایی مانند توسعه منابع جدید نور اشعه ایکس، احیا شده است.»

اگر چه در جمله اول اشاره به عدم پیشرفت ناشی از عملکرد شده است، اما در جمله بعد توضیح داده شده که بعدها پیشرفت

به علت بهبود منابع نور حاصل شده است. بنابراین منظور از دشواری عملکرد، مشکل منابع نور بوده است.

7. معنای عبارت امکان ... فراهم می‌کند در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به

(الف) تشکیل می‌دهد

(ب) مشخص می‌کند

(ج) گسترش می‌دهد

(د) اجازه می‌دهد

گزینه د صحیح است.

«میکروسکوپ اشعه ایکس امکان نگهداری نمونه‌های آزمایش در آب و در هوا را فراهم می‌کند، یعنی نمونه‌های زیستی

می‌توانند تحت شرایطی مشابه به وضعیت طبیعی‌شان بررسی شوند»

جمله دوم با عبارت which means آغاز شده که به معنای توضیحات بیشتر در رابطه با مفهوم جمله اول است و مفهوم

جمله نشان از یک نوع امکان توسط میکروسکوپ اشعه ایکس دارد.

8. معنای کلمه بلکه در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به

(الف) به طور قابل توجهی

(ب) ترجیحاً

(ج) تا حدی

(د) به جای

گزینه د صحیح است.

«به دلیل طول موج اشعه‌های ایکس مورد استفاده، میکروسکوپ‌های اشعه ایکس نرم هیچ‌گاه با بالاترین وضوح ممکن در

میکروسکوپ‌های الکترونی مطابقت ندارند. بلکه ویژگی‌های خاص آن‌ها تحقیقاتی را ممکن می‌سازد که مکمل آن‌هایی است

که با ابزار نوری و یا الکترونی انجام می‌شوند.»

در جمله اول اشکالی در مورد میکروسکوپ‌های اشعه ایکس در مقایسه با میکروسکوپ‌های الکترونی مطرح شده و در جمله

دوم از مزیت آن سخن گفته شده است. بنابراین می‌توان از واژه rather استنباط «در عوض، به جای» داشت.

9. کلمه آن‌هایی در پاراگراف سوم اشاره دارد به

(الف) ویژگی‌ها

(ب) تحقیقات

(ج) میکروسکوپ‌ها

(د) اشعه ایکس

گزینه ب صحیح است.

«بلکه ویژگی‌های خاص آن‌ها تحقیقاتی را ممکن می‌سازد که مکمل آن‌هایی است که با ابزار نوری و یا الکترونی انجام می‌شوند.»

اولین اسم پیش از investigations, those است که با توجه به مفهوم متن و تعداد با هم همخوانی دارند.

10. بر اساس اطلاعات موجود در متن، چه نتیجه‌ای می‌توان در مورد میکروسکوپ‌های اشعه ایکس در آینده

گرفت؟

(الف) احتمالاً به طور کامل جای میکروسکوپ‌های الکترونی را خواهند گرفت.

(ب) سرانجام ارزان‌تر از حالا تولید خواهند شد.

(ج) اطلاعاتی که توسط سایر میکروسکوپ‌ها در دسترس نیست را فراهم خواهند کرد.

(د) سرانجام محدوده نوری که هم‌اکنون استفاده می‌کنند را تغییر خواهند داد.

گزینه ج صحیح است.

جمله آخر متن اشاره دارد که مکمل سایر میکروسکوپ‌هاست و بنابراین اطلاعاتی را فراهم می‌کند که توسط آنها در دسترس نیست.

متن ۳

اوایل قرن 19 در ایالات متحده آمریکا، هر یک از دولت‌های ایالتی در مقایسه با دولت فدرال تأثیر بیشتری بر اقتصاد داشتند. ایالات پروانه تولید، بانکداری، استخراج معدن، و شرکت‌های حمل‌ونقل را صادر می‌کردند و در ساخت‌وساز توسعه‌های داخلی گوناگون مانند کانال‌ها، شاهراه‌ها، و راه‌آهن شرکت می‌کردند. ایالات توسعه داخلی را به دو شیوه مجزا تشویق می‌کردند: اول، در واقع با ایجاد شرکت‌های دولتی برای ساخت چنین توسعه‌هایی؛ دوم، با فراهم کردن سرمایه برای شرکت‌های دولتی - خصوصی ترکیبی که شروع به سودآوری کنند.

در اوایل قرن نوزدهم، دولت‌های ایالتی نیز به طرز شگفت‌آوری به بسیاری از فعالیت‌های نظارتی مستقیم از جمله صدور گسترده مجوز و برنامه‌های بازرسی مشغول شدند. اهداف صدور مجوز شباهت‌ها و تفاوت‌های بین اقتصاد قرن نوزدهم و امروزه را منعکس می‌کند: در قرن نوزدهم، مقررات دولت از طریق صدور مجوز به طور خاص متوجه دست‌فروشان، صاحبان کاروانسرا، و انواع مختلف تجار خرده‌فروش بود. کالاهای فاسدشدنی تجاری به طور کلی تحت بازرسی دولت بود، و کالاهای اساسی مرزی مهم مانند الوار و باروت نیز تحت کنترل دولت بود. در نهایت، دولت‌های ایالتی مقررات کسب‌وکار مستقیم که برای کمک به

کارگر و مصرف‌کننده، شامل تنظیم حداکثر محدودیت در ساعات کار و محدودیت در تثبیت قیمت‌های تجاری، طراحی شده بود را می‌آزمودند.

اگر چه ایالات بر فعالیت اقتصادی این دوره حکم‌فرما بودند، دولت فدرال هم غیرفعال نبود. اهداف آن تسهیل ثبات غرب و توسعه صنایع داخلی بود. برای رسیدن به این اهداف دولت فدرال فعالیت‌های مختلفی را دنبال کرد. دولت فدرال به منظور ایجاد ثبات در فعالیت‌های بانکی و تا قسمتی، برای فراهم آوردن عرضه پول نسبتاً آسان در مرز، جایی که پول برای ثبات به شدت مورد نیاز بود، یک بانک ملی تأسیس کرد. با شرایطی که روزبه‌روز تسهیل می‌شد، اجازه دسترسی به زمین‌های عمومی غربی را صادر کرد که با قانون مزرعه رعیتی سال 1862، که توسط آن حق مالکیت زمین تنها بر اساس سکونت قابل مطالبه بود، به اوج خود رسید. در نهایت، یک سیستم تعرفه‌ای که اساساً تأثیری حمایتی داشت را راه‌اندازی کرد، اگرچه مانور به منظور کسب موقعیت توسط منافع مختلف منطقه‌ای تغییرات مکرری در نرخ تعرفه‌ها در سراسر قرن نوزدهم ایجاد کرد.

1. متن عمدتاً در مورد کدام یک از موارد زیر بحث می‌کند؟

(الف) حقوق ایالات در برابر حقوق فدرال

(ب) شرکت دولت‌های ایالتی در ساخت راه‌آهن، کانال، و شاهراه

(ج) نقش دولت‌های ایالتی و فدرال در اقتصاد قرن نوزدهم

(د) فعالیت نظارتی دولت‌های ایالتی

گزینه ج صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح زیر است:

- اوایل قرن 19 در ایالات متحده آمریکا، هر یک از دولت‌های ایالتی در مقایسه با دولت فدرال تأثیر بیشتری بر اقتصاد داشتند.

- در اوایل قرن نوزدهم، دولت‌های ایالتی نیز به طرز شگفت‌آوری به بسیاری از فعالیت‌های نظارتی مستقیم از جمله صدور گسترده مجوز و برنامه‌های بازرسی مشغول شدند.

- اگر چه ایالات بر فعالیت اقتصادی این دوره حکم‌فرما بودند، دولت فدرال هم غیرفعال نبود.

- در نهایت، یک سیستم تعرفه‌ای که اساساً تأثیری حمایتی داشت را راه‌اندازی کرد، اگرچه مانور به منظور کسب موقعیت توسط منافع مختلف منطقه‌ای تغییرات مکرری در نرخ تعرفه‌ها در سراسر قرن نوزدهم ایجاد کرد. موارد مشخص شده، حاکی از «نقش دولت‌های ایالتی و فدرال در اقتصاد قرن نوزدهم» است.

2. معنای کلمه تأثیر در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به

(الف) ارزش

(ب) بحث

(ج) نفوذ

(د) جلوگیری

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف اول به توضیح کارهایی که توسط ایالات انجام می‌شده اشاره شده و توضیحاتی ارائه شده است. بنابراین به میزان اثرگذاری و نفوذ آنها اشاره دارد.

3. تمام موارد زیر به عنوان حوزه‌هایی که به دولت‌های ایالتی در قرن نوزدهم مرتبط بودند در متن ذکر شده‌اند به غیر از

(الف) استخراج معدن

(ب) بانکداری

(ج) تولید

(د) آموزش عالی

گزینه د صحیح است.

گزینه الف، ب و ج در پاراگراف اول ذکر شده‌اند.

4. معنای کلمه مجزا در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به

(الف) جداگانه

(ب) نوآورانه

(ج) هشداردهنده

(د) تحریک‌آمیز

گزینه الف صحیح است.

در ادامه این جمله، دو شیوه جهت تشویق معرفی شده است، بنابراین distinct می‌تواند حاکی از «متفاوت بودن، مجزا بودن، جدا بودن» باشد.

5. از پاراگراف اول می‌توان نتیجه گرفت که در قرن نوزدهم کانال‌ها و راه‌آهن‌ها

(الف) با پولی که از جانب دولت فدرال تأمین می‌شد ساخته می‌شدند.

(ب) با هزینه بیشتری نسبت به قبل ساخته می‌شدند.

(ج) عمدتاً در بخش غربی کشور ساخته می‌شدند.

(د) گاهی اوقات تا حدودی توسط شرکت‌های ایالتی ساخته می‌شدند.

گزینه د صحیح است.

رد گزینه الف: در بخش آخر پاراگراف اول گفته شده که «فراهم کردن سرمایه برای شرکت‌های دولتی-خصوصی ترکیبی که شروع به سودآوری کنند». بنابراین ایالات خود سرمایه را فراهم می‌کرده‌اند.

رد گزینه ب: در این باره چیزی در متن گفته نشده است.

رد گزینه ج: در این باره چیزی در متن گفته نشده است.

تأیید گزینه د: در پاراگراف اول گفته شده «ایالات پروانه تولید، بانکداری، استخراج معدن، و شرکت‌های حمل‌ونقل را صادر می‌کردند و در ساخت‌وساز توسعه‌های داخلی گوناگون مانند کانال‌ها، شاهراه‌ها، و راه‌آهن شرکت می‌کردند.»

6. فعالیت‌های نظارتی دولت‌های ایالتی شامل تمام موارد زیر بود به غیر از

(الف) صدور مجوز برای تجار خرده‌فروش

(ب) نظارت بر مواد استفاده شده در نگهداری شاهراه‌ها

(ج) اعمال محدودیت بر تثبیت قیمت

(د) کنترل الوار

گزینه ب صحیح است.

همه موارد بجز گزینه ب در پاراگراف دوم ذکر شده است.

7. معنای کلمه تنظیم در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به

(الف) بحث

(ب) بررسی

(ج) برقراری

(د) اجتناب

گزینه ج صحیح است.

«در نهایت، دولت‌های ایالتی مقررات کسب‌وکار مستقیم که برای کمک به کارگر و مصرف‌کننده، شامل تنظیم حداکثر

محدودیت در ساعات کار و محدودیت در تثبیت قیمت‌های تجاری، طراحی شده بود را می‌آزمودند.»

حداکثر ساعات کاری توسط مقررات کسب‌وکار تنظیم می‌شود که گزینه ج به لحاظ معنا تناسب بیشتری دارد.

8. معنای کلمه اهداف در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به

(الف) مزایا

(ب) تصمیمات

(ج) خدمات

(د) مقاصد

گزینه د صحیح است.

«اهداف آن تسهیل ثبات غرب و توسعه صنایع داخلی بود. برای رسیدن به این اهداف دولت فدرال فعالیت‌های مختلفی را

دنبال کرد.»

ends به goals در جمله قبل مربوط است و معادل آن است.

9. بر اساس متن، کدام یک از موارد زیر در مورد قانون مزرعه رعیتی سال 1862 درست است؟

(الف) به طور فزاینده‌ای امکان تملک زمین در غرب را برای مهاجرین تازه ایجاد کرد.

(ب) قانونی بود که ابتدا توسط دولت‌های ایالتی تصویب شد.

(ج) عرضه پول را در غرب افزایش داد.

(د) تعرفه‌هایی را در شماری از مناطق راه‌اندازی کرد.

گزینه الف صحیح است.

«... قانون مزرعه رعیتی سال 1862، که توسط آن حق مالکیت زمین تنها بر اساس سکونت قابل مطالبه بود، به اوج خود رسید.»

با توجه به جمله مذکور مهاجرین تازه‌وارد با سکونت، امکان تملک زمین را خواهند داشت.

10. کدام یک از فعالیت‌های زیر مسئولیت دولت فدرال در قرن نوزدهم بود؟

الف) کنترل تولید باروت

ب) تعیین شرایط کاری افراد

ج) مقررات عرضه پول

د) بازرسی خانه‌های جدید ساخته شده در زمین‌های غربی

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف آخر به این موضوع اشاره شده است: «دولت فدرال به منظور ایجاد ثبات در فعالیت‌های بانکی و تا قسمتی، برای فراهم آوردن عرضه پول نسبتاً آسان در مرز، جایی که پول برای ثبات به شدت مورد نیاز بود، یک بانک ملی تأسیس کرد.»

متن ۴

آغاز حیات از دریا‌های اولیه کمتر از یک میلیارد سال پس از تشکیل شدن زمین بود. با این حال گذشت سه میلیارد سال دیگر تا پدیدار شدن اولین گیاهان و جانوران در قاره‌ها لازم بود. انتقال حیات از دریا به خشکی شاید به اندازه پیدایش حیات چالشی تکاملی بود.

کدام اشکال حیات قادر به ایجاد چنین تغییر شدیدی در سبک زندگی بودند؟ دیدگاه سنتی نسبت به اولین موجودات زمینی بر اساس مگافسیل‌هاست - نمونه‌های نسبتاً بزرگی که اساساً از تمام گیاهان و حیوانات هستند. گیاهان آوندی که مرتبط با دانه‌های گیاهی جدید و سرخس هستند اولین رکورد جامع مگافسیل را به جا گذاشتند. به این دلیل، به طور معمول فرض شده است که دنباله‌ای از فرآیند زمینی شدن تکامل اکوسیستم‌های زمینی جدید را منعکس می‌کرد. در این دیدگاه، گیاهان آوندی اولیه ابتدا در حاشیه آب‌های قاره‌ای ساکن شدند و توسط جانوران گیاهخوار دنبال شدند و در نهایت، توسط جانورانی که گیاهخواران را شکار می‌کردند. به علاوه، مگافسیل‌ها نشان می‌دهند حیات زمینی نزدیک مرز بین دوره‌های سیلورین و دونین، کمی بیشتر از 400 میلیون سال پیش، پدیدار گشت و متحول شد.

اگر چه اخیراً دیرینه‌شناسان به بررسی دقیق‌تر رسوبات زیر این مرز زمین‌شناسی متعلق به دوره‌های سیلورین-دونین پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد برخی از فسیل‌ها را می‌توان با قرار دادن صخره‌ها در حمام اسید از این رسوبات استخراج کرد. این تکنیک شواهد جدیدی از رسوبات ته‌نشین شده در نزدیکی سواحل اقیانوس‌های قدیمی را آشکار کرده است - فسیل‌های میکروسکوپی و نمونه‌های میکروسکوپی از جانوران کوچک. در بسیاری موارد قطر نمونه‌های آزمایش به کمتر از یک دهم میلی‌متر می‌رسد. اگر چه آن‌ها در صخره‌ها به مدت صدها میلیون سال دفن شدند، تعداد زیادی از فسیل‌ها شامل بقایای آلی موجودات زنده هستند.

این فسیل‌ها که به تازگی کشف شده‌اند نه تنها پرده از وجود موجوداتی که سابقاً ناشناخته بودند برداشتند، بلکه تاریخ‌های مربوط به تصرف زمین توسط موجودات زنده چند سلولی را به عقب رانده‌اند. ما هم‌اکنون در حال تجدیدنظر در دیدگاه‌هایمان در مورد طبیعت جوامع گیاهی و جانوری اولیه هستیم. و با وجود این تجدیدنظرها گمانه‌زنی‌های جدیدی در مورد اشکال اولیه حیات زمینی ایجاد خواهد شد.

1. معنای کلمه شدید در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به

(الف) گسترده

(ب) اساسی

(ج) تصاعدی

(د) پرمخاطره

گزینه ب صحیح است.

drastic change در ابتدای پاراگراف اول به «انتقال حیات از دریا به خشکی شاید به اندازه پیدایش حیات چالشی تکاملی بود.» مربوط است، بنابراین حاکی از یک تغییر عظیم است.

2. بر اساس نظریه‌ای که نویسنده آن را «دیدگاه سنتی» می‌نامد، اولین شکل حیات که روی خشکی پدیدار شد کدام بود؟

(الف) باکتری

(ب) جانوران گوشتخوار

(ج) جانوران گیاهخوار

(د) گیاهان آوندی

گزینه د صحیح است.

بر اساس متن «دیدگاه سنتی نسبت به اولین موجودات زمینی بر اساس مگافسیل‌هاست -نمونه‌های نسبتاً بزرگی که اساساً از تمام گیاهان و حیوانات هستند. گیاهان آوندی که مرتبط با دانه‌های گیاهی جدید و سرخس هستند اولین رکورد جامع مگافسیل را به جا گذاشتند.»، گزینه د صحیح است.

3. بر اساس متن، چه اتفاقی حدود 400 میلیون سال پیش رخ داد؟

(الف) بسیاری از اشکال حیات زمینی از بین رفتند.

(ب) اشکال حیات جدیدی روی خشکی به سرعت پیشرفت کردند.

(ج) مگافسیل‌ها توسط سیل‌ها نابود شدند.

(د) حیات در دریا‌های قدیمی شروع به رشد کرد.

گزینه ب صحیح است.

در متن آورده شده است که «به علاوه، مگافسیل‌ها نشان می‌دهند حیات زمینی نزدیک مرز بین دوره‌های سیلورین و دونین، کمی بیشتر از 400 میلیون سال پیش، پدیدار گشت و متحول شد.»

4. معنای عبارت استخراج کرد در پاراگراف سوم نزدیک تر است به

الف) قرار داد

ب) باقی نگه داشت

ج) بیرون آورد

د) بررسی کرد

گزینه ج صحیح است.

«به نظر می‌رسد برخی از فسیل‌ها را می‌توان با قرار دادن صخره‌ها در حمام اسید از این رسوبات استخراج کرد.»
 extract طبق مفهوم جمله، بیرون کشیدن فسیل از میان صخره‌هاست.

5. چه نتیجه‌ای می‌توان از متن در مورد فسیل‌های اشاره شده در پاراگراف سوم گرفت؟

الف) در فهم تکامل حیات زمینی مفید نبودند.

ب) تقریباً به تعداد فسیل‌های گیاهان آوندی یافت شدند.

ج) از مگافسیل‌ها قدیمی‌تر بودند.

د) شامل اشکال جدیدی از حیات بودند.

گزینه ج صحیح است.

رد گزینه الف و د: در متن گفته شده «... پرده از وجود موجوداتی که سابقاً ناشناخته بودند برداشتند.» بنابراین در فهم تکامل زمین مؤثر بوده‌اند.

رد گزینه ب: به این مورد در متن اشاره نشده است.

تأیید گزینه ج: مگافسیل‌ها طبق پاراگراف دوم، سابقه کمی بیشتر از 400 میلیون سال پیش را نشان می‌دهند و طبق پاراگراف سوم، فسیل‌های مذکور در صخره‌ها به مدت صدها میلیون سال دفن شده‌اند.

6. معنای کلمه موارد در پاراگراف سوم نزدیک تر است به

الف) روش‌ها

ب) فرایندها

ج) موارد

د) دلایل

گزینه ج صحیح است.

«این تکنیک شواهد جدیدی از رسوبات ته‌نشین شده در نزدیکی سواحل اقیانوس‌های قدیمی را آشکار کرده است - فسیل‌های میکروسکوپی و نمونه‌های میکروسکوپی از جانوران کوچک. در بسیاری موارد قطر نمونه‌های آزمایش به کمتر از یک دهم میلی‌متر می‌رسد.»

در جمله قبل در مورد مواردی از فسیل‌ها و نمونه‌های میکروسکوپی بحث شده است.

7. کلمه آن‌ها در پاراگراف سوم اشاره دارد به

(الف) صخره‌ها

(ب) سواحل

(ج) اقیانوس‌ها

(د) نمونه‌های آزمایش

گزینه د صحیح است.

قبل از they، نزدیک‌ترین اسم specimens است که به لحاظ تعداد و جنسیت و مفهوم با آن همخوانی دارد.

8. معنای عبارت دفن شدند در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به

(الف) له شدند

(ب) به دام افتادند

(ج) تولید شدند

(د) حفر شدند

گزینه ب صحیح است.

«اگر چه آن‌ها در صخره‌ها به مدت صدها میلیون سال دفن شدند، تعداد زیادی از فسیل‌ها شامل بقایای آلی موجودات زنده هستند.»

وجود although نشان‌دهنده نوعی تناقض در دو جمله است. در جمله دوم گفته شده که هنوز بقایای آلی موجودات زنده باقی است، بنابراین جمله اول باید حاکی از امری باشد که به نوعی متناقض با آن است. بنابراین می‌توان استنباط کرد که جمله به معنای «گیر افتادن و دفن شدن» در صخره‌ها به مدتی صدها سال است.

9. کدام یک از موارد زیر نتیجه کشف فسیل‌های میکروسکوپی بود؟

(الف) در برآورد زمان پیدایش نخستین اشکال حیات زمینی تجدیدنظر شد.

(ب) کاربردهای جدیدی برای تکنیک‌های قدیمی بررسی فسیل‌ها یافت شد.

(ج) منشاء حیات نخستین در دریا توضیح داده شد.

(د) فرضیات در مورد موقعیت‌های دریا‌های قدیمی تغییر یافت.

گزینه الف صحیح است.

در متن گفته شده «... پرده از وجود موجوداتی که سابقاً ناشناخته بودند برداشتنند.»

10. نویسنده احتمالاً با کدام یک از موارد زیر موافقت می‌کند؟

(الف) تکامل حیات زمینی به اندازه منشاء حیات پیچیده بوده است.

(ب) کشف فسیل‌های میکروسکوپی دیدگاه سنتی در مورد چگونگی تکامل حیات زمینی را پشتیبانی می‌کند.

(ج) گونه‌های زیستی جدید در طی 400 میلیون سال پیش به یک میزان پدیدار می‌شدند.

(د) فناوری استفاده شده توسط دیرینه‌شناسان برای تعیین دقیق سن فسیل‌ها بسیار ابتدایی است.

گزینه الف صحیح است.

رد گزینه ب: در متن گفته شده «... پرده از وجود موجوداتی که سابقاً ناشناخته بودند برداشتند.»

رد گزینه ج: «حیات زمینی نزدیک مرز بین دوره‌های سیلورین و دونین، کمی بیشتر از 400 میلیون سال پیش، پدیدار گشت و متحول شد.»

رد گزینه د: در پاراگراف دوم گفته شده که «اگر چه اخیراً دیرینه‌شناسان به بررسی دقیق‌تر رسوبات زیر این مرز زمین‌شناسی متعلق به دوره‌های سیلورین-دونین پرداخته‌اند.»

متن ۵

آنچه امروزه هنر مردمی آمریکایی می‌نامیم در واقع هنری برای مردمانی روزمره و عادی توسط خودشان و از جانب خودشان بود که با افزایش رفاه و فراغت، بازاری برای انواع آن و به خصوص برای پرتره ایجاد کردند. شهروندان مرفه که اساساً جمهوری طبقه متوسط بودند -رومیان باستان، شهرنشینان هلندی قرن هفدهم و یا آمریکایی‌های قرن نوزدهم- همواره علاقه قابل توجهی به نقاشی چهره نشان داده‌اند. با آغاز آن در اواخر قرن هجدهم، ایالات متحده آمریکا شامل تعداد رو به فزونی از چنین افراد و هنرمندانی بود که تقاضای این افراد را برطرف می‌کردند.

جای تعجب نیست که اولین پرتره‌های هنر مردمی آمریکایی از ایالات نیوانگلند -به خصوص کنیتیک و ماساچوست- برخاست، چرا که این منطقه‌ای ثروتمند و پرجمعیت در مرکز قدرتمند سنت هنر و صنعت بود. در عرض چند دهه پس از امضای اعلامیه استقلال در سال 1776، جمعیت به سمت غرب کشیده شد و نقاشان پرتره در بخش غربی نیویورک، اوهایو، کنتاکی، ایلینوی، و میزوری مشغول بودند. در اواسط اولین قرن خود به عنوان یک کشور، جمعیت آمریکا تقریباً پنج برابر افزایش یافته بود و یازده ایالت جدید به سیزده ایالت اصلی اضافه شده بود. در طول این سال‌ها تقاضا برای پرتره بیشتر و بیشتر شد و در نهایت توسط دوربین اقلع شد. در سال 1839 **داگرو تایتپ** به آمریکا معرفی شد و عصر عکاسی را **نوید داد** و در عرض یک نسل اختراع جدید به محبوبیت پرتره‌های نقاشی شده پایان داد. بار دیگر پرتره اصل لوکس محسوب می‌شد و توسط ثروتمندان سفارش داده می‌شد و توسط حرفه‌ای‌ها اجرا می‌شد.

اما در دوران شکوفایی نقاشی پرتره -از اواخر قرن هجدهم تا دهه 1850- هر فرد با اندک توانایی هنری قادر بود طراح شود، عنوانی که به یک نقاش پرتره داده می‌شد. صنعتگران محلی -نقاشان تابلو، کالسکه، و خانه- نقاشی پرتره را به عنوان شغلی حاشیه‌ای و سودآور آغاز کردند؛ گاهی اوقات مرد یا زن با استعدادی که با **طراحی** اعضای خانواده کار خود را آغاز می‌کرد به شهرتی محلی دست می‌یافت و با درخواست‌های پرتره محاصره می‌شد؛ هنرمندان دریافتند که **ارزشش را دارد** که بار رنگ‌ها، بوم‌ها، و قلم‌هایشان را ببندند و به حومه شهر ببرند و اغلب اوقات تزئینات منزل را با نقاشی پرتره ادغام کنند.

1. در پاراگراف اول، نویسنده به شهرنشینان هلندی قرن هفدهم به عنوان مثالی از گروهی اشاره می‌کند که

(الف) عمدتاً شامل هنرمندانی خودآموخته بودند

(ب) پرتره‌ها را ارج می‌نهادند

(ج) بر هنر مردمی آمریکا تأثیر گذاشتند

(د) زمان کمی برای صرف کردن در راه هنر داشتند

گزینه ب صحیح است.

در متن آورده شده که «شهروندان مرفه که اساساً جمهوری طبقه متوسط بودند - رومیان باستان، شهرنشینان هلندی قرن هفدهم و یا آمریکایی‌های قرن نوزدهم - همواره علاقه قابل توجهی به نقاشی چهره نشان داده‌اند».

2. معنای کلمه قابل توجه در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به

الف) چشمگیر

ب) خجسته

ج) قابل فهم

د) مرموز

گزینه الف صحیح است.

در جمله بعد اشاره شده که «با آغاز آن در اواخر قرن هجدهم، ایالات متحده آمریکا شامل تعداد رو به فزونی از چنین افراد و هنرمندانی بود که تقاضای این افراد را برطرف می‌کردند». بنابراین تعداد رو به افزایش هنرمندان، برای برآوردن نیازی است که باید چشمگیر باشد. در نتیجه marked باید چنین مفهومی با خود داشته باشد.

3. بر اساس متن، اولین پرتره‌های مردمی آمریکایی کجا نقاشی شدند؟

الف) در نیویورک غربی

ب) در ایلینوی و میزوری

ج) در کنتیکت و ماساچوست

د) در اوهایو

گزینه ج صحیح است.

در متن ذکر شده که «جای تعجب نیست که اولین پرتره‌های هنر مردمی آمریکایی از ایالات نیوانگلند - به‌خصوص کنتیکت و ماساچوست - برخاست،...».

4. کلمه این در پاراگراف دوم اشاره دارد به

الف) یک مرکز قدرتمند سنت هنر و صنعت

ب) هنر مردمی آمریکایی

ج) نیوانگلند

د) نیویورک غربی

گزینه ج صحیح است.

اولین اسم پیش از New England، this است که با توجه به مفهوم، تعداد و جنسیت می‌توان تشخیص داد که this به New England اشاره دارد.

5. جمعیت ایالات متحده در پنجاه سال اولیه پس از استقلال چقدر افزایش یافت؟

الف) سه برابر بیشتر شد.

ب) پنج برابر بیشتر شد.

ج) یازده برابر بیشتر شد.

د) سیزده برابر بیشتر شد.

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف دوم متن به این امر اشاره شده است.

6. معنای عبارت نوید داد در پاراگراف دوم نزدیک تر است به

الف) آغاز کرد

ب) تقاضا کرد

ج) منتشر کرد

د) افزایش داد

گزینه الف صحیح است.

«در سال 1839 داگروئتایپ به آمریکا معرفی شد و عصر عکاسی را نوید داد و در عرض یک نسل اختراع جدید به محبوبیت پرتره‌های نقاشی شده پایان داد.»

معرفی داگروئتایپ (نخستین روش موفق در ثبت عکس‌های دائمی) به منزله آغازی عصری جدید می‌تواند باشد. بنابراین ushering in می‌تواند هم‌معنی با آغاز کردن باشد.

7. رابطه بین داگروئتایپ (پاراگراف دوم) و پرتره نقاشی شده شبیه به رابطه اتومبیل و است.

الف) اتوبان

ب) راننده

ج) کالسکه اسبی

د) موتور

گزینه ج صحیح است.

داگروئتایپ روشی برای ثبت عکس است، در حقیقت پرتره‌هایی که با دست کشیده می‌شده، حالا با فناوری آسان‌تر و سریع‌تر بدست می‌آید. رابطه کالسکه اسبی که به اتومبیل تبدیل شده نیز مصداق همین امر است.

8. بر اساس متن، کدام یک از موارد زیر به کاهش تقاضای پرتره‌های نقاشی شده کمک کردند؟

الف) فقدان سنت قدرتمند هنر و صنعت

ب) مهاجرت نقاشان به سمت غرب

ج) علاقه رو به رشد برای نقاشی‌های منظره

د) اختراع دوربین

گزینه د صحیح است.

در متن عنوان شده است که «در سال 1839 داگروئتایپ به آمریکا معرفی شد و عصر عکاسی را نوید داد و در عرض یک نسل اختراع جدید به محبوبیت پرتره‌های نقاشی شده پایان داد.»

9. معنای کلمه اجرا می‌شد در پاراگراف دوم نزدیک تر است به

الف) فروخته می‌شد

ب) تقاضا می‌شد

ج) تحسین می‌شد

د) ایجاد می‌شد

گزینه د صحیح است.

«بار دیگر پرتره اصل لوکس محسوب می‌شد و توسط ثروتمندان سفارش داده می‌شد و توسط حرفه‌ای‌ها اجرا می‌شد». فعل execute به اجرای پرتره‌های توسط حرفه‌ای بازمی‌گردد. بنابراین معنای آن با گزینه د همخوانی دارد.

10. نویسنده به طور ضمنی بیان می‌کند که طراحان

الف) از معلمان مسافر درس می‌گرفتند

ب) زن بودند

ج) از خانواده‌های ثروتمند بودند

د) هیچ آموزش رسمی هنری نداشتند

گزینه د صحیح است.

نام بردن از «صنعتگران محلی» و «مرد یا زن با استعدادی که با طراحی اعضای خانواده کار خود را آغاز می‌کرد»، به عنوان کسانی که طراحی می‌کردند، بدان معناست که اساساً هنرمندان در این باره آموزش نمی‌دیدند و خود آغازکننده طراحی بودند.

11. معنای کلمه طراحی در پاراگراف سوم نزدیک تر است به

الف) ترسیم

ب) استخدام

ج) کمک

د) بحث

گزینه الف صحیح است.

«... مرد یا زن با استعدادی که با طراحی اعضای خانواده کار خود را آغاز می‌کرد ...»

sketch از اعضای خانواده با توجه به مفهوم کلی و هدف متن، به معنای طراحی کردن، نقش زدن و ترسیم کردن می‌تواند.

12. معنای عبارت ارزشش را دارد در پاراگراف سوم نزدیک تر است به

الف) ضروری

ب) آموزشی

ج) سودآور

د) لذت بخش

گزینه ج صحیح است.

«... به شهرتی محلی دست می‌یافت و با درخواست‌های پرتره محاصره می‌شد؛ هنرمندان دریافتند که ارزشش را دارد که بار رنگ‌ها، بوم‌ها، و قلم‌هایشان را ببندند و به حومه شهر ببرند و اغلب اوقات تزئینات منزل را با نقاشی پرتره ادغام کنند.»

نقطه ویرگول برای جداکردن جمله‌هایی که از جهت ساختمان و مفهوم مستقل به نظر می‌رسند ولی در یک عبارت طولانی بستگی معنایی دارند. در این پاراگراف نیز، دو جمله دارای بستگی معنایی در عین مفهوم مستقلشان هستند. بنابراین علت این که هنرمندان حاضر بودند برای نقاشی به حومه شهر بروند، نوعی سودآوری است.

متن ۶

آبله اولین بیماری شایع بود که با دخالت انسان به طور کامل از بین رفت. یک بیماری به شدت واگیردار که بومی اروپا بود و تا توسعه واکسیناسیون توسط ادوارد جنر حدود سال 1800 منجر به مرگ میلیون‌ها انسان شد. در بسیاری از کشورهای غیراروپایی تا همین اواخر یک بیماری وحشتناک و کشنده به حساب می‌آمد. قربانیان این بیماری از تب بالا، استفراغ، و جوش‌های دردناک خارش‌آور رنج می‌بردند که جوش‌هایی چرکی بودند و چال و چوله به جای می‌گذاشتند. در روستاها و شهرهای سراسر جهان، افرادی که اثر زخم داشتند نشان می‌دادند که از آبله جان سالم به در برده‌اند.

در ماه مه سال 1966، سازمان بهداشت جهانی (WHO)، یکی از آژانس‌های سازمان ملل متحد، برای شروع یک کمپین جهانی برای ریشه‌کن کردن آبله مأمور شد. هدف از بین بردن بیماری در عرض یک دهه بود. در آن زمان، این بیماری **تهدیدی** جدی برای مردم سی کشور به حساب می‌آمد. بیش از 700 پزشک، پرستار، دانشمند، و سایر پرسنل از سازمان جهانی بهداشت با 200000 کارمند بهداشت در کشورهای آلوده برای مبارزه با این بیماری گرد هم آمدند. از آنجا که پروژه‌های مشابه برای مالاریا و تب زرد شکست خورده بود، عده کمی معتقد بودند که یک بیماری به شیوع آبله بتواند واقعاً ریشه‌کن شود، اما تا یازده سال پس از سازماندهی اولیه کمپین ضد آبله، هیچ موردی در این زمینه گزارش نشد.

استراتژی مبارزه با بیماری در سطوح مختلف توسعه یافته بود. البته یک کمپین آموزشی برای ساکنین کشورهای در معرض خطر وجود داشت تا این افراد پیام‌زن بیماری چگونه گسترش می‌یابد و تبدیل به شرکت‌کنندگانی فعال در مبارزه با آبله شوند. سایر استراتژی‌ها علاوه بر واکسیناسیون همگانی، شامل قرنطینه بیماران مبتلا به آبله فعال به منظور جلوگیری از گسترش بیماری بود به این ترتیب که موجب شکستن زنجیره انتقال انسانی می‌شد. پاداش‌های مالی برای گزارش آبله به ایجاد انگیزه در عموم برای کمک به کارکنان بهداشت مؤثر بود. قربانیان آبله یکی پس از دیگری دنبال می‌شدند و تماسشان با سایرین قطع می‌شد و درمان می‌شدند. هم زمان، کل روستایی که قربانی در آن ساکن بود واکسینه می‌شد.

تا آوریل سال 1978، مقامات سازمان جهانی بهداشت اعلام کردند که آنها آخرین مورد شناخته شده مبتلا به بیماری را قرنطینه کرده‌اند، اما کارکنان بهداشت به جست‌وجوی خود برای موارد جدید تا دو سال دیگر ادامه دادند تا کاملاً مطمئن شوند. در ماه مه سال 1980، بیانیه‌ای رسمی در جامعه جهانی صادر شد. امروزه آبله دیگر خطری برای بشریت محسوب نمی‌شود. واکسیناسیون جاری در سراسر جهان متوقف شده است.

1. کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن است؟

الف) سازمان جهانی بهداشت

ب) ریشه‌کن کردن آبله

ج) واکسیناسیون آبله

د) بیماری‌های عفونی

گزینه ب صحیح است.

جملات ابتدایی پاراگراف‌ها و جمله آخر متن عبارتند از:

- آبله اولین بیماری شایع بود که با دخالت انسان به طور کامل از بین رفت.
 - در ماه مه سال 1966، سازمان بهداشت جهانی (WHO)، یکی از آژانس‌های سازمان ملل متحد، برای شروع یک کمپین جهانی برای ریشه‌کن کردن آبله مأمور شد.
 - استراتژی مبارزه با بیماری در سطوح مختلف توسعه یافته بود.
 - تا آوریل سال 1978، مقامات سازمان جهانی بهداشت اعلام کردند که آنها آخرین مورد شناخته شده مبتلا به بیماری را قرنطینه کرده‌اند، اما کارکنان بهداشت به جست‌وجوی خود برای موارد جدید تا دو سال دیگر ادامه دادند تا کاملاً مطمئن شوند.
 - امروزه آبله دیگر خطری برای بشریت محسوب نمی‌شود. واکسیناسیون جاری در سراسر جهان متوقف شده است.
- موارد فوق نشان می‌دهد که گزینه ب، بهترین عنوان برای متن خواهد بود.

2. کلمه تهديد در پاراگراف دوم بهتر است با کدام مورد جایگزین شود؟

الف) مباحثه

ب) تحقیر

ج) خطر

د) آزار

گزینه ج صحیح است.

موضوعات مطرح شده در پاراگراف که در مورد اقداماتی مهم جهت از بین بردن بیماری است، نشان‌دهنده این است که بیماری خطری جدی است و بنابراین threat به معنای خطر و تهدید است.

3. بر اساس متن، استراتژی استفاده شده برای از بین بردن گسترش آبله چه بود؟

(الف) واکسیناسیون تمامی روستاها

(ب) درمان هر قربانی

(ج) قرنطینه قربانیان و واکسیناسیون همگانی

(د) گزارش گسترده شیوع

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف سوم بیان شده است که «سایر استراتژی‌ها علاوه بر واکسیناسیون همگانی، شامل قرنطینه بیماران مبتلا به آبله فعال به منظور جلوگیری از گسترش بیماری بود».

4. کلمه آن‌ها در پاراگراف چهارم اشاره دارد به

(الف) سال‌ها

(ب) مقامات

(ج) قربانیان

(د) موارد

گزینه ب صحیح است.

نزدیک‌ترین اسم به WHO officials, they است که به لحاظ معنا، تعداد و جنسیت با هم همخوانی دارند.

5. معنای عبارت قرنطینه کردند در پاراگراف چهارم نزدیک‌تر است به

(الف) ترمیم کردند

(ب) جدا کردند

(ج) مواظبت کردند

(د) قرار دادند

گزینه ب صحیح است.

این جمله در ادامه موضوع پاراگراف قبلی مبنی بر جدا کردن بیماران است. بنابراین isolated در این جمله به عنوان آخرین مورد از این اقدام به معنای «قرنطینه کردن» و «جدا ساختن» است.

6. عموم چگونه تشویق شدند به کارکنان بهداشت کمک کنند؟

(الف) با آموزش دیدن

(ب) با پاداش گرفتن برای گزارش موارد

(ج) با قرنطینه شدن آن‌ها از سایرین

(د) با واکسینه کردن آن‌ها

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف سوم گفته شده است که «پاداش‌های مالی برای گزارش آبله به ایجاد انگیزه در عموم برای کمک به کارکنان بهداشت مؤثر بود.».

7. کدام یک از جملات زیر به آبله اشاره ندارد؟

- الف) پروژه‌های قبلی شکست خورده بود.
- ب) افراد دیگر برای آن واکسینه نمی‌شوند.
- ج) سازمان جهانی بهداشت کمپینی جهانی برای ریشه‌کن کردن بیماری راه‌اندازی کرد.
- د) تهدیدی جدی بود.

گزینه الف صحیح است.

رد گزینه ب: در انتهای متن بیان شده که «واکسیناسیون جاری در سراسر جهان متوقف شده است.».

رد گزینه ج: در ابتدای پاراگراف دوم اشاره شده است که «در ماه مه سال 1966، سازمان بهداشت جهانی (WHO)، یکی از آژانس‌های سازمان ملل متحد، برای شروع یک کمپین جهانی برای ریشه‌کن کردن آبله مأمور شد.».

رد گزینه د: در پاراگراف دوم گفته شده است که «در آن زمان، این بیماری تهدیدی جدی برای مردم سی کشور به حساب می‌آمد.».

8. بر اساس متن می‌توان نتیجه گرفت که

- الف) امسال هیچ مورد جدیدی از آبله گزارش نشده است.
- ب) امسال مالاریا و تب زرد گزارش شده‌اند.
- ج) قربانیان آبله دیگر در تماس با بیماری جان خود را از دست نمی‌دهند.
- د) آبله از یک فرد به دیگری منتقل نمی‌شود.

گزینه الف صحیح است.

تأیید گزینه الف: طبق این جمله در آخر متن «امروزه آبله دیگر خطری برای بشریت محسوب نمی‌شود.»، این امر را می‌توان قابل قبول دانست.

رد گزینه ب: اگر چه در متن گفته شده که «پروژه‌های مشابه برای مالاریا و تب زرد شکست خورده بود»، اما این امر دلیلی برای گزارش آن در امسال نیست.

رد گزینه ج: چنین چیزی در متن بیان نشده است.

رد گزینه د: در پاراگراف اول، از آبله با عنوان «یک بیماری به شدت واگیردار» یاد شده است.

متن ۷

بارندگی، که معمولاً از آن به عنوان بارش باران یاد می‌شود، اندازه‌گیری مقدار آب جوی است که به صورت باران، تگرگ، و یا برف به زمین می‌رسد. بارش متوسط سالانه در سرتاسر ایالات متحده هر سال به سی و شش اینچ می‌رسد. اگر چه درک این نکته ضروری است که تمامی بارش‌ها به یک صورت اندازه‌گیری نمی‌شوند. برای مثال، یک فوت برف با یک فوت بارندگی برابر

نیست. بر اساس فرمول کلی محاسبه بارش برف، ده اینچ برف با یک اینچ بارش برابر است. برای مثال، در ایالت شمالی نیویورک، جایی که معمولاً در زمستان میزان بارش برف زیاد است، صد اینچ برف در یک سال تنها به صورت ده اینچ بارندگی ثبت می‌شود. از سوی دیگر، باران، باران است. چهل اینچ باران به صورت چهل اینچ بارندگی ثبت می‌شود. مجموع بارندگی سالانه برای منطقه‌ای با چهل اینچ باران و صد اینچ برف به صورت پنجاه اینچ بارندگی ثبت می‌شود.

میزان بارندگی که یک منطقه دریافت می‌کند حاصل ترکیبی از چندین عامل است، از جمله موقعیت، ارتفاع، مجاورت با دریا، و جهت بادهای جاری. بیشتر بارندگی ایالات متحده در اصل توسط بادهای جاری از سوی اقیانوس آرام، خلیج مکزیک، اقیانوس اطلس، و دریاچه‌های بزرگ آورده می‌شود. به دلیل این که این بادهای جاری عمدتاً از سمت غرب می‌آیند، سواحل اقیانوس آرام بارندگی سالانه بیشتری نسبت به سواحل اقیانوس اطلس دریافت می‌کند. اگر چه در امتداد خود سواحل اقیانوس آرام، ارتفاع در میزان بارش باران تفاوت ایجاد می‌کند. رشته‌کوه‌های ایالات متحده، به خصوص رشته کوه راکی و آپالچی بر مقدار بارندگی در مناطق جانبی بادپناه و بادگیر این رشته کوه‌ها تأثیر می‌گذارد. در قسمت شرقی کوه‌های راکی، بارش سالیانه اساساً کمتر از قسمت غربی کوه‌های راکی است. بارندگی قسمت شمالی کوه‌های آپالچی به طور میانگین 40 درصد کمتر از آن در قسمت جنوبی کوه‌های آپالچی است. همان‌طور که جریان‌های هوا از اقیانوس بر فراز خشکی حرکت می‌کنند، هوا باید صعود کند تا از کوه‌ها عبور کند. هوا خنک می‌شود و آبی که در ابرها نگه داشته شده به صورت باران یا برف روی قسمت صعودی کوه‌ها می‌بارد. بنابراین هوا در سمت دیگر کوه بسیار خشک‌تر است.

1. متن عمدتاً در مورد کدام یک بحث می‌کند؟

(الف) بارندگی

(ب) بارش برف

(ج) ایالت نیویورک

(د) یک فرمول کلی

گزینه الف صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله انتهایی متن به شرح ذیل است:

- بارندگی، که معمولاً از آن به عنوان بارش باران یاد می‌شود، اندازه‌گیری مقدار آب جوی است که به صورت باران، تگرگ، و یا برف به زمین می‌رسد.

- میزان بارندگی که یک منطقه دریافت می‌کند حاصل ترکیبی از چندین عامل است، از جمله موقعیت، ارتفاع، مجاورت به دریا، و جهت بادهای جاری.

- هوا باید صعود کند تا از کوه‌ها عبور کند. هوا خنک می‌شود و آبی که در ابرها نگه داشته شده به صورت باران یا برف روی قسمت صعودی کوه‌ها می‌بارد. بنابراین هوا در سمت دیگر کوه بسیار خشک‌تر است.

بنابراین در مجموع متن در رابطه با بارندگی به صورت کلی است.

2. کدام یک از کلمات زیر اغلب به جای بارندگی استفاده می‌شود؟

الف) رطوبت

ب) خیزی

ج) بارش باران

د) باران-برف

گزینه ج صحیح است.

جمله اول متن بیان می‌کند که «بارندگی، که معمولاً از آن به عنوان بارش باران یاد می‌شود»

3. اصطلاح بارندگی شامل می‌شود.

الف) فقط بارش باران

ب) باران، تگرگ، و برف

ج) باران، برف، و رطوبت

د) باران، تگرگ، و رطوبت

گزینه ب صحیح است.

جمله اول متن در این رابطه است «بارندگی، که معمولاً از آن به عنوان بارش باران یاد می‌شود».

4. متوسط بارش سالیانه باران در ایالات متحده چقدر است؟

الف) سی و شش اینچ

ب) سی و هشت اینچ

ج) چهل اینچ

د) چهل و دو اینچ

گزینه الف صحیح است.

در پاراگراف اول گفته شده «بارش متوسط سالانه در سرتاسر ایالات متحده هر سال به سی و شش اینچ می‌رسد».

5. اگر ایالتی 40 اینچ برف در یک سال داشته باشد، این میزان تا چه اندازه بارندگی سالیانه را افزایش می‌دهد؟

الف) تا دو فوت

ب) تا چهار اینچ

ج) تا چهار فوت

د) تا 40 اینچ

گزینه ب صحیح است.

در متن گفته شده که «بر اساس فرمول کلی محاسبه بارش برف، ده اینچ برف با یک اینچ بارش برابر است». بنابراین چهل اینچ برف برابر با چهار اینچ باران است.

6. معنای عبارت مجاورت با در پاراگراف دوم نزدیک تر است به

الف) ارتباط با

ب) وابستگی به

ج) نزدیکی به

د) شباهت به

گزینه ج صحیح است.

«میزان بارندگی که یک منطقه دریافت می کند حاصل ترکیبی از چندین عامل است، از جمله موقعیت، ارتفاع، مجاورت با دریا، و جهت بادهای جاری.»

جمله اول به عوامل مؤثر در بارندگی اشاره دارد، که فاصله با دریا نیز از جمله این عوامل است. بنابراین proximity to معنای نزدیکی به دریا می تواند باشد.

7. بارندگی سالیانه کجا بیشتر است؟

الف) سواحل اقیانوس اطلس

ب) دریاچه های بزرگ

ج) خلیج مکزیک

د) سواحل اقیانوس آرام

گزینه د صحیح است.

در پاراگراف دوم گفته شده که «سواحل اقیانوس آرام بارندگی سالانه بیشتری نسبت به سواحل اقیانوس اطلس دریافت می کند.»

8. به کدام یک از موارد زیر به عنوان عامل تعیین کننده میزان بارندگی دریافتی یک منطقه اشاره نشده بود؟

الف) کوه ها

ب) ارتفاع

ج) دریا

د) باد

گزینه الف صحیح است.

در پاراگراف دوم، به همه موارد بجز مورد اول اشاره شده است.

9. کلمه اساساً در پاراگراف دوم بهتر است با کدام مورد جایگزین شود؟

الف) اساساً

ب) به طور جزئی

ج) کاملاً

د) ظاهراً

گزینه الف صحیح است.

«رشته‌کوه‌های ایالات متحده، به خصوص رشته کوه راکی و آپالاچی بر مقدار بارندگی در مناطق جانبی بادپناه و بادگیر این رشته کوه‌ها تأثیر می‌گذارد. در قسمت شرقی کوه‌های راکی، بارش سالیانه اساساً کمتر از قسمت غربی کوه‌های راکی است.» جمله دوم در ادامه جمله اول و در توضیح تأثیر رشته کوه‌ها بر میزان بارندگی آمده است. بنابراین substantially می‌تواند به معنای «اساساً، در اصل» باشد.

10. کلمه آن در پاراگراف دوم اشاره دارد به

الف) کاهش می‌دهد

ب) بارندگی

ج) مناطق

د) رشته کوه‌ها

گزینه ب صحیح است.

that به precipitation برمی‌گردد، به لحاظ تعداد و محتوا همخوانی وجود دارد.

متن ۸

اقاقیا (درخت صمغ عربی)، نوعی از درخت و درختچه از خانواده درخت گل ابریشم است که منشاء آنها در استرالیا است و برای مدت زیادی در ساختن بناهای گلی و چوبی مورد استفاده قرار گرفته است. ااقاقیا در استرالیا ترکه نامیده می‌شود و این‌طور گفته می‌شود که بناها از ترکه و خشت ساخته شده‌اند. ااقاقیا در واقع مربوط به خانواده گیاهانی است که با نام حبوبات، شامل نخود، لوبیا، عدس، بادام زمینی، و پوسته‌هایی با دانه‌های لوبیا شکل، شناخته می‌شوند. بعضی اقاقی‌ها در واقع محصولات خوراکی تولید می‌کنند. سایر انواع اقاقی‌ها برای صمغ چسبناکشان ارزشمندند که صمغ عربی و صمغ ااقاقیا نامیده می‌شوند و به طور گسترده‌ای در دارو، غذا، و عطر استفاده می‌شوند، همچنین برای چوب متراکم با ارزش برای ساخت پیانو، یا برای پوست غنی از تانن، ماده تیره اسیدی برای فرآوری پوست حیوانات برای تبدیله‌شان به چرم کاربرد دارند.

نزدیک به پانصد گونه ااقاقیا بررسی، شناسایی، و دسته‌بندی شده‌اند و ثابت شده است که قابلیت بقا در مناطق گرم و به طور کلی خشک جهان را دارند؛ هر چند فقط دو جین از سیصد گونه استرالیایی در ایالات متحده جنوبی عمل می‌آیند. بیشتر واردات ااقاقیا درختانی هستند که در ارتفاع کم به رشد خود ادامه می‌دهند، اما از میان این‌ها، تنها سه مورد گل می‌دهند، که عبارتند از: ااقاقیای بیلی با برگ‌های سرخس مانند نقره‌ای و گل‌های کوچک معطر که به شکل خوشه‌هایی گرد هستند؛ ترکه نقره‌ای که شبیه ااقاقیای بیلی است و دو برابر آن قد می‌کشد؛ و ترکه طلایی سیدنی متراکم که با داشتن برگ‌های پهن و صاف، شکوفه‌های براق زرد پر جلوه و شاخه‌های تیز تنیده به هم پرپشت به نظر می‌رسد. نوع دیگر آن که اقاقی سیاه است و بلک وود هم نامیده می‌شود، دارای شاخ و برگ سبز تیره و شکوفه‌های ساده هستند. علاوه بر این که یک درخت محبوبی زینتی است، اقاقی سیاه به دلیل چوب تیره‌اش که در ساخت مبلمان و آلات بسیار باارزش موسیقی استفاده می‌شود ارزشمند محسوب می‌شود.

خوی عجیب اقاقی به شکوفه زدن در ماه فوریه معمولاً به ریشه استرالیایی آن نسبت داده می‌شود، مثل این که تاریخ و یا کیفیت نور تفاوت چندانی در چرخه گل این درخت ایجاد نمی‌کند. در نیم‌کره جنوبی، فصل‌ها بر عکس است، و فوریه، که در ایالات متحده زمستان است، در استرالیا تابستان است. هرچند عملاً در استرالیا شکوفه‌های زرد رنگ پریده در اوت ظاهر می‌شوند. فرقی نمی‌کند در نیم‌کره جنوبی بروید یا شمالی، اقاقی دوست‌داشتنی در زمستان شکوفه می‌زند.

1. متن در درجه اول به کدام یک از موضوعات زیر می‌پردازد؟

الف) اقاقی سیاه

ب) ویژگی‌ها و انواع اقاقی

ج) انواع استرالیایی اقاقی

د) کاربرد چوب اقاقی در مبلمان تزئینی

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح زیر است:

- اقاقیا (درخت صمغ عربی)، نوعی از درخت و درختچه از خانواده درخت گل ابریشم است که از استرالیا نشأت می‌گیرد و برای مدت زیادی در ساختن بناهای گلی و چوبی مورد استفاده قرار گرفته است. (توضیح در مورد اقاقیا و کاربرد آن)
- نزدیک به پانصد گونه اقاقیا بررسی، شناسایی، و دسته‌بندی شده‌اند و ثابت شده است که قابلیت بقا در مناطق گرم و به طور کلی خشک جهان را دارند؛ (توضیح در مورد اقاقیا، دسته‌بندی و ویژگی‌های آن)
- خوی عجیب اقاقی به شکوفه زدن در ماه فوریه معمولاً به ریشه استرالیایی آن نسبت داده می‌شود، مثل این که تاریخ و یا کیفیت نور تفاوت چندانی در چرخه گل این درخت ایجاد نمی‌کند. (توضیح در مورد اقاقیا و ویژگی‌های آن)
- فرقی نمی‌کند در نیم‌کره جنوبی بروید یا شمالی، اقاقی دوست‌داشتنی در زمستان شکوفه می‌زند. (توضیح در مورد اقاقیا و ویژگی‌های آن)

2. چند گونه از اقاقی در ایالات متحده جنوبی به خوبی رشد می‌کنند؟

الف) پانصد

ب) سیصد

ج) دوازده

د) سه

گزینه ج صحیح است.

در متن آمده است که «هر چند فقط دو جین از سیصد گونه استرالیایی در ایالات متحده جنوبی عمل می‌آیند.».

3. معنای عبارت عمل می‌آیند در پاراگراف دوم به کدام یک از موارد زیر نزدیک‌تر است؟

الف) به خوبی رشد می‌کنند

ب) یافت می‌شوند

ج) کاشته شدند

(د) می‌توانند زندگی کنند

گزینه الف صحیح است.

«هر چند فقط دو جین از سیصد گونه استرالیایی در ایالات متحده جنوبی عمل می‌آیند.»

متن در رابطه با اقامی است و مفهوم جمله نشان می‌دهد که thrive به معنای رشد یافتن است.

4. کلمه این‌ها در پاراگراف دوم اشاره دارد به

الف) ایالات متحده

ب) انواع

ج) گونه‌ها

د) درختان

گزینه د صحیح است.

«بیشتر واردات اقامی، درختانی هستند که در ارتفاع کم به رشد خود ادامه می‌دهند، اما از میان این‌ها، تنها سه مورد گل می‌دهند.»

اسمی که قبل از these آمده، trees است که هم به لحاظ مفهوم و هم به لحاظ تعداد با these مطابقت دارد.

5. بر اساس متن، ترکه نقره‌ای

الف) متراکم و پرپشت است

ب) شکوفه‌های ساده دارد

ج) بلندتر از اقامی بیلی است

د) برای ساخت مبلمان کاربرد دارد

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف دوم آمده است که «ترکه نقره‌ای که شبیه اقامی بیلی است و دو برابر آن قد می‌کشد».

6. کلمه پر جلوه در پاراگراف دوم بهتر است جایگزین شود با

الف) عجیب

ب) پر جزئیات

ج) بزرگ

د) شکننده

گزینه ب صحیح است.

«و ترکه طلایی سیدنی متراکم که با داشتن برگ‌های پهن و صاف، شکوفه‌های براق زرد پر جلوه و شاخه‌های تیز تنیده به هم پرپشت به نظر می‌رسد.»

بنابراین نوعی هماهنگی بین پرپشت بودن و showy bright yellow blossoms باید باشد که به نظر می‌رسد گزینه ب بهترین پاسخ است.

7. رنگارنگی شکوفه‌های کدام یک از اقاقی‌های زیر نسبت به بقیه کمتر است؟

الف) اقاقی بیلی

ب) ترکه طلایی سیدنی

ج) ترکه نقره‌ای

د) اقاقی سیاه

گزینه د صحیح است.

طبق متن «اقاقی بیلی با برگ‌های سرخس مانند نقره‌ای و گل‌های کوچک معطر که به شکل خوشه‌هایی گرد هستند؛ ترکه نقره‌ای که شبیه اقاقی بیلی است و دو برابر آن قد می‌کشد؛ و ترکه طلایی سیدنی متراکم که با داشتن برگ‌های پهن و صاف، شکوفه‌های براق زرد پر جلوه و شاخه‌های تیز تنیده به هم پر پشت به نظر می‌رسد. نوع دیگر آن که اقاقی سیاه است و بلک وود هم نامیده می‌شود، دارای شاخ و برگ سبز تیره و شکوفه‌های ساده هستند.»

8. احتمال ساخت کدام یک از موارد زیر از درخت اقاقی سیاه بیشتر است؟

الف) آرایش گل

ب) میز

ج) پای

د) کاغذ

گزینه ب صحیح است.

طبق پاراگراف دوم متن «اقاقی سیاه به دلیل چوب تیره‌اش که در ساخت مبلمان و آلات بسیار باارزش موسیقی استفاده می‌شود ارزشمند محسوب می‌شود.»

9. درختان اقاقی چه زمانی در استرالیا شکوفه می‌دهند؟

الف) فوریه

ب) تابستان

ج) اوت

د) بهار

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف آخر آمده است که «هرچند عملاً در استرالیا شکوفه‌های زرد رنگ پریده در اوت ظاهر می‌شوند.»

متن ۹

در سال 1626، پیترو مینویتی، فرماندار شهرک‌های هلندی در آمریکای شمالی، که با نام نیوآمستردام شناخته می‌شد، با مقامات کانارسی برای خریداری جزیره منهتن برای تجارت به ارزش شصت گیلدر یا حدود 24,12 دلار مذاکره کرد. او جزیره را برای شرکت هلندی وست ایندیا خریداری نمود.

یک سال بعد، قلعه آمستردام در جنوبی‌ترین رأس جزیره توسط شرکت ساخته شد. از آنجا که تلاش برای تشویق مهاجرت هلندی‌ها به سرعت ثمربخش نبود، پیشنهادهایی که با توجه به استانداردهای آن دوره سخاوتمندانه نیز محسوب می‌شدند در سراسر اروپا گسترش یافتند. در نتیجه شهرک به یکی از **ناهمگون‌ترین** مستعمرات آمریکای شمالی تبدیل شد. تا سال 1637، قلعه تا داخل روستای نیوآمستردام گسترش یافته بود، جوامع کوچک دیگر شامل نیوهارلم و بوری‌استایوسانت اطراف آن رشد کرده بودند و نیوآمستردام رونق گرفت و شاخصه‌های سعه نظر مذهبی و زبانی که در آن زمان غیرمعمول بود در آن ترقی کرد. تا سال 1643، گزارش شد که هجده زبان مختلف تنها در نیوآمستردام قابل شنیدن است. در میان مهاجران چندزبانه یک گروه بزرگ انگلیسی از استعمارگران انگلیسی اهل کنتیکت و ماساچوست بودند که حامی دعوی شاه انگلیسی نسبت به هلند نو بودند که با فرمانی آغاز شده بود و قلمرو را به برادرش جیمز، دوک یورک می‌بخشید. در سال 1644، هنگامی که انگلیسی‌ها ناوگان **توانمندی** از کشتی‌های جنگی را به بندی نیوآمستردام فرستاد، فرماندار هلندی، پیتر استایوسانت بدون مقاومت تسلیم شد.

هنگامی که انگلیسی‌ها جزیره را به‌دست آوردند، نام روستای نیوآمستردام به افتخار دوک به نیویورک تغییر یافت. با شروع انقلاب، شهر نیویورک قبل از آن هم یک مرکز تجاری شلوغ بود. پس از جنگ، آن را به عنوان پایتخت اول ایالات متحده انتخاب کردند. اگر چه دولت در نهایت منتقل شد، بار اول به فیلالدفیا و سپس به واشنگتن دی‌سی، نیویورک جایگاه خود را حفظ کرد. نیویورک تبدیل به پناهگاهی برای دزدان دریایی شد که با تجار برجسته دست به یکی می‌کردند و در عوض سهمی از غارتشان، از آن‌ها تجهیزات کشتی طلب می‌کردند. به عنوان یک مستعمره، نیویورک بسیاری محصولات کشاورزی را با کالاهای تولیدی انگلیسی مبادله می‌کرد. علاوه بر این، تجارت با وست‌ایندیز رونق گرفت. سه قرن پس از معامله اولیه‌اش با بومیان آمریکا، سرمایه‌گذاری کوچک مینویتی ارزشی بیش از هفت میلیارد دلار پیدا کرد.

1. کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن است؟

(الف) تاریخ شهر نیویورک

(ب) گزارشی از مستعمره‌های هلندی

(ج) زندگینامه پیتر مینویتی

(د) اولین پایتخت ایالات متحده

گزینه الف صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح ذیل است:

- در سال 1626، پیتر مینویتی، فرماندار شهرک‌های هلندی در آمریکای شمالی، که با نام نیوآمستردام شناخته می‌شد، با مقامات کانارسی برای خریداری جزیره منهتن برای تجارت به ارزش شصت گیلدر یا حدود 24,12 دلار مذاکره کرد.
 - یک سال بعد، قلعه آمستردام در جنوبی‌ترین رأس جزیره توسط شرکت ساخته شد.
 - هنگامی که انگلیسی‌ها جزیره را به‌دست آوردند، نام روستای نیوآمستردام به افتخار دوک به نیویورک تغییر یافت.
 - سه قرن پس از معامله اولیه‌اش با بومیان آمریکا، سرمایه‌گذاری کوچک مینویتی ارزشی بیش از هفت میلیارد دلار پیدا کرد.
- جملات فوق نشان دهنده یک روند تاریخی درباره شکل‌گیری نیویورک است.

2. بومیان آمریکا چه چیزی در عوض جزیره‌شان دریافت کردند؟

الف) شصت گیلدر هلندی

ب) 24,12 دلار آمریکا

ج) کالا و تجهیزات

د) زمین در نیوآمستردام

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف آخر گفته شده که «نیویورک تبدیل به پناهگاهی برای دزدان دریایی شد که با تاجار برجسته دست به یکی می‌کردند و در عوض سهمی از غارتشان، از آن‌ها تجهیزات کشتی طلب می‌کردند. به عنوان یک مستعمره، نیویورک بسیاری محصولات کشاورزی را با کالاهای تولیدی انگلیسی مبادله می‌کرد.»

3. نیوآمستردام کجا واقع شده بود؟

الف) در هلند

ب) در آمریکای شمالی

ج) در جزیره منهتن

د) در هند

گزینه ب صحیح است.

در جمله اول متن به این مطلب اشاره شده است.

4. منظور نویسنده از جمله «از آنجا که تلاش برای تشویق مهاجرت هلندی‌ها بلافاصله ثمربخش نبود، پیشنهادات**که با توجه به استانداردهای آن دوره سخاوتمندانه نیز محسوب می‌شدند در سراسر اروپا گسترش یافتند»****چیست؟**

الف) پس از جوابدهی کند هلندی‌ها فرصت مهاجرت به دنیای جدید به سایر اروپایی‌ها داده شد.

ب) به دلیل مهاجرت موفق هلندی‌ها، فرصت برای مهاجرت اروپایی‌ها نیز فراهم شد.

ج) هلندی‌ها از فرصت‌های موجود به جای مهاجرت به دنیای جدید برای مهاجرت به اروپا استفاده کردند.

د) هلندی‌ها و سایر اروپایی‌ها باید تا زمان فراهم شدن فرصت‌ها برای مهاجرت به دنیای جدید صبر می‌کردند.

گزینه الف صحیح است.

رد گزینه ب و ج: گفته شده که تشویق برای مهاجرت هلندی‌ها ثمربخش نبوده است.

رد گزینه د: اشاره شده است که پیشنهادات سخاوتمندانه‌ای مطرح شده است. بنابراین صحبتی از صبر کردن نیست.

5. کلمه ناهمگون در پاراگراف دوم بهتر است جایگزین شود با

الف) آزادی‌خواه

ب) مشهور

ج) متنوع

د) پررونق

گزینه ج صحیح است.

در جملات قبل به تلاش برای تشویق مهاجرت اشاره شده است. بنابراین heterogeneous حاکی از موضوعی مرتبط با مهاجرت از نقاط مختلف است و می‌توان معنای «ناهمگون» را استنباط نمود.

6. چرا در نیوآمستردام به زبان‌های مختلف صحبت می‌شد؟

الف) مالک شرکت هلندی هند غربی انگلیس بود.

ب) شرکت هلندی هند غربی اجازه آزادی بیان را می‌داد.

ج) شرکت هلندی هند غربی مهاجران تازه اهل کشورهای مختلف اروپایی را استخدام می‌کرد.

د) هندی‌هایی که قبل از خرید شرکت هلندی هند غربی آنجا زندگی می‌کردند به زبان‌های مختلفی صحبت می‌کردند.

گزینه ج صحیح است.

بر اساس متن «او جزیره را برای شرکت هلندی هند غربی خریداری نمود.» و نیز «یک سال بعد، قلعه آمستردام در جنوبی‌ترین رأس جزیره توسط شرکت ساخته شد. از آنجا که تلاش برای تشویق مهاجرت هلندی‌ها بلافاصله ثمربخش نبود، پیشنهادات که با توجه به استانداردهای آن دوره سخاوتمندانه نیز محسوب می‌شدند در سراسر اروپا گسترش یافتند.» با توجه به گزینه‌های موجود، گزینه ج می‌تواند از جمله این پیشنهادات سخاوتمندانه باشد.

7. معنای کلمه توانمند در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به

الف) قدرتمند

ب) مدرن

ج) گران

د) غیرمنتظره

گزینه الف صحیح است.

در متن آمده است که «هنگامی که انگلیسی‌ها ناوگان توانمندی از کشتی‌های جنگی را به بندی نیوآمستردام فرستاد، فرماندار هلندی، پیتر استایوسانت بدون مقاومت تسلیم شد.» با توجه به جمله دوم که حاکی از تسلیم شدن بدون مقاومت است، بنابراین ناوگان باید یک ویژگی داشته باشد که به این امر منجر شده باشد. بنابراین formidable می‌تواند به معنای «توانمند» و «قدرتمند» باشد.

8. کلمه آن در پاراگراف چهارم اشاره دارد به

(الف) انقلاب

(ب) شهر نیویورک

(ج) جزیره

(د) پایتخت اول

گزینه ب صحیح است.

«شهر نیویورک قبل از آن هم یک مرکز تجاری شلوغ بود. پس از جنگ، آن را به عنوان پایتخت اول ایالات متحده انتخاب کردند.»

با توجه به مفهوم متن، مقصود از it یک شهر باید باشد که New York City پیش از آن آمده است و به لحاظ مفهوم متن و نیز تطابق تعداد با هم هماهنگ هستند.

9. کدام شهر اولین پایتخت ایالات متحده جدید بود؟

(الف) نیوآمستردام

(ب) نیویورک

(ج) فیلادلفیا

(د) واشنگتن

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف آخر آمده است که «شهر نیویورک قبل از آن هم یک مرکز تجاری شلوغ بود. پس از جنگ، آن را به عنوان پایتخت اول ایالات متحده انتخاب کردند.» در این جمله آن به نیویورک باز می‌گردد.

10. در چه تاریخی منتهن به قیمت 7 میلیارد دلار ارزش گذاری شد؟

(الف) 1626

(ب) 1726

(ج) 1656

(د) 1926

گزینه د صحیح است.

طبق جمله اول متن «در سال 1626، پیتر مینوییت، فرماندار شهرک‌های هلندی در آمریکای شمالی، که با نام نیوآمستردام شناخته می‌شد، با مقامات کانارسی برای خریداری جزیره منتهن برای تجارت به ارزش شصت گیلدر یا حدود 24,12 دلار مذاکره کرد.»

طبق جمله آخر متن «سه قرن پس از معامله اولیه‌اش با بومیان آمریکا، سرمایه‌گذاری کوچک مینوییت ارزشی بیش از هفت میلیارد دلار پیدا کرد.»

سه قرن پس از 1626، یعنی حدود 300 سال بعد برابر با 1926 است.

متن ۱۰

شاید نداشتن تحصیلات کافی خود هوراس مان بود که به او انگیزه تلاش زیاد در زمینه رسیدن به اصلاحات مورد نظرش در آموزش و پرورش را داد. زمانی که او هنوز یک پسر بچه بود، پدر و برادر بزرگ ترش از دنیا رفتند و او مسئول نگهداری از خانواده اش شد. مانند بیشتر کودکان شهرش، فقط دو یا سه ماه در سال به مدرسه می رفت. بعدتر، با کمک چندین معلم توانست حقوق بخواند و عضو هیأت وکلای ماساچوست شد اما هیچ گاه **کوشش های** اولیه اش را فراموش نکرد.

وی در حالی که در قوه مقننه ماساچوست خدمت می کرد، لایحه تاریخی آموزش و پرورش را امضا کرد که هیأت دولتی آموزش و پرورش را راه اندازی می کرد. بدون پشیمانی، از فعالیت حقوقی و شغل سیاسی اش دست کشید تا اولین دبیر هیأت شود. او در آنجا نفوذ زیادی در طی دوره بحرانی بازسازی، که مدرسه ابتدایی پایه ای به عنوان جایگزینی برای نظام مدرسه ناحیه ای قدیمی مطرح شد، اعمال کرد. تحت رهبری او، برنامه درسی بازسازی شد، سال تحصیلی حداقل به مدت شش ماه افزایش یافت، و تحصیل اجباری تا سن شانزده سالگی تمدید شد. دیگر اصلاحات مهم که تحت هدایت مان به وجود آمدند عبارتند از: تأسیس مدارس دولتی عادی برای تربیت معلمان، مؤسساتی برای تحصیلات معلمان ضمن خدمت، و سالن های سخنرانی عمومی برای آموزش بزرگسالان. او همچنین در افزایش حقوق معلمان و ایجاد کتابخانه های مدارس مؤثر بود.

ایده های مان در مورد اصلاح مدارس توسعه یافت و در دوازده گزارش سالانه به ایالات ماساچوست که در دوران تصدی خود با عنوان دبیر آموزش و پرورش نوشت توزیع شد. اصلاحات ماساچوست که در آن زمان افراطی محسوب می شد بعدها به عنوان مدلی برای نظام آموزشی کشور مطرح شد. مان به عنوان پدر آموزش و پرورش عمومی به رسمیت شناخته شد.

هوراس مان در طول زندگی خود به طرز خستگی ناپذیری در جهت گسترش فرصت های آموزشی برای خانواده های کشاورزان و فرزندان کارگران فقیر تلاش کرد. در یکی از آخرین سخنرانی هایش فلسفه خود از آموزش و زندگی را خلاصه کرد: «از مردن خجالت بکشید تا زمانی که افتخاری برای بشریت نیافریده اید.» مطمئناً، زندگی خود او نمونه ای از همان فلسفه بود.

1. کدام یک از عنوان های زیر موضوع اصلی متن را بهتر بیان می کند؟

(الف) پدر آموزش عمومی آمریکایی

(ب) فلسفه آموزش

(ج) هیأت دولت آموزش و پرورش ماساچوست

(د) سیاست های مؤسسات آموزشی

گزینه الف صحیح است.

جملات اول پاراگراف ها و جمله آخر متن به شرح ذیل است:

- شاید نداشتن تحصیلات کافی خود هوراس مان بود که به او انگیزه تلاش زیاد در زمینه رسیدن به اصلاحات مورد نظرش در آموزش و پرورش را داد.

- وی در حالی که در قوه مقننه ماساچوست خدمت می کرد، لایحه تاریخی آموزش و پرورش را امضا کرد که هیأت دولتی آموزش و پرورش را راه اندازی می کرد.

- ایده های مان در مورد اصلاح مدارس توسعه یافت و در دوازده گزارش سالانه به ایالات ماساچوست که در دوران تصدی خود با عنوان دبیر آموزش و پرورش نوشت توزیع شد.

- هوراس مان در طول زندگی خود به طرز خستگی‌ناپذیری در جهت گسترش فرصت‌های آموزشی برای خانواده‌های کشاورزان و فرزندان کارگران فقیر تلاش کرد.
- مطمئناً، زندگی خود او نمونه‌ای از همان فلسفه بود.
- تمام جملات در مورد هوراس مان است که در پاراگراف سوم اشاره شده که به عنوان پدر آموزش و پرورش عمومی آمریکا شناخته شده است.

2. چرا نویسنده به اوایل زندگی هوراس مان اشاره می‌کند؟

- الف) به عنوان مثالی برای اهمیت آموزش زود هنگام برای موفقیت
 - ب) برای کامل‌تر کردن زندگینامه
 - ج) چون به او انگیزه کارهای بعدی‌اش در زمینه آموزش و پرورش را داد.
 - د) برای ادای احترام به معلمانی که به موفقیت او کمک کردند.
- گزینه ج صحیح است.
- در ابتدای متن به این امر اشاره شده است: «شاید نداشتن تحصیلات کافی خود هوراس مان بود که به او انگیزه تلاش زیاد در زمینه رسیدن به اصلاحات مورد نظرش در آموزش و پرورش را داد».

3. کلمه کوشش‌ها در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با

- الف) تجربیات ارزشمند
 - ب) موقعیت‌های شاد
 - ج) افراد تأثیرگذار
 - د) دوران سخت
- گزینه د صحیح است.
- در جمله قبل ذکر شده که «عضو هیأت وکلای ماساچوست شد» که نشان از موفقیت او دارد. پیش از آن هم در مورد سختی‌های زندگی‌اش سخن گفته است. به نوعی بیان کرده که با وجود شرایط خوب بعدی، سختی‌های گذشته را فراموش نکرده است.

4. کلمه آنجا اشاره دارد به

- الف) قوه مقننه ماساچوست
 - ب) هیأت دولت آموزش و پرورش
 - ج) فعالیت حقوقی مان
 - د) شغل سیاسی او
- گزینه ب صحیح است.
- «هیأت» اولین اسم قبل از آن است که به لحاظ مفهوم و تعداد با هم در تطابق هستند.

5. احتمال موافقت نویسندگان با کدام یک از موارد زیر بیشتر است؟

- الف) تأثیر هوراس مان بر آموزش و پرورش آمریکا بسیار زیاد بود.
 ب) تأثیر کوچک اما مهمی بر آموزش و پرورش آمریکا توسط هوراس مان اعمال شد.
 ج) تعداد کمی از مدرسان متوجه تأثیر هوراس مان بر آموزش و پرورش آمریکا بودند.
 د) تأثیر هوراس مان بر آموزش و پرورش آمریکا پذیرفته یا ارج نهاده نشده بود.
- گزینه الف صحیح است.**

توضیحات مطرح شده در پاراگراف دوم و سوم متن، گزینه الف را تأیید می‌کند.

6. هوراس مان از تمام موارد زیر حمایت کرد به غیر از

- الف) هیأت دولتی آموزش و پرورش
 ب) نظام آموزشی ناحیه‌ای
 ج) کلاس‌هایی برای بزرگسالان
 د) مدارس ابتدایی پایه‌ای
- گزینه ب صحیح است.**
- رد گزینه الف و ج و د: همه موارد در پاراگراف دوم ذکر شده است.
 تأیید گزینه ب: در متن بیان شده «مدرسه ابتدایی پایه‌ای به عنوان جایگزینی برای نظام مدرسه ناحیه‌ای قدیمی مطرح شد.».

7. اصلاحاتی که هوراس مان به آن‌ها دست یافت

- الف) در آن زمان افراطی نبودند
 ب) فقط توسط ایالت ماساچوست به کار گرفته می‌شدند
 ج) بعدتر به عنوان مدلی برای کشور به تصویب رسیدند
 د) توسط هیأت وکلای ماساچوست اجرا شدند
- گزینه ج صحیح است.**
- در پاراگراف سوم بیان شده که «اصلاحات ماساچوست که در آن زمان افراطی محسوب می‌شد بعدها به عنوان مدلی برای نظام آموزشی کشور مطرح شد.».

8. احتمال موافقت هوراس مان با کدام یک از موارد زیر بیشتر است؟

- الف) به شیوه‌های جدید فکر کنید.
 ب) به دیگران کمک کنید.
 ج) تا جای ممکن درس بخوانید.
 د) سخت کار کنید.
- گزینه ب صحیح است.**
- مفهوم پاراگراف آخر، گزینه ب را تأیید می‌کند.

متن ۱۱

معماری ارگانیک که همان معماری طبیعی است، ممکن است در مفهوم و شکل متفاوت باشد، اما همیشه به اصول طبیعی وفادار است. معمار که خود را وقف ترویج معماری ارگانیک کرده است، به طور آشکار تمام قوانین تحمیل شده از سوی مراجع فردی و یا زیبایی‌شناسی صرف را رد می‌کند تا به طبیعت مکان، مصالح، هدف بنا، و افرادی که در نهایت از آن استفاده می‌کنند پایبند بماند. اگر این اصول طبیعی رعایت شوند، یک بانک شبیه به یک معبد یونانی نمی‌تواند ساخته شود. شکل، تابع عملکرد نیست، بلکه شکل و عملکرد دو جنبه لاینفک یک پدیده هستند. به بیان دیگر، یک ساختمان باید از اشکال طبیعی الهام بگیرد و با مصالحی ساخته شود که ویژگی‌های طبیعی یک مکان را حفظ کرده و به آن‌ها احترام می‌گذارد تا میان بنا و محیط طبیعی‌اش هماهنگی ایجاد کنند. باید میزان تماس و استفاده افراد از محیط بیرون را به حداکثر برساند. علاوه بر این، قانون کارکردگرایی باید رعایت شود؛ یعنی، اصل حذف کردن هر چیزی که هدف عملی ندارد.

بنابراین، اصول طبیعی، یک سری اصول طراحی، و نه سبک، هستند که توسط ابزار و شیوه‌های ساخت‌وسازی نشان داده می‌شوند که وحدت، تعادل، تناسب، ریتم، و مقیاس را منعکس می‌کنند. مثل یک مجسمه‌ساز، معمار ارگانیک به مکان و مصالح به عنوان یک شکل ذاتی که به صورت ارگانیک از درون توسعه می‌یابد، می‌نگرد. حقیقت در معماری به یک بنای طبیعی و خود به خودی می‌انجامد که در هماهنگی کامل با موقعیت است. در اکثر موارد، این بناها اشکال هندسی خود را در خطوط زمین و رنگ‌هایشان را در پالت طبیعی اطرافشان می‌یابند.

از بیرون، یک بنای ارگانیک بیش از آن که توسط طبیعت پنهان شود، بخشی از طبیعت به نظر می‌رسد. به بیان دیگر، برای چشم انسان جداسازی بنای مصنوعی از زمین طبیعی آسان و شاید حتی ممکن نیست. نور، هوا، و چشم‌انداز طبیعی کل بنا را در بر می‌گیرد و یک حس ارتباطی با محیط بیرون از منزل ایجاد می‌کند. از داخل، فضاهای زندگی به روی یکدیگر باز می‌شوند. تعداد دیوارهای اتاق‌های جداگانه به حداقل رسیده است و اجازه می‌دهد فضاهای کارکردی در جریان باشند. علاوه بر این، فضاهای داخلی پراکنده هستند. معماری ارگانیک سازه‌های داخل ساختمان مانند نیمکت‌ها و فضاهای انباری را با هم ترکیب می‌کند تا جای مبلمان را بگیرند.

1. بر اساس متن، نام دیگر معماری ارگانیک چیست؟

الف) معماری طبیعی

ب) معماری زیبایی‌شناسی

ج) معماری اصولی

د) معماری گوناگون

گزینه الف صحیح است.

جمله اول متن، گزینه الف را تأیید می‌کند.

2. کلمه در نهایت در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با

(الف) خوشبختانه

(ب) سرانجام

(ج) ظاهراً

(د) بدیهی است

گزینه ب صحیح است.

هنگامی فرد از ساختمان استفاده می کند که بنا به اتمام رسیده باشد. بنابراین در جمله «افرادی که در نهایت از آن استفاده می کنند»، مقصود از واژه ultimately، می تواند «نهایتاً، در پایان و سرانجام» باشد.

3. معنای کلمه رعایت شوند در پاراگراف اول نزدیک تر است به

(الف) بی اعتبار شود

(ب) مورد بحث قرار داده شود

(ج) ترویج داده شود

(د) درک شود

گزینه ج صحیح است.

«اگر این اصول طبیعی رعایت شوند، یک بانک شبیه به یک معبد یونانی نمی تواند ساخته شود.» در جمله قبل مجموعه ای از اصول شامل پایبندی به ویژگی های مکان، کاربران و ... بیان شده است. در انتهای این جمله در مورد متفاوت شدن بانک از معبد یونانی صحبت شده است. بنابراین با رعایت و ترویج این اصول می توان به این امر دست یافت.

4. تمام مثال های زیر نمونه ای از معماری طبیعی هستند به غیر از

(الف) بانکی که ساخته می شود تا شبیه یک معبد یونانی باشد

(ب) بانکی که ساخته شده تا موقعیت برای بنا مهم باشد

(ج) بانکی که ساخته می شود تا با رنگ های طبیعت اطرافش مطابقت داشته باشد

(د) بانکی که ساخته می شود تا کارکردی باشد تا زیبا

گزینه الف صحیح است.

پاراگراف اول متن، این گزینه را رد می کند.

5. چرا نویسنده معمار ارگانیک را با مجسمه ساز مقایسه می کند؟

(الف) تا بر زیبایی شناسی تأکید کند.

(ب) تا مثالی از اصول طبیعی ارائه کند.

(ج) تا به نکته ای در مورد توسعه هندسی اشاره کند.

(د) تا اهمیت سبک را نشان دهد.

گزینه ب صحیح است.

این جمله، گزینه ب را تصدیق می‌کند: «مثل یک مجسمه‌ساز، معمار ارگانیک به مکان و مصالح به عنوان یک شکل ذاتی که به صورت ارگانیک از درون توسعه می‌یابد، می‌نگرد.»

6. معنای کلمه پنهان شود در پاراگراف سوم نزدیک تر است به

الف) دیدنش سخت است

ب) تقاضایش بالاست

ج) زیاد جذاب نیست

د) متقابلاً سودمند است

گزینه الف صحیح است.

در این جمله بیان شده که «از بیرون، یک بنای ارگانیک بیش از آن که توسط طبیعت پنهان شود، بخشی از طبیعت به نظر می‌رسد.»

با توجه به مفهوم جمله بعد، می‌توان استنباط کرد که obscured به معنای پنهان شدن در طبیعت است.

7. احتمال موافقت نویسنده با کدام یک از موارد زیر بیشتر است؟

الف) شکل تابع عملکرد است.

ب) عملکرد تابع شکل است.

ج) عملکرد برای شکل مهم نیست.

د) شکل و عملکرد یکی هستند.

گزینه د صحیح است.

در متن اظهار شده که «شکل، تابع عملکرد نیست، بلکه شکل و عملکرد دو جنبه لاینفک یک پدیده هستند.»

8. کدام یک از موارد زیر نگرش معمار به طبیعت را بهتر توصیف می‌کند؟

الف) طبیعت باید تسخیر شود.

ب) طبیعت نباید در نظر گرفته شود.

ج) طبیعت باید محترم شمرده شود.

د) طبیعت باید توسعه یابد.

گزینه ج صحیح است.

با توجه به این جمله در پاراگراف اول «یک ساختمان باید از اشکال طبیعی الهام بگیرد و با مصالحی ساخته شود که ویژگی‌های طبیعی یک مکان را حفظ کرده و به آن‌ها احترام می‌گذارد»، گزینه ج صحیح است.

متن ۱۲

اگر چه هدف و تکنیک‌های کیمیاگری اغلب جادویی بودند، از بسیاری جهات کیمیاگری جد علم مدرن شیمی است. اصل بنیادی کیمیاگری از بهترین اصول عقاید فلسفی و فعالیت‌های علمی آن زمان گرفته شد و اکثریت افراد تحصیل کرده که بین سال‌های 1400 و 1600 می‌زیستند بر این باور بودند که کیمیاگری بسیار ارزشمند است.

اولین آثار معتبر در مورد کیمیاگری اروپایی متعلق به راهب انگلیسی راجر بیکن و فیلسوف آلمانی آلبرتوس ماگنوس مقدس هستند. آن‌ها در رساله‌های خود ادعا می‌کردند که طلا فلز کامل است و فلزهای پایین‌تر مانند سرب و جیوه با درجات مختلفی از نقص از طلا برداشته شده‌اند. آن‌ها در ادامه اظهار داشتند که این فلزات پایه را با مخلوط کردن با ماده‌ای کامل‌تر از طلا می‌توان به طلا تبدیل کرد. از این ماده فرار با نام «سنگ فیلسوف» یاد می‌شد. فرآیند مورد نظر استحاله نام گرفته بود.

تعداد زیادی از اولین کیمیاگران صنعتگرانی بودند که عادت به نگه داشتن اسرار تجاری داشتند و اغلب برای ثبت روند کار خود به اصطلاحات رمزی متوسل می‌شدند. اصطلاح خورشید برای طلا استفاده می‌شد، ماه برای نقره، و پنج سیاره شناخته شده برای فلزات پایه. سنت جایگزینی زبان نمادین برخی از فلاسفه عرفانی را که جست‌وجوی فلز کامل با کوشش بشر برای تکامل روح مقایسه می‌کردند، جذب کرد. فلاسفه اصطلاحات صنعتگران را در ادبیات عرفانی که خلق می‌کردند به کار بردند. بنابراین، تا قرن چهاردهم، کیمیاگری دو گروه مجزا از شاغلین ایجاد کرده بود - کیمیاگر عرفانی و کیمیاگر ادبی. در طول تاریخ کیمیاگری، هر دو گروه کیمیاگران به کار خود ادامه دادند، اما، البته، کیمیاگر ادبی بود که بیشتر فعالیت‌هایش را مکتوب می‌کرد؛ بنابراین، بیشتر اطلاعاتی که از علم کیمیاگری داریم به جای آن که از کیمیاگرانی که در آزمایشگاه‌ها سخت کار می‌کردند گرفته شده باشد از فلاسفه به‌دست آمده است.

با وجود قرن‌ها آزمایش، کیمیاگران آزمایشگاهی موفق نشدند از سایر مواد طلا تولید کنند. هر چند، دانش گسترده‌ای در زمینه مواد شیمیایی به دست آوردند، خواص شیمیایی را کشف کردند، و بسیاری از ابزار و تکنیک‌های مورد استفاده شیمی‌دان‌های امروزی را اختراع کردند. بسیاری از کیمیاگران آزمایشگاهی خود را خالصانه وقت کشف علمی ترکیبات و واکنش‌های جدید کردند و بنابراین، باید پدران بر حق شیمی مدرن محسوب شوند. آن‌ها همچنان خود را کیمیاگر می‌نامیدند در حالی که تبدیل به شیمی‌دان‌هایی واقعی شده بودند.

۱. کدام یک موضوع اصلی متن است؟

الف) کیمیاگران آزمایشگاهی و ادبی هر دو وجود داشتند.

ب) فلزات پایه می‌توانند از طریق مخلوط شدن با فلزی کامل‌تر از طلا به طلا تبدیل شوند.

ج) راجر بیکن و آلبرتوس ماگنوس مقدس در مورد کیمیاگری نوشتند.

د) کیمیاگری جد شیمی مدرن بود.

گزینه د صحیح است.

رد گزینه الف: تنها بخشی از پاراگراف سوم در این رابطه است.

رد گزینه ب: تنها در پاراگراف دوم بدان پرداخته شده، ضمن این که فقط یک ادعا است.

رد گزینه ج: تنها در پاراگراف دوم بدان پرداخته شده و موضوع اصلی متن نیست.

تأیید گزینه د:

جملات اول پاراگرافها و آخر متن به شرح ذیل است:

- اگر چه هدف و تکنیکهای کیمیایگری اغلب جادویی بودند، از بسیاری جهات کیمیایگری جد علم مدرن شیمی است.
 - اولین آثار معتبر در مورد کیمیایگری اروپایی متعلق به راهب انگلیسی راجر بیکن و فیلسوف آلمانی آلبرتوس ماگنوس مقدس هستند.
 - تعداد زیادی از اولین کیمیایگران صنعتگرانی بودند که عادت به نگه داشتن اسرار تجاری داشتند و اغلب برای ثبت روند کار خود به اصطلاحات رمزی متوسل می شدند.
 - با وجود قرن ها آزمایش، کیمیایگران آزمایشگاهی موفق نشدند از سایر مواد طلا تولید کنند.
 - آن ها همچنان خود را کیمیایگر می نامیدند در حالی که تبدیل به شیمی دان هایی واقعی شده بودند.
- بنابراین متن در مجموع در رابطه با کیمیایگری و شیمی است.

2. کلمه معتبر در پاراگراف دوم بهتر است جایگزین شود با

الف) ارزشمند

ب) اصل

ج) کامل

د) جامع

گزینه ب صحیح است.

چون در این جمله با دقت در مورد اسامی ایجادکننده های آثار اشاره شده است، بنابراین authentic مفهوم «معتبر و موثق» را می تواند داشته باشد.

3. بر اساس نظر کیمیایگران، تفاوت فلزات پایه و طلا چیست؟

الف) کمال

ب) محتوای شیمیایی

ج) دما

د) وزن

گزینه الف صحیح است.

در متن بیان شده که «طلا فلز کامل است و فلزهای پایین تر مانند سرب و جیوه با درجات مختلفی از نقص از طلا برداشته شده اند.»

4. بر اساس متن، «سنگ فیلسوف» چیست؟

الف) سرب که با طلا ترکیب شده بود.

ب) عنصری که هرگز یافت نشد.

ج) نام دیگری برای کیمیایگری

د) یک فلز پایه

گزینه ب صحیح است.

رد گزینه الف و ج و د: در متن گفته شده که «این فلزات پایه را با مخلوط کردن با ماده‌ای کامل‌تر از طلا می‌توان به طلا تبدیل کرد. از این ماده فرار با نام «سنگ فیلسوف» یاد می‌شد.».

تأیید گزینه ب: در متن بیان شده که «کیمیایان آزمایشگاهی موفق نشدند از سایر مواد طلا تولید کنند.»، بنابراین سنگ فیلسوف هم هرگز یافت نشده است.

5. کلمه رمزی در پاراگراف سوم بهتر است با کدام یک از موارد زیر جایگزین شود؟

الف) عالمانه

ب) مخفی

ج) خارجی

د) دقیق

گزینه ب صحیح است.

با توجه به مفهوم جمله قبل که در مورد «نگه داشتن اسرار تجاری» گفته شده، cryptic باید مفهومی از این نوه داشته باشد.

6. در پاراگراف سوم، نویسنده اشاره می‌کند که ما در مورد تاریخ کیمیایگری می‌دانیم چون

الف) کیمیایان آزمایشگاهی یادداشت‌ها را مخفی نگه می‌داشتند

ب) کیمیایان ادبی به صورت مکتوب آن را ثبت نمودند

ج) فلاسفه عرفانی نتوانستند رموز کیمیایگری را مخفی کنند

د) مورخان توانستند نوشته‌های مخفی کیمیایان را تفسیر کنند

گزینه ب صحیح است.

در متن آمده است که «کیمیایان ادبی بود که بیشتر فعالیت‌هایش را مکتوب می‌کرد.»، بنابراین گزینه ب صحیح است. اگر چه گزینه الف نیز به نظر صحیح می‌آید، اما مخفی بودن یادداشت‌های کیمیایان آزمایشگاهی، دلیلی برای ناآگاهی ما در جنبه‌های آزمایشگاهی است و نه دانستن در رابطه با تاریخ کیمیایگری.

7. چرا اولین کیمیایان از اصطلاحات خورشید و ماه استفاده می‌کردند؟

الف) تا کار خود را مخفی نگه دارند.

ب) تا کار خود را ادبی‌تر کنند.

ج) تا فلاسفه را جذب کنند.

د) تا رکوردی مکتوب خلق کنند.

گزینه ج صحیح است.

در متن گفته شده «سنت جایگزینی زبان نمادین برخی از فلاسفه عرفانی را که جستجوی فلز کامل با کوشش بشر برای تکامل روح مقایسه می‌کردند، جذب کرد.».

8. اولین کیمیاگران چه کسانی بودند؟

الف) شیمی‌دان‌ها

ب) نویسندگان

ج) صنعتگران

د) زبان‌شناسان

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف سوم آورده شده که «تعداد زیادی از اولین کیمیاگران صنعتگرانی بودند...»**9. احتمال موافقت نویسنده با کدام یک از موارد زیر بیشتر است؟**

الف) کیمیاگری باید یک شکست کامل در نظر گرفته شود.

ب) اکتشافات بسیار مهمی توسط کیمیاگران صورت گرفت.

ج) بسیاری افراد تحصیل کرده کیمیاگری را در دوره‌ای که انجام می‌شد رد کردند.

د) کیمیاگران ادبی مهم‌تر از کیمیاگران آزمایشگاهی بودند.

گزینه ب صحیح است.

پاراگراف آخر متن، صحت گزینه ب را تأیید می‌کند.

متن ۱۳

چشمه آب گرم حاصل آب زیرزمینی است که تحت شرایط ترکیبی دماهای بالا و فشار افزایش یافته زیر سطح زمین است. از آنجا که دما تا 1 درجه فارنهایت در هر شصت فوت زیر سطح زمین افزایش می‌یابد، و فشار با عمق افزایش می‌یابد، آبی که به شکاف‌ها و ترک‌ها تراوش می‌کند تا آن به صخره‌های خیلی داغ درون زمین برسد تا دمای حدود 290 درجه فارنهایت داغ می‌شود.

آب تحت فشار می‌تواند در دماهای بالاتر از نقطه جوش خود به صورت مایع باقی بماند ولی در چشمه آب گرم، وزن آب نزدیک تر به سطح به اندازه‌ای به آب عمقی تر فشار وارد می‌کند که آب زیر چشمه آب گرم به دماهای بالاتری نسبت به آب بالای چشمه آب گرم می‌رسد. همان‌طور که آب عمقی داغ‌تر و در نتیجه سبک‌تر می‌شود، ناگهان به سطح صعود می‌کند و به شکل بخار و آب داغ از سطح پرتاب می‌شود. به دنبال آن، انفجار تمام آب موجود در مخزن چشمه آب گرم را تحریک می‌کند و انفجارهای بیشتری را ایجاد می‌کند. بلافاصله پس از آن، آب دوباره به سمت مخزن زیرزمینی سرازیر می‌شود، گرمایش آغاز می‌شود و فرآیند تکرار می‌شود.

بنابراین به منظور عمل کردن، چشمه آب گرم باید دارای یک منبع گرمایی، یک مخزن که آب بتواند در آنجا ذخیره شود تا دما تا نقطه ناپایداری افزایش یابد، یک شکاف که از طریق آن آب داغ و بخار بتواند خارج شوند، و کانال‌هایی زیرزمینی برای تأمین مجدد آب پس از فوران باشد.

شرایط مطلوب برای چشمه‌های آب گرم در مناطقی وجود دارد که اخیراً از نظر زمین‌شناسی فعالیت آتشفشانی داشته‌اند، به خصوص در نواحی دارای بارندگی بیش از حد متوسط. در اکثر موارد، چشمه‌های آب گرم در سه منطقه از جهان واقع شده‌اند:

نیوزلند، ایسلند، و منطقه پارک ملی یلواستون ایالات متحده. معروفترین چشمه آب گرم جهان آلد فیثفول (وفادار قدیمی) در پارک یلواستون است. آلد فیثفول در هر ساعت یک بار فوران می‌کند و تا ارتفاع 125 تا 170 فوت صعود می‌کند و در هر فوران ده هزار گالن خارج می‌کند. آلد فیثفول نامش را به این دلیل به دست آورده است که برخلاف اکثر چشمه‌های آب گرم، آلد فیثفول در طول هشتاد سال مشاهده یک بار هم نشده که طبق برنامه فوران نکند.

1. کدام یک از موارد زیر موضوع اصلی متن است؟

(الف) چشمه آب گرم آلد فیثفول در پارک ملی یلواستون است.

(ب) طبیعت چشمه‌های آب گرم

(ج) نسبت دما به فشار در آب زیرزمینی

(د) نواحی که از نظر زمین‌شناسی فعالیت اخیر آتشفشانی داشتند.

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح زیر، صحت گزینه ب را تأیید می‌کند:

- چشمه آب گرم حاصل آب زیرزمینی است که تحت شرایط ترکیبی دماهای بالا و فشار افزایش یافته زیر سطح زمین است.
- آب تحت فشار می‌تواند در دماهای بالاتر از نقطه جوش خود به صورت مایع باقی بماند ولی در چشمه آب گرم، وزن آب نزدیک‌تر به سطح به اندازه‌ای به آب عمقی‌تر فشار وارد می‌کند که آب زیر چشمه آب گرم به دماهای بالاتری نسبت به آب بالای چشمه آب گرم می‌رسد.
- بنابراین به منظور عمل کردن، چشمه آب گرم باید دارای یک منبع گرمایی، یک مخزن که آب بتواند در آنجا ذخیره شود.
- شرایط مطلوب برای چشمه‌های آب گرم در مناطقی وجود دارد که اخیراً از نظر زمین‌شناسی فعالیت آتشفشانی داشته‌اند.
- آلد فیثفول نامش را به این دلیل به دست آورده است که برخلاف اکثر چشمه‌های آب گرم، آلد فیثفول در طول هشتاد سال مشاهده یک بار هم نشده که طبق برنامه فوران نکند.

2 برای این که چشمه آب گرم فوران کند

(الف) صخره‌های داغ باید تا سطح زمین صعود کنند

(ب) آب باید به سمت زیر زمین سرازیر شود

(ج) باید روز گرمی باشد

(د) زمین نباید ناهموار یا شکسته باشد

گزینه الف صحیح است.

در پاراگراف سوم، این موضوع توضیح داده شده است.

3. کلمه آن در پاراگراف اول اشاره دارد به

(الف) آب

(ب) عمق

(ج) فشار

(د) سطح

گزینه الف صحیح است.

مفهوم جمله قبل در ارتباط با این جمله، نشان می‌دهد که it به water بازمی‌گردد و به لحاظ تعداد نیز با هم تطابق دارند.

4. همان‌طور که عمق افزایش می‌یابد

(الف) فشار افزایش می‌یابد اما دما افزایش نمی‌یابد

(ب) دما افزایش می‌یابد اما فشار افزایش نمی‌یابد

(ج) فشار و دما هر دو افزایش می‌یابند

(د) فشار و دما هیچ کدام افزایش نمی‌یابند

گزینه ج صحیح است.

بر اساس این جمله از متن «از آنجا که دما تا 1 درجه فارنهایت در هر شصت فوت زیر سطح زمین افزایش می‌یابد، و فشار با عمق افزایش می‌یابد، ...»، گزینه ج صحیح است.

5. چرا نویسنده به نیوزلند و ایسلند در پاراگراف چهارم اشاره می‌کند؟

(الف) تا نواحی بسیار فعال آتشفشانی را با هم مقایسه کند.

(ب) تا پارک ملی یلواستون را توصیف کند.

(ج) تا مثال‌هایی از نواحی موقعیتی چشمه‌های آب گرم ارائه کند.

(د) تا دو ناحیه که چشمه‌های آب گرم یافت می‌شوند را ذکر کند.

گزینه ج صحیح است.

در متن گفته شده که «در اکثر موارد، چشمه‌های آب گرم در سه منطقه از جهان واقع شده‌اند: نیوزلند، ایسلند، و منطقه پارک ملی یلواستون ایالات متحده.».

6. آلدیفیثول هر چند وقت یک بار فوران می‌کند؟

(الف) هر 10 دقیقه یک بار

(ب) هر 60 دقیقه یک بار

(ج) هر 125 دقیقه یک بار

(د) هر 170 دقیقه یک بار

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف چهارم اشاره شده که «آلدیفیثول در هر ساعت یک بار فوران می‌کند.».

7. معنای کلمه خارج می‌کند در پاراگراف چهارم نزدیک‌تر است به

(الف) آتش می‌زند

(ب) تخلیه می‌کند

(ج) تأمین می‌کند

(د) هدر می‌دهد

گزینه ب صحیح است.

در این بخش از متن به فوران کردن و خروج مواد از آتشفشان اشاره شده است، بنابراین expelling مفهومی از این نوع دربردارد.

8. منظور نویسنده از جمله «آلد فیثفول نامش را به این دلیل به دست آورده است که بر خلاف اکثر چشمه‌های آب

گرم، آلد فیثفول در طول هشتاد سال مشاهده یک بار هم نشده که طبق برنامه فوران نکند» چیست؟

(الف) آلد فیثفول همیشه طبق برنامه فوران می‌کند.

(ب) آلد فیثفول معمولاً قابل پیش‌بینی است.

(ج) فوران آلد فیثفول مانند سایر چشمه‌های آب گرم قابل پیش‌بینی است.

(د) آلد فیثفول نام خود را به این دلیل دریافت کرده است که برای سال‌های زیادی مشاهده شده است.

گزینه الف صحیح است.

9. بر اساس متن، برای عملکرد چشمه آب گرم چه عواملی لازم است؟

(الف) یک منبع گرما، مکانی برای جمع شدن آب، یک شکاف، و کانال‌های زیرزمینی

(ب) یک آتشفشان فعال نزدیک و یک منبع ذخیره آب

(ج) کانال‌هایی درون زمین و بارش سنگین باران

(د) فعالیت آتشفشانی، کانال‌های زیرزمینی، و بخار

گزینه الف صحیح است.

پاراگراف سوم متن در این باره است:

«بنابراین به منظور عمل کردن، چشمه آب گرم باید دارای یک منبع گرمایی، یک مخزن که آب بتواند در آنجا ذخیره شود تا

دما تا نقطه ناپایداری افزایش یابد، یک شکاف که از طریق آن آب داغ و بخار بتوانند خارج شوند، و کانال‌هایی زیرزمینی برای

تأمین مجدد آب پس از فوران باشد.»

متن ۱۴

این سؤال اغلب مطرح شده است: چرا تلاش برادران رایت برخلاف سایرین موفقیت‌آمیز بود؟ توضیحات زیادی در این زمینه ارائه شده است اما اغلب به سه دلیل اشاره می‌شود. اول این که آن‌ها یک تیم بودند. هر دو با همکاری و هماهنگی کار می‌کردند، کتاب‌های یکسانی می‌خواندند، اطلاعات را تعیین می‌کردند و به اشتراک می‌گذاشتند، دائماً در مورد امکان پرواز سرنشین‌دار صحبت می‌کردند، و برای یکدیگر به منزله منبع الهام و تشویق بودند. کاملاً به سادگی، دو نابغه بهتر از یکی است. هر دو خلبان گلایدر بودند. برخلاف سایر مهندسانی که نظریه‌های پرواز را می‌آزمودند، اوویل و ویلبر رایت جوانب عملی ایرودینامیک را با ساخت و پرواز دادن کایت‌ها و گلایدرها می‌آزمودند. هر سازه جدیدی که می‌ساختند نسبت به قبلی بهتر بود چرا که دانش به دست آمده از شکست‌های قبلی را به کار می‌گرفتند. آن‌ها از آزمایشات خود متوجه شده بودند که چالش جدی در پرواز سرنشین‌دار پایداری و مانور هواپیما زمانی که در پرواز است می‌باشد. در حالی که سایرین تلاش خود را روی مسأله به‌دست آوردن ارتفاع برای برخاستن هواپیما متمرکز کرده بودند، برادران رایت بر ایجاد یک کنترل سه‌محوری برای هدایت هواپیمایشان تمرکز کرده بودند. در آن زمان که برادران شروع به ساخت هواپیما کردند از بهترین خلبانان گلایدر جهان بودند؛ آن‌ها مستقیماً با مشکلات حرکت در هوا سر و کار داشتند.

به علاوه، برادران رایت بال‌های مؤثرتری نسبت به نمونه‌هایی که قبلاً مهندسی شده بود طراحی کرده بودند. با استفاده از یک تونل بادی، آن‌ها بیش از دویست طراحی مختلف بال را آزمایش کردند و تأثیرات اختلافات جزئی در شکل را بر فشار هوا بر بال‌ها ثبت کردند. اطلاعات به دست آمده از این آزمایش‌ها به برادران رایت اجازه داد که یک بال برتر برای هواپیمایشان بسازند.

اگرچه با وجود این مزایا، اگر برادران رایت دقیقاً در زمان مناسبی از تاریخ متولد نشده بودند ممکن بود موفق نشوند. تلاش‌ها برای دستیابی به پرواز سرنشین‌دار در اوایل قرن نوزدهم شکست خوردند چرا که موتورهای بخار که نیروی هواپیما را تأمین می‌کردند به نسبت نیرویی که تولید می‌کردند بسیار سنگین بودند. اما در پایان قرن نوزدهم، زمانی که برادران در حال آزمایش گزینه‌های مهندسی بودند، یک موتور احتراقی داخلی نسبتاً سبک قبلاً اختراع شده بود و آن‌ها قادر بودند نسبت وزن به نیرو را در محدوده قابل قبول برای پرواز به دست بیاورند.

۱. کدام یک از موارد زیر موضوع اصلی متن است؟

(الف) دلایل موفقیت برادران رایت در دستیابی به پرواز سرنشین‌دار

(ب) مزیت موتور احتراقی داخلی در آزمایشات برادران رایت

(ج) تجربه برادران رایت به عنوان خلبان

(د) اهمیت گلایدرها در توسعه هواپیماها

گزینه الف صحیح است.

همه جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن، صحت گزینه الف را نشان می‌دهد:

- این سؤال اغلب مطرح شده است: چرا تلاش برادران رایت برخلاف سایرین موفقیت‌آمیز بود؟

- به علاوه، برادران رایت بال‌های مؤثرتری نسبت به نمونه‌هایی که قبلاً مهندسی شده بود طراحی کرده بودند.

- اگرچه با وجود این مزایا، اگر برادران رایت دقیقاً در زمان مناسبی از تاریخ متولد نشده بودند ممکن بود موفق نشوند.

2. معنای کلمه اشاره می‌شود در پاراگراف اول به کدام یک از موارد زیر نزدیک‌تر است؟

الف) نادیده گرفته می‌شود

ب) ذکر می‌شود

ج) در نظر گرفته می‌شود

د) ثابت می‌شود

گزینه ب صحیح است.

«توضیحات زیادی در این زمینه ارائه شده است اما اغلب به سه دلیل اشاره می‌شود.»

با توجه به مفهوم جمله اول می‌تواند حدس زد cited به معنای «گفتن، بیان کردن و ذکر کردن» است.

3. کلمه دائماً در پاراگراف اول بهتر است با کدام یک از موارد زیر جایگزین شود؟

الف) مطمئناً

ب) هوشمندانه

ج) به طور مداوم

د) خوشبینانه

گزینه ج صحیح است.

در این بخش به همکاری همیشگی آنها اشاره شده و بنابراین می‌توان حدس زد که incessantly نیز معنای «همیشگی، دائماً و به طور مداوم» دارد.

4. برادران رایت دارای چه تجربه‌ای بودند که آنها را از رقبایشان متمایز می‌کرد؟

الف) نابغه بودند.

ب) خلبان گلایدر بودند.

ج) مهندس بودند.

د) مخترع بودند.

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف دوم به توضیح این موضوع پرداخته شده است.

5. چرا نویسنده به اهمیت آزمایشات با تونل بادی اشاره می‌کند؟

الف) زیرا آنها به برادران رایت اجازه دادند که وزن هواپیمای خود را تا محدوده قابل قبولی پایین بیاورند.

ب) زیرا آنها منجر به کنترل سه محوری هواپیمایشان شدند.

ج) زیرا در اصلاح بال‌های هواپیمایشان مؤثر بودند.

د) زیرا آنها از اطلاعات برای بهبود موتور هواپیمایشان استفاده می‌کردند.

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف سوم در این باره توضیح داده شده است.

6. کلمه آن‌ها در پاراگراف سوم اشاره دارد به

الف) برادران رایت

ب) هواپیما

ج) موتورهای

د) تلاش‌ها

گزینه الف صحیح است.

با توجه به مفهوم جمله، قابل درک است که they به Wright brothers برمی‌گردد که به لحاظ تعداد نیز همخوانی دارند.

7. معنای کلمه شکست خوردند در پاراگراف چهارم نزدیک‌تر است به

الف) محکوم به شکست بود

ب) رسیدن به آن‌ها دشوار بود

ج) خطر کردن بود

د) به خوبی برنامه‌ریزی نشده بود

گزینه الف صحیح است.

«تلاش‌ها برای دستیابی به پرواز سرنشین‌دار در اوایل قرن نوزدهم شکست خوردند چرا که موتورهای بخار که نیروی هواپیما را تأمین می‌کردند به نسبت نیرویی که تولید می‌کردند بسیار سنگین بودند.»
در ادامه جمله به ایرادی پرداخته شده است، بنابراین تلاش‌ها موفقیت‌آمیز نبوده و شکست خورده بوده است و doomed نیز همین معنا را دارد.

8. در پاراگراف چهارم، نویسنده اشاره می‌کند که استفاده از موتورهای بخار در هواپیماهای قبلی با شکست مواجه**شده بود زیرا**

الف) برای آن که بتوانند نیروی یک هواپیمای بزرگ را تأمین کنند بسیار کوچک بودند.

ب) برای تولید نیروی کافی بسیار سبک بودند.

ج) نیروی احتراقی داخلی نداشتند.

د) نیروی کافی برای بلند کردن وزن خود را نداشتند.

گزینه د صحیح است.

در متن توضیح داده شده که «تلاش‌ها برای دستیابی به پرواز سرنشین‌دار در اوایل قرن نوزدهم شکست خوردند چرا که موتورهای بخار که نیروی هواپیما را تأمین می‌کردند به نسبت نیرویی که تولید می‌کردند بسیار سنگین بودند.»

متن ۱۵

سیستم فدرال رزرو یک آژانس مستقل دولت ایالات متحده است که مسئولیت **نظارت** بر نظام بانکی ملی را بر عهده دارد. از سال 1913، سیستم فدرال رزرو که اغلب فد (Fed) نامیده می‌شود به عنوان بانک مرکزی ایالات متحده عمل کرده است. این

سیستم متشکل از دوازده بانک رزرو منطقه‌ای و شعب آن‌ها به همراه چندین کمیته و شورا است. تمام بانک‌های ملی بنا بر قانون مستلزم به عضویت در فِد هستند و تمام نهادهای سپرده‌برداری مانند اتحادیه‌های اعتباری مشمول قوانین فِد در زمینه مقدار بودجه سپرده، که باید ذخیره نگه داشته شود و در نتیجه بنا بر تعریف، برای وام غیر قابل دسترس است، هستند. قدرتمندترین نهاد هیأت هفت‌نفره فرمانداران در واشنگتن هستند که توسط رئیس جمهور تعیین شدند و توسط مجلس سنا تأیید شدند.

کارکرد اصلی سیستم کنترل سیاست‌های پولی توسط تأثیر بر هزینه و در دسترس بودن پول و اعتبار از طریق خرید و فروش اوراق بهادار دولتی است. اگر فدرال رزرو پول خیلی کمی فراهم کند، نرخ سود افزایش می‌یابد، استقراض گران می‌شود، فعالیت تجاری کند می‌شود، بی‌کاری افزایش می‌یابد، و خطر رکود اقتصادی بیشتر می‌شود. اگر پول زیادی وجود داشته باشد، نرخ سود کاهش می‌یابد، و استقراض می‌تواند موجب تقاضای بیش از حد و افزایش قیمت‌ها شود و به تورم دامن بزند. فِد مسئولیت‌های بسیار زیادی علاوه بر کنترل عرضه پول دارد. در همکاری با وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، فِد سکه و ارز کاغذی را توسط صدور آن‌ها به بانک‌ها به گردش می‌اندازد. همچنین بر فعالیت‌های بانک‌های خارجی عضو نظارت می‌کنند و جنبه‌های خاصی از امور مالی بین‌المللی را تنظیم می‌کند.

گفته شده است که فدرال رزرو در واقع شعبه چهارم دولت ایالات متحده است چرا که از سیاست‌گذاران ملی تشکیل شده است. با این حال، در عمل، فدرال رزرو از محدوده سیاست‌های مالی ایجاد شده توسط شاخه اجرایی دولت خارج نمی‌شود. اگرچه درست است که فِد برای اختصاص بودجه به کنگره وابسته نیست و در نتیجه از سیاست‌های حزبی که بسیاری از دیگر نهادهای دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد مستقل است، با این وجود هنوز مسئول گزارش‌های مکرر به کنگره در مورد اداره سیاست‌های پولی است.

1. کدام یک از موارد زیر عنوان مناسب‌تری برای متن است؟

(الف) بانک‌داری

(ب) سیستم فدرال رزرو

(ج) هیأت فرمانداران

(د) سیاست‌های پولی

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن، گزینه ب را تأیید می‌کند:

- سیستم فدرال رزرو یک آژانس مستقل دولت ایالات متحده است که مسئولیت نظارت بر نظام بانکی ملی را بر عهده دارد.
- کارکرد اصلی سیستم کنترل سیاست‌های پولی توسط تأثیر بر هزینه و در دسترس بودن پول و اعتبار از طریق خرید و فروش اوراق بهادار دولتی است.
- فِد مسئولیت‌های بسیار زیادی علاوه بر کنترل عرضه پول دارد.
- گفته شده است که فدرال رزرو در واقع شعبه چهارم دولت ایالات متحده است چرا که از سیاست‌گذاران ملی تشکیل شده است.

2. معنای کلمه نظارت در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به

(الف) سرپرستی

(ب) نگهداری

(ج) تأمین مالی

(د) تحریک

گزینه الف صحیح است.

با توجه به مفهوم جمله، معنای «سرپرستی و نظارت» برای واژه overseeing قابل برداشت است.

3. کلمه تأیید شدند در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با

(الف) اصلاح شدند

(ب) در نظر گرفته شدند

(ج) بررسی شدند

(د) تصویب شدند

گزینه د صحیح است.

مفهوم جمله قبل که در رابطه با تعیین شدن است، نشان می‌دهد که در جمله بعد احتمالاً صحبت از تصدیق شدن و تأیید شدن باید باشد و confirmed نیز چنین معنایی در بردارد.

4. بر اساس متن، مسئولیت اصلی سیستم فدرال رزرو

(الف) قرض گرفتن پول است

(ب) تنظیم سیاست‌های پولی است

(ج) چاپ اوراق بهادار دولتی است

(د) تعیین هیأت فرمانداران است

گزینه ب صحیح است.

در متن گفته شده که «کارکرد اصلی سیستم کنترل سیاست‌های پولی توسط تأثیر بر هزینه و در دسترس بودن پول و اعتبار از طریق خرید و فروش اوراق بهادار دولتی است.».

5. مراد از معنی کلمه اوراق بهادار در پاراگراف دوم کدام است؟

(الف) بدهی‌ها

(ب) اوراق قرضه

(ج) حفاظت

(د) اعتماد به نفس

گزینه ب صحیح است.

چون در متن صحبت از خرید و فروش اوراق بهادار است، (purchase and sale of government securities) بنابراین تنها گزینه ب می‌تواند مفهوم این کلمه باشد.

6. وقتی فدرال رزرو پول کمی فراهم کند چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

الف) تقاضا برای وام افزایش می‌یابد.

ب) بی‌کاری کند می‌شود.

ج) نرخ سود بالا می‌رود.

د) تجارت گسترش می‌یابد.

گزینه ج صحیح است.

در متن بیان شده است که «اگر فدرال رزرو پول خیلی کمی فراهم کند، نرخ سود افزایش می‌یابد، استقراض گران می‌شود، فعالیت تجاری کند می‌شود، بی‌کاری افزایش می‌یابد، و خطر رکود اقتصادی بیشتر می‌شود.»

7. در پاراگراف دوم، نویسنده اشاره می‌کند که علت تورم

الف) نرخ بی‌کاری بالا است.

ب) وجود پول زیاد در اقتصاد است.

ج) قیمت بالای سوخت است.

د) عرضه محدود محصولات است.

گزینه ب صحیح است.

طبق این گفته «اگر پول زیادی وجود داشته باشد، نرخ سود کاهش می‌یابد، و استقراض می‌تواند موجب تقاضای بیش از حد و افزایش قیمت‌ها شود و به تورم دامن بزند.»، گزینه ب صحیح است.

8. منظور نویسنده از جمله «با این حال، در عمل، فدرال رزرو از محدوده سیاست‌های مالی ایجاد شده توسط

شاخه اجرایی دولت خارج نمی‌شود» چیست؟

الف) فد از شاخه اجرایی دولت قدرتمندتر است.

ب) سیاست‌های فد و شاخه اجرایی دولت یکسان نیستند.

ج) فد تمایل دارد سیاست‌های شاخه اجرایی دولت را دنبال کند.

د) فد به شاخه اجرایی دولت گزارش می‌دهد.

گزینه ج صحیح است.

9. تمام جملات زیر می‌توانند بخشی از خلاصه متن باشند به غیر از :

الف) فدرال رزرو یک آژانس مستقل دولت ایالات متحده است.

ب) فدرال رزرو جریان پول و اعتبار را توسط خرید و فروش اوراق بهادار دولت کنترل می‌کند.

ج) فدرال رزرو سکه‌های جدید و ارز را به بانک‌ها صادر می‌کند.

د) فدرال رزرو بودجه سالیانه خود را از کنگره دریافت می‌کند.

گزینه د صحیح است.

رد گزینه الف: خلاصه پاراگراف اول

رد گزینه ب: خلاصه پاراگراف دوم

رد گزینه ج: خلاصه پاراگراف سوم

تأیید گزینه د: در پاراگراف چهارم اشاره شده که «... فید برای اختصاص بودجه به کنگره وابسته نیست، ...».

متن ۱۶

دانشگاه هاروارد که امروزه به عنوان بخشی از رتبه‌بندی برتر دانشگاه‌های جهان به رسمیت شناخته شده است، آغازی بسیار نامساعد و محقر داشت.

قدیمی‌ترین دانشگاه آمریکا در سال 1636 تأسیس شد، درست شانزده سال پس از این که مهاجرین به پلیموت رسیدند. در میان مهاجران پیوریتن به مستعمره ماساچوست در طول این دوره بیش از 100 فارغ‌التحصیل معتبر از دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج انگلیس بودند و این فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مصمم بودند که فرصت‌های تحصیلی که **خودشان** داشتند را برای پسران خود فراهم کنند. به دلیل این حمایت در مستعمره برای یک مؤسسه آموزش عالی، دادگاه عمومی ماساچوست 400 **پوند** برای یک کالج در اکتبر 1636 اختصاص داد و اوایل سال بعد یک قسمت زمین برای مدرسه در نظر گرفت؛ این زمین در منطقه‌ای به نام نیوتاون قرار داشت که بعدها نامش، پس از **پسرعموی انگلیسی** خود به کمبریج تغییر یافت و مکان دانشگاه امروزی است.

هنگامی که یک وزیر جوان به نام جان هاروارد که از اهالی یکی از شهرهای همسایه به نام چارلزتون بود، در سال 1638 به علت بیماری سل درگذشت، نیمی از املاک خود به ارزش 1700 پوند را به کالج **نوپا** بخشید. با وجود این که تنها نیمی از ارث بخشیده‌شده پرداخت شد، دادگاه عمومی برای تقدیر از کاری که او انجام داده بود، نام وزیر را به کالج داد. مقدار ارث بخشیده شده به خصوص با توجه به استانداردهای امروزی ممکن است بزرگ نبوده باشد اما خیلی بیشتر از مقداری بود که دادگاه عمومی برای افتتاح کالج ضروری می‌دانست.

هنری دانستر به عنوان اولین رئیس هاروارد در سال 1640 تعیین شد و شایان ذکر است که علاوه بر خدمت به عنوان رئیس، هیأت علمی تمام نیز بود، به همراه یک کلاس ورودی سال اول با چهار دانشجو. اگر چه تعداد کارکنان **تا حدودی** گسترش یافت، اما در اولین قرن تأسیسش، کل کادر آموزشی متشکل از رئیس و سه یا چهار مربی بود.

1. موضوع اصلی متن این است که

الف) هاروارد یکی از معتبرترین دانشگاه‌های جهان است

ب) آن چه امروزه دانشگاهی عالی است شروعی محقر داشت

ج) جان هاروارد کلید توسعه یک دانشگاه عالی بود

د) دانشگاه هاروارد تحت توجهات دادگاه عمومی ماساچوست توسعه یافت

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و آخر متن، مجموعاً گزینه ب را تأیید می‌کنند.

- دانشگاه هاروارد که امروزه به عنوان بخشی از رتبه‌بندی برتر دانشگاه‌های جهان به رسمیت شناخته شده است، آغازی بسیار نامساعد و محقر داشت.
- قدیمی‌ترین دانشگاه آمریکا در سال 1636 تأسیس شد، درست شانزده سال پس از این که مهاجرین به پلیموت رسیدند.
- هنگامی که یک وزیر جوان به نام جان هاروارد که از اهالی یکی از شهرهای همسایه به نام چارلزتون بود، در سال 1638 به علت بیماری سل درگذشت، نیمی از املاک خود به ارزش 1700 پوند را به کالج نوپا بخشید.
- هنری دانستر به عنوان اولین رئیس هاروارد در سال 1640 تعیین شد.
- در اولین قرن تأسیسش، کل کادر آموزشی متشکل از رئیس و سه یا چهار مربی بود.

2. متن نشان می‌دهد که هاروارد

- الف) یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های جهان است
 - ب) قدیمی‌ترین دانشگاه جهان است
 - ج) یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های آمریکا است
 - د) قدیمی‌ترین دانشگاه آمریکا است
- گزینه د صحیح است.
- خط اول پاراگراف دوم این موضوع را بیان کرده است.

3. از متن می‌توان نتیجه گرفت پیوریتن‌هایی که به مستعمره ماساچوست سفر کردند

- الف) نسبتاً تحصیل کرده بودند
 - ب) نسبتاً ثروتمند بودند
 - ج) نسبتاً طرفدار دولت انگلیس بودند
 - د) نسبتاً غیردموکراتیک بودند
- گزینه الف صحیح است.
- در متن گفته شده که «در میان مهاجران پیوریتن به مستعمره ماساچوست در طول این دوره بیش از 100 فارغ‌التحصیل معتبر از دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج انگلیس بودند».

4. ضمیر خودشان در پاراگراف دوم اشاره دارد به

- الف) دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج
 - ب) فارغ‌التحصیلان دانشگاه
 - ج) پسران
 - د) فرصت‌های تحصیلی
- گزینه ب صحیح است.
- اسمی قبل از they که به لحاظ مفهوم و تعداد با آن سازگار باشد، graduates of England's prestigious Oxford and Cambridge universities است.

5. پوند در پاراگراف دوم احتمالاً

الف) نوعی کتاب است

ب) دانشجوی کالج است

ج) واحد پول است

د) پردیس دانشگاه است

گزینه ج صحیح است.

در متن اشاره شده که 400 پوند برای کالج اختصاص داده شده، بنابراین می‌توان حدس زد که پوند واحد پول است.

6. پسر عمومی انگلیسی در پاراگراف دوم اشاره دارد به

الف) شهر

ب) فامیل

ج) شخص

د) دادگاه

گزینه الف صحیح است.

«این زمین در منطقه‌ای به نام نیوتاون قرار داشت که بعدها نامش، پس از پسر عمومی انگلیسی خود به کمبریج تغییر یافت و ...»

اولین اسم قبل از NewTown, English Cousin است که به لحاظ مفهوم جمله نیز می‌تواند به آن اشاره داشته باشد که نام شهری است.

7. به کدام یک از موارد زیر در مورد جان هاروارد اشاره نشده است؟

الف) به چه علت مُرد

ب) اهل کجا بود

ج) کجا دفن شد

د) چقدر به هاروارد بخشید

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف سوم متن، همه موارد به جز مورد ج ذکر شده است.

8. کلمه نوپا در پاراگراف سوم بهتر است با کدام یک از موارد زیر جایگزین شود؟

الف) تازه متولد شده

ب) در حال پرواز

ج) بال‌دار

د) تأسیس شده

گزینه الف صحیح است.

از آنجا که هاروارد در سال 1638 فوت کرده و دانشگاه از سال 1636 کلید خورده بود، بنابراین احتمالاً صفتی با معنای «نوپا و در اول راه» به آن داده شده است. بنابراین fledgling هم معنا با newborn می تواند باشد.

9. متن به صورت ضمنی اشاره دارد به این که

الف) هنری دانستر رئیس ناکارآمدی بود

ب) شخص دیگری قبل از هنری دانستر به عنوان رئیس هاروارد خدمت می کرد

ج) هنری دانستر به عنوان رئیس بیشتر وقتش را صرف مدیریت دانشکده هاروارد می کرد

د) پست رئیس هاروارد در سال های اولیه صرفاً پستی مدیریتی نبود

گزینه د صحیح است.

رد گزینه الف و ب و ج: عکس همه موارد در پاراگراف آخر بیان شده است.

تأیید گزینه د: در پاراگراف آخر مطرح شده که «... علاوه بر خدمت به عنوان رئیس، هیأت علمی تمام نیز بود، ...».

10. کلمه تا حدودی در پاراگراف چهارم بهتر است جایگزین شود با

الف) عقب و جلو

ب) پس و پیش

ج) کنار هم

د) کمابیش

گزینه د صحیح است.

در متن بیان شده تعداد کارکنان گسترش یافت، اما در ادامه گفته شده که «در اولین قرن تأسیس، کل کادر آموزشی متشکل از رئیس و سه یا چهار مربی بود». بنابراین کاملاً گسترش نیافته بوده و تقریباً گسترش یافته بوده است.

متن ۱۷

کلمه لیزر به عنوان مخفف تقویت نور توسط گسیل القایی تابش ابداع شد. نور معمولی از خورشید یا لامپ هنگامی به صورت خودبه خودی ساطع می شود که اتم ها و مولکول ها خودبه خود و بدون هیچ گونه دخالت بیرونی از شر انرژی اضافی خلاص می شوند. گسیل القایی متفاوت است چون هنگامی رخ می دهد که به یک اتم یا مولکول انرژی بیش از حد که آن را به شکل نور ساطع می کند، القا می شود.

آلبرت انیشتین اولین کسی بود که به وجود گسیل القایی در مقاله ای که سال 1917 منتشر شد اشاره کرد. با این حال، تا چندین سال فیزیکدانان گمان می کردند که محتمل تر است که اتم ها و مولکول ها به صورت خودبه خودی نور ساطع کنند و در نتیجه گسیل القایی همواره ضعیف تر خواهد بود. تا بعد از جنگ جهانی دوم که فیزیکدانان در جهت غالب شدن گسیل القایی تلاش نمودند. آن ها به دنبال راه هایی بودند که یک اتم یا مولکول می توانست از طریق آن ها سایر اتم ها و مولکول ها را تحریک به گسیل نور کنند و آنها را تا نیروهای بالاتر تقویت کنند.

چارلز اچ تاونز اولین کسی بود که موفق شد، در آن زمان در دانشگاه کلمبیای نیویورک بود. هر چند، به جای کار با نور، با مایکروویوها، که طول موج بسیار بلندتری دارند، کار کرد، و وسیله‌ای ساخت که آن را «میزر» می‌نامید، مخفف تقویت مایکروویو توسط گسیل القایی تابش. اگر چه ایده اصلی در سال 1951 به ذهنش رسید، اولین میز تا چندین سال بعد کامل نشد. اندکی بعد، بسیاری از دیگر فیزیک‌دانان در حال ساخت میز بودند و سعی بر کشف چگونگی تولید گسیل القایی حتی در طول موج‌های کوتاه‌تر داشتند.

مفاهیم کلیدی حدود سال 1957 **پدیدار شد**. تاونز و آرتور شالو که آن زمان در آزمایشگاه‌های تلفنی بل بود، مقاله‌ای طولانی نوشتند که به **صورت اجمالی** در مورد شرایط مورد نیاز برای تقویت گسیل القایی موج‌های نور مرئی توضیح می‌داد. در حدود همان زمان، ایده‌هایی مشابه در ذهن گوردن گولد، که در آن زمان دانشجوی فارغ‌التحصیل 37 ساله کلمبیا بود، شکل گرفت که آن‌ها را در یک سری یادداشت مکتوب کرد. تاونز و شالو ایده‌های خود را در یک مجله علمی، مراسلات نقد و بررسی فیزیکی، چاپ کردند اما گولد یک فرم ثبت اختراع پر کرد. سه دهه بعد، افراد همچنان بر سر این که چه کسی سزاوار اعتبار مفهوم لیزر است بحث می‌کنند.

1. کلمه ابداع شد در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با

الف) ایجاد شد

ب) ذکر شد

ج) درک شد

د) کشف شد

گزینه الف صحیح است.

«کلمه لیزر به عنوان مخفف تقویت نور توسط گسیل القایی تابش ابداع شد.»
بنابراین چیز جدید که قبلاً نبوده ایجاد شده است و معنای coined به گزینه الف نزدیک‌تر است.

2. کلمه دخالت در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با

الف) نیاز

ب) وسیله

ج) اثر

د) منبع

گزینه ج صحیح است.

«نور معمولی از خورشید یا لامپ هنگامی به صورت خودبه‌خودی ساطع می‌شود که اتم‌ها و مولکول‌ها توسط خود از شر انرژی اضافی خلاص می‌شوند، بدون هیچ‌گونه دخالت بیرونی.»
عبارات مشخص شده، نشان‌دهنده عدم تأثیر عوامل دیگر است. بنابراین intervention حاکی از اثر می‌تواند باشد.

3. کدام یک از جملات زیر لیزر را بهتر توصیف می‌کند؟

(الف) ابزاری برای تحریک اتم‌ها و مولکول‌ها برای انتشار نور

(ب) اتمی در وضعیت بالای انرژی

(ج) تکنیکی برای نابودی اتم‌ها و مولکول‌ها

(د) وسیله‌ای برای اندازه‌گیری امواج نوری

گزینه الف صحیح است.

توضیحات پاراگراف اول به این موضوع اشاره دارد.

4. چرا کار ابتدایی تاونز با گسیل القایی با میکروویوها انجام شد؟

(الف) تقویت نور برای او مهم نبود.

(ب) کار کردن با طول موج‌های بلندتر ساده‌تر بود.

(ج) شریکش شالو قبلاً کار خود را روی لیزر آغاز کرده بود.

(د) لیزر قبلاً توسعه یافته بود.

گزینه ب صحیح است.

با توجه به تجربه آلبرت انیشتین و سایر فیزیکدانان که در پاراگراف دوم بدان اشاره شده است، وی متوجه شده بود که کار کردن با طول موج‌های کوتاه ساده نیست و تحریک به گسیل نور جهت تقویت نیروهای بالاتر (با طول موج‌های کوتاه) مشکل است.

5. چارلز تاونز در تحقیق خود در دانشگاه کلمبیا با تمام موارد زیر کار کرد به غیر از

(الف) گسیل القایی

(ب) میکروویوها

(ج) تقویت نور

(د) میزر

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف سوم به همه موارد بجز مورد ج اشاره شده است.

6. حدوداً در چه سالی میزر ساخته شد؟

(الف) 1917

(ب) 1951

(ج) 1953

(د) 1957

گزینه ج صحیح است.

در متن اشاره شده که «اگر چه ایده اصلی در سال 1951 به ذهنش رسید، اولین میز تا چندین سال بعد کامل نشد». و در جای دیگری گفته شده «مفاهیم کلیدی حدود سال 1957 پدیدار شد.» بنابراین در فاصله این دو سال، میز ساخته شده است.

7. معنای کلمه پدیدار شد در پاراگراف چهارم نزدیک تر است به

الف) افزایش یافت

ب) نتیجه گیری شد

ج) موفق شد

د) ظاهر شد

گزینه د صحیح است.

چون اتفاقی در 1957 افتاده که قبلاً سابقه نداشته است، ضمن این که emerged به key concepts برمی گردد. بنابراین معنای آن به گزینه د نزدیک تر است.

8. معنای عبارت به صورت اجمالی در پاراگراف چهارم نزدیک تر است به

الف) اختصاص دادن

ب) مطالعه کردن

ج) بررسی کردن

د) خلاصه کردن

گزینه د صحیح است.

outlining به conditions بازمی گردد و با توجه به مفهوم کلی متن، احتمالاً معنایی برابر با «خلاصه کردن» دارد.

9. چرا افراد هنوز در مورد این که چه کسی سزاوار اعتبار مفهوم لیزر است بحث می کنند؟

الف) دفترچه یادداشت های محققان گم شده بود.

ب) افراد زیادی همزمان در حال توسعه ایده اش بودند.

ج) هیچ کس تا همین اواخر مدعی اعتبار توسعه اش نشده بود.

د) کار هنوز ناقص است.

گزینه ب صحیح است.

بنا بر این توضیح در پاراگراف آخر «تاونز و شالو ایده های خود را در یک مجله علمی، مراسلات نقد و بررسی فیزیکی، چاپ کردند اما گولد یک فرم ثبت اختراع پر کرد.»، گزینه ب صحیح است.

متن ۱۸

کلاغ ها احتمالاً جزو آن دسته از جانداران بومی ایالات متحده هستند که اغلب دیده می شوند و به راحتی قابل شناسایی هستند. شمار زیاد داستان ها، افسانه ها، و اسطوره ها در مورد این پرندگان نشان می دهد که افراد برای مدت زیادی به آن ها

فوق‌العاده علاقمند بوده‌اند. از سوی دیگر، وقتی نوبت به اطلاعات حقیقی، به طور خاص رفتاری، می‌رسد، کلاغ‌ها در مقایسه با بسیاری از گونه‌های معمول **مشابه** و با توجه به تعداد نه چندان اندک گونه‌های غیر معمول - که مثال آشکار قابل ذکر آن کرکس کالیفرنایی در معرض خطر می‌باشد - کمتر شناخته شده‌اند. دلایلی عملی برای این موضوع وجود دارد.

کلاغ‌ها به فقر بدنام‌اند و موجوداتی آزاردهنده برای تحقیقات میدانی هستند. آن‌ها تیزبین‌اند و شاگردان سریعی هستند و در مورد نیت موجودات دیگر از جمله محققان زیرک‌اند و در اجتناب از آن‌ها ماهر هستند. از آنجا که تعدادشان زیاد است، فعال و تک‌رنگ هستند، تشخیص یک کلاغ از سایر کلاغ‌ها دشوار است. زنجیر، فرستنده رادیویی، و دیگر ابزار شناسایی را می‌توان به آن‌ها متصل کرد اما این کار مستلزم گرفتن کلاغ‌ها به صورت زنده است که جزء هوشیارترین پرندگان هستند و در دام انداختنشان تقریباً غیر ممکن است.

صرف نظر از مشکلات فنی، تحقیق در مورد کلاغ‌ها دلهره‌آور است چرا که راه و روش این پرندگان بسیار پیچیده و گوناگون است. به عنوان پرندگانی برجسته و چندکاره، اعضای این گونه، استادانه از محدوده وسیعی از زیستگاه‌ها و منابع بهره‌برداری می‌کنند و به سرعت می‌توانند خود را با تغییرات شرایط وفق دهند. این پرندگان تعلیم‌پذیر به طور قابل ملاحظه‌ای علاقمندی‌ها و **تمایلات**، راهبردها و کلاهبرداری‌های متفاوت و منحصر به فردی دارند. برای مثال، یک کلاغ خانگی آموخت که چگونه یک سگ را با کشیدن گیره در از لانه‌اش فراری دهد. هنگامی که سگ فرار کرد، پرنده داخل لانه رفت و غذایش را خورد.

1. موضوع اصلی متن چیست؟

(الف) تفاوت‌های کلاغ‌ها از دیگر پرندگان معمول

(ب) اسطوره‌ها و افسانه‌هایی در مورد کلاغ‌ها

(ج) ویژگی‌هایی که مطالعه کلاغ‌ها را دشوار می‌کند.

(د) روش‌های موجود برای بررسی رفتار کلاغ‌ها

گزینه ج صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها به شرح زیر، گزینه ج را تأیید می‌کند.

- کلاغ‌ها احتمالاً جزو آن دسته از جانداران بومی ایالات متحده هستند که اغلب دیده می‌شوند.

- کلاغ‌ها به فقر بدنام‌اند و موجوداتی آزاردهنده برای تحقیقات میدانی هستند.

- صرف نظر از مشکلات فنی، تحقیق در مورد کلاغ‌ها دلهره‌آور است چرا که راه و روش این پرندگان بسیار پیچیده و گوناگون است.

2 بر اساس پاراگراف اول، چه مدرکی وجود دارد که نشان می‌دهد کلاغ‌ها برای مدتی طولانی مورد علاقه انسان‌ها

بوده‌اند؟

(الف) شمار زیادی داستان در مورد کلاغ‌ها

(ب) تکرار دیده شدن کلاغ‌ها

(ج) میزان تحقیقاتی که روی کلاغ‌ها انجام شده است.

(د) سهولت شناسایی کلاغ‌ها

گزینه الف صحیح است.

در متن گفته شده که «شمار زیاد داستان‌ها، افسانه‌ها، و اسطوره‌ها در مورد این پرندگان نشان می‌دهد که افراد برای مدت زیادی به آن‌ها فوق‌العاده علاقمند بوده‌اند».

3. معنای کلمه مشابه در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به

الف) جالب

ب) به طور مشابه

ج) در غیر این صورت

د) گاهی اوقات

گزینه ب صحیح است.

چون مقایسه‌ای بین کلاغ‌ها و سایر گونه‌ها صورت گرفته و بنابراین گونه‌ها باید با هم همسان و مشابه باشند، بنابراین comparably باید حاکی از این معنا باشد.

4. در پاراگراف اول، نویسنده به کرکس کالیفرنایی در معرض خطر به عنوان مثالی از گونه‌ای اشاره می‌کند که

.....

الف) از کلاغ کوچک‌تر است

ب) به راحتی قابل شناسایی است

ج) در افسانه‌ها آمده است

د) کمیاب است

گزینه د صحیح است.

در متن گفته شده که «... با توجه به تعداد نه چندان اندک گونه‌های غیر معمول - که مثال آشکار قابل ذکر آن کرکس کالیفرنایی در معرض خطر می‌باشد - کمتر شناخته شده‌اند».

5. کلمه آن‌ها در پاراگراف دوم اشاره دارد به

الف) کلاغ‌ها

ب) موجودات

ج) نیاات

د) محققان

گزینه د صحیح است.

اولین اسم پیش از them, researchers است که به لحاظ مفهوم و تعداد همخوانی دارند.

6. بر اساس پاراگراف دوم، کلاغ‌ها به تمام دلایل زیر موجوداتی نامناسب برای تحقیق هستند، به غیر از:

الف) می‌توانند با موفقیت از ناظران اجتناب کنند.

ب) تشخیص‌شان از یکدیگر دشوار است.

ج) می‌توانند بسیار تهاجمی باشند.

د) گرفتن‌شان دشوار است.

گزینه ج صحیح است.

رد گزینه الف و ب و د: پاراگراف دوم متن این موضوع‌ها را تأیید می‌کند.

7. در پاراگراف دوم، نویسنده به صورت ضمنی اشاره می‌کند که استفاده از فرستنده‌های رادیویی به محقق‌ی که

در حال مطالعه کلاغ‌هاست اجازه می‌دهد که

الف) تک‌تک کلاغ‌ها را شناسایی کند

ب) دسته‌های کلاغ‌ها را در فواصل طولانی دنبال کند

ج) فعال‌ترین زمان کلاغ‌ها را ثبت کنند

د) به کلاغ‌های بیمار و آسیب‌دیده کمک کنند

گزینه الف صحیح است.

در متن گفته شده که «... تشخیص یک کلاغ از سایر کلاغ‌ها دشوار است. زنجیر، فرستنده رادیویی، و دیگر ابزار شناسایی را می‌توان به آن‌ها متصل کرد ...».

8. بر اساس پاراگراف سوم، کدام یک از موارد زیر در مورد کلاغ‌ها درست است؟

الف) به ندرت پیش می‌آید در محل سکونت کسی به مدت طولانی زندگی کنند.

ب) در طیف گسترده‌ای از محیط‌ها رشد و زندگی می‌کنند.

ج) غذاهای خاصی را ترجیح می‌دهند.

د) منابع یک منطقه را قبل از نقل مکان تمام می‌کنند.

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف سوم به این موضوع اشاره شده است: «... استادانه از محدوده وسیعی از زیستگاه‌ها و منابع بهره‌برداری می‌کنند و به سرعت می‌توانند خود را با تغییرات شرایط وفق دهند.»

9. در پاراگراف سوم، معنای کلمه تمایلات نزدیک‌تر است به

الف) ترفندها

ب) فرصت‌ها

ج) ترجیحات

د) تجربیات

گزینه ج صحیح است.

Inclinations و interests با هم آمده‌اند و بنابراین دارای معنای مشابهی هستند.

10. در دو خط آخر، نویسنده به یک کلاغ خانگی اشاره می‌کند تا کدام یک از موارد زیر را توضیح دهد؟

- الف) روش‌های هوشمندانه حل مسأله کلاغ‌ها
 - ب) تفاوت‌های میان کلاغ‌های خانگی و وحشی
 - ج) سهولت رام کردن کلاغ‌ها
 - د) علاقه‌ای که کلاغ‌ها به سایر موجودات نشان می‌دهند.
- گزینه الف صحیح است.

جمله قبل به راهبردها و کلاهبرداری‌های متفاوت و منحصر بفرد کلاغ‌ها اشاره شده است که در ادامه مثال کلاغ‌های خانگی ذکر شده است. بنابراین این مثال برای هوشمندی کلاغ‌ها ذکر شده است.

11. متن کدام یک از جملات زیر را تأیید می‌کند؟

- الف) کلاغ‌ها عمری نسبتاً طولانی دارند.
- ب) کلاغ‌ها تیزبین هستند.
- ج) کلاغ‌ها معمولاً تنها هستند.
- د) کلاغ‌ها بسیار باهوش هستند.

گزینه د صحیح است.

«... که جزء هوشیارترین پرندگان هستند و در دام انداختنشان تقریباً غیر ممکن است.»

«این پرندگان تعلیم‌پذیر به طور قابل ملاحظه‌ای علاقمندی‌ها و تمایلات، راهبردها و کلاهبرداری‌های متفاوت و منحصر بفردی دارند.»

جملات بالا که در متن آمده‌اند، گزینه د را تأیید می‌کنند.

متن ۱۹

در روزهای ابتدایی ایالات متحده، هزینه‌های پستی توسط گیرنده پرداخت می‌شد، و هزینه‌ها با توجه به فاصله حمل متفاوت بود. در سال 1825، کنگره ایالات متحده به مدیران پستی محلی اجازه داد تا نامه‌ها را در اختیار حاملان مراسلات پستی برای تحویل درب منزل قرار بدهند. اما این حاملان هیچگونه دستمزد دولتی دریافت نمی‌کردند و تمام مزدشان وابسته به وجه پرداختی توسط دریافت‌کنندگان هر نامه بود.

در سال 1847، وزارت اداره پست ایالات متحده ایده تمبر پستی را تصویب کرد که البته پرداخت خدمات پستی را ساده می‌کرد، اما موجب گله‌مندی کسانی شد که تمایلی به پیش‌پرداخت نداشتند. علاوه بر این، تمبر تنها تحویل به اداره پست را پوشش می‌داد و شامل حمل آن به آدرس شخصی نمی‌شد. برای مثال در فیلادلفیا با جمعیت 150000 نفر، افراد برای دریافت مراسلات پستی خود همچنان باید به اداره پست مراجعه می‌کردند. سردرگمی و ازدحام تک تک شهروندانی که در جست‌وجوی نامه‌های خود بودند به خودی خود کافی بود تا استفاده از پست دلسردکننده شود. جای تعجب نیست که در طول سال‌های

این تمهیدات **دست‌وپاگیر**، حمل خصوصی نامه و کسب‌وکار پیش‌تاز توسعه یافت. اگر چه فعالیت‌های آن‌ها تنها نیمه‌قانونی بود کارشان رونق گرفت، و در واقع تبلیغ کردند که بین بوستون و فیلادلفیا **آن‌ها** به اندازه یک نصف روز سریع‌تر از پست دولتی هستند. خدمات پست دولتی در رقابت با کسب‌وکار خصوصی شکست خورد و حتی قادر به اداره مؤثر کسب‌وکار خود نیز نبود.

سرانجام در سال 1863، کنگره مقرر کرد که حاملان پستی که مراسلات پستی را از ادارات پست به آدرس‌های شخصی تحویل می‌دادند باید دستمزد دولتی دریافت کنند و این که هیچ هزینه اضافی نباید برای این تحویل در نظر گرفته شود. اما این سرویس تحویل در ابتدا **منحصر** به شهرها بود، و تحویل رایگان درب منزل تبدیل به شاخصی برای شهرنشینی شد. تا اواخر سال 1887، یک شهر می‌بایست دارای 10000 نفر جمعیت بود تا برای تحویل رایگان درب منزل واجد شرایط باشد. در سال 1890، از میان 75 میلیون نفر در ایالات متحده، کمتر از 20 میلیون نفر مراسلات پستی را به صورت رایگان درب منزل خود تحویل می‌گرفتند. مابقی، حدود سه چهارم جمعیت، همچنان مراسلات خود را تنها در صورت مراجعه به اداره پستشان دریافت می‌کردند.

1. موضوع اصلی مورد بحث متن کدام است؟

(الف) استفاده روزافزون خدمات خصوصی پستی

(ب) توسعه سیستم پستی دولتی

(ج) مقایسه بین خدمات پستی شهری و روستایی

(د) تاریخ تمبرهای پستی

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح زیر است:

- در روزهای ابتدایی ایالات متحده، هزینه‌های پستی توسط گیرنده پرداخت می‌شد، و هزینه‌ها با توجه به فاصله حمل متفاوت بود. - در سال 1847، وزارت اداره پست ایالات متحده ایده تمبر پستی را تصویب کرد که البته پرداخت خدمات پستی را ساده می‌کرد، اما موجب گله‌مندی کسانی شد که تمایلی به پیش‌پرداخت نداشتند.

- سرانجام در سال 1863، کنگره مقرر کرد که حاملان پستی که مراسلات پستی را از ادارات پست به آدرس‌های شخصی تحویل می‌دادند باید دستمزد دولتی دریافت کنند و این که هیچ هزینه اضافی نباید برای این تحویل در نظر گرفته شود. - مابقی، حدود سه چهارم جمعیت، همچنان مراسلات خود را تنها در صورت مراجعه به اداره پستشان دریافت می‌کردند. جملات فوق توسعه سیستم پست در طول زمان را نشان می‌دهند.

2. کلمه متفاوت بود در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با

(الف) افزایش یافت

(ب) تفاوت داشت

(ج) بازگشته بود

(د) آغاز شده بود

گزینه ب صحیح است.

چون در جمله به نوعی وابستگی هزینه به فاصله بیان شده است، بنابراین varied به معنای «متفاوت بودن» خواهد بود.

3. کدام یک از موارد زیر اشکال تمبر پستی است؟

الف) باید از قبل توسط فرستنده خریداری می‌شد.

ب) هزینه تحویل مراسلات پستی را افزایش می‌داد.

ج) چسباندن آن به نامه‌ها دشوار بود.

د) جعل آن آسان بود.

گزینه الف صحیح است.

در متن آمده است که «... اما موجب گله‌مندی کسانی شد که تمایلی به پیش‌پرداخت نداشتند».

4. چرا نویسنده در پاراگراف دوم به شهر فیلادلفیا اشاره می‌کند؟

الف) مکان اولین اداره پست ایالات متحده بود.

ب) خدمات پستی آن برای جمعیتش کافی نبود.

ج) بزرگ‌ترین شهر ایالات متحده در سال 1847 بود.

د) توسط اولین تمبر پستی ایالات متحده به یادگار نگه داشته شده بود.

گزینه ب صحیح است.

در متن بیان شده که «برای مثال در فیلادلفیا با جمعیت 150000 نفر، افراد برای دریافت مراسلات پستی خود همچنان باید به اداره پست مراجعه می‌کردند. سردرگمی و ازدحام تک تک شهروندانی که در جست‌وجوی نامه‌های خود بودند به خودی خود کافی بود تا استفاده از پست دلسردکننده شود».

5. معنای کلمه دست‌وپاگیر در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به

الف) مزاحم

ب) زیبا

ج) نفرت‌انگیز

د) ستیزه‌جو

گزینه الف صحیح است.

در ادامه به توسعه خدمات خصوصی در مقابل دولتی اشاره شده است، بنابراین خدمات دولتی ضعیفی داشته است. پس cumbersome می‌تواند به معنای «مزاحم و دست‌وپاگیر» باشد.

6. کلمه آن‌ها در پاراگراف دوم اشاره دارد به

الف) بوستون و فیلادلفیا

ب) کسب‌وکارها

ج) تمهیدات

د) نامه‌ها

گزینه ب صحیح است.

مفهوم جمله در مورد سریع تر بودن است و سریع تر بودن به they مربوط است که می تواند به معنای «کارها» باشد.

7. خدمات خصوصی پستی قرن نوزدهم ادعا می کردند که کدام یک از موارد زیر را بهتر از دولت انجام می دهند؟

الف) تحویل حجم بالاتری از مراسلات پستی

ب) تحویل ارزان تر مراسلات پستی

ج) تحویل سریع تر مراسلات پستی

د) تحویل مراسلات پستی به مناطق روستایی

گزینه ج صحیح است.

با توجه به این جمله «... در واقع تبلیغ کردند که بین بوستون و فیلادلفیا آن ها به اندازه یک نصف روز سریع تر از پست دولتی هستند.»، گزینه ج صحیح است.

8. در سال 1863 ایالات متحده برای حاملان مراسلات پستی کدام یک از موارد زیر را مقرر کرد؟

الف) دستمزد

ب) مسکن

ج) وسیله حمل و نقل

د) تمبر پستی رایگان

گزینه الف صحیح است.

در متن بیان شده که «سرانجام در سال 1863، کنگره مقرر کرد که حاملان پستی که مراسلات پستی را از ادارات پست به آدرس های شخصی تحویل می دادند باید دستمزد دولتی دریافت کنند و این که هیچ هزینه اضافی نباید برای این تحویل در نظر گرفته شود.».

9. معنای کلمه منحصر در پاراگراف سوم نزدیک تر است به

الف) اعطا شده

ب) برنامه ریزی شده

ج) محدود

د) توصیه شده

گزینه ج صحیح است.

با توجه به جمله این امکان در شهرها برقرار شده، بنابراین confined به معنای «محدود و منحصر» باید باشد.

متن ۲۰

باستان شناسی برای مدتی طولانی ابزاری پذیرفته شده برای مطالعه فرهنگ های ماقبل تاریخ بوده است. تقریباً به تازگی تکنیک هایی مشابه برای مطالعات گذشته نزدیک تر به صورت نظام مند به کار گرفته شده است. این روش «باستان شناسی

تاریخی» نام گرفت، اصطلاحی که در ایالات متحده به هر گونه بررسی باستان‌شناسی در زمین‌های آمریکای شمالی که به قبل از رسیدن اروپایی‌ها برمی‌گردد اطلاق می‌شود.

در دهه‌های 1930 و 1940، زمانی که مرمت ساختمان معمول بود، باستان‌شناسی تاریخی در درجه اول ابزاری برای بازسازی معماری بود. نقش باستان‌شناس پیدا کردن پایه‌های بناهای تاریخی و واگذاری کار به معماران بود.

شیدایی برای بازسازی تا حد زیادی در دهه‌های 1950 و 1960 کاهش یافت. اکثر افرادی که در این دوره وارد باستان‌شناسی تاریخی می‌شدند از دانشکده‌های مردم‌شناسی دانشگاه می‌آمدند، جایی که فرهنگ‌های ماقبل تاریخ را مطالعه کرده بودند. آن‌ها به عنوان دانشمند علوم اجتماعی آموزش دیده بودند، نه مورخ، و کارشان نیز این تعصب را منعکس می‌کرد. به عنوان یک دانشمند سؤال‌هایی که **تدوین می‌کردند** و تکنیک‌هایی که به کار می‌بردند در مورد چگونگی رفتار افراد بود. اما به این دلیل که روی اساس تاریخی که اغلب شامل مستندات گسترده مکتوب بود پا می‌گذاشتند و چون دانش خودشان از این دوره‌ها محدود بود، **سه‌م آن‌ها** در تاریخ آمریکا محدود باقی ماند. گزارش‌های آن‌ها که بسیار تخصصی بود و گاهی اوقات به گونه‌ای نامناسب نوشته بود خواننده نشده باقی ماند.

اخیراً، باستان‌شناسان حرفه‌ای این مسئولیت را به عهده گرفته‌اند. این محققان قصد دارند نشان بدهند که کارشان نه تنها در زمینه علم بلکه در زمینه تاریخ نیز ابزاری ارزشمند است که بینش‌هایی تازه در مورد زندگی روزمره افراد عادی که هستی‌شان ممکن است در غیر این صورت به خوبی مکتوب نشود ارائه می‌دهد. این تأکید جدیدتر بر باستان‌شناسی به عنوان تاریخ اجتماعی بسیار نویدبخش است و کار در این زمینه حتماً به تفسیر دوباره گذشته ایالات متحده می‌انجامد.

به عنوان مثال در کینگستون نیویورک، مدرکی کشف شده است که نشان می‌دهد کالاهای انگلیسی زمانی که هلندی‌ها **ظاهراً** تجارت در آن ناحیه را کنترل می‌کردند به صورت قاچاق وارد شهر شده است. و در ساکرامنتو، حفاری در محل هتل شیکی در قرن نوزدهم نشان داد که زباله بر خلاف قوانین بهداشت در زیرزمین هتل مخفی شده بود.

1. متن عمدتاً در مورد کدام بحث می‌کند؟

الف) چرا باستان‌شناسی تاریخی در وهله اول توسعه یافت.

ب) چگونگی تغییر شیوه‌ها و اهداف باستان‌شناسی تاریخی.

ج) کمک‌های معماران به باستان‌شناسی تاریخی

د) نحوه برخورد باستان‌شناسان حرفه‌ای مقابل باستان‌شناسی تاریخی

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن در مجموع در رابطه با چگونگی تغییر باستان‌شناسی در طول تاریخ و اهداف آن است:

- باستان‌شناسی برای مدتی طولانی ابزاری پذیرفته شده برای مطالعه فرهنگ‌های ماقبل تاریخ بوده است.

- در دهه‌های 1930 و 1940، زمانی که مرمت ساختمان معمول بود، باستان‌شناسی تاریخی در درجه اول ابزاری برای بازسازی معماری بود.

- شیدایی برای بازسازی تا حد زیادی در دهه‌های 1950 و 1960 کاهش یافت.

- اخیراً، باستان‌شناسان حرفه‌ای این مسئولیت را به عهده گرفته‌اند.

- به عنوان مثال در کینگستون نیویورک، مدرکی کشف شده است که نشان می‌دهد کالاهای انگلیسی زمانی که هلندی‌ها ظاهراً تجارت در آن ناحیه را کنترل می‌کردند به صورت قاچاق وارد شهر شده است و در ساکرامنتو، حفاری در محل هتل شیکی در قرن نوزدهم نشان داد که زباله بر خلاف قوانین بهداشت در زیرزمین هتل مخفی شده بود.

2. بر اساس پاراگراف اول، تأکید جدید باستان‌شناسی بر کدام است؟

الف) بررسی گذشته اخیر

ب) مطالعه فرهنگ‌های ماقبل تاریخ

ج) حفاری مکان‌های باستانی در ایالات متحده امروزی

د) مقایسه یافته‌ها در آمریکای شمالی و اروپا

گزینه الف صحیح است.

اشاره شده که «به تازگی تکنیک‌هایی مشابه برای مطالعات گذشته نزدیک‌تر به صورت نظام‌مند به کار گرفته شده است».

3. بر اساس متن، چه زمانی باستان‌شناسان تاریخی به عنوان مردم‌شناس آموزش دیده بودند؟

الف) قبل از دهه 1930

ب) طی دهه‌های 1930 و 1940

ج) طی دهه‌های 1950 و 1960

د) پس از دهه 1960

گزینه ج صحیح است.

ابتدای پاراگراف سوم متن، این امر را بیان کرده است.

4. معنای کلمه تدوین می‌کردند در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به

الف) می‌فهمیدند

ب) می‌خواندند

ج) اجتناب می‌کردند

د) مطرح می‌کردند

گزینه د صحیح است.

فاعل فعل They, framed است که به scientists برمی‌گردد و مفعول آن questions است. بنابراین می‌توان حدس زد که مفهوم واژه به گزینه د نزدیک‌تر است.

5. در پاراگراف سوم، نویسنده به صورت ضمنی اشاره می‌کند که تکنیک‌های تاریخی و علوم اجتماعی

الف) کاملاً از یکدیگر متفاوت هستند

ب) به یک میزان در مطالعه فرهنگ‌های ماقبل تاریخ سودمند هستند

ج) معمولاً به دانشجویان باستان‌شناسی آموزش داده می‌شوند

د) هر دو بر اصول مشابه استوار هستند

گزینه الف صحیح است.

در این پاراگراف در مورد محدود بودن دانش دانشمندان علوم اجتماعی از دوره‌ها صحبت شده است که نشان از تفاوت تکنیک‌های تاریخی و علوم اجتماعی دارد.

6. عبارت سهم آن‌ها در پاراگراف سوم اشاره دارد به سهم

الف) دانشمندان علوم اجتماعی

ب) فرهنگ‌های ماقبل تاریخ

ج) مورخان

د) مستندات و دانش

گزینه الف صحیح است.

این پاراگراف در مجموع در مورد سهم دانشمندان علوم اجتماعی در باستان‌شناسی صحبت کرده است.

7. نویسنده به حفاری محل هتل در ساکرامنتو اشاره می‌کند تا مثالی عنوان کند از

الف) یک پروژه بازسازی بنا

ب) کار اولین باستان‌شناسان تاریخی

ج) یافته‌ای که در تضاد با مکتوبات ثبت شده است

د) نوعی از اطلاعات که مورخان به طور معمول بررسی می‌کنند

گزینه ج صحیح است.

مثال پاراگراف آخر در ادامه توضیحات مطرح شده در پاراگراف ماقبل آخر است: «این محققان قصد دارند نشان بدهند که کارشان نه تنها در زمینه علم بلکه در زمینه تاریخ نیز ابزاری ارزشمند است که بینش‌هایی تازه در مورد زندگی روزمره افراد عادی که هستی‌شان ممکن است در غیر این صورت به خوبی مکتوب نشود ارائه می‌دهد.»

8. معنای کلمه ظاهراً در پاراگراف چهارم نزدیک‌تر است به

الف) بی رحمانه

ب) محکم

ج) به سختی

د) ظاهراً

گزینه د صحیح است.

در این جمله اشاره شده که هلندی‌ها کنترل داشته‌اند ولی باز هم قاچاق کالاهای انگلیسی صورت گرفته است. بنابراین ظاهر امر، کنترل کردن بوده است و supposedly معادل با «ظاهراً» است.

منابع

- Admissions Consultants (2010). *GMAT Reading Comprehension*
- English Yogi (2010). *Reading Comprehension*
- Beare, Kenneth (2010). *How to Take a Reading Comprehension Multiple Choice Test*
- Murphy, Raymond (2012). *English Grammar in Use (1, 2 & 3)*
- Phillips, Beborah (2001). *Longman Complete Course for the Toefl Test*

- جزوه زبان تخصصی مهندسی عمران، مهندس بابک رستمی

- زبان انگلیسی عمومی، انتشارات پردازش

- زبان عمومی، انتشارات فرهنگ

- راهنمای کامل دستور زبان انگلیسی، انتشارات فرهنگ

ارشد از ۸۶ تا ۹۷

کتابخانه اسلامیه
۹۳/۱۱/۷


جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت عالی آموزش کشور

این کتابخانه اصلاح نمود مشکلات اصلاح می‌باشد.
(امام خمینی (ره))

آزمون ورودی دوره های کارشناسی ارشد ناپوسته داخل – سال ۱۳۹۴

مجموعه الهیات و معارف اسلامی (۱) – کد ۱۱۱۱

نوع آزمون: تستی - ۱۲۰ دقیقه

ردیف	مواد اختصاصی	تعداد سؤال از شماره	لا شماره
۱	زبان فارسی و تخصصی	۳۰	۳۰
۲	زبان عربی	۲۰	۳۶
۳	علوم قرآنی	۲۰	۵۱
۴	تفسیر	۲۰	۷۸
۵	حدیث	۲۰	۹۸

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

پهن ماه – سال ۱۳۹۴

حق چاپ و نشر مطالب در این کتابخانه برای انتشار عمومی و آموزشی است؛ اما حق چاپ و نشر مطالب را محفوظ می‌دارد.

وبسایت تخصصی ماستر تست

MasterTest.ir